



گیرم آب رفته دیگر بار باز آید به رود
 آب را بر پیکر بیجان ماهی ها چه سود
 «لادری»

اثر بالا از «شمسیه حسنی» نقاش و گرافیتیست افغان است. او بر در و دیوار کوچه پس کوچه های کابل خط و نقش می نگارد و هنر نقاشی سه بُعدی را به نمایش می گذارد.



پیام شایانی

وکیل تصادفات

• رانندگی • زمین خوردگی

• صدمات ناشی از کار

(408) 777-8867

(800) 261-1314

سحر سلاحي

Selahi Insurance Agency

• سلامتی • مسکن • اتومبیل • مشاور مالی

• برنامه ریزی بازنشستگی • بودجه کالج • عمر

و هزینه فوت • محل کسب و از کار افتادگی

Certified Covered California Agent

(408) 931-6434





دفتر میهن

Mihan Company

با مدیریت آقای کاشی

با همکاری کارشناسان حقوقی و وکلای دادگستری در ایران

- ♦ *Accepting Advocacy & Arbitration in Iran*
- ♦ *Inheritance & Probate of Will*
- ♦ *Real Estate counseling & property in Iran*
- ♦ *Marriage & Divorce*
- ♦ *Consulting about issuing or renewal passport & Birth certificate*
- ♦ *Consulting about retirement pension in Iran*
- ♦ *Drawing up power of Attorney & contract*

- ♦ انجام کلیه امور حقوقی و اداری در ایران از هر نقطه آمریکا
- ♦ انجام انحصار وراثت، تقسیم و دریافت ارث و امور مربوط به آن
- ♦ استرداد املاک توقیف شده و یا تصرف شده
- ♦ انجام کلیه امور مربوط به طلاق، مهریه در ایران
- ♦ مشاوره در امور دریافت شناسنامه، کارت ملی و پاسپورت
- ♦ برقراری حقوق بازنشستگی و حقوق معوقه
- ♦ تهیه و تنظیم کلیه وکالتنامه ها، متون حقوقی و وصیتنامه و قرارداد



سمیرا نصیری

وکیل پایه یک دادگستری
عضو کانون وکلای مرکزی

برای انجام کلیه امور حقوقی و اداری در ایران، از هر نقطه آمریکا، با ما تماس حاصل فرمایید!

www.mihancompany.com

info@mihancompany.com

دفتر شمال کالیفرنیا

روزهای شنبه با تعیین وقت قبلی

دفتر جنوب کالیفرنیا

(408) 444-7000 ♦ (877) 644-2607 ♦ (310) 967-7755

940 Saratoga Ave., Suite #107, San Jose, CA 95129

دفتر حقوقی مهاجرتی دکتر پژمان بهکار

Law Offices of Pejman Behkar

انجام کلیه امور مهاجرت

ما پرونده های مهاجرت شما را در مراحل پیچیده، با استفاده از قوانین، تخصص و مهارت لازم و با بهترین نتیجه به اتمام می رسانیم!

(408) 249-9898 ♦ (415) 663-2100



دکتر پژمان بهکار
وکیل امور مهاجرت
Doctorate in Law with
emphasis in International Law
Licensed in Ninth Circuit Court Of Appeals

- ♦ Green Card through Investment (EB5)
- ♦ Green Card through Family & Employment
- ♦ Tourist, Fiance & Student's Visa
- ♦ Investor Visa (E-2)
- ♦ Asylum & Refugees

- ♦ اخذ گرین کارت از طریق سرمایه گذاری (EB5)
- ♦ اخذ گرین کارت از طریق خانوادگی و کار
- ♦ دریافت انواع ویزاهای توریستی، نامزدی و دانشجویی
- ♦ دریافت ویزاهای کار و سرمایه گذاری (E-2)
- ♦ امور پناهندگی از داخل و خارج از آمریکا

940 Saratoga Ave., Suite #107, San Jose, CA

پیام شایانی

وکیل تصادفات و صدمات شدید بدنی

(800) 261-1314

- ♦ تصادفات رانندگی
- ♦ صدمات ناشی از کار
- ♦ زمین خوردگی
- ♦ صدمات منجر به مرگ
- ♦ آسیب از حیوانات

Payam Mark Shayani, ESQ

Accident Attorney

Auto, Motorcycle, Pedestrian, Slip & Fall, Work Injury

(916)442-9999

(408)777-8867

(925)777-0432

980 9th Street, 16th Floor
Sacramento, CA 95814

2880 Zanker Road, Suite 203
San Jose, CA 95134

425 Market Street, Suite 200
San Francisco, CA 94105

رد پای نهادهای امنیتی در باندهای فحشا

محمد اولیایی فرد

امنیت کشور تلقی می شود و با استناد به ماده ۲۸۶ «قانون مجازات اسلامی»، باید به اتهام «افساد فی الارض» با او برخورد و اعدام می شد. جرایم و حبس کوتاه مدت این روحانی موجب شده بود تا آوازه او در کل زندان اوین، به خصوص بند ویژه روحانیت

سال ها پیش در حبس، یک روز به سبب بیماری به بهداری زندان «اوین» برده شده بودم. آنجا یک روحانی را دیدم که از بند ویژه روحانیت آمده بود. مرد چاقی با حدود ۶۰ سال سن که کارش قاچاق دختران به دوی بود. «حاج آقا» دختران را اغفال می کرده و تحویل باند



بپیچد. او در بهداری زندان اوین هم انگشت نما شده بود. حاج آقا یک نمونه از انبوه کسانی است که نتیجه فعالیت شان در سال های اخیر، قربانی شدن دختران جوان ایرانی بوده است. ماه گذشته چند دختر ایرانی که در دبی مشغول به کارگری جنسی هستند، به یک خبرنگار خارجی گفته اند که ماموران نیروی انتظامی و سپاه پاسداران با قوادان و قاچاق چیان هم دست هستند و رشوه می گیرند: «حتی چند بار چند نفر از ما دستگیر شدیم و باید به سیجی ها سرویس مجانی می دادیم تا آزاد شویم. کجا و کی به داد ما می رسد؟» واقعیت این است که قاچاق زنان به منظور

قاچاق می داده است. پاسپورتها را از آنها می گرفته اند و به کارگری جنسی و ادارشان می کرده اند. کافی بود دختران یک یا دو بار تن به خواسته هایشان نمی دادند، تهدیدها شروع می شدند و آنها را می ترساندند که اگر برگردید ایران، اعدام می شوید. دستمزدهای کمی به آنها می دادند و قوادها بیشتر پول را برمی داشتند. مجازاتی که به این روحانی داده بودند، فقط یک حبس کوتاه مدت بود در حالی که از نظر حقوقی، اقدامات گسترده او در راه اندازی شبکه قاچاق دختران به کشورهای عربی، از جمله دبی و دایر کردن مراکز فساد و فحشا یا معاونت در تشکیل این مراکز، اخلاص در

صفحه ۱	تبلیغ	دایر کردن مراکز فساد و فحشا که همان «قیادت» و «قوادی» به شکل سازمان یافته است، یک معضل بزرگ اجتماعی و تهدیدی علیه نظم و امنیت جهان به شمار می آید.
صفحه ۲	اخبار-فهرست مطالب	قاچاقچیان تنها از بازار جهانی فحشا سالانه حدود هفت میلیارد دلار سود کسب می کنند و درآمد دلالتان قاچاق زنان از هر روسپی، ماهانه بالغ بر ۴۰ هزار دلار آمریکا برآورد شده است. بر اساس برخی گزارش ها، قاچاق زنان پس از قاچاق مواد مخدر، مقام دوم را در سوددهی به خود اختصاص می دهد. ایران هم همانند بسیاری از کشورهای دیگر، از گزند این خطر در امان نیست. نمونه روشن آن، دستگیری اعضای باند قاچاق دختران ایرانی به کشورهای عربی، بر ملا شدن راز تشکیل «خانه هدایت» در کرج و تهران در زمستان سال ۱۳۷۹ و نیز دستگیری باند بزرگ «خاله کرده» در قم در اواخر سال ۱۳۹۰ است که به قاچاق زنان و دختران در داخل و خارج از کشور مشغول بودند.
صفحه ۳	اخبار	خاله کرده مطلقه بود و ۵۰ سال سن داشت. او از یکی از شهرهای غربی کشور به قم نقل مکان کرده بود و با تشکیل باندی، به قاچاق زنان و دختران از قم و دیگر شهرها می پرداخت. دادگستری قم در رسیدگی به این پرونده، ۶۰ نفر از اعضای باند را دستگیر کرد.
صفحه ۴	یاد آوری هایی از فرهنگ ایران (علی اکبر جعفری)	به لحاظ حقوقی، جرم قوادی در ماده ۲۴۲ «قانون مجازات اسلامی» چنین تعریف شده است: «قوادی عبارت از به هم رساندن دو یا چند نفر برای زنا یا لواط است.» دنباله مطلب در صفحه ۵۰
صفحه ۵	تبلیغ	
صفحه ۶	نامه های شگفت انگیز (بهرام فره وشی)	
صفحه ۷	صادق هدایت و خیام (ایرج پارسی نژاد)	
صفحه ۸	یک سینه سخن (مسعود سپند)	
صفحه ۹	با (هادی خرسندی)-داستان	
صفحه ۱۰	ارزش زن در دین های آسمانی (احمد ایرانی)	
صفحه ۱۱	اخبار	
صفحه ۱۲	چگونگی پیدایش خط (هما گرامی فره وشی)	
صفحه ۱۳	آگهی	
صفحه ۱۴	ورزش از نگاه من (احمد طوسی)	
صفحه ۱۵	خاطرات در گذر زمان (هوشمند عقیلبی)	
صفحه ۱۶	برادرم «پرویز شفا»... (سعید شفا)	
صفحه ۱۷	نوشخند، پوزخند (عترت گودرزی)-داستان	
صفحه ۱۸	سیر و سفری در گلستان ادب پارسی (پرویز نظامی)	
صفحه ۱۹	مشقی تازه در روزهای غربت (حسینعلی مکوندی)	
صفحه ۲۰	یادداشت های بی تاریخ (صدرالدین الهی)	
صفحه ۲۱	کردیت ریبر (مانی حاتمی) کردیت ریبر (آرش زاد)	
صفحه ۲۲	از درگوشی ها (پیرایه)	
صفحه ۲۳	به نام هستی (حسین الماسیان)	
صفحه ۲۴	گیله مرد (حسن رجب نژاد)	
صفحه ۲۵	تازه های پزشکی (منوچهر سلجوقیان)	
صفحه ۲۶	تبلیغ	
صفحه ۲۷	تبلیغ	
صفحه ۲۸	انرژی مثبت... (پریناز کدخدایان)- اخبار	
صفحه ۲۹	هیچوقت دیر نیست (آتوسا یکان)	
صفحه ۳۰	آگهی	
صفحه ۳۱	آگهی	
صفحه ۳۲	ترنج و نارنج (بهرام گرامی)	
صفحه ۳۳	هستی شناسی مولوی (حسن مسیح پور)	
صفحه ۳۴	تقویم برنامه های هنری - جدول	
صفحه ۳۵	نیازمندها - فال ستارگان	
صفحه ۳۶	تبلیغ	
صفحه ۳۷	عشق، هوس، نفرت (عباس پناهی)	
صفحه ۳۸	هنگام تصادف... (سحر سلاجی)-تقاضای کارت... (دارپوش گیلاتی)	
صفحه ۳۹	اخبار	
صفحه ۴۰	شعر	
صفحه ۴۱	قالی بافی در مناطق مختلف ایران (محمد جواد نصیری)	
صفحه ۴۲	محمد علی طاهری برای... (نعیمه دوستدار)	
صفحه ۴۳	آشنایی با... (فاناه هوشداران)-اخبار	
صفحه ۴۴	از اینجا، از اینجا (گلنار)	
صفحه ۴۵	اخبار	
صفحه ۴۶	حاجی آقا (صادق هدایت)	
صفحه ۴۷	اخبار	
صفحه ۴۸	دنباله مطلب	
صفحه ۴۹	دنباله مطلب	
صفحه ۵۰	دنباله مطلب	
صفحه ۵۱	دنباله مطلب	
صفحه ۵۲	دنباله مطلب	
صفحه ۵۳	دنباله مطلب	
صفحه ۵۴	دنباله مطلب	
صفحه ۵۵	دنباله مطلب	
صفحه ۵۶	دنباله مطلب	
صفحه ۵۷	دنباله مطلب	
صفحه ۵۸	دنباله مطلب	
صفحه ۵۹	انگلیسی	
صفحه ۶۰	انگلیسی	

در خواست اشتراک نشریه پژواک

شرایط آبونمان برای دریافت نشریه پژواک از طریق پست در آمریکا: یکساله ۷۵ دلار برای اشتراک، نام، تلفن و آدرس کامل خود را به همراه چک به آدرس پستی پژواک ارسال فرمایید.

(408)221-8624 PO BOX 9804, SAN JOSE, CA 95157



ماهنامه پژواک تاسیس: ۱۹۹۰ - صاحب امتیاز، مدیر مسئول و سردبیر (از سال ۲۰۰۶): افلیا پرویزاد

♦ مسئولیت صحت و سقم آگهی ها با صاحبان آگهی می باشد. شرکت پژواک هیچگونه مسئولیتی را در این مورد نمی پذیرد. ♦ استفاده از طراحی های این نشریه بدون اجازه کتبی از شرکت پژواک (حتی برای صاحبان آگهی) غیر قانونی می باشد. ♦ ماهنامه پژواک در انتخاب، حکم و کوتاه کردن و اصلاح مطالب آزاد است. ♦ دیدگاه نویسندگان الزاماً بیانگر نظر مسئولین پژواک نمی باشد. مسئولیت نظریه ها به عهده نویسندگان است.

آدرس مکاتبه با نشریه پژواک:
PO BOX 9804,
SAN JOSE, CA 95157

www.pezhvak.com www.irany.com e-mail: info@pezhvak.com

Pezhvak of Persia has been compiled as carefully as possible and cannot guarantee the correctness of all information that has been gathered and contained herein and does not accept any responsibility for any errors and omissions.

میزبانی ایران از افغان‌ها، آن روی سکه

آیدا قجر

بر اساس آمار رسمی سال ۱۳۹۵، ۹۵۰ هزار نفر تبعه افغانستان در ایران زندگی می‌کنند و ۶۲۰ هزار نفر نیز با ویزای قانونی ساکن ایران هستند. میزبانی ایران از این جمعیت حداقل یک و نیم میلیون نفری در سال‌های گذشته بارها مورد ستایش نهادهای بین‌المللی، از جمله سازمان ملل متحد قرار گرفته است. با این حال، داستان اخیر مدرسه «جهاد» در شهر «شاهدیه» استان یزد نشان می‌دهد کماکان در متن زندگی پناهجویان مصائبی وجود دارد که گاه از کنترل مقام‌های دولتی هم خارج است. به گزارش رسانه‌های داخلی، برخی از اهالی این شهر با آغاز مهرماه مقابل مدرسه جهاد که به اتباع دیگر کشورها اختصاص داده شده است، تجمع کرده و مانع بازگشایی آن شدند.

در سال‌های اخیر، از چند هفته مانده به آغاز سال تحصیلی، زمان ثبت نام کودکان افغانستانی در مدارس اعلام و خبرهای متفاوتی در مورد امکان تحصیل این کودکان منتشر می‌شود. از سال ۹۴ با علنی شدن دستور علی خامنه‌ای، که گفته بود باید از این دانش‌آموزان در مدارس دولتی ثبت نام شود، امیدواری‌ها در این زمینه بیش‌تر شد ولی کماکان مشکلاتی در مسیر اجرایی شدن این دستور وجود دارد. «موسی برزین خلیفه‌لو»، حقوق‌دان توضیح داد که جمهوری اسلامی در خصوص مهاجرت افغانستانی‌ها به

کودکان مهاجر افغانستانی در ایران یادآور می‌شود که بنا به گفته نماینده مردم مشهد در مجلس شورای اسلامی، بین ۸۰۰ هزار تا یک میلیون کودک بدون شناسنامه و تابعیت در ایران وجود دارد. طبق قوانین ایران، اتباع دیگر کشورها برای ازدواج با زنان ایرانی نیاز به مجوز دولت دارند که البته مراحل سخت اخذ این مجوز، آنها را از اقدام برای گرفتن مجوز باز می‌دارد. برای همین، بسیاری از این کودکان حتی شناسنامه ایرانی هم ندارند و خانواده‌هایشان برای گرفتن شناسنامه افغانستانی هم اقدام نمی‌کنند. به گفته این حقوق‌دان، از آنجایی که بسیاری از افغانستانی‌ها به شکل قاچاقی وارد ایران می‌شوند، نه کارت اقامت دریافت می‌کنند و نه حق تحصیل دارند: «اگرچه طرحی در مجلس شورای اسلامی مطرح شده که به مهاجران قانونی بین سه تا شش ماه اجازه اقامت موقت بدهند تا مشکل تحصیل آنها برطرف شود. این طرح اما هم چنان در حال بررسی است. البته قوانین داخلی مدارس برای پذیرفتن این کودکان و نگاه عرفی به این موضوع هم از دیگر موانع تحصیل آنها است؛ مثل همان چیزی که در یزد اتفاق افتاده است.»

بنابر گزارش رسانه‌های داخلی، برخی



از شهرها و روستاها در ایران هم ورود و رفت و آمد مهاجران افغانستانی را ممنوع کرده‌اند. خلیفه‌لو با تأکید بر این‌که ممنوعیت ورود آنها به شهرها، پارک‌ها یا استخرها نقض حقوق انسانی این مهاجران است، می‌گوید: «البته سیاست کشورهای اروپایی و برخی کشورهای آسیایی مثل ترکیه هم به همین شکل است. دولت‌ها تعیین می‌کنند که مهاجران در چه شهرهایی زندگی کنند و اگر مهاجر چنین مسأله‌ای را نپذیرد، امکانات دولتی به او تعلق نخواهد گرفت؛ اگرچه این ممنوعیت‌ها مبنای حقوقی ندارند و تنها دستورالعمل‌هایی هستند که مقامات شهری و روستایی وضع می‌کنند. دولت می‌تواند به عنوان نهاد ناظر، از این حرکت نژادپرستانه جلوگیری کند اما چنین تمایلی ندارد.» **دنباله مطلب در صفحه ۵۲**

علیرضا عابدی

وکیل متخصص مهاجرت آمریکا
دفاتر و کالت مهاجرت علیرضا عابدی و همکاران

تجربه ما، آسایش فکری شما، اعتماد شما، موفقیت ۱۰۰ درصد در اخذ گرین کارت و امور کنسولی

چرا ویزا؟ وقتی ما می‌توانیم برای شما گرین کارت بگیریم!

- ♦ اخذ گرین کارت و دفاع از اشخاص اخراجی در دادگاه
- ♦ جلوگیری و اصلاح اشتباهات رایج متقاضیان در امور مهاجرت
- ♦ جلوگیری از اخراج کسانی که در معرض اخراج هستند

دکتر علیرضا عابدی، وکیل با تجربه مهاجرت در آمریکا با سال‌ها سابقه درخشان و احاطه بر قوانین مهاجرت و آگاهی از تغییرات مهم اخیر در مقررات اجرایی، در خدمت شماست. از تجربه و دانش ما استفاده کنید.

ایرانیان عزیز، در این مقطع خطیر و حساس

امر پیچیده مهاجرت، از مدعیان و کالت و شبه وکیل‌ها بپرهیزید!

425 Market street, Suite 2200, San Francisco, CA 94105

(415) 398-4504

Offices in Palo Alto, Mountain View & Irvine Las Vegas, Nevada

AS SEEN ON



Robert A. Abedi, J.D., Esq.

abedi@lawabedi.com

wwwEB3greencard.com

www.lawabedi.com ♦ www.iran2usa.com

در صورت عدم موفقیت در اخذ کارت سبز، هزینه و کالت شما را بر می‌گردانیم



1331 G Street NW, Suite 300
Washington, DC 20005-3142
202.507.7600 • www.aila.org

Robert AliReza Abedi Member ID#: 14730
Member Since: 06/06/2000 Member Type: Regular
Expiration Date: 11/14/2017



دیوار نگاری به آرامی اندکی پیش از هخامنشیان

آموخته هایی اندوخت. از استادی چامه گفتن و سرودن را آموخت. او در جستجوی پر تلاش خود، از سامان جهان به دانش و بینش "جهان سامان" پی برد و "جهان آفرین" را شناخت. او از خود شناسی و جهان شناسی به خدا شناسی رسید. آن شناخت و در یافت "دانش و بینش خدا" بود که زرتشت خدا را مزدا

داشت. گشتاسب شاهی بود رزم آزما و بزم آرا، جنگجو و تند خو، اما سخن دان و سخن سنج. دو سال در گفت و شنید گذشت. سر انجام گشتاسب با خانواده و در باریان فرزانه خود، به دین بهی گروید. آنان از جنگجویی به آشتی گستری و از بر بادی دشمنان به آبادی مردمان در آمدند و به پیروی از بنیادهای دین بهی، به جهان خود سامان نوینی دادند. دین گسترش یافت و کشور ایران زمین آباد گردید.

زرتشت یاران خود را پیام رسانی آموخت و آنان را برای پراکندن پیام آماده ساخت. آنان هم به پیروی از وی، پیام پاک وی را به گوشه گوشه سرزمین پهناور رساندند و مردم را، چه ایرانی و چه دیگر، راه راست نمودند تا آنان به رای خود دین بهی را بر گزینند و بر آن استوار بمانند. زرتشت پس از نشیب و فراز کار خدایی خود، در هفتاد و هفت سال و چهل روز زندگانی خود، روز پانزدهم اردیبهشت چهل و هفت سالگی بنیاد دین بهی (۴۷ سال دینی زرتشتی، ۱۶۹ سال پیش از سال ترسای) خرسند و کامیاب از این جهان چشم بر بست و به خدای خود پیوست ولی لبخند شادی بخش خود را برای جهانی آباد بر جا گذاشت. **دنباله مطلب در صفحه ۵۸**

به چم "ابر دانش" یا به زبانی ساده تر "ابر دانا" خواند و توانایی خدا را در دانایی او دید و دریافت. برای همین هم دین خود را بر پایه "دید، دانش و بینش خوب" استوار نهاد. از این پس، او با خدای خود، خدای یکتا، بی همتا، دانا، توانا، آفریدگار، پروردگار، دوست و دوست داشتنی، هم سخن گردید و آوای خدایی را چون، پیام پاک با گوش هوش می شنید.

زرتشت سی ساله بود که در یافت های خود را در باره خدای دانا، یکتا و یگانه و پیرامون زندگانی نیک در جهان چون پیام پاک و روشن آشکار ساخت و "دین بهی" را بنیاد نهاد. آن روز خجسته نوروز بود، نوروزی که آغاز سال دینی زرتشتی، ۱۷۲۷ سال پیش از سال ترسای و ۲۳۵۸ سال پیش از سال هجری خورشیدی، گردید.

پیام زرتشت هر اسی در میان پیشوایان و فرمانروایان انداخت. آنان کمر به دشمنی بستند و او و یاران ناتوانش را آزارها رساندند تا این که پس از ده سال رنج و آزار، زرتشت با یارانی چند از زادگاه خود روی به سیستان کرد. در آن سرزمین، شاه بزرگ کیانی گشتاسب در کنار هامون، همانجا که امروز شهر زابل است، پایتخت

یاد آوری هایی از فرهنگ ایرانی

دکتر علی اکبر جعفری



دین بهی زرتشتی

پرسی پیش میاید. مگر دین زرتشتی که دین همه فرمانروایان ایرانی، از هخامنشی گرفته تا ساسانی بوده دینداری و کشور داری، یا به گفته تازی "دیانت و سیاست" را یکی نمیداند؟ پاسخ: نه. برای روشن گردانیدن این "نه" بیاییم و نگاهی به زندگانی زرتشت بکنیم و ببینیم که آن آزاد مرد با پیام آزادی خود جهان را چه راهی نمود.

زرتشت اسپنتمان

در بهار جهان فزای ششم فروردین سی سال پیش از سال دینی زرتشتی (۲۶ مارچ ۱۷۶۷ سال پیش از سال ترسای) کودکی در خانه زن و مردی، دغدو و پور شسب نام، در کنار رودی در خراسان ایران زمین چشم به جهان گشود و لب با خنده وا کرد. نامش را زرتشت نهادند. نام خانوادگی اسپنتمان بود. زرتشت مانند هر کودک دیگر پرسنده

و جوینده بار آمد. اما با پشتکار بیشتری، از خدایان گوناگونی که می گفتند، می پرسید و از کارهای شگفت انگیزی که به آنها وا می بستند پاسخی روشن می جست. می خواست سراز رازهای نگفته و نهفته آیین های خونین و رنگین پیشوایان در آورد. می خواست چگونگی زور گویی و زور ورزی فرمانروایان را بداند. می خواست راه رهایی ستمدیدگان را در یابد. چون پاسخ های درستی نمی شنید و درستی می دید، با فشاری بیشتری می نمود، سر انجام پیشوایان کیش و فرمانروایان کشور از وی که دیگر جوان شده بودند، به تنگ آمدند و وی را از خود راندند.

زرتشت از آنان نومید گردیده، روی به خود نمود و همچنین به جهان زنده و سپهر گردنده نگریست. پیرامون هر چیز را دید و سنجید، با مردم نشست و گفت و شنید. از هر کس و هر چیز



کامران پورشمسی

متخصص و مشاور در امور

خرید و فروش املاک مسکونی و تجاری

Kamran Pourshams
Experienced Professional Realtor
Residential, Commercial,
Property Management



Proven Insights.
Proven Results.

DRE# 01066478

◆ چگونه تحت شرایط اقتصادی کنونی صاحب خانه شوید؟
◆ به چه طریقی در این موقعیت زمانی می توانید خانه تان را بفروشید؟

من میتوانم با آگاهی و شناخت درست از آخرین تغییر و تحولات در امور خرید و فروش خانه و املاک، شما را در موارد فوق مطلع و یاری نمایم!

Experienced Agent in Short Sale
& Bank Owned Properties

با در دست داشتن لیست کامل خانه های ضبط شده از طرف بانکها

Res: (408)879-9343

Bus: (408)369-2000

Dir: (408)369-2020

Cell: (408)781-1200

419 E. Hamilton Ave., Campbell, CA 95008



Iman Lalehparvar
MS Electrical Engineering
UCLA Graduate

Advantage in Learning LLC

تدریس خصوصی و گروهی
دروس ریاضی و فیزیک

تحت مدیریت ایمان لاله پرور - برای تمام سنین

فارغ التحصیل دانشگاه (UCLA) در رشته فوق لیسانس مهندسی الکترونیک
عضو هیئت علمی کالج «وست ولی»

◆ Professional Tutor, one on one & group all ages
(1st-12th grade & College) ◆ Specializing in SAT Math
Prep, Study skills & all subjects of Math & Physics

Faculty member at West Valley College, Dep. of Engineering

(408)605-9493 www.advantageinlearning.com

SELL YOUR HOME WITH US AND SAVE THOUSANDS IN COMMISSION!



You will only pay 3.5% to sell your home

*1% to listing broker
2.5% to buyers broker*

Call today to SAVE!

Bahar: 408-442-4547
Shawn: 408-313-5900



Commision Fee	6%	3.5%	You Save!
\$1,000,000 Home	\$60,000	\$35,000	\$25,000
\$1,500,000 Home	\$90,000	\$52,500	\$37,500
\$2,000,000 Home	\$120,000	\$70,000	\$50,000
\$3,000,000 Home	\$180,000	\$105,000	\$75,000
\$5,000,000 Home	\$300,000	\$175,000	\$125,000
\$8,000,000 Home	\$480,000	\$280,000	\$200,000

Commissions are negotiable and not set by law.

Bahar Hatami & Shawn Hatami



408-313-5900



www.Thehatamiteam.com



1601 S. De Anza Blvd Ste 260 Cupertino Ca 95014

License # 01994689 - 01169715



دریا داده است و آن را اغلب دریای باکو می نامند. اطراف آن دارای خاک سیکی است و زعفران در آن فراوان می روید ولی ثروت عمده آن معادن آنجاست. این معدن ها چاه هائی است که از آنها نفت استخراج می کنند و نفت این معدن ها چنان فراوان و پرسود است که با اطمینان کامل گفته می شود که حقوق شاه از این معدن ها در سال بالغ بر دوازده هزار تومان است که معادل است با ششصد هزار عباسی و هر عباسی معادل است با تقریباً بیست سول و هر تومان به ارزش پنجاه لیور است.

نفت که نوعی روغن است، با آب مخلوط است و پس از استخراج، آب را از آن جدا می کنند و در کانال ها به جریان می اندازند. دو نوع نفت سیاه و سفید وجود دارد. نفت سفید چون ارزشمندتر است و فروش بهتری دارد به کشورهای خارج حمل می شود و نفت سیاه در خود کشور مصرف می گردد و ذخیره نمی شود. از آن برای چراغ استفاده می شود و فتیله هایی به ضخامت انگشت شست در آن می گذارند.

سیروان درست مطابق است با ستایشی که استرابواز آلبانی می کند. هوای آنجا سالم و معتدل است و مجاور بودن آن با کوه های بلند پربرف و بادی که از دریا می وزد گرمای آن را ملایم می گرداند. علاوه بر این، همه این سرزمین در سطحی نامتساوی قرار دارد و در آن تپه های کوچک سربرافراشته و این موجب شده است که هوا را در جریان نگاه دارد و در نتیجه آن را تصفیه و تمیز و خنک گرداند. معمولاً زمستان ها بیش از اینکه سرد باشند، مرطوب اند و برفی که در آنجا می بارد مدت زیادی بر روی زمین باقی نمی ماند. دنباله مطلب در صفحه ۵۷

جای تنگی که در آن رود «آراگوس» جاری است فرود آمد. دو انتهای این معبر با دیوار خوبی در جهت سرزمین «آلبانی» مستحکم گشته است. راهی وجود دارد که در زمان های قدیم در صخره کنده شده است و نیز یک زمین باتلاقی در جهت ارمنستان وجود دارد که باید از آن عبور کرد. یک تنگه یا جای باریکی است که در آن رود «آراگوس» به رود «کوروش» می ریزد. در بالای محل پیوستن این دو رودخانه و بر روی کوه ها، شهرهای «هارموزیکا» و «سومارا» یا «سوزامورا» واقع شده اند. شهر نخستین بر کنار رود کوروش و دیگری بر ساحل رود «آراگوس» قرار دارند. از این راه بود که «پمپه» و سپس «گائیدیوس» عبور کردند و وارد «ایبری» شدند. «پلوتارک» آورده است که پمپه خود را آماده می کرد که به تعقیب «میتریدات» بپردازد که به «کولشید» گریخته بود. آلبانی ها موافقت کردند که به او راه بدهند ولی چون رای خود را تغییر دادند، اقدام به حمله به قرارگاه هایی کردند که وی سپاه خود را برای گذراندن فصل زمستان در آنجاها پخش کرده بود. در پایان دسامبر چهل هزار پیاده و بیست و دو هزار سواره از رود «کوروش» گذشتند ولی رومیان را در آنجا آماده برخورد دیدند و بکلی هزیمت یافتند. معرزه بنظر نمی رسد که «پمپه» پیروزی خود را پی گیری کرده و داخل سرزمین آنها شده باشد. زیرا وی از ارمنستان به ایبری و از ایبری به «کلشید» رفت.

باکو در پانزده فرسنگی بالای مصب کوروش بر کنار دریای قزوین واقع شده است و این شهر نیز نام خود را به



نامه های شگفت انگیز از کشیشان فرانسوی در دوران صفویه و افشاریه

(بخش سوم)

ترجمه زنده یاد دکتر بهرام فره وشی

و هجوم مردمی که در آنسوی معبر ساکن بودند و جمعیتشان خیلی بیشتر بود، می ترسیدند، این معبر را با درهای مسلح به میله آهنی به ضخامت تیرهای سقف پوش بستند و در زیر این درها رود بزرگ «ایرودونیس» می گذشت. اینان که از این استحکامات دفاعی راضی نبودند، بر روی صخره قلعه و قصری ساختند که نام آن «کامانیا» بود و آنها را در برابر دشمنانشان در امنیت کامل قرار می داد.

«استرابو» که به طور دقیق برای داخل شدن در «ایبری» چهارراه بر می شمارد، چیزی نمی گوید که با این دربندهای چنین مشهور و فراموش ناشدنی رابطه ای داشته باشد، ولی شاید در زمان وی هنوز این دربندها را نساخته بوده اند. وی آورده است که از سوی جنوب و از سوی بیابان گردان سه روز راه است که بایستی به سختی بالا رفت و سپس به

بازگردیم به «دربند». این شهر در دامنه کوه واقع شده است و به وسیله قلعه و کاخی که در بالای آن ساخته شده است و مقر سلطان است، از آن دفاع می شده است. دشت تا دریا، نام یونانیان را حفظ کرده است. در آن جز چند ویرانه در مزارع مزروع چیزی دیده نمی شود.

باز ملاحظه می شود که «دربند» آنجائی نیست که در قدیم دربندهای قفقاز نامیده می شد. این دربندها بنابر نوشته «پلین» روبروی «هارماتیس» بود که شهر مهم و مرکز «ایبری» بود. این دربندها ساخته و پرداخته طبیعت بودند زیرا «پلین» آورده است که دیده می شود که کوه ها از یکدیگر بطور طبیعی جدا گشته اند و معبری در میان خود بوجود آورده اند. «پلین» آورده است که مردمی که در این سوی آن معبر ساکن بودند، چون از حمله



دکتر فرانک پورقاسمی متخصص و جراح پا

♦ درمان بیماری های پا ناشی از امراض قند و روماتیسم ♦ درمان عفونت های قارچ ناخن و پوست پا ♦ ترمیم پارگی ماهیچه، غضروف و شکستگی پا
♦ درمان بیماری های پا در کودکان ♦ صافی کف پا و صدمات ورزشی
♦Foot related diseases ♦Bunion, Callus, Corn ♦Hammer Toe, Ingrown Toe Nail ♦Sports Medicine & Injuries ♦Heel Pain & Diabetic Foot Care ♦Ankle Arthroscopy ♦Pediatric Foot Conditions ♦Flat Feet & Orthotics ♦Skin & Nail Conditions

Dr. Faranak Pourghasemi, DPM

My mission is to provide superior, comprehensive foot & ankle treatment for patient's current and long-term needs.

اکثر بیمه ها پذیرفته می شود

National Foot & Ankle Center

(408)884-5851

14981 National Ave., Suite #2, Los Gatos, CA 95032

Wedding and Entertainment Coordinator
www.niosha.com
Niosha Dance Academy
DISCOVER THE UNIQUENESS
For the wedding of your dreams let Niosha blend music, dance and tradition into an unforgettable event.
To schedule a free consult please call 408-656-0585 or email niosha@niosha.com

وفای سگ!

مقاومت می کرد ولی وقتی دید مُصر هستم، رفت و هیچ نشانی از خود باقی نگذاشت. مدت ها او را ندیدم تا این که روزی برگشت! از سوراخی مخفی وارد شده بود که راه اختصاصی او بود. او زنده مانده بود و پر خلاف تمام قواعد علمی هیچ اثری از آن زخم باقی نمانده بود. نمی دانم کجا رفته بود و یا از کجا غذایش را تهیه کرده بود اما فهمیده بود که چرا باید آنجا را ترک می کرده و اکنون که دیگر بیمار و خطرناک نبود بازگشته بود. در آن نزدیکی چهار دیواری دیگری بود که نگهداری داشت. چند روز بعد از بازگشت سگ، آن نگهبان را ملاقات کردم و او چیزی به من گفت که تا عمق وجودم را لرزاند! گفت: «سگ در آن اوقاتی که بیرونش رانده بودی، هر شب می آمد پشت در و تا صبح نگهداری می داد و صبح پیش از آن که کسی متوجه حضورش بشود از آنجا می رفت.»

و معنی فکری و فلسفی رباعیات برای تصویر چهره فکری شاعر، با همه ضعف در کاربرد روش تحقیق علمی، از نخستین نمونه های نقد ادبی، در مفهوم جهانی امروزی، در زبان فارسی است.

سال ها پیش مدتی را در جایی شبیه بیابان به سر می بردم. یکی از دوستان چهار دیواری خود را در آن بیابان در اختیار من قرار داد. یک محوطه بزرگ با یک سر پناه و یک سگ. سگ پیر و قوی هیکلی که برای بودن در آن محیط خلوت و نا امن، دوست مناسبی به نظر می رسید.

مدتی با هم بودیم. من بخشی از غذای خود را با او سهیم می شدم و او مرا از دزدان شب محافظت می کرد. تا روزی که آن سگ بیمار شد. به دلیل نامعلومی بدن او زخم بزرگی برداشت و هر روز عود کرد! دامپزشک درمان او را بی اثر دانست و گفت: «نگه داری او بسیار خطرناک است و باید کشته شود!»

صاحب سگ نتوانست به کشتن سگ رضایت دهد، پس از من خواست که او را از خانه بیرون کنم تا در بیابان بمیرد. من نیز او را بیرون کردم. ابتدا

و استناد او به قدیم ترین متون تاریخی فارسی و عربی نزدیک به زمان شاعر و همچنین بهره برداری او از آثار گونه گون شرق شناسان و مقایسه خیام با متفکران جهانی هم مشرب او و تمرکز او در متن

صادق هدایت و خیام

بخش آخر

دکتر ایرج پارسی نژاد



و تزیین اتاق خودش بردارد.» در فصل «خیام شاعر» هدایت به توصیف خصوصیات زبان و بیان شعر خیام می پردازد و از تأثیر اندیشه های او بر سعدی و حافظ و مولوی یاد می کند، اما ادعا می کند که هیچ یک از ایشان نتوانسته اند در بیان «ناپایداری دنیا، غنیمت شمردن دم و می پرستی به مرتبه خیام برسند»، زیرا به گمان هدایت این شاعران «به قدری مطالب خودشان را زیر جملات و تشبیهات و کنایات اغراق آمیز پوشانیده اند که ممکن است آن را به صدگونه تعبیر و تفسیر کرد.»

درباره این نکته باید گفت که گذشته از جهان بینی متفاوت خیام با شاعران دیگر، سعدی و حافظ و مولوی توانسته اند در غزل هاشان با کاربرد تشبیهات و کنایات و استعارات جهان شعری رنگین تری بیافرینند. در نتیجه جوهر شعری در آثارشان غنی تر و تخیل شاعرانه شان نیرومندتر از خیام است که افکار فلسفی خود را غالباً به صورت خطابی و مستقیم و با سادگی و برهنگی بیان کرده است.

هدایت مقدمه خود را بر ترانه های خیام با جملات شورانگیز میهن دوستانه ای تمام می کند که مشابه آن را در آثار دیگر او، از جمله نمایشنامه پروین دختر ساسان، می توان دید. جملاتی که احساسات پاک و شریف و عشق فراوان او را به ایران گذشته و بیزاریش را از استیلای عرب بر این سرزمین نشان می دهد:

«خیام نماینده ذوق خفه شده، روح شکنجه دیده و ترجمان ناله ها و شورش یک ایران بزرگ، با شکوه و آباد قدیم است که در زیر فشار فکر زمخت سامی و استیلای عرب کم کم مسموم و ویران می شده.»

این حرف ها گرچه نماینده احساسات پاک و دلپذیر آن نویسنده ایران دوست نازنین است، اما از معیارهای یک نقد علمی و مستند و بیطرفانه ادبی برکنار است. با این همه مجالی پیش می آورد تا بیش از آن که با اندیشه خیام آشنا شویم، یک بار دیگر افکار صادق هدایت را مرور کنیم و خیام را به روایت هدایت بشناسیم.

با این همه مقدمه هایی که هدایت بر دو مجموعه از رباعیات خیام نوشته، با آن که از آثار دوران جوانی اوست، با توجه به فضل تقدم او بر دیگران در خیام شناسی

باری، تحلیل ترانه های خیام بار دیگر فرصتی به دست هدایت می دهد تا احساسات خود را از جمله عرب به ایران بنمایاند و درد و دریغ خود را از فروریختن کاخ تمدن ساسانی بیان کند، تا آنجا که صور خیال شاعرانه خیام را که بر ناپایداری جهان دلالت دارد تعبیر به حسرت شاعر بر شکوه ایران گذشته می کند:

«شاید بتوانیم خیام را از جمله ایرانیان ضدعرب مانند ابن مقفع، به آفرید، ابومسلم، بابک و غیره بدانیم. خیام با لحن تاسف انگیزی اشاره به پادشاهان پیشین ایران می کند. ممکن است از خواندن شاهنامه فردوسی این تأثر در او پیدا شده و در ترانه های خودش پیوسته فر و شکوه و بزرگی پایمال شده آنان را گوشزد می نماید که با خاک یکسان شده اند و در کاخ های ویران آنها روبه لانه کرده و جغد آشیانه نموده. قهقهه های عصبانی او، کنایات و اشاراتی که به ایران گذشته می نماید پیداست که از ته قلب از راهزنان عرب و افکار پست آن متفرد است و سمپاتی او به طرف ایرانی می رود که در دهن این ازدهای هفتاد سر غرق شده بوده و با تشنج دست و پا می زده.»

شور احساسات ملی آن چنان تند بر قلم هدایت غلبه می کند که حتی خود نیز متوجه می شود و بلافاصله می گوید:

«نباید تند برویم. آیا مقصود خیام از یادآوری شکوه گذشته ساسانی مقایسه بی ثباتی و کوچکی تمدن ها و زندگی انسان نبوده است و فقط یک تصویر مجازی و کنایه ای نیست نیست؟»

چنان که می دانیم مرگ اندیشی جنبه دیگری از تفکر فلسفی هدایت است که آن را هم در مضمون رباعیات خیام باز می یابد و به دلخواه خود آن را تفسیر می کند، تا آنجا که در پس دعوت خیام به غنیمت شمردن زندگی و شادی و خوشباشی سایه ای از مرگ می بیند: «هرچند خیام از ته دل معتقد به شادی بوده ولی شادی او همیشه با فکر عدم و نیستی توأم است. ازین رو همواره معانی فلسفی خیام در ظاهر دعوت به خوشگذرانی می کند، اما در حقیقت همه گل و بلبل، جام های شراب، کشت زار و تصویرهای شهوت انگیز او جز تزیینی بیش نیست. مثل کسی که بخواهد خودش را بکشد و قبل از مرگ به تجمل

FINE HOMES REALTY



Mohamad Harandi

محمد هرندی

مشاور آگاه و دلسوز جامعه ایرانی
در امور وام مسکن و خرید و فروش خانه



Realtor & Mortgage Specialist
for San Jose & Bay Area

از موقعیت استثنایی پائین بودن نرخ بهره
و وامهای بدون کارمزد استفاده نمائید

مدیریت املاک تجاری و مسکونی در سراسر بی اریا

سال ها تجربه، قابل اعتماد و شناخته شده

(408)605-1138

moeharandi@yahoo.com

DRE#01183647 NMLS#332989



4950 Hamilton Ave., Suite 211, San Jose, CA 95130

هم یواشکی می آیم توی حمام اطاقمان و باز هم روی همین توالت در بسته می نشینم و چیز می نویسم. با خودم فکر می کنم اداره یک کشور یک میلیارد و ۳۰۰ میلیونی کار آسانی نیست. چطور این مردم همدیگر را نمی خورند. خیلی برای من عجیب است، شاید قانون در مورد تخلفات سخت گیر است. شاید هم فرهنگ آدمکشی و آدمخواری ندارند. بیست و شش سال پیش کشورهای بزرگ در کشورمان بر آتش فتنه ای دمیدند و شیطان بزرگ از همه فتنه گرتر بود و توانستند انقلابی برپا کنند و جلوی پیشرفت مملکت را بگیرند. این کار را هم در چین کردند. آن داستان تین من اسکویر (میدان نمی دانم چی چی) را که دیدید یا شنیدند اما چند چیز مانع انقلاب در چین شد. اول هشیاری دولتی ها که دیدند اگر دیر بجنبند دمکراسی وارداتی پدر صاحب بچه را در می آورد. آنها با خود فکر کردند اگر ده بیست نفر لت و پار شوند بهتر است که ملتی گرفتار انقلابی شوند که بدون شک میلیونها نفر از بی نظمی و گرسنگی و بیماری خواهند مرد. دوم اینکه خود مردم چین از فرهنگ بسیار غنی برخوردار هستند و مثل ماها گرفتار احساسات بدون اندیشه نیستند که فریب هر دروغی را بخورند. **دنباله مطلب در صفحه ۵۸**

پس کوچه ها بروم شاید اگر جوان تر بودم، ولی حالا دیگر مثل سابق ولع حادثه جوئی ندارم. غروب که می شود باز هم زخم خسته و مانده بر می گردد و می گوید: «عجب این مردم پر کار هستند. از این جلسه به آن جلسه. از این کنفرانس به آن کنفرانس. حتی این مردم فرصت ناهار خوردن ندارند و تازه حقوقشان هم خیلی کم است. یک های تک ۵۰۰ دلار در ماه می گیرد.» به او می گویم: «شاید هم کمتر.»

یک توضیح درباره واژه زن بدهم. بعضی از این خانم های فمینیست ایراد می گیرند که چرا می گوئی زن راستش را بخواهید جوایشان این است که من زنم را از خانم بیشتر دوست دارم. زن زندگی است. لابد شنیده اید که در دهات اطراف مشهد اگر به زن بگوئید خانم، می گویند که خانم خاوهرت است، خانم مادرت است. یعنی بعلا! البته دیگر این واژه خانم جا افتاده و تازه اگر زنی بسیار باشخصیت و تحصیل کرده و مبادی آداب باشد می گویند خیلی خانم است. بهر حال من زنم را بیشتر از خانم دوست دارم. ساعت ۲ صبح روز چهارشنبه ۱۹ جولای است. از خواب پریده ام و باز



یک سینه سخن

مسعود سپند

خاطرات سفر به چین (بخش دوم)

باهم حرف می زنند. اینها همه های تک (High Tech) هستند و حرف های فنی می زنند که برای من آشنا نیست. البته همسر من این کاره است. بعد از صبحانه زنم با تاکسی به محل کارش می رود و من هم یک خیابان را می گیرم و راه می افتم. آنقدر می روم که خسته می شوم. گرما بیداد می کند. به دانشگاه سوچو می رسم. بعدا شنیدم آنجا خوابگاه دانشگاه است. دوری می زنم اما می بینم هیچکس تحویل نمی گیرد. همه سرگرم کار خودشان هستند. حالا اگر ایران بود و من یک خارجی بودم، آنقدر مستر مستر بارم می کردند که باید از دستشان فرار می کردم.

باوجودیکه دیوید گفته بود گداها را جمع کرده اند اما پسرک هفت هشت ساله ای کاسه گدائی در دست دارد، البته مثل گداهای هندی مچ دستم را نمی گیرد. اصغر شرفی تعریف می کرد که چندین سال پیش برای مسابقه فوتبال به هند رفته بود. ناگهان در بین چند گدا محاصره می شود. هر کدام از آنها دست و لباس او را گرفته و می کشیدند. او به ناچار مقداری پول خورد را برعکس جهت حرکت خود پرت کرده و گداهای که برای برداشتن پول هجوم برده بودند فرار را بر قرار ترجیح داده و به هتل برگشته بود. به هتل بر می گردم و کتاب تاریخ عصر حافظ را که در بیشتر مسافرت ها ندیم هست می خوانم. آنقدر می خوانم که خوابم می برد. ساعت ۵ بعدازظهر سر و کله زنم، خسته و کوفته، پیدا می شود. او آنقدر خسته است که حاضر نیست شام بخورد. می گوید: «تازه همه سر کار بودند که من آمدم» او فکر می کند اینجا مردم روزی ۱۲ ساعت کار می کنند. با خودم می گویم که بی خود نیست که در عرض سه سال نرخ رشد چین ۴۵ درصد بوده است.

سه شنبه ۱۷ جولای است و باز من سرگردان خیابانهای داغ سوچ هستم. کوشش می کنم خودم را با دیدن مردم سرگرم کنم. باوجودیکه می دانم امنیت هست جرأت نمی کنم به کوچه

یکشنبه بعدازظهر است. دیوید همکار چینی همسر من که نام اصلی اش را گفتن خیلی سخت است می آید تا ما را در شهر سوچو بگرداند. از او خواهش می کنم ما را به قسمت قدیمی شهر که بیشتر از ۲۰۰۰ سال قدمت دارد ببرد.

قسمت قدیمی شهر یا به قول آمریکائی ها «داون تان»، خیلی شلوغ است. دوچرخه، موتور سیکلت گازی و برقی، اتوبوس های کهنه و دودزا، تاکسی های از گل و لای گذشته و آدمیان کوتاه و دراز و دختران و پسران با لباس های مد غربی در هم وول می خورند. از دیوید می پرسم: «این شهر چند نفر جمعیت دارد؟» می گوید: «۴ میلیون و جالب این است که می گوید هر زن و شوهر چینی حق دارند فقط یک فرزند داشته باشند.»

من یک برنامه تلویزیونی درباره چین در آمریکا دیده بودم که خبرنگار با زنی که بجای یک فرزند دو تا فرزند داشت مصاحبه می کرد و چه مشکلاتی که دولت برایش فراهم کرده بود را شرح می داد. اما راستش را بخواهید دولت حق دارد اجازه ندهد که فرزند بیشتری داشته باشند.

از دیوید می پرسم: «زن داری؟» می گوید: «بله اما بچه ندارم.»

شهر سوچو دارای کانال های آبی بسیار است و خیلی هم کهنه و قدیمی که توریست های ژاپنی با دوربین ها دارند می چرخند و هی عکس می گیرند.

سه چرخه های مسافر کشی هم که همه قرمز رنگ هستند و مشغول گرداندن توریست ها. من به فکر می افتم که اداره کردن این همه آدم برای دولت کار آسانی نیست.

ساعت ۳ صبح روز دوشنبه ۱۶ جولای از خواب می پریم و یواشکی می آیم توی حمام هتل روی توالت در بسته می نشینم و این یادداشت ها را می نویسم! برای این می گویم یواشکی که دلم نمی خواهد زنم بیدار شود. روز، روز کار است و او باید سرکار برود و بنده می مانم و یک هتل به این قشنگی.

ساعت ۵ صبح می روم سراغ اطاق ورزش. چند آمریکائی و هندی دارند

رستوران فیمس کباب



غذای هر ملتی بخشی از فرهنگ آن مردم است.

رستوران فیمس کباب با غذاهای بسیار خوشمزه و با طعم و عطر منحصر بفرد ایرانی در مکانی متفاوت آماده پذیرایی از شما و میهمان های شماست



کیتیرینگ کامل میهمانی و جشن های شما در سراسر شمال کالیفرنیا

رستوران فیمس کباب با افتخار از شما پذیرایی می کند.

(916) 483-1700

www.famouskabob.com



1290 Fulton Ave., #C. Sacramento, CA 95825



با هادی خرسندی

www.asgharagha.com
hadikhorsandi@aol.com

«جنایت» یار گشته با «ولایت»

جماعت را به عشق یار میزد

«نیابت» را «امامت» گشته پیرو

چه لبخندی به آن خونخوار میزد

«ولایت» خون ملت را مکیده

دم از زالوی استکبار میزد

«شجاعت» این میان توی خیابان

پی جلب جوانان جار میزد

«رشادت» خورده باتوم از حکومت

هنوز اما دم از پیکار میزد

خودش را تیتیر میکرد «استقامت»

سحرگه بر سر اخبار میزد

وطن حالش پریشان بود و تب داشت

ولی لبخند شیرینی بر لب داشت

بفضر امیر

«خجالت» دشت آمد زار میزد

سرش را بر در و دیوار میزد

«سلامت» را گرفته حاکم شرع

چه شلاقی به آن بیمار میزد

«رذالت» جسته بر بام «وقاحت»

«عدالت» را در آنجا دار میزد

«فقاقت» با «جهالت» گشته همدست

خلایق را گره در کار میزد

«امانت» را «طمع» تسخیر کرده

طلا در کامیون ها بار میزد

«غرض» تنبک زنان اطوار میریخت

«خصومت» همزه او تار میزد

از چی خوشش می آید!

کرگدن گفت: «اسم این دوست داشتن

است؟ اسم این که من دلم می خواهد

تو روی پشت من بمانی و مزاحم های

کوچولوی پشتم را بخوری؟»

دم جنبانک گفت: «نه اسم این نیاز است،

من دارم به تو کمک می کنم و تو از اینکه

نیازت برطرف می شود احساس خوبی

داری، یعنی احساس رضایت می کنی. اما

دوست داشتن از این مهمتر است.»

کرگدن نفهمید که دم جنبانک چه می

گوید اما فکر کرد لابد درست می گوید.

روزها، هفته ها و ماه ها گذشت. دم

جنبانک هر روز می آمد و پشت کرگدن

می نشست و پشتش را می خاراند و هر

روز حشره های کوچک را از لای پوست

کلفتش بر می داشت و می خورد، و

قلب کرگدن



قلب نازک داری.»

کرگدن گفت: «نه، من قلب نازک ندارم،

من حتما یک قلب کلفت دارم!»

دم جنبانک گفت: «نه، تو یک قلب نازک

داری. چون به جای این که دم جنبانک را

بترسانی، به جای این که لگدش کنی، به

جای این که دهن گنده ات را باز کنی و

آن را بخوری، داری با او حرف می زنی.»

کرگدن گفت: «خب، این یعنی چی؟»

دم جنبانک گفت: «وقتی که یک کرگدن

پوست کلفت، یک قلب نازک دارد یعنی

چی؟! یعنی این که می تواند دوست

داشته باشد، می تواند عاشق بشود.»

کرگدن گفت: «اینها که می گویی یعنی

چی؟»

دم جنبانک گفت: «یعنی... بگذار روی

پوست کلفت قشنگت بنشینم، بگذار...»

کرگدن چیزی نگفت. یعنی داشت

دنبال یک جمله مناسب می گشت. فکر

کرد بهتر است همان اولین جمله اش

را بگوید. اما دم جنبانک پشت کرگدن

نشسته بود و داشت پشتش را می

خاراند. داشت حشره های ریز لای چین

های پوستش را با نوک ظریفش برمی

داشت. کرگدن احساس کرد چقدر

خوشش می آید، اما نمی دانست دقیقا

کرگدن جوان، تنهایی توی جنگل می رفت. دم جنبانکی که همان اطراف پرواز می کرد، او را دید و از او پرسید که چرا تنهاست؟! کرگدن گفت: «همه کرگدن ها تنها هستند.»

دم جنبانک گفت: «یعنی تو یک دوست هم نداری؟»

کرگدن پرسید: «دوست یعنی چی؟»

دم جنبانک گفت: «دوست، یعنی کسی

که با تو بیاید، دوست داشته باشد و به

تو کمک بکند.»

کرگدن گفت: «ولی من که کمک نمی

خواهم.»

دم جنبانک گفت: «اما باید یک چیزی

باشد، مثلا لابد پشت تو می خارند، لای

چین های پوستت پر از حشره های ریز

است. یکی باید پشت تو را بخاراند، یکی

باید حشره های پوستت را بردارد.»

کرگدن گفت: «اما من نمی توانم با کسی

دوست بشوم. پوست من خیلی کلفت و

صورتم زشت است. همه به من می گویند

پوست کلفت.»

دم جنبانک گفت: «اما دوست عزیز،

دوست داشتن به قلب مربوط می شود نه

به پوست.»

کرگدن گفت: «قلب؟ قلب دیگر چیست؟

من فقط پوست دارم و شاخ.»

دم جنبانک گفت: «این که امکان ندارد،

همه قلب دارند.»

کرگدن گفت: «کو؟ کجاست؟ من که

قلب خودم را نمی بینم!»

دم جنبانک گفت: «خب، چون از قلبت

استفاده نمی کنی، آن را نمی بینی؛ ولی

من مطمئنم که زیر این پوست کلفت یک

کرگدن هر روز احساس خوبی داشت.

یک روز کرگدن به دم جنبانک گفت: «به

نظر تو این موضوع که کرگدنی از این که

دم جنبانکی پشتش را می خاراند و حشره

های پوستش را می خورد احساس خوبی

دارد، برای یک کرگدن کافی است؟»

دم جنبانک گفت: «نه، کافی نیست.»

کرگدن گفت: «بله، کافی نیست. چون

من حس می کنم چیزهای دیگری هم

هست که من احساس خوبی نسبت به آنها

داشته باشم. راستش من می خواهم تو را

تماشا کنم.»

دم جنبانک چرخ زد و پرواز کرد. چرخ

زد و آواز خواند، جلوی چشم های کرگدن.

کرگدن تماشا کرد و تماشا کرد و تماشا کرد.

اما سیر نشد. کرگدن می خواست همین طور

تماشا کند. دنباله مطلب در صفحه ۵۵

آموزش دف و تمبک

توسط فریمان اسعدی

کلاس های خصوصی و گروهی
برای تمامی سنین

(530) 574-4636

narimanpercussion.com

narimanpercussion@gmail.com



(408)-898-6474

www.alisconstruction.com

◆ New Custom Home

◆ Bathroom

◆ Room Additions

◆ Kitchen Remodel

نقشه کشی ساختمان، اخذ جواز کار،
ساختن ساختمان جدید، اضافه کردن اتاق،
نوسازی آشپزخانه و حمام



Let us Build your Custom Dream Home

1011 S. De Anza Blvd., Cupertino, CA

دوم چون گوسفند.»
خواجه نظام الملک در کتاب خود به نام «سیاست نامه» از قول پیام آور اسلام نوشته است: «با زنان در کارها تدبیر کنید، اما هر چه ایشان گویند چنین باید کرد، به خلاف آن کنید، تا صواب آید.»
نظام الملک در همان کتاب می نویسد: «زنان اهل سترند و کامل عقل نباشند و غرض از ایشان گوهر نسل است که بر جای ماند.»
هما احسان در کتاب خود از کتاب «حلیته المتقین» نوشته ملامحمدباقر مجلسی چنین آورده است: «در بیان حق زن و شوهر بر یکدیگر و احکام ایشان از حضرت محمدباقر علیه السلام و اما جعفر صادق علیه السلام منقول است که حق تعالی برای زنان غیرت جایز نداشته است و از برای مردان غیرت قرار داده است.»

اشاره ای به دختر کشی در دوران

جاهلیت و حجاب در اسلام

خانم «یوتارنکه- هاینه مان» در کتاب خود «خوداختگان حکومت آسمانی» می نویسد پدیده کشتن نوزاد، دختر یا پسر، در تمدن های باستانی، به ویژه در صورت ناقص بودن آنها، تا حدودی رایج بوده است.

دنباله مطلب در صفحه ۵۷

بخت و ناقص خرد هستند.»
نظریات بسیاری از رهبران و بزرگان دین اسلام و مذهب شیعه درباره زن با تحقیر، خواری و زبونی جنس زن همراه است. در اینجا برای نمونه و بیان «مشتی از خورار» به نظریات سه تن از دانشمندان اسلامی اشاره می شود.

در کتاب «سیمای زن در فرهنگ ایران» نظر «امام محمد غزالی» در کتاب او به نام «کیمیای سعادت» درباره زن چنین بیان شده است: «زن باید که بنده مرد باشد. زن به حقیقت بنده مرد است.»

غزالی در کتاب «نصیحت الملوک» چنین نوشته است: ... هر چه به مردان رسد از محنت و بلا و هلاک، همه از زنان رسد... واجب است بر مردان که بر زنان رحیم باشند و برایشان ستم نکنند که زن در دست مرد اسیر و بیچاره است... و نیز واجب آید مردان را که با زنان مدارا کنند که به خرد ناقصند.» در همان کتاب «غزالی» می افزاید: «بدان که جملگی خوی زنان برده گونه است. و خوی هر یک به صفت چیزی از حیوانات مانده است: یکی خوک، دوم چون کبی (بوزینه)، سه دیگر چون سگ، چهارم چون مار، پنجم چون استر، ششم چون کژدم، هفتم چون موش، هشتم چون کبوتر، نهم چون روباه،



ارزش زن در دین های «آسمانی»

دکتر احمد ایرانی / بخش آخر

زنان برای شوهران خود سجده کنند.»
در کتاب «سیمای زن در فرهنگ ایران» نوشته جلال ستاری از قول «شیخ محمد لاهیته» که در قرن دهم هجری زندگی می کرده حدیثی از محمد، پیام آور اسلام، بیان شده که براساس آن محمد بر این باور بوده است که «زنان در عقل و دین نقصان دارند.»

در کتاب «بازشناسی قرآن» نظریات حضرت علی درباره زنان چنین بیان شده است: «علی بن ابیطالب امام شیعیان و خلیفه چهارم در دو مورد در نهج البلاغه درباره زنان اظهار عقیده کرده است. در مورد اول و در ضمن وصیت به فرزند ارشدش حسن می گوید «زنهار در هیچ کاری با زنان مشورت مکن، چه رأی آنان نادرست و عزم و اراده آنها ضعیف و سست است...»

در مورد دوم کتاب بازشناسی قرآن از قول حضرت علی چنین می گوید: «ای مردم بدانید زنان ناقص ایمان، ناقص

سخنانی درباره زن در اسلام
دکتر روشنگر در کتاب «بازشناسی قرآن» می نویسد که محمد در خطبه حجة الوداع چنین گفته است: «درباره زنان نیکی کنید، چه آنها اسیر مردانند و اختیاری از خود ندارند.»

در جنگ های دوران بنیادگذار اسلام و نیز در دوران جانشینان او، زنانی که اسیر می شدند بین مردان جنگجو و پیروز تقسیم می شدند و اسیر آنان به شمار می رفتند. مالکان این اسیران، که با آنان به مانند برده یا کنیز رفتار می شد از نظر دینی و شرعی می توانستند با این اسیران زن عمل آمیزش جنسی را انجام بدهند و صاحب اختیار آنان شمرده می شدند.

خانم هما احسان در کتاب خود به نام «زن از نگاه آخوند» از قول محمدباقر مجلسی نویسنده کتاب «حلیته المتقین» چنین نوشته است: «حضرت رسول (ص) فرمود که اگر امر می کردم که کسی برای غیر از خدا سجده کند، هر آینه می گفتم که

دکتر فتانه هوشداران کایروپراکتر

Chiropractic care is more than just making the pain disappear. It is about learning, understanding & taking care of your body to improve your quality of life

تشخیص، معالجه و جلوگیری از ناراحتی های مفاصل و استخوان، ورزشی،
صدمات کاری و تصادفات رانندگی با پیشرفته ترین وسائل پزشکی

♦ سر درد ♦ رماتیسم ♦ دیسک ♦ شانه و زانو درد ♦ دردهای عصبی ♦ دردهای گردن دردهای کمر ♦ دردهای دست



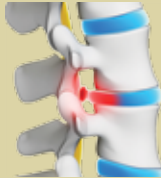
Fataneh Hooshdaran, D.C.

مطب مجهز به دستگاه های فیزیکیال تراپی و ماساژ طبی، ورزشی، Aqua Med Massage و میز Doc Decompression Table برای تسکین و بهتر کردن دردهای:

Doc Decompression Table



Herniated Discs



Sciatica



Degenerative Disc



Spinal Stenosis



Lower Back Pain



(408)712-3788

1610 Blossom Hill Rd., #1
San Jose, CA 95124

www.chiropracticusaca.

اکثر بیمه های درمانی پذیرفته می شود
Serving: San Jose & Santa Clara

(408)244-7677

2797 Park Ave., Suite #103
Santa Clara, CA 95050

تبعیضات ناروا علیه اقلیت های قومی و مذهبی در قانون اساسی ایران

حسین رئیسی

جامعه ایران از اقلیت ها و گروه های متنوع قومی، مذهبی تشکیل شده است. در یک کلام میتوان ایران را یک جامعه متکثر قومی، مذهبی شناخت. کثرت قومی و مذهبی در طول تاریخ منشاء طبقه بندی، اختلافات و تبعیضات بسیاری بین مردم بوده است، اما در زمان های مختلف با تغییر حکومت ها شکل این تبعیضات با تغییر و برپا شده اند. اقلیت های قومی در مواردی اقلیت مذهبی نیز محسوب می شوند، نظیر کردها، ترکمن ها و بلوچ ها که معمولا پیرو مذهب رسمی کشور نیستند، و از هر دو جهت در معرض تبعیض قرار دارند. بدین سان با تبعیض مضاعف روبرو هستند. آنچه در پی خواهد آمد، پرداختن به بسترهای حقوقی تبعیضات ناروا علیه اقلیت های قومی و مذهبی در قانون اساسی ایران است. سایر ابعاد سیاسی-مدنی-فرهنگی-اجتماعی-تبعیضات ناروا علیه اقلیت ها را میتوان در قوانین و طول زمان در تاریخ تحولات ایران یافت.

از آنجا که ساختار دموکراتیک از جمله قانون اساسی در ایران سابقه زیادی ندارد و اولین قانون اساسی ایران مربوط به سال ۱۲۸۵ شمسی است که بدنبال انقلاب مشروطیت تصویب شده و بلافاصله بعد از تصویب دست خوش تغییر و در هیچ دوره ای به خوبی اجرا نگردیده است، مردم ایران با اهمیت حقیقی قانون اساسی آشنا نبوده و در حال و هوایی انقلابی ناشی از سرنگونی سلسله پادشاهی چندین هزار و ساله شادمان از عبور از استبداد به آزادی ابزارهای حقوقی محافظت از آزادی و تامین برابری را در نظر نگرفتند.

قانون اساسی فعلی ایران در تاریخ ۱۲ فروردین ۱۳۵۸ از طریق رفراندوم به تصویب مردم رسید. این قانون تامین آزادی های مشروع، عدالت، برابری و رفع تبعیض از احاد مردم را در بخش هایی از اصول سوم، نوزدهم و بیستم پذیرفته است،^(۱) اما همه حقوق ناشی از این قانون منوط و موقوف به رعایت و پیروی از مذهب رسمی کشور یعنی شیعه ۱۲ امامی شده است.

ضرورت انطباق همه قوانین با مقررات اسلامی که در اصل چهارم قانون اساسی^(۲) برای همیشه و پذیرش اصل ولایت فقیه و رهبری فقیه در کشور از یک طرف و تاکید بر اشتراک زبان و خط فارسی،^(۳) تمرکز قدرت سیاسی در اختیار ولایت فقیه و نیروهای تحت امر او از طرفی دیگر،^(۴) جامعه متکثر ایران را با تبعیضات و نابرابری های مختلفی از جمله تبعیضات مذهبی و اتنیک روبرو ساخته است، که در دو بخش مورد بررسی قرار میدهیم.

بخش نخست: تبعیض نسبت به

اقلیت های مذهبی در قانون اساسی

از آنجا که قانون اساسی ایران بر اساس باورمندی و یا غیر باورمندی به مذهب شیعه دوازده امامی در دین اسلام به

شناخته نشده، وجود ندارد اصل ۶۴، ۴- مشاغل قضایی برای همه اقلیت های مذهبی منع حقوقی در قانون اساسی دارد، چون در اصل ۶۱ تمامی اعمال قوه قضاییه را طبق مقررات اسلامی مجاز دانسته، انتخاب قاضی نیز بخشی از همین روند را در بر میگیرد که در عمل مانع تصدی تمامی مشاغل قضایی برای همه اقلیت ها شده است.

۵- اصول ۱۲ و ۱۳ قانون اساسی با عدم رسمیت همه باورها به استثنای مذهب اکثریت شیعه در عمل حق برخورداری از پرستشگاه مذهبی و برگزاری آیین های مذهبی و تبلیغ مسالمت آمیز را از پیروان سایر مذاهب و آیین ها را به کلی سلب نموده است. این امر سبب تخریب تمامی امکان مورد احترام آیین بهائیت، برخی از مکان های مقدس زرتشتیان، تخریب حسینیه دروایش نعمت الهی گنابادی در قم، عدم صدور مجوز احداث مسجد برای اهل تسنن در تهران و سایر شهرستان ها، از جمله این تبعیضات است.

۶- تاکید اصل دوم قانون اساسی بر اینکه نظام حکومت ایران بر پایه ایمان به اصول مذهب تشیع و اجتهاد-قطعا منظور اجتهاد فقهاء شیعه است- امکان هر گونه فعالیت آیینی، دسترسی به رسانه، انتشار کتاب برای سایر ادیان و مذاهب غیر ممکن ساخته است. دنباله مطلب در صفحه ۵۰

جرم محسوب میگردد، چنین است. «از آنجایی که کلیت نظام سیاسی ایران بر اساس باور مذهبی شیعه می باشد، هر نوع فعالیت تبلیغی سایر ادیان و مذاهب به منزله نفی مذهبی تشیع است، بنابراین فعالیت تبلیغی علیه نظام جرم محسوب میگردد.» این موضوع در تمام پرونده های زندانیان عقیدتی نظیر بهائیان، دراویش، نوکیشان مسیحی، یارسان و اهل تسنن دیده میشود.

بدین سان هر نوع فعالیت مذهبی مغایر با مذهب رسمی به شدت منع و سرکوب میگردد. بخشی از این موارد شامل است به: ۱- منع انتخاب شدن بعنوان رهبر یا عضویت در شورای رهبری ایران به موجب صراحت اصل یکصد و هفتم، به موجب این اصل فقط اندکی از روحانیون شیعه در شرایط خاص از این حق برخوردار هستند.

۲- منع دسترسی به تمامی مناسب سیاسی و مدیریتی و قضایی در تمامی سطوح آن. بطور مثال اصل ۱۱۵ حق نامزد شدن را صرفا برای افراد مذهبی و سیاسی قائل شده است. همچنین اصل یکصد و بیست یکم درباره سوگند قانون اساسی رئیس جمهور بخصوص آن بخش که او را پاسدار مذهب رسمی معرفی میکند.^(۵)

۳- عضویت مجلس خبرگان، نمایندگی مجلس شورای اسلامی برای اقلیت های



Alborz Academy
مدرسه فارسی البرز

زبان ما هویت ماست

مدرسه فارسی البرز با کادری با تجربه در خدمت علاقمندان به یادگیری زبان فارسی می باشد

- ♦ کلاس های پیش دبستان (برای دانش آموزان ۴ ساله)
- ♦ کلاس های اول دبستان تا هشتم (برای دانش آموزان ۵ سال به بالا)
- ♦ جهت یادگیری خواندن، نوشتن و مکالمه
- ♦ کلاس های خصوصی برای بزرگسالان و غیر فارسی زبانان

دانش آموزان دبیرستانی می توانند با حضور در کلاس های البرز، واحد دبیرستانی دریافت کنند

برای کسب اطلاعات بیشتر با ما تماس حاصل فرمایید

(408)829-8296

1954 Camden Ave. #3, San Jose

با عنوان کردن این آگهی، یک جلسه رایگان میهمان مدرسه البرز باشید!

صحيح حفظ کنند و نام این خط جدیدی را که ساختند «پازند» نهادند که در حقیقت خط پازند همان خط اوستایی است و تغییر و تحولی است که در خط پهلوی ساسانی داده شده است و به صورت جدید در آمده است. به موازات خط پهلوی خطوط دیگری نیز در ایران در میان اقوام مختلف رواج داشت که پیشینه همه آنها همان خط آرامی یا پهلوی است. مانند خط سغدی ختنی و مانوی که سغدی در تاجیکستان رواج داشت که لغاتی از آنها در فارسی امروز متداول است.

اما در مورد اوستا از نظر استاد فره وشی، ترتیب تاریخی قسمت های مختلف آن و حل مساله زمان و مکان و چگونگی جمع آوری و تدوین متون اوستا خیلی پیچیده تر و دشوار است. قدیم ترین قسمت های اوستا که در دست است به سده های دور و قبل از میلاد می رسد، اما متن موجود اوستا در دوره سلطنت ساسانیان (قرن سوم تا هفتم میلادی) تدوین شده است که احتمالاً از متن قدیمی تری که مربوط به دوره اشکانیان است گرفته شده.

در مورد هزوارش ها که وارد زبان پهلوی شدند، رسم بر آن بود که کاتبان آرامی که عادت داشتند کلمات را به زبان خود بنویسند و به پهلوی تلفظ کنند برخی از این لغات را در خط خود به کار می بردند مثلاً برای نوشتن کلمه سگ به زبان خود می نوشتند kalba و بعد این کلمه را سگ تلفظ می کردند این نوع کلمات را که بصورتی نوشته می شدند و به صورتی دیگر تلفظ می شدند «هزوارش» می نامیدند که در خط اشکانی این هزوارش ها خواندن را مشکل می کرد و من خود به یاد دارم که در دوران دانشجویی و فراگیری زبان پهلوی یکی از مشکلات بزرگم برای فراگیری زبان پهلوی برخورد با هزوارش ها در متون پهلوی بود. که البته بعدها تعداد این هزوارش ها کاهش پیدا کرد و زبان ساده تر شد.

قدیم است و خط آنها نیز ادامه همان خط بود. از دوران اشکانی خطی که در دست داریم خط پهلوی اشکانی است. این خط با خط پهلوی ساسانی که بعدها متداول شد تفاوت دارد و ابتدایی تر است. پهلوی اشکانی ادامه خطی است که در زمان هخامنشیان متداول بوده و از خط آرامی گرفته شده است. بنابراین نوشته ای در کتاب دینکرت، پس از این که اسکندر کتاب اوستا را سوزاند در زمان «ولخش» اشکانی دوباره فرمان جمع آوری و تدوین دوباره آنچه از اوستا باقی مانده بود داده شد و خطی که با آن دوباره بار دیگر اوستا را نوشتند به خط پارتی شهرت داشت که تا دوره ساسانی ادامه یافت و بعدها به خط پهلوی ساسانی معروف شد و آنچه که از کتب پهلوی امروز در موزه های مختلف باقی مانده، به همین خط است که تا دوران خلفا ادامه پیدا کرد. تا زمانی که دفترها و دیوان ها به خط عربی نوشته شد، البته در کنار همه اینها خط پهلوی از بین نرفت و هنوز کسانی بودند که از آن آگاهی داشتند چنانکه وقتی «فخرالدین اسعد گرگانی» کتاب ویس و رامین را از پهلوی به شعر فارسی برگرداند هنوز کسانی پهلوی می دانستند این نیز نشان آگاهی او از زبان پهلوی بود. در روزگار ساسانیان موبدان و پیشوایان دین زرتشتی اوستا را از حفظ می خواندند و چون اوستا کتاب مقدس بود، می بایستی بدون غلط و اشتباه خوانده شود که نادرست خواندن آن گناه بود پس در اواسط دوره ساسانی موبدان زرتشتی به فکر افتادند که از روی خط موجود پهلوی خطی اختراع کنند که احتمال غلط خواندن کتاب مذهبی در آن نباشد و علاماتی برای صحیح تلفظ کردن کلمات و به کار بردن بلند و کوتاهی صداها در آن در نظر گرفته شود. پس خطی اختراع کردند که آن را خط اوستایی نامیدند و به این صورت زرتشتیان توانستند خواندن کتاب مقدس را به صورت



چگونگی پیدایش خط (بخش سوم)

اند (یعنی از دوره تمدن هخامنشی) به سه زبان نوشته شده اند. اول زبان مادری شاه و دربار، یعنی زبان فارسی باستان، دوم زبان بومی مردم ایلام که دایماً با کشورهای همسایه در زد و خورد بودند و بالاخره هم در اختلاط با دولت هخامنشی در این دولت مستهلک شدند و کورش در ابتدا در سرزمین پارس و سرزمین انشان که در همین ناحیه ایلام بود حکومت می کرد.

سوم خط و زبان و تمدن بابلی که با زبان آشوری هم ریشه و نزدیک است چون هر دو از زبان های سامی هستند و با عربی و عبری هم ریشه اند و اینها در غرب ایران می زیستند و هنوز آشوری هایی که در ایران، در کردستان و آذربایجان و تهران زندگی می کنند زبانشان ادامه همان زبان آشوریان

در شماره قبل سخن درباره خط آرامی بود که فرمان ها با این خط به ساتراپ نشین های زیر نفوذ ایران فرستاده می شد و کاتبی دیگر که در درباری دیگر بود و این خط و زبان را می شناخت آن را ترجمه می کرد و به این صورت خط مرسوم در زمان هخامنشیان همین خط و زبان آرامی بود و ضمناً خط میخی نیز برای نوشتن روی سنگ ها و لوح ها به کار می رفت.

در قرن پنجم قبل از میلاد در مصر اسنادی به دست آمده که یکی از بزرگان ایرانی به نام آرشام در پارس به یکی از کارمندان خود در مصر می نویسد که جیره غذای کارگران را فلان اندازه تعیین کند و این فرمان به خط آرامی نوشته شده است. کتیبه هایی که از آن زمان باقی مانده

توانا بود هر که دانا بود

اردلان علیزاده

متخصص در خرید و فروش املاک و مستغلات مسکونی، تجاری و کشاورزی



I will sell your property in 39 days or I will reduce commission by 1%

Ardalan Alizadeh
Real Estate Broker
CABRE# 01704065

- ♦ آشنا با امور اقتصادی و مسائل مالی روز
- ♦ فارغ التحصیل علوم مالی و املاک تجاری از دانشگاه سانفرانسیسکو
- ♦ با بیش از ۱۵ سال سابقه کار در شمال کالیفرنیا
- ♦ با ۱/۵ درصد کمیسیون برای مشاوره در خرید املاک به صورت نقد از حراج

(510) 205-8177

Alizadehworks@gmail.com

941 San Pablo Ave., Albany, CA 94706

1024 Iron Point Rd suite#1009, Folsom, CA 95630



با درج آگهی در ماهنامه پژواک، کسب و خدمات خود را به ایرانیان شمال کالیفرنیا معرفی نمایید!

ماهنامه پژواک

(408) 221-8624

1433 Madison Street, Oakland, CA 94612 www.iccnc.org (510) 832-7600
 info@iccnc.org or Pr@iccnc.org facebook.com/ICCNCORG Telegram: @iccnc

برنامه‌های فرهنگی، هنری، مذهبی مرکز اسلامی فرهنگی شمال کالیفرنیا



الف - درس گفتارهای دکتر عبدالکریم سروش
 • درس گفتار شرح تک غزل دیوان شمس مولانا جلال‌الدین: ۷ اکتبر و ۴ نوامبر ساعت ۴:۳۰ عصر در مرکز اسلامی فرهنگی شمال کالیفرنیا
 • درس گفتار شرح دفتر نخست مثنوی: یکشنبه ۸ و ۲۲ اکتبر ساعت ۶ عصر؛ مکان: منلو پارک
 • درس گفتار سلوک دیندارانه در جهان مدرن: یکشنبه ۱۵ و ۲۹ اکتبر ۱ مکان: منلو پارک
 • درس گفتار شرح بوستان سعدی: جمعه ۲۰ اکتبر ساعت ۷:۳۰ عصر در بنیاد توحید سن حوزه
 • جهت ثبت‌نام و حضور در این کلاس‌ها با Pr@iccnc.org و یا تلفن ۵۱۰-۸۳۲-۷۶۰۰ تماس بگیرید



سخنرانی مهندس عبدالعلی بازرگان

ساعت ۶ تا ۸ عصر روز ۱۴ اکتبر با موضوع تفسیر قرآن

کلاس‌های باهم‌آموزی قرآن با همکاری دکتر سید وهاب معصومی
 • ساعت ۳:۳۰ عصر سومین شنبه هر ماه در مرکز اسلامی فرهنگی شمال کالیفرنیا



برنامه‌های موسیقی با همکاری انستیتو موسیقی کلاسیک ایران و خاورمیانه

• برنامه پژوهشی-آموزشی، سرانگ، در شناخت موسیقی نواحی و دستگاہی ایران و دورهمخوانی، با ارائه نمونه‌های صوتی و اجرای زنده با حضور ابوالحسن مختاباد (پژوهشگر موسیقی و آوازخوان) و سروان منهوی (نوازنده و آهنگساز)، ساعت ۶ تا ۶ عصر چهارمین شنبه هر ماه
 • آموزش سازهای مختلف توسط مدرسان مجرب به کودکان و نوجوانان و بزرگسالان به صورت هفتگی
 • برای اطلاع از برنامه‌های موسیقی با ایمیل Pr@iccnc.org و یا تلفن ۵۱۰-۷۱۵-۹۴۰۵-۹۱۶ تماس بگیرید

Andeeshah Farsi School's Open House & Registration

School days/hours: Saturdays, 9:30 am - 3 pm

1433 Madison Street, Oakland, CA 94612

www.iccnc.org

مدرسه فارسی اندیشه

ثبت نام کلاس‌های فارسی، اخلاق و هنر، سال ۲۰۱۷-۲۰۱۸

ساعت کلاس‌ها: شنبه‌ها ۹:۳۰ صبح الی ۳ بعد از ظهر

(510) 832-7600 hmogare@iccnc.org or info@iccnc.org



خدمات رسمی مرکز فرهنگی اسلامی شمال کالیفرنیا شامل عقد و ازدواج، طلاق، اسلام آوردن، و تدفین مورد تایید دفتر حفاظت منافع

1433 Madison Street, Oakland, CA 94612 www.iccnc.org (510) 832-7600
 info@iccnc.org or Pr@iccnc.org facebook.com/ICCNCORG Telegram: @iccnc



Marriage: The Islamic marriage ceremony and recitation of "Khotbeh Aghd" may be held at the Center or at another location of your choice. The Center will issue a marriage certificate that is accepted by the Interest Section of the Islamic Republic of Iran.



Divorce: The Islamic divorce ceremonies and recitation of "Khutbeh Talagh" are held at the Center. ICCNC will issue a Divorce Certificate that is accepted by the Interest Section of Islamic Republic of Iran.



Joining to Islam: ICCNC helps individuals interested in converting to Islam to go through the simple process. Also for those who require a document to show that they have officially become a Muslim, ICCNC will issue a certificate to this effect.



Islamic Burial: The Center provides complete funeral services. ICCNC has purchased burial sites at Chapel of the Chimes in Hayward, California in the Muslim Section.

کنند. سرافکنده و مغموم آنها دوست یا دشمن شما هستند خدا می داند؟ پایان بسیاری از رویاهای شیرین جز بیداری های تلخ نیست و مطمئن باشید تاریخ داوری خود را خواهد کرد. باید دید هزینه استخدام آقای کی روش چه ارزش و کارایی را دربرداشته است! گرچه او پیروز شده است و مردم بدنبال پیروزمندانند، اما مساوی در برابر سوریه بسیاری سوال ها را در اذهان عمومی برانگیخته است. آقای کی روش با اولین هوپیمایی که تهران را ترک می کند به کشورش پرتغال بازگشته است. او می گوید از سیاست، خشونت، گلو و جنگ و دعوا بیزار است. او فقط پولش را که خیلی هم کمک نیست می خواهد. آیا تاریخ بی دروغ و بی فریب چاره ای جز قبول آدم های حقیقی ندارد؟ می گویند بعد از آخرین بازی تیم ملی در برابر سوریه بسیاری از بازیکنان شوق و شور کودکانه بازی کردن برای تیم ملی را از دست داده اند.

بازیکنان می گویند زندگی خصوصی آنها در معرض تهدید قرار دارد. تلفن هوشمند، تابلت و کامپیوترها دستی شان اسرار زندگی خصوصی آنها را فاش می کند، انقلاب دیجیتالی عرضه، اطلاعات و فاش گری هاست که زندگی آنها را تهدید می کند.

دنباله مطلب در صفحه ۵۴

کم و بیش مملکت را بین خود تقسیم کرده اند. نفت و گازی که استخراج می شود و جز اموال عمومی محسوب می شود آنها به آن دسترسی دارند. همه چیز مال آنهاست، ورزش، فوتبال، سینما و حتی تمامی ایران. پول هایشان را در بانک های خارجی پس انداز کرده اند، هرگز از رسوایی های مالی و دزدی ها حرفی نمی زنند و ناگهان در رادیو آقای آرن قاسمی مترجم آقای کی روش حرف های او را ترجمه می کند. او بعد از شش سال که در ایران است هنوز فارسی حرف نمی زند. مترجمش می گوید، او گفته است من سیاسی نیستم، من مذهبی نیستم و در این میان هیچ نقشی ندارم. چه کسی این را می پذیرد، هرچیزی زمان می خواهد. ایران علیه سوریه هیچ کارشناسی این بازی را از یاد نخواهد برد!

فراموش نکنیم رفتن یا نرفتن به جام جهانی راه یافتن به قافله کشورهای پیشرفته فوتبال نیست و نخواهد بود. هم چنان که ماقبل از این چهار بار به جام جهانی رفته ایم و آب از آب هم تکان نخورده است. ویروس جام جهانی به سرعت رو به سردی گراییده است. بسیاری از مفسران و روزنامه نگاران همه چیز را به سلیقه شخصی خود تفسیر می



ورزش از نگاه من

احمد طوسی

Email: tousi1515@aol.com

چیزی را نشان می دهد! لژیونرها سعی می کنند زودتر به کشوری که در آن بازی می کنند برگردند. شادمانی صعود به جام جهانی معنی ندارد. فشار اسد در خاطره ها زنده می شود که حالا سرپا ایستاده است و از بازیکنانش که دشمن را دردم فشرده اند، تشکر می کند. همه مخارج تیم سوریه را ایرانی ها پرداخته اند و حالا بجز وحشت چه مانده است! یک نماینده مجلس می گوید از وزیر ورزش پرسید آیا این یک تباری بوده است! افتضاح بزرگتر اینکه دختران ایرانی با پرچم سوریه به ورزشگاه راه یافته اند تا بازی برادران ایرانی خود را ببینند و آقای یوسفی گزارشگر بازی گفته است ای کاش درب ورزشگاه ها را بروی زنان ایرانی باز کنند تا همه بدون ترس به ورزشگاه ها بیایند. چند روز بعد آقای یوسفی ممنوع التصوير می شود، چرا چرا چرا؟ واکنش همکاران او مثل خوردن خیار در سکوت است، کسی جرات حرف زدن ندارد. همه آنها

چشم هایم را می بندم و در خیال در بازار تهران قدم می زنم، صدای رادیو از همه مغازه ها بگوش می رسد. رادیو به تبلیغ های مذهبی می پردازد. از مشتری خبری نیست. همه از بازی فوتبال دیشب ایران در برابر سوریه حرف می زنند. در رادیو سردار آزمون می گوید: «چرا در لباسکنی آنها به ما فحش می دادند. ما که همه جور به آنها کمک کرده ایم. چگونه می گویند آنها دوستان ما هستند؟»

هر اتفاقی ممکن است بيفتد. آقای کی روش بشدت عصبانی است. تمام پنبه های او دیگر پنبه نیستند. او به همه غر می زند. مردی که رکوردهایش از میان رفته، چرا که تیم او گل خورده است. هرکس حرف بزند تاوانش را می پردازد. زندگی در دنیای وحشت ادامه دارد. بازیکن ملی می شوی، مشهور می شوی و هر لحظه ممکن است بهر بهانه ای بگیری. خودروهایی تا دندان مسلح در کنار درب های ورودی ورزشگاه چه

Rose XPRESS FLORIST

Flowers For All Occasions



Weddings



Anniversary



Birthdays

با سبک کاملاً متفاوت در طراحی گل ها

Free Wedding
Flower Consultation

100% Satisfaction Guaranteed

Whether you love a look that's elegant & natural, chic & modern,
or rustic & organic, our Designs are tailored to fit your style.



Funerals

(408) 771-6140 Same Day Delivery (408) 564-7175

rosexpressflorist@gmail.com www.rosexpressflorist.com

Hours
9am-7pm

3575 Stevens Creek Blvd. Suite C, San Jose, CA 95117

7 days a week

چند روزی از آن قضیه گذشت... و این گذشت زمان هم که چه نعمتی است... فتوحی، بی مهتری آقای رئیس را فراموش کرد، چرا که روزها با قیافه خندان مثل قراول‌ها این طرف و آن طرف می‌شد و به شوخی می‌گفت: «اگر درجا بنشیند تار عنکبوت می‌زند!»

اما دوستان عزیز، مسئله چیز دیگری بود... دو ماهی از پا سبک کردن عیال آقای فتوحی می‌گذشت که به سلامتی حکم ترفیع و انتقال جناب رئیس به سازمانی دیگر به امضای مقام وزارت رسیده و در یک صبح زمستانی مراسم کوچک تودیع و درود و بدرود با همکاران در کردید و سازمان تشکیل شد.

آقای رئیس ارتقا و ارتفاع یافته، از اطاق کدائی بیرون آمد و با همکاران با خوشرویی خداحافظی کرده و از کمبود و کاستی‌ها و کدورت‌هایی که در محیط خشک اداری باعث شده بود، معذرت خواست تا به آقای فتوحی رسید که طبق معمول پالتوی آقا را صلیب وار باز کرده پوشاندند و کلاهشان را دو دستی تقدیم کرده و در جواب ریاست که گفتند: «اگر شما هم از ما چیزی دیدی فراموش نکن...»

با صدای بلند به عرض رساند: «خیر قربان این من هستم که باید از شما حلالیت بطلبم!»

دنباله مطلب در صفحه ۵۶

خدمتگزاری کمی تاخیر بیفتد...! قرعه این حکم به نام مستخدم فتوحی که انسانی فقیر، ساده و در عین حال شوخ طبعی بود زده شد و او هم در طول ساعات اداری مثل تندیس جلوی درب اطاق ایشان میخکوب می‌نشست.

اما غرض از معرفی جناب رئیس و مستخدم آچمز شده، شرح مختصری از رابطه دوجانبه‌ای است که بین این دو شخصیت بالا و پایین‌نشین اداری رخ داد! یکی از روزها، خبر می‌دهند که خانم مستخدم فتوحی قدری کار وضع حمل را از موعد مقرر جلوتر انداخته و گویا همسایه‌ها محبت کرده، ایشان را به بیمارستان برده‌اند.

فتوحی سراسیمه به اطاق رئیس می‌رود و ضمن شرح ماجرا تقاضای یکی دو ساعت مرخصی می‌کند بلکه بتواند همسرش که تنها و بی‌کس به اطاق زایمان سپرده شده سری بزند، ولی مقام ریاست این تقاضا را رد نموده و می‌فرمایند: «خدمت اداری واجب‌تر است...» و اضافه می‌کنند: «اصلاً شاید در همین یکی دو ساعت آقای وزیر سری بزنند!»

فتوحی دل شکسته و نگران، آن روز را تا پایان وقت اداری، پشت در اطاق، این پا و آن پا می‌کند و البته همکاران و روسای دیگر شیوه عمل آقای رئیس را نپسندیدند.



عادت به تلافی

هایشان برگردانده ولی خودشان ساعت ۷ صبح در دفتر کار حاضر و تلفنی با پسران نازنینشان که در خارج تحصیل می‌کرد هر روز حدود یک ساعت مسایل خانوادگی را حل و فصل می‌کردند، البته به خرج اداره...!

خدمتتان عرض کنم، مستخدمین ادارات قاعدتاً خدمات چند منظوره مثل آبدارخانه، نظافت و برد و آورد نامه‌ها و دفاتر اداری را به عهده داشتند. آقای رئیس به یکی از آنها دستور داده بودند که در تمام ساعات اداری دم درب اطاق ریاست کشیک بکشد تا مبادا خدای ناکرده وزیر مربوطه سرزده یا نزده (نقهمیدیم کدام درست است!) به سازمان سری بزنند و ایشان در دستشویی جامانده یا پای تلفن و یا دستشان جای دیگر! بند باشد و بهر حال در عرصه

آقای «د» رئیس یکی از سازمان‌های وابسته به وزارت خانه‌ای، در پایتخت شخصی، باسواد و ظاهراً وظیفه شناس مبادی آداب و در عین حال لایجستیک بودند! در اجرای دستورات اداری سخت‌گیر و بی‌گذشت و مقررات را نه بخاطر نفس کار، که ترس از مقام وزارت انجام می‌دادند! تنها مترصد فرمان جناب وزیر و پته احدی را نمی‌خواندند و به قول «حافظ» بزرگ:

آن چه استاد ازل گفت، بگو می‌گفتند...!

به طوری که دوستان اداری، رئیس را آقای «هرچی مامان جونم بگه!» می‌نامیدند. مثلاً وقتی جناب وزیر بخشنامه کردند؛ همه کارمندان باید سر ساعت ۸ صبح پشت میزهایشان باشند، آقای رئیس چند مرتبه کارمندان را با چند دقیقه تاخیر به عنوان غیبت غیرمجاز به خانه



Immigration & Translation Services

۱۳۱۸-۵۵۴-۴۰۸

شرکت ساعی

مشکل گشای شهر شما



👉 کارت سبز، ویزای نامزدی

👉 امور مربوط به دفتر حفاظت ایران

👉 ترجمه کلیه مدارک، عکس گذرنامه

👉 تشکیل شرکت‌ها

👉 تعویض نام

تابعیت

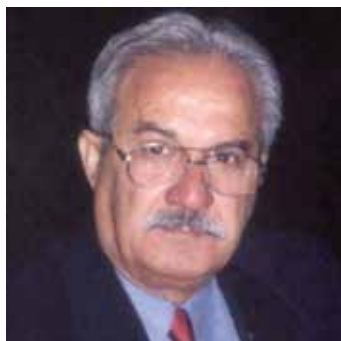
www.saeicompany.com

I am not an attorney

(408)554-1318

برای اطلاعات بیشتر با آقای داریوش گیلانی تماس بگیرید

940 Saratoga Ave., Suite #112, San Jose, CA 95129



زنده یاد «پرویز شفا»

آماده چاپ دارد که یکی از دانشجویان وفادارش، آقای ناصر زراعتی، که از نزدیک با ایشان همکاری داشته و دارد، درصدد به سرانجام رساندن آنهاست.

تر دانشگاهی اش را درباره «سینمای نئورئالیسم ایتالیا» به انگلیسی نوشت که باید به فارسی ترجمه شود و اصرار من در طول سالیان که آن را ترجمه کند همواره به تعویق می افتاد که باید این مهم نیز انجام شود.

مطلبم را با عنوان تیترا مقاله ارزنده ای که «اردوان تراکمه» در روزنامه «شرق» نوشت به پایان می رسانم:

پرویز شفا «زنده» است.

با سپاس از کلیه دانشجویان و کسانی که یاد این انسان بزرگ را گرامی می دارند.

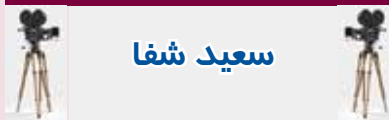
لوک گذار» باعث شد تا یک سری مقاله درباره کارهای او که سیاسی بود چاپ کند که در آن زمان سابقه نداشت. در همین زمان، سینما نووی برزیل را با «گلابروشا» معرفی کرد، از بونوئل و فیلم هایش خوشش می آمد و مقالات متعددی درباره او به چاپ رساند. دوست داشت درباره سینمای سیاسی فرانسه صحبت کند و این را در مصاحبه ای که با روزنامه اطلاعات در تاریخ ۲۶ اسفند ۱۳۵۳ داشت بازگو کرد. سینمای انقلابی کوبا و «توماس گوئیزر آلیا» را معرفی کرد. از تحقیق و کنکاش هیچگاه دست برنداشت، حتی در ایام سخت بیماری. خانه اش از کتاب پر بود. روزهایش را با خواندن روزنامه نیویورک تایمز آغاز می کرد و بعد به نشریات دیگر می پرداخت و در عین حال هر گوشه خانه اش کتابی نیمه باز بود که می خواند و نت هایی در حواشی شان می نوشت.

با تمام علاقه موفقیت دانشجویانش را پی گیر می شد و این بهترین خوشحالی برایش بود.

گرچه این اواخر بیماری حوصله چندانی برای قلم دست گرفتن برایش نگذاشته بود، اما گهگاه مطالبی را ترجمه یا می نوشت که برخی هنوز چاپ نشده اند. چند کتاب هم

برادرم «پرویز شفا»

سعید شفا



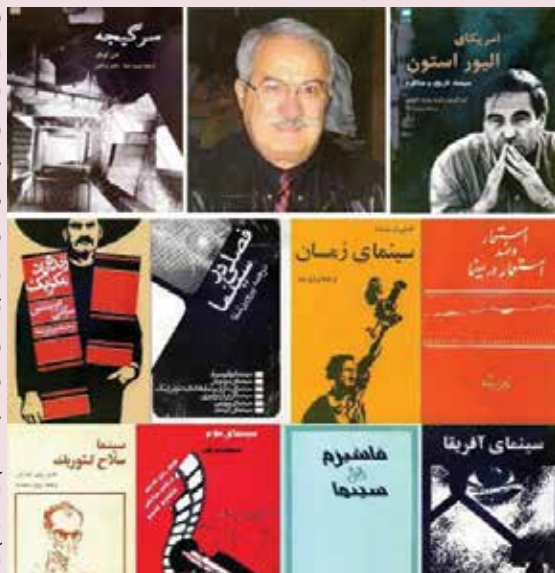
تاریخی ایران پرداخت و پس از آن به تدریس در دانشکده هنرهای دراماتیک مشغول شد که اوج کارهای او را نیز از نگارش مقالات متعدد و ترجمه های بی شمار شامل می شود.

از آنجا که در ایران ادبیات خوانده بود و به گنّه زبان فارسی به خوبی آشنا بود، با

فراگرفتن زبان انگلیسی توانست بهترین مقالات و کتاب هایی چون: زنده باد مکزیک، فصلی در

سینما، سینمای سلاح تئوریک، و ضداستعمار در سینما، سینمای فاشیزم چریکی، در سینما، سینمای آفریقا، سرگیجه هیچکاک، آمریکای آلبور استون، جنگ

برادر ارجمندم پرویز شفا، نویسنده، مترجم، پژوهشگر، استاد و رئیس دانشکده هنرهای دراماتیک، سه شنبه ۲۲ اوت در بیمارستانی در نزدیکی شهر سانفرانسیسکو دنیای پرجفای ما را ترک گفت. مدت ها بود که با بیماری در کلنجار بود. بعد از عمل پیوند کبد که سال



نیرویی که به ما معنی می دهد... را نوشته و یا به فارسی برگرداند و موج جدیدی را در ادبیات سینمایی ایران به وجود بیاورد.

پرویز شفا نخستین نویسنده و مترجم سینمایی بود که مسایل سیاسی را در این ژانر در ایران وارد کرد و با معلومات عمیقی که درباره تاریخ و مطالعاتی که درباره جریانات سیاسی روز دنیا داشت توانست دریچه ناگشوده ای را به روی جوانان تشنه مطالب جدی باز کند و به همین دلیل هنوز هم بعد از سال ها، آن مطالب و کتاب ها، تازگی خود را حفظ کرده اند و کسی نیز نبوده که بتواند با معلومات و اطلاعات وسیع پرویز شفا، خلاء بعد از ایشان را پر کند. پرویز شفا با آثاری که از خود باقی گذاشت راهگشایی بود که نسلی از فیلمسازان ایران را با جریانات روز سینمایی جهان آشنا کرد.

پرویز شفا بود که برای نخستین بار سینمای آفریقا و «عثمان ثمین» را در ایران معرفی کرد و علاقه اش به «ژان

ها پیش داشت و میزان داروهای که باید روزانه مصرف می کرد و رفت و برگشت به بیمارستان در ماه های اخیر، او را سخت کلافه کرده بود و نمی خواست در عین حال برای کسی مزاحمتی ایجاد کند. برای همین از دکترهایش خواست تا مداوای او را قطع کنند. باوجود اینکه ما با این تصمیم او مخالف بودیم ولی به خواسته خودش آن چه را که می خواست عملی کرد. کلیه افراد خانواده در هنگام ترک او پیرامونش بودیم و با دلی پردرد شاهد لحظات آخرش. انسانی که با خصایل والا، دنیایی را ترک می کرد که هنوز خیلی ها به او نیاز داشتند.

برادرم متولد مشهد بود. بعد از تحصیلات دبیرستانی عازم آمریکا شد و در آنجا ابتدا در کالج «نایا» و بعد دانشگاه ایالتی سانفرانسیسکو رشته سینما را به پایان رساند. زمانی که جنگ ویتنام در اوج خود بود و «ووداستاک» سر زبان ها، در ابتدای بازگشت به ایران، چند صبحی در تلویزیون، بعد در وزارت فرهنگ و هنر، به ساختن فیلم های مستند از بناهای

شیوا موزون

وکیل رسمی دادگستری



Shiva Moozoun

Attorney at Law

♦ دفاع در برابر IRS, FTB, BOE

♦ تشکیل ثبت و انحلال شرکت ها ♦ برنامه ریزی و آماده کردن اظهارنامه های مالیاتی برای اشخاص و شرکت ها ♦ تهیه و تنظیم وصیت نامه و تراست

♦ تهیه و تنظیم انواع قرارداد و اسناد حقوق ♦ آماده کردن فرم های مهاجرت

♦ IRS, BOE, FTB disputes ♦ Business, Corporation, Nonprofit Formation ♦ Tax preparation for individuals and small businesses, Trusts, Estates, Nonprofit ♦ Will, Trust, Estate Planning, Probate ♦ Draft/ Review/Renew legal contracts ♦ Immigration Services

Cell: (415) 314-1003 ♦ Office: (800) 493-7065

3550 Stevens Creek Blvd, Suite 340, San Jose, CA 95117

شاهزاده و دختر خدمتکار

سال ها پیش در چین باستان شاهزاده ای تصمیم به ازدواج گرفت. با مرد خردمندی مشورت کرد و تصمیم گرفت تمام دختران جوان منطقه را دعوت کند تا دختری سزاوار را انتخاب کند. وقتی خدمتکار پیر قصر ماجرا را شنید به شدت غمگین شد. چون دختر او مخفیانه عاشق شاهزاده بود، دخترش گفت او هم به آن مهمانی خواهد رفت. مادر گفت: «تو شانس نداری، نه ثروتمندی و نه خیلی زیبا.» دختر جواب داد: «می دانم هرگز مرا

گذاشته‌ایم و ایشان به دلیل عمل کمر، باید بیشتر حرکت کند، مثل بچه‌ها از زیر این کار فرار می‌کند و فقط فرمان می‌دهد. از صبح مثل یک فرمانده می‌گوید: (بدو قلم قرمز را بیا،) و من بی‌اختیار میدوم و قلم قرمز را میارم. هنوز قلم قرمز را نگرفته، فرمان می‌دهد: (اون کاغذها را روی میز بگذار!) کاغذها را روی میز نگذاشته‌ام که فرمان می‌دهد: (بدو پست را بگیر.) پست را به دستش میدم، فرمان می‌دهد: (کتاب تذکره الاولیا را سر جایش بگذار!) تا کتاب را سر جایش گذاشتم صدایش را می‌شنوم

که می‌گوید: (راستی مجله پاری مارچ را تو ماشین جا گذاشته‌ام؛ بدو بیا،) خلاصه با دستگاه کوچکی که به بازویم بسته‌ام و مسافت را نشان می‌دهد، دقیقاً روزی سه مایل میدوم. چون همه این کارها را با سرعت انجام می‌دهم که بتوانم به بقیه کارها برسم.» دکتر هندی در حالی که از تعجب انگشت به دهان مانده بود، من را تا دم در بدرقه کرد و گفت: «حالا متوجه شدم. خانم، لطفاً از این به بعد، کمتر بدوید و از این لاغرتر نشوید.» این بود داستان فرماندهی در خانه ما.

دنباله مطلب در صفحه ۵۳



نوشخند و پوزخند
لیخند و زهر خند

عزت گودرزی (الهی)

etratelahi@aol.com

آخرین داروی لاغری

میدوید؟! چون یادم هست که شما برای استرس تست نتوانستید روی تردید میل بدوید.» گفتم: «آقای دکتر، شوهر من نویسنده است و سابقاً سردبیر یک مجله ورزشی بوده.» دکتر نگاهی مثل نگاه عاقل اندر سفیه به من کرد و پرسید: «خوب این چه ربطی به دویدن شما دارد؟»

گفتم: «صبر کنید، الان ربطش را می‌فهمید. او نویسنده ورزشی بوده و در اغلب المپیک‌ها و بازی‌های آسیایی حضور داشته و ورزشکاران را تشویق می‌کرده ولی خودش از ورزش کردن متنفر است و حتی از حرکت کردن زیاد بیزار است. رفقاییش به شوخی به او ورزشکار روزنامه‌ای می‌گفتند. و حالا که ما دوران میانسالی را پشت سر

چند ماه پیش برای چک آپ سالیانه قلب به دکتر رفته بودم. دکتر هندی بسیار با نمکی است که مدت‌هاست ما را می‌شناسد و مریضش شده‌ایم. بعد از معاینه من، با رضایت لیخندی زد و گفت: «خانم، به شما تبریک می‌گم. وضع قلبتان بسیار خوب است بخصوص که شما خیلی خوب لاغر شده‌اید و ساینز کم کرده‌اید.» بعد دوباره خودش اضافه کرد: «البته می‌دانم که شما زیاد ورزش می‌کنید ولی این پانزده پوند وزن کم کردن برایم کمی عجیب است.»

گفتم: «دکتر، من غیر از رفتن به جیم، روزی سه مایل هم می‌دوم.» نگاه تحسین آمیزی به من کرد و گفت: «سه مایل؟ آفرین، اما شما که گرفتاری زانو دارید، چطور می‌تواند سه مایل در روز



هنرستان موسیقی نژاد

آموزش تمامی سازهای موسیقی (ایرانی و غربی) برای رده سنی ۴ تا ۸۴ سال

Individual & Group Lessons for All with Persian Traditional & Western Instruments



(408)559-7864

Cell: (408)771-3996

کلاس های خصوصی و گروهی

14505 Union Ave San Jose, CA 95124

www.nejadmusic.com

قفس

صادق چوپک

لب جو، نزدیک قفس، گودالی بود پر از خون دل‌مه شده یخ بسته که پر مرغ و شلغم گندیده و ته سیگار و کله و پاهای بریده مرغ و پهن اسب توش افتاده بود. کف قفس خیس بود. از فضل مرغ فرس شده بود. خاک و گاه و پوست ارزن قاتی فضلها بود. پای مرغ و خروسها و پرهایشان خیس بود. از فضل خیس بود. جایشان تنگ بود. همه تو هم تپیده بودند. مانند دانه های بلبل بهم چسبیده بودند. جا نبود کز کنند. جا نبود بایستند. جا نبود بخوابند. پشت سرهم تو سرهم تک میزدند و کاکل هم را میکندند. جا نبود. همه توستی می خوردند. همه جایشان تنگ بود. همه سردشان بود. همه گرسنه شان بود. همه با هم بیگانه بودند. همه گند بود. همه چشم به راه بودند. همه مانند هم بودند و هیچکس روزگارش از دیگری بهتر نبود.

آنهایی که پس از توستی خوردن سرشان را پائین می آوردند و زیر پر و بال و لاپای هم قایم میشدند، خواه ناخواه تکشان تو فضلها کف قفس میخورد. آنوقت لب جو، نزدیک قفس، گودالی بود پر از خون دل‌مه شده یخ بسته که پر مرغ و شلغم گندیده و ته سیگار و کله و پاهای بریده مرغ و پهن اسب توش افتاده بود. کف قفس خیس بود. از فضل مرغ فرس شده بود. خاک و گاه و پوست ارزن قاتی فضلها بود. پای مرغ و خروسها و پرهایشان خیس بود. از فضل خیس بود. جایشان تنگ بود. همه تو هم تپیده بودند. مانند دانه های بلبل بهم چسبیده بودند. جا نبود کز کنند. جا نبود بایستند. جا نبود بخوابند. پشت سرهم تو سرهم تک میزدند و کاکل هم را میکندند. جا نبود. همه توستی می خوردند. همه جایشان تنگ بود. همه سردشان بود. همه گرسنه شان بود. همه با هم بیگانه بودند. همه گند بود. همه چشم به راه بودند. همه مانند هم بودند و هیچکس روزگارش از دیگری بهتر نبود.

آن منجلب نبودنباله مطلب در صفحه ۵۲

سیر و سفری

در

گلستان ادب پارسی

گردآوری و نگارش: پرویز نظامی



شیخ مصلح الدین سعدی

آثار خودش برمی آید در این سفر با شمس الدین صاحب دیوان جوینی و برادر او ملاقات نمود و در خدمت آباقاخان سلطان مغول به عزت و احترام پذیرفته شد. سعدی در شرح این ملاقات چنین نوشته است: «روزی عزیمت خدمتشان کردم، ناگاه ایشان را دیدم با پادشاه روی زمین اباقا برنشسته بودند- به رسیدن ایشان من در آن عزم بودم که به گوشه ای فرو روم که ایشان هر دو از اسب به زیر آمدند و روی به من نهادند، چون برسیدند تلافی فرمودند و خدمت به جای آوردند و زمین ببوسیدند. چون به نزدیک من برسیدند بوسه بر دست و پای من نهادند و از رسیدن این ضعیف خرمی ها کردند.»

ملاحظه کنید که سعدی در زمان حیات خود چه مقام و شهرت و عظمتی داشته که سلطان مغول و وزیر صاحب نفوذش به دیدن او از اسب پیاده می شوند و به پای او می افتند و بر دست و پایش بوسه می زنند. در تاریخ فرهنگ ایران کمتر بزرگ مردی را می توان یافت که در زمان زندگی خودش تا این حد مورد تکریم و احترام و ستایش قرار گرفته باشد. لازم است توضیح دهیم که این اباقا سلطان مغول همان مرد خشن و خونخواری است که وقتی معین الدین پروانه حاکم مناطق روم که مردی دانش پرور و متنفذ و دادگستر و از مریدان مولوی نیز بود متهم به همکاری در جنگ با سلاطین مصر شد برای مجازات او آباقا دستور داد او و تمام ۳۵ تن اعضاء خانواده اش را به فجیع ترین وضعی کشتند، اجسادشان را قطعه قطعه کردند، در دیگ پختند و مغولان آنها را خوردند. روایت است که اباقا نیز شخصا در این آدم خواری شرکت داشت.

وفات سعدی را در مآخذ گوناگون سال های ۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۴، ۶۹۵ نوشته اند. ماه ذالجه سال ۶۹۰ در غالب مآخذ ذکر شده تر به دوران حیات سعدی مکرر ذکر شده و مورد تأیید حمدان مستوفی در تاریخ گزیده، تاریخ کبیر جعفری تاریخ شیخ اویس تألیف ابوبکر قطبی اهری- تذکره دولتشاه سمرقندی و بالاخره زنده یاد استاد سعید نفیسی می باشد.

ارلام راور

سعدی در داستان دیگری از سفرهش حکایت می کند «در خندق طرابلس» به کار کلم بداشتند، خوشبختانه پس از مدتی بازرگانی که او را می شناخت و از درجات دانش و معرفتش آگاه بود پولی می دهد و او را می خرد و از بردگی نجات می دهد و به خانه خودش می آورد. این بازرگان پس از مدتی دخترش را به همسری به سعدی می دهد. دختر دیرزمانی نمی گذرد که ناسازگاری و سرزنش آغاز می کند و زندگی را بر سعدی بسیار تلخ و ناگوار می سازد. قصه از چاله به چاه افتادن است. سعدی شرح حال زندگی اش را از این حادثه چنین توصیف می کند:

شیندم گوسفندی را بزرگی

رهانید از دهان و چنگ گرگی

شبانگه کارد بر حلقش بمالید

روان گوسفند از وی بنالید

که از چنگال گرگم در ریودی

ولیکن عاقبت گرگم تو بودی

سفری که سعدی در حدود سال ۶۲۰ تا ۶۲۱ آغاز کرده بود مقارن سال ۶۵۵ هجری قمری یعنی پس از ۳۵ سال با بازگشت به شیراز پایان گرفت. در مراجعت به شیراز سعدی در شمار نزدیکان اتابک سعدبن ابی بکرین سعدبن زنگی درآمد ولی نه به عنوان یک شاعر درباری و علیرغم مدح پادشاهان آن سلسله و نیز ستایش عده ای از رجال شیراز و یا خارج از شیراز، زندگی را به آزادی و ارشاد و خدمت به مردم در کنار شیخ کبیر شیخ ابوعبدالله خفیف می گذرانیده و با حرمت بسیار زندگانی را به سر می برده است. عظمت مقام او در شعر و نثر و اخلاق و حکم باعث شد که درباره وی و نحوه زندگانش روایاتی افسانه مانند رواج یابد که نمونه هایی از آنها را می توان در کتاب تذکره الشعراء سمرقندی مطالعه کرد. به هر حال عمر سعدی در شیراز به نظم قصائد و غزلها و تالیف رسالات مختلف و شاید هم به وعظ و تدریس می گذشت و در این دوره یک بار سفری نیز به مکه کرد و از راه تبریز به شیراز بازگشت. به طوری که از

حمید ابطاحی

متخصص و مشاور در امور سرمایه گذاری
خرید و فروش املاک مسکونی و تجاری



Hamid Abtahi

منطقه

منطقه

منطقه

آگاهی و شناخت درست از آخرین تغییرات و تحولات
در امور خرید و فروش خانه و املاک، مهمترین مسئله
می باشد. من می توانم شما را در این امر مهم مطلع نمایم!

Location! Location! Location!

Why Do You Pay Rent?!

Whatever my client's goals, my goal is to make it happen.

I am an expert seeking to add value to your next transaction.

hamid@true-vision.com F DRE# 01071456



(408)366-2180 F (408)253-5100

12376 Saratoga Sunnyvale Rd. Saratoga, CA.95070

منطقه فضول آباد

چطور میشه آدم همین جوری منفور میشه!

- خوب کردی اینو پرسیدی به دلیل این کاراشون، حوصله داری گوش کن:
- هرجا میرن از همه دیر تر میرن، تا صدای همه دربیاد و گشنگی بکشند، تا او هم بیاد.
- هرجا میرن، میون همه تنها او هست که یک ریز از خودش و حتی از مرغاش تعریف میکنه.
- تو هر مجلسی خودشو الکی می گیره و به صحبت های هیشکی گوش نمیده.
- همه جا آشفته و بدلباس و بی ریخت میره.
- همه جا ابلهانه فکر می کنه دانشمند محترمه و تا میتونه بی دلیل قاطی و قلمبه حرف میزنه طوری که هیشکی نفهمه چی میگه.
- هیچ جا دست تو جیبش نمی کنه. میخواد مفت خور باشه.
- بد اخلاقه، بد دهن و لیچار گو.
- در خسیسی نمره اوله. بو گدائی میده.
- اینقدر نفرت آوره که هیشکی دوست نداره پیش او بشینه.
- فقط دنبال پیدا کردن عیب های مردم می گرده.
- وقتی بین دونفر اختلاف بیفته کامیون کامیون هیزم میاره تا آتیش رو روشن تر کنه.
- استعداد فراوان جاسوسی داره.
- همه جا دنبال شر می گرده.
- همه رو بی دلیل مسخره می کنه.
- دروغاش طوری که آدم شاخ درمیاره.
- واقعا دوتا دوست هم نداره، حتی فامیلاش از او فاصله می گیرند.

متأسفانه این نگفتن نمی دانم بین ما فراگیر است. از دوستی کمک می گیری که بیاید کامپیوترت را برات درست کنه. عوض اینکه بگه بلد نیستم، می آید و محبت می کنه و خوب آنرا بهم می ریزه و بکلی خرابترش می کنه تازه دست آخر می فرماید «من از کامپیوتر تو خیلی سر در نمی آورم. طوری خرابش کردی که دیگه قابل درست شدن نیست.»

دنباله مطلب در صفحه ۵۴

مشقی تازه در روزهای غربت

حسینعلی مکوندی

فریمانت-کالیفرنیا

e-mail: ha@makvandi.com



خیلی موارد فرق بنیادی دارد. خود من بارها مطالبی در همین فریمانت از افراد مختلف پرسیده ام و اگر جواب را نمی دانستند بدون معطلی و با لبخند گفتند: «نمی دانم.»

بیاد دارم در همان سال ها روزی به استادی بنام دکتر ملکشاهی گفتم: «جناب استاد ما چند روز دیگه با شما امتحان داریم. من این بحثی را که تحت عنوان اتحاد عاقل و معقول در ظرف ذهن در درستان فرموده بودید و ما نوشتیم، تا حالا چندبار آنرا خواندم. چیز درستی من نفهمیدم. چه کار باید بکنم؟» گفت: «ناراحت نباش. همان مزخرفاتی که من برایتان گفتم بنویس کافیه.» حالا که گذشت، اما خودمانیم این جواب منطقی و گره گشا مشکل من بود. البته ما اهل انصافیم. همه استادان اینطور نبودند، مانند دکتر آریاپور، دکتر حمیدی، دکتر شیبانی، دکتر گلشن و غیره. بهرحال یاد همه شان بخیر.

چرا وقتی پاسخ سوالی را

نمی دانیم نمی گوئیم، نمی دانیم؟
سالی که دانشجو بودم دکتر عالیخانی رئیس دانشگاه تهران بود. روزی نمایندگان دانشجویان دانشکده های مختلف را به دفترش دعوت کرد و اجازه داد آنها نظراتشان را در حضور او مطرح کنند. یادم میاد نماینده دانشجویان دانشکده علوم اداری به ایشان گفتند: «جناب دکتر، چرا هر وقت ما از استادی سوالی مطرح می کنیم و ایشان پاسخ درست پرسش ما را نمی دانند، نمی گویند نمی دانیم، طفره می روند و ما را بلاتکلیف می گذارند؟» دکتر عالیخانی در جواب آن دانشجو گفت: «ما که در پاریس درس خواندیم و استادان ما اینطور نبودند. اگر سوال ما را نمی دانستند می گفتند نمی دانیم.» بهرحال چرا همه ما غالباً همین عادت غلط را داریم! در حالیکه ما که اینک در کالیفرنیا زندگی می کنیم عملاً می بینیم اینجا خصوصیاتشان با ما در



انجمن آذربایجانی های شمال کالیفرنیا

غیر انتفاعی، فرهنگی، هنری و بدون وابستگی سیاسی و مذهبی!

با هدف ترویج و گسترش فرهنگ و هنر آذربایجان

برنامه های انجمن: برپایی جشن های ملی، تفریحی، کمپینگ و پیک نیک، مسابقات تخته نرد، شب های

شعر و موسیقی، برنامه های هنری، کلاس های زبان ترکی و انگلیسی، کلاس های رقص و موسیقی

خدمات و مشاوره رایگان در امور: مهاجرت + کاریابی و مسکن + انجام خدمات اولیه برای افراد تازه وارد به آمریکا

+ سرمایه گذاری + خرید و فروش املاک + مشاوره در امور تحصیلی + مشاوره در امور خانوادگی

برای اطلاعات بیشتر لطفاً با ما تماس حاصل فرمایید!

e-mail: secretary@acsnc.org

(408)858-9862

website: www.acsnc.org

عضویت در این انجمن بدون شرط سنی، عقیدتی، سیاسی و ملیتی می باشد!

Azerbaijan Cultural Society of N. California

16400 Lark Ave., Ste. #260, Los Gatos, CA 95032

اما هرگز فکر شیعه علوی او در جوهر حکومت اسلامی جایی نیافت. شریعتی، شاهان صفوی را که شیعه بودند، کلب آستان علی بودند، در راه گسترش کیش شیعه با سنی های عثمانی دائم جنگ و جدل داشتند، به دلیل این که شراب می خوردند، بنگ می کشیدند و در حال پیشیمانی رباعی می فرمودند که:

یک چند پی زمرد سوده شدیم

چندی به عقیق ناب آورده شدیم

آلودگنی بود، به هر روی و گذشت

شستیم به آب توبه آسوده شدیم

قبول نداشت و آنها را فاسد و بدکاره و خائن به تشیع علوی می دانست.

وقتی خبر دستگیری سردار رضازاری را در حال اقامه نماز معروف خواندم، دلم به حال علی شریعتی سوخت. چون دیدم این لوتر شیعه واقعا این بار شهید شیعه صفوی شده و جای آن دارد که برایش مجلس عزایی بگیریم و از آن خانم هایی که «قبله حاجت و محراب دعا» سردار زارعی بوده اند، بخواهیم زلف آشفته و خوی کرده و خندان لب و مست، بر مزار شهید شریعتی پیرهن چاک و غزلخوان و صراحی در دست رقصی چنان کنند که او سر از لحد بر دارد.

می دانست و سلطنت صفویان را لطمه ای به شیعه علوی به حساب می آورد.

اسلام او تعبیر قند و عسل واری از شیعه ای بود که رمانتیک است و احساساتی و من بسیاری از جوانان را می دیدم که «شریعتی جوان» برایشان معنای دیگری از اسلام را آورده بود و نه تنها در ایران که در سراسر جهان، شریعتی ستاره یا به قول این آمریکایی ها ستاره ساز و ستاره باز IDOL آنها بود. اما امام سیزدهم و راحل، اصلا میانه خوشی با این تعبیر شریعتی نداشت و حتی وقتی به او گفتند که شریعتی به سکنه قلبی در گذشته در لندن را، به عنوان شهید رژیم شاه معرفی کند و به این کار تن نداد و فرمود که او را ببرند در زینبیه سوریه به خاک سپارند و دیگر در محضر مبارکش اسم او را به زبان نیاورند. چرا که اسلام او از لونی دیگر بود و تعبیر شریعتی، اسلام رمانتیک احساساتی را ارائه می داد که مدت زمانی به کار بانیان جمهوری اسلامی می خورد و حداکثر لطف در حق او این بود که خیابان قدیم شمیران را به نام او «خیابان شریعتی» نامیدند و اینجا و آنجا مجسمه هایی از او برپا کردند.

یادداشت های بی تاریخ

صدرالدین الهی



شهادت شیعه علوی شریعتی

مطلوب جوانان آن روز بود. او در اصل در دانشگاه فردوسی مشهد تدریس می کرد و دکتر جلال متینی رئیس وقت این دانشگاه در کتاب دقیق و مستندی تحت عنوان: «دکتر علی شریعتی در دانشگاه مشهد (فردوسی)» که توسط انتشارات آرش در سوئد منتشر شده به دقت او را معرفی کرده است.

یکی از مصطلحات شریعتی «شیعه صفوی» در برابر «شیعه علوی» بود. وی اعتقاد داشت اسلامی که پادشاهان صفوی به ضرب شمشیر بر ایران مسلط ساخته اند نه آن اسلامی است که امام علی به ضرب شمشیر به جهانیان عرضه داشته است. او این اسلام صفوی را به دلیل خرافات و نیز توجه بیش از حد به اعمال سکسی و حرمسرای، منحط و فاسد

دکتر علی شریعتی را من هرگز نه دیده و نه پای منبر خطابه هایش نشسته بودم. اما می گفتند هم خوب حرف می زدند و هم برای حرفهایش خوب استدلال می کند. در اوایل دهه پنجاه بازار گرمی داشت و در حسینیه ارشاد یک قدمی خیابان «کتابی» که دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی در آن واقع بود، حرف می زد و تنی چند از شاگردان ما از مستمعین پر و پا قرص او بودند و گاهی سری به من می زدند که: «آقا، این مارتین لوتر کینگ اسلام است»، و برخی حتی از این هم تندتر می رفتند و او را خود «لوتر» و برتر از «کالون» می دانستند. مرحوم دکتر شریعتی به دلیل نگاه خاصی که به اسلام داشت و تقریباً با نوعی اسلام مبارزه به میدان آمده بود،

Find Iranian Businesses Faster

iranany.com

Available on the Google play

Available on the App Store

Laser Beauty Center

با مدیریت ندا امیری با بیش از ۱۶ سال سابقه

Laser Hair Removal

از بین بردن موهای زائد بدن با لیزر
برای هر گونه پوست روشن و تیره



مشاوره اولیه رایگان

- ◆ جوان سازی پوست با استفاده از لیزر
- ◆ از بین بردن موهای زائد بدن با استفاده از لیزر
- ◆ کشیدن پوست بدون جراحی با استفاده از لیزر

- ◆ Laser Skin Rejuvvenation
- ◆ Laser Hair Removal
- ◆ Titan (Skin Tightening)

Neda Amiri R.N.

(408) 370-3882

1848 Saratoga Ave., #6A, Saratoga, CA 95070

چرا نباید افسانه "Good Debt" را باور کنید!

آرش زاد arash@zenithfg.com
کارشناس-داری بورد تخصصی تعمیر اعتباری



به طور کلی بالا می رود. البته، پس از سقوط ارزش در سال ۲۰۰۸ می دانیم این اتفاق همیشه رخ نخواهد داد. با اینکه ارزش املاک به طور پیوسته بعد از سقوط (در برخی نقاط کشور) بالا رفته است، پرواضح است که سقوط ارزش املاک هر لحظه امکان دارد دوباره اتفاق بیفتد. ادعای اینکه می توانید به طور کلی روی افزوده شدن ارزش املاک حساب کنید، غیر مسئولانه است.

با این حال، بیایید تصور کنیم بهترین حالت اتفاق می افتد و ارزش املاک بالا خواهد رفت. در این حالت هم امکان دارد با گرفتن وام مسکن شکست بخورید. من هنوز هم نمی توانم به این وام «Good Debt» بگویم ولی در مواقعی که چاره ای ندارید، یک امر ضروری است.

در اینجا چند نمونه بیشتر از آنچه که معمولاً «Good Debt» و «Bad Debt» نامیده می شود، آورده شده است.

بدهی یک موضوع بحث برانگیز است. بیایید راجع به آن صحبت کنیم. هنگامی که مردم در مورد «Good Debt» صحبت می کنند معمولاً به معنای بدهی است که ارزش ایجاد می کند. به عبارت دیگر، نوعی از بدهی است که امیدوارانه قرار است در آینده ثروت ایجاد کند. مثالی که اغلب از آن استفاده می شود، وام دانشجویی است. تصور می شود با گرفتن وام برای تحصیل، اطمینان پیدا می کنید که با استفاده از آن دانش، یک شغل بهتر داشته باشید و در نتیجه ثروتمند می شوید. این تصور تا زمانی ادامه دارد که در وسط یک بحران وام دانشجویی هستیم که در آن مردم برای ادامه تحصیل گرفتار بدهی های عظیم هستند و هنوز هم قادر به پیدا کردن شغل مناسب برای پرداخت این وام نیستند.

مثال دیگر این مطلب وام مسکن است، زیرا اغلب گفته می شود که ارزش املاک

اصلاح کردیت پس از ورشکستگی

مانی حاتمی
کارشناس-داری بورد تخصصی تعمیر اعتباری
mani@zenithfg.com



غیر ممکن می سازد، زمانی که شما دچار ورشکستگی می شوید، باید مطمئن شوید آن اتفاق هرگز دوباره رخ نمی دهد. تنظیم کردن و نگه داشتن بودجه راهی خوب برای انجام این کار است.

هنگامی که مرحله قبل را انجام دادید، وقت آن رسیده که یک کردیت کارت دیگر بگیرید. داشتن سابقه کردیتی فعال برای کردیت اسکورتان حیاتی است و شما باید نشان دهید که قادر هستید مسئولیت یک کردیت کارت را به عهده بگیرید. ممکن است نیاز داشته باشید که با یک کردیت کارت secured شروع کنید، اما نباید به زمانی که طول می کشد توجه کنید. زیرا ارزش این کار را دارد. مقاله ای قبلاً برای انتخاب یک secured کردیت کارت مناسب نوشته ایم که می توانید از آن مقاله هم کمک بگیرید. برای پیدا کردن مقاله مربوطه به سایت Credit 101. مراجعه کنید و یا نرم افزار موبایل ما را با نام Credit 101 نصب کنید.

از اینکه هیچ Payment را در کردیت کارت جدید از دست نمی دهید اطمینان حاصل کنید. در صورت امکان، پرداخت صورتحساب اتوماتیک را راه اندازی کنید تا از اینکه هیچکدام از Payment هایتان دچار تاخیر نمی شود، اطمینان حاصل کنید. زیرا به طور قابل توجهی به اسکورتان آسیب می رساند. به همین ترتیب، اگر وامی دارید که discharge نشده، از اینکه در اسرع وقت آن را پرداخت می کنید مطمئن شوید. یکی از نمونه های آن می تواند یک وام دانشجویی باشد.

در نهایت، سعی کنید بالانس کردیت کارت خود را تا زمانی که اسکورتان اصلاح شود پایین نگه دارید. حفظ نسبت کردیت به بدهی مهم است. شما می توانید اطلاعات بیشتری در مورد مصرف کردیت را با خواندن مقاله ما با موضوع «حفظ نسبت بالانس کردیت به محدودیت» بدست آورید.

فراموش نکنید مشاوره با کارشناسان کردیت همیشه می تواند برای شما راه حل جدید را بوجود آورد.

<https://bettercreditblog.org/credit-repair-after-bankruptcy>

یکی از سخت ترین کارها در مورد اعلام ورشکستگی زمانی است که درست پس از روند اتمام آن می آید. این زمان به همان اندازه که می تواند تسکینی برای خلاص شدن از بدهی باشد، می تواند بقیه عمر شما را تحت تاثیر قرار دهد. این موضوع همچنین می تواند آغاز یک چالش جدید بزرگ باشد: اصلاح کردیت.

فراموش نکنید به عنوان فردی که سالیان سال تجربه در ترمیم و تصحیح کردیت دارم، برای اینکه می دانم اعلام ورشکستگی چقدر می تواند به کردیت یک نفر ضربه وارد کند، به همین جهت این کار را به کسی پیشنهاد نمی کنم. اما قبول می کنم که شاید در مواقعی چاره ای جز آن هم نیست!

به علاوه، حتی اگر میلیون ها آمریکایی در سال های اخیر اعلام ورشکستگی کردند، اما هنوز هم برای بسیاری از موسسات مالی یک لکه ننگ به حساب می آید. این مساله اغلب باعث می شود مردم با دوستان و همکاران خود برای یافتن بهترین روش هایی که می توانند برای بازسازی کردیت شان بکار بگیرند، مشورت نکنند. این بدان معناست که چالش های پیش رو حتی سخت تر از آنچه اتفاق افتاده است خواهد شد.

اقدامات بسیاری وجود دارد که می توانید بعد از اعلام ورشکستگی انجام دهید تا کارها را با سرعت برای برگرداندن کردیت اسکورتان پیش ببرید. یکی از اولین اقدامات این است که مطمئن شوید که از بدهی ها در کردیت ریپورتان به عنوان بخشی از ورشکستگی شما به آن اشاره شده است، به طوری که آنها بدهی های پیشین را به عنوان بدهی جاری نشان ندهند. در حالی که بدیهی است ورشکستگی به کردیت لطمه می زند، اگر بعضی از بدهی ها کماکان در ریپورت تان نشان داده شود، تاثیرات آن به مراتب بدتر خواهد بود.

در مرحله بعد، شما باید روی تنظیم کردن یک بودجه و دنبال کردن آن تمرکز کنید. در حالی که دوران سخت اقتصادی جلوگیری از مشکلات ناشی از بدهی را

دفتر خدمات اجتماعی ایرانیان

با مدیریت آذر نصیری

با سال ها تجربه، سرعت عمل،
و دقت، شما را یاری می دهیم!

Azar Nassiri

Non-Attorney



خدمات سوشیال سکيوریتی

**Iranian
Services**

♦ مدیر و مدیکل

♦ سوشیال سکيوریتی (SSI)

♦ دریافت حقوق و مزایای دولتی (CAPI)

♦ دریافت حقوق پرستار

♦ دریافت حقوق بازنشستگی

♦ مصاحبه های سالانه سوشیال سکيوریتی

♦ انجام درخواست تجدید نظر در امور سوشیال سکيوریتی (Appeal)

در سراسر بی اریا

(408) 348-2595 F (925) 998-5340 F (415) 446-8682

Fax: (408) 247-5006

920 Saratoga Ave. #215, San Jose, CA 95129

مفت مسلم و ماهیانه پانصد دلاری گدا پرور خود نعمتی است رایگان، ولی آیا به خفت و خواری اش می ارزد شاید خصوصا برای فرزندان آمریکا بار آمده که پدر مادرها منبع در آمدند و امتیازات این سرزمین غریبه جاذبه کهربایی دارد و البته کلفت نوکر مجانی. در عرض سالیان سال کنجکاو دریافته ام که فرهنگ و آداب مردمان شرق و غرب و شمال و جنوب یکسان نیست و آمریکائی کارمند و کارگر و کم درآمد، سیاه و سفید، هنوز بکارگیری کارد و چنگال را بلد نیست و معمولا پرخور تر از زن و مرد شرق دور است. پناهندگان کشورهای لاتین پریچه و پرخور و پرسر و صدا. در عین حال نکته قابل عرض و از نظر این مخلص رفتار مرد خانواده اجتماع طبقه متوسط به پائین در این خراب آباد همه فن حریف دنیاست که متاسفانه در فرهنگ ایران زمین باب نیست. اینجا هم نه یاد می گیریم و نه می پسندیم و اصولا بسیاری اعمال کسرشان نرها به شمار می آید و شایسته مقام آقا بالاسرها نیست و نبوده و نخواهد بود. بالاخره مردی گفته اند و ارباب و سروری. باید قبول کرد و جنبه صاحب و مولا و ارشد را در نظر گرفت. گرسنه ها وارد می شوند و معمولا زن

سالهاست هفته ای یکی دوبار می روم سراغ اغذیه فروشی های این آبادی. تا ده سال قبل این اماکن ساکت تر و کلی ارزان تر بود و مشتری ها بسیار کمتر آرام تر. چه می شود گفت. همه چیز بد اندر بدتر شده طبعاً عالم و آدم هم تابع محیط آشوب طلب و کینه توز و عقده مند. بهرحال یک گوشه دکان می نشینم به سیر و سیاحت آوارگان دور دنیا که همین چندساله ده ها برابر شده و از قرار هزار برابر خواهد شد که آمریکا راس پناهندگان است. بیائید خرابکاری کنید که «کشتیبان را سیاستی دگر آمد»، بگذریم. دو برش نان مختصری، پنیر و کاهو و قطعه نازکی مرغ که از سه دلار به دوازده دلار رسیده. دورتر یک ماهی فروشی هم رونق دارد که برای ایرانی با ذائقه ماهی های شمال و جنوب وطن در حکم کاه و یونجه است. هر هفته هم چند سکه می رود روی قیمت یک بند انگشت ماهی و چند عدد سیب زمینی مثلا سرخ کرده. چه می شود کرد! می سازیم.

از درگوشی ها

به قلم پیرویه

تقدیر یا خود کرده و یا تقاص ناسپاسی ها ما را از خانه بیرون راند و انداخت کنج این شهر فرنگ از همه رنگ. خلاصه مشتری های این دو سه خوراک پزی باغ دلگشای پناهندگان طبقات پائین تر اجتماع آمریکاست. شرق دور و لاتین و البته ایرانی و افغان و پاکستانی، معمولا با چند بچه و پیر و جوان یک خانواده. هوش و حواسم را روی ایرانی ها تمرکز می دهم که اکثر اوقات یکی دو مادر بزرگ سالمند، خسته و بی حوصله و سه چهار طفل بی ادب شلوغ. سر به هوا که نرسیده دوندگی و جیغ و تک کار و عرعر شروع می شود. پیرزن ها هم بدون توجه، مشغول دردل و حتما شکوه شکایت عروس یا داماد و یا اولاد خودخواه طلبکار. اگر هم اتفاقا پدربزرگی همراه باشد چنان سرش به آخور گرم که انگار دنیاست و بشقاب روی میز، بی حس و بی تفاوت و بدون ملاحظه. چه بسا فکر می کنم اکثر ما در بیدرها آمده ایم اینجا چه کنیم. تردیدی نیست که دوا درمان

سالهاست هفته ای یکی دوبار می روم سراغ اغذیه فروشی های این آبادی. تا ده سال قبل این اماکن ساکت تر و کلی ارزان تر بود و مشتری ها بسیار کمتر آرام تر. چه می شود گفت. همه چیز بد اندر بدتر شده طبعاً عالم و آدم هم تابع محیط آشوب طلب و کینه توز و عقده مند. بهرحال یک گوشه دکان می نشینم به سیر و سیاحت آوارگان دور دنیا که همین چندساله ده ها برابر شده و از قرار هزار برابر خواهد شد که آمریکا راس پناهندگان است. بیائید خرابکاری کنید که «کشتیبان را سیاستی دگر آمد»، بگذریم. دو برش نان مختصری، پنیر و کاهو و قطعه نازکی مرغ که از سه دلار به دوازده دلار رسیده. دورتر یک ماهی فروشی هم رونق دارد که برای ایرانی با ذائقه ماهی های شمال و جنوب وطن در حکم کاه و یونجه است. هر هفته هم چند سکه می رود روی قیمت یک بند انگشت ماهی و چند عدد سیب زمینی مثلا سرخ کرده. چه می شود کرد! می سازیم.

دنباله مطلب در صفحه ۵۷

ارایه خدمات مهاجرتی با کیفیت عالی و هزینه کم (به زبانهای فارسی و انگلیسی)



Immigration
&
Citizenship Services

اطلاعاتی همین وقت در تماس با ما درج شده است. برای اطلاعات بیشتر

408-261-6405 818-616-3091

Pars Equality Center Pars Equality Center
1635 The Alameda 4954 Van Noy Blvd, Suite 201
San Jose, CA 95126 Sherman Oaks, CA 91403

www.parsequalitycenter.org

A DOJ Accredited Agency
511 (c)(3) Nonprofit Organization

کسب تابعیت (سببی زن شیب)
کارت اقامت دائم (کارت سبز)
درخواست مهاجرت خانوادگی

تمدید کارت سبز

مجوز اشتغال

معافیت از پرداخت هزینه

Ali Driving & Traffic School

کلاس های تعلیم رانندگی و ترافیک علی

برای بزرگسالان و نوجوانان

We Offer a Complete Course in Drivers' Education
& Training with Professional Instructors

- ◆ Driving
- ◆ Training
- ◆ Traffic School
- ◆ Drivers Education
- ◆ Seniors, Teens & Adults
- ◆ Free Home & School Pickup
- ◆ Hiring & Training Instructors

Safe Driving
Saves Lives



Safety is our most
important concern

Licensed & Bonded

افرادی که جریمه رانندگی دریافت کرده اند می توانند در مدرسه ما شرکت کرده و امتحان خود را به راحتی قبول شوند. این کلاس ها به زبان فارسی نیز عرضه می گردد

آموزش رانندگی توسط کادری مجرب و حرفه ای

(408)370-9696 ◆ (408)394-5249

دوباره به همان تونل برگردد. او شدیداً متعجب شد وقتی فهمید احساسش کاملاً درست بوده و این نمونه نیز از همان مکان بدست آمده.

دکتر ای، دی باییت پزشک آمریکایی به همراه دکتر ادیبات که علاقه زیاد به سایکومتری داشتند، در انتهای قرن نوزدهم با یکی از جالبترین دوستان بنام ماریا. بی. هیدن همکاری می کردند. ماریا این توانایی را داشت که با دیدن امضای متقاضی بیمه تشخیص دهد که آیا بیمه او یک ریسک خواهد بود یا نه.

دکتر هیدن تعریف می کرد که روزی مردی می خواست به میزان ده هزار دلار بیمه شود. وقتی دکتر هیدن امضاء او را در دستش گرفت، گفت که او هشت هفته دیگر خواهد مرد. کمپانی کارهای بیمه او را به تاخیر انداخت و هفت هفته بعد متقاضی در اثر حمله قلبی درگذشت. بار دیگر امضای متقاضی بیمه دیگری را در دست گرفت و گفت او در طول این سال خودکشی خواهد کرد. این مسئله از نظر کسی که کار اداری انجام می داد بسیار ناباورانه به نظر می رسید و نسبت به این قضیه بی توجهی کرد. مشترک در کمتر از یک سال خودکشی کرد.

دنباله مطلب در صفحه ۵۳

ها کثافات را به یک کانال کم عمق می ریزند برای عبور آب همچنین یک تونل می بینم که مردان در آن مشغول کارند. طلا به صورت رگه وجود ندارد ولی مختصر در اطراف به صورت قطعه هایی است که در سنگ سخت نیست بلکه در اجسام نرمتر است. در بعضی جاها مقادیر زیادی طلا هست که به نظر می آید به درون گودال ها و شکاف ها ریخته شده باشد. من نوع بلندی از ترازو را می بینم که بالا و پائین می رود. معدن دارای روکش آبی است.»

یک ماه بعد پروفیسور دنتن دومین نمونه را به خانم کریچ داد و از او خواست در مورد آن توضیح دهد.

خانم کریچ ادامه داد: «من به همان محل قبلی رفته ام و می توانم مردان در حال کار با فرغون، تونل و شوینده را مانند قبل ببینم. شوینده یک کانال بلند است که در آن شن و ریگ می ریزند. مردها قوی و جوان به نظر می آیند. نمی دانم چرا من همان مکان قبلی را می بینم.» بعد از پایان این آزمایش خانم کریچ که خود را در مکان یک ماه قبل احساس کرده بود سعی کرده بود از آن فرار کند زیرا تصور می کرد که احساس غلطی به او دست داده، ولی مجبور بود



رانندگی می کنند. در میان شلوغی جمعیت، عجیب به نظر می رسد. دنتون همین تجربیات را با افراد داوطلب انجام داد، اما خواهرش خانم آنی دنتون کریچ ثابت کرد که از همه حساس تر است، با استعدادی به برجستگی توانایی همسرش، آنی دنتون با تعدادی از تجارب خود و با جزئیات شگفت انگیز گزارش کرد، در یک موقعیت دو قطعه طلا به او داده شد تا لمس کند که از حفاری «Pike's Flat» در کالیفرنیا به دست آمده بود. خانم کریچ بدون هیچ نوع اطلاع از منبع آنها چنین گفت: «به نظر می آید من در کشوری هستم که یکنواخت و مسطح است و تپه هایی در اطرافش وجود دارد. در اینجا در سطح زمین طلا هست. من قیافه شهر را دوست ندارم. بسیار وحشی و خرابه است و علف و سبزی در آن یافت نمی شود. من مردانی را می بینم که با فرغون

در ادامه دیدار همسر پروفیسور دنتون از قطعه کوچکی از توفانی آتشفشانی که از حفاری pompeii به دست آمده بود چنین ادامه داد: «آمی تئاتری را می بینم که در آن مردم به تماشای نمایش جالب توجه زنی نگاه می کنند که روی پشت بام به آسبی می نگرد.» پروفیسور از همسرش سوال می کند: «آیا هنگام شروع خرابی آمفی تئاتر کسی هم در آنجا بود؟» خانم پاسخ می دهد: «فکر می کنم بودند، زیرا افرادی که نزدیک در ورودی بودند فریادهایی را شنیدند و از میان شلوغی متوجه ارتباط موضوع شدند. اجسامی که از دهانه کوه با ستون عمودی مانند دودکش بیرون می زدند در یک نور ارغوانی ظاهر می شدند. صحنه زیبایی است و من اکنون بالا هستم، جایی که می توانم همه چیز را واضح ببینم. مردم شهر در حال دویدن به جهات مختلف هستند. بعضی پیاده و برخی با وسیله نقلیه به سرعت

S & S Tire And Auto Repair

Complete Automotive Repair Service



Family Owned & Operated



Oil Change Special
Get \$5 OFF on
Regular Oil Change

Oil Change Special
Get \$10 OFF
Synthetic Oil Change

For Scheduled Maintenance & any other information please visit our website at
www.sstireandautorepair.com

Established in 1996

(408)738-1960

597 S. Murphy Ave. Sunnyvale, CA 94086

We Are #1

کفن پوسانده بودم. کاشکی آقای ترامپ اینجا بود و لرزش دست های آلفردو را میدید. و لرزش دلم را نیز...

در پرسه های دربدری

از هواپیما که پیاده شدم نگاهی به دور و برم انداختم و گفتم: «خدای من! اینجا دیگر کجاست؟ آخر دنیاست؟» آخرین روز سپتامبر سال ۱۹۸۴ بود.

از فرانکفورت به بوینوس آیرس رسیده بودم. هیچ چیز در باره مملکتی که به آن پا نهاده بودم نمی دانستم. تنها ماهی پیش از آن، شعری از یک شاعر گمنام آرژانتینی خوانده بودم که از انزوا و تنهایی و دور افتادگی نالیده بود. شعر در ذهن و ضمیرم جولان میداد:

ما دور افتاده ایم

درست در انتهای دنیا

آنجا که گامی دیگر

سقوطی است به زرفای سیاهی های آنسوی

زمین - کسی بیادمان نیآورد

ما دور افتادگانیم

از یاد رفتگان

چند روزی در حیرت و کنجکاوی گذشت. آنگاه سر در خویشتن خویش فرو کردن و پرسشی مداوم و آزار دهنده که چه خواهد شد؟ آیا میتوان در سرزمینی چنین بیگانه و ناشناخته ریشه دوانید؟

بوینوس آیرس انگار از یک کابوس هراسناک بیست و چند ساله بیدار شده بود. در جنگ با بریتانیا جزایر مالویناس را از کف داده بود و چکمه پوشان پس از دهه ها کشتار و خون، اکنون جای شان را به حکومت نیم بند آلفونسین داده بودند. مردی از حزب Union Civica Radical. یک حزب به ظاهر سوسیالیست میانه رو، و حزب چپگرای پرونیست به حاشیه رانده شده بود. تورم بیداد میکرد و بیکاری و فقر سراسر کشور را در چنبره خوفناکش گرفته بود.

دنباله مطلب در صفحه ۵۷

نه شد نیامد. ده شد نیامد. یازده شد نیامد. هر چه زنگ زدیم تلفنش هم جواب نمیداد. گفتم شاید بلایی سرش آمده، شاید تصادفی چیزی کرده، شاید دوباره گیر پلیس افتاده، فکرمان هزار جا رفت.

ساعت چهار بعد از ظهر آمد سر کار. آمد توی دفترم و گفت: «میتوانم چند دقیقه ای با شما صحبت کنم؟»

گفتم: «کجا بودی مرد؟ چرا جواب تلفن ها را نمیدادی؟ ما فکرمان هزار جا رفت.» دست هایش را جلویم گرفت و گفت: «نیگاش کن! دارند میلرزند.»

پرسیدم: «چه بلایی سرت آمده؟» گفت: «خودم هم نمیدانم. چند روزی است دست هایم میلرزند. گهگاه بیهوش میشوم. تا دم دروازه مرگ میروم و بر میگردم. نمیدانم چه مرگم است!»

گفتم: «چرا دکتر نمیروی؟» گفت: پول ندارم. پول دکتر و دوا ندارم. هزار جور قرض و قوله روی دوشم هست. دارم از پا می افتم آقا!»

میگویم: «بیمه چطور؟ بیمه هم نداری؟» میگوید: «نه آقا! بیمه مان کجا بود؟»

دوباره دست هایش را جلویم میگیرد. میلرزند. بدجوری میلرزند.

آلفردو، یک شهروند آمریکایی است. بیست و چهار پنج سالی دارد. زن گرفته است. زنش طلاق گرفته است. یک دختر چهار پنج ساله دارد. نیمی از حقوقش را باید بدهد کمک هزینه زندگی دخترش که اینجا میگویند چایلد ساپورت Child Support. باید کرایه خانه بدهد، پول بنزین و غذا و پوشاک بدهد. سیگار هم میکشد. سیگار هر قوطی اش ده دوازده دلار است. باید پول بیمه اتومبیلش را هم بدهد و گهگاهی هم پول آبجویی، ودکایی، شرابی، سینمایی، تخم آفتابگردانی... من اگر جای آلفردو بودم تا حالا هفت تا



ابلهان

درد و بلای دیگر بد تر است. آدم نادان کور است اما آدم ابله هم کور است، هم کر است، هم مدعی است.

آدم ابله، زنده و مرده اش به یک پایاسی نمی ارزند. حیف نان گندم که در خندق بلای ابلهان ریخته می شود. پس بی سبب نیست که جناب ناصر خسرو می فرماید:

ز دانا مویی ارزد بر جهانی

نیرزد صد سر نادان به نانی

پس بی سبب نیست که حافظ فریادش از همین ابلهان به ثریا می رسد و می فرماید: بهر یک جرعه که آزار کسش در پی نیست محتنی میکشم از مردم نادان که میپرس.

ابلهی که شاخ و دم ندارد. دارد؟ کدام ابله سه پشته ای از این ابله تر که رییس کمیسیون نظارت حقوقی شهرداری دار الخرافه اسلامی تهران می خواهد پدیده بغرنجی چون آلودگی هوای تهران را با دوتا بسمه تعالی و چهار تا آیت الکرسی و چند فقره الله اکبر حل کند؟

ابله تر از چنین جانوری آیا کسی را سراغ دارید که از آیات عظام و علمای اعلام و مقامات بلند پایه! بخواهد که برای رفع آلودگی هوای تهران گروه های دعا تشکیل بدهند تا امت اسلام با ندبه ها و دعاهای شان مدیریت باد و باران را به عهده بگیرند؟

به قول قائم مقام فراهانی: فغان ز ابلهی این خران بی دم و گوش...»

آلفردو

قرار بود هشت صبح بیاید سر کار. ساعت

از یکی پرسیدند: «از چه می ترسی؟» گفت: «از گاو.»

پرسیدند: «گاو؟ چرا؟» گفت: «برای اینکه هم شاخ دارد و هم عقل ندارد.»

حالا حکایت ماست. رفیقم می پرسد: «از چه چیزی بیشتر می ترسی؟ از مرگ؟ از بیماری؟ از نداری؟ از تنهایی؟ از...؟»

میگویم: «از هیچکدام. تنها از ابلهان می ترسم.»

می پرسد: «ابلهان؟» میگویم: «آری! همان که مولانا از ترس شان میگوید:

گویا ترم ز بلبل، اما ز رشک عام

مهر است بر دهانم و افغانم آرزوست

همان ها که به تعبیر مولانا باید از آنها گریخت:

ز احمقان بگریز چون عیسی گریخت

صحبت احمق بسی خونها بریخت

همان ها که مولانا هم سخنی با آنان را دیوانگی می داند و می گوید:

هست با ابله سخن گفتن جنون

پس جواب او سکوت است و سکون

نادانی بد دردی است آقا! ابلهی اما از آن بدتر است. ابلهی از شقاقولوس و طاعون

و کوفت و تصلب شرایین و نمی داند تراخم و صرع و وبا و سیفلیس و تیفوس و مسمشه و تب راجعه و سیاه زخم و خناق و باد مفصل وحتى مرگ مفاجات و هزار

به نام آنکه هستی بخشی است و جان آفرین



انجام مراسم عقد شرعی
و سنتی ایرانی و آمریکایی

توسط دکتر مهری پیروز

در تمام موجودات نور خدا هست، چنانچه این نور بر افروخته شود، بر همه چیز غلبه خواهد شد و زندگی را با آرامش و شفای درونی به حال طبیعی بر می گرداند.

۹۲۶۱-۸۵۹-۴۱۵

سارا مصطفوی - وکیل مهاجرت



- ◆ پناهندگی
- ◆ گرین کارت
- ◆ امور تبعیت آمریکا
- ◆ جلوگیری از اخراج
- ◆ امور حقوق بشر در رابطه با مسائل مهاجرت
- ◆ ویزاهای نامزدی، کار، سرمایه گذاری و دانشجویی
- ◆ سوء استفاده همسر در مورد اخذ اقامت از طریق ازدواج

◆ Asylum

◆ Green Cards

◆ Citizenship

◆ Deportation Defense

◆ Human Rights Based Immigration Matters

◆ Visas: Fiancé, Work, Tourist, Investment and Student

◆ Abused Spouse Immigration Petitions

(510)852-9650

Sara M. Mostafavi - Attorney at Law F info@sara-law.com

2000 Hearst Ave. Suite 401, Berkeley CA 94709

اند دچار اسهال و درد روده و معده می شوند ولی مصرف آنتی بیوتیک در این بیماران تاثیر گذار نیست چون روی باکتری ها موثر واقع نمی شوند. از سال ۱۹۹۵ آنتی بیوتیک Cipro برای درمان عفونت های پرنندگان مصرف شده است. ولی به علت مقاومت باکتری ها عفونی این حیوانات، انسان ها نیز به این باکتری ها آلوده شده اند و به همین دلیل کشورهای اروپایی مصرف این آنتی بیوتیک را در حیوانات اهلی (گاو و گوسفند) ممنوع کرده اند تا جلوی مقاومت باکتری ها را بگیرند. در کشورهای اسکانندیناوی سعی کرده اند که وضعیت بهداشت دامداری ها را بالا برده تا حیوانات بیمار نشوند و نیازی به آنتی بیوتیک نداشته باشند. همین طور در سال ۲۰۰۵ در اروپا مصرف آنتی بیوتیک ها جهت افزایش رشد و وزن حیوانات متوقف شده است. بالا بردن سطح بهداشت در دامداری ها می توان مصرف آنتی بیوتیک ها را کمتر کرد و مسئله مقاومت باکتری ها نسبت به آنتی بیوتیک ها را از بین برد و جلوی عفونت های انسان ها را گرفتند.

مصرف می شوند بلکه برای اضافه کردن وزن آنها نیز می باشد. مطالعات نشان داده است که مصرف آنتی بیوتیک در این حیوانات باعث نازک شدن جدار روده آنها شده که باعث جذب بیشتر مواد غذایی در آنها شده و رشد و وزن آنها را بالا می برد. مصرف بیش از حد آنتی بیوتیک ها در این حیوانات مقاومت باکتری ها را بالا برده و باکتری ها از بین نرفته و در گوشت حیوانات باقی می ماند نظیر سالمونلا در گوشت مرغ ها. این باکتری ها باعث آلودگی انسان ها می شوند. مرغ ها در مرغداری ها معمولا ۳۶ ساعت پس از مصرف تتراسیکالین به آن مقاومت نشان داده و باکتری ها از بین نمی روند. با مصرف این گوشت ها نشان داده شده است که ۲۴ ساعت بعد از مصرف، باکتری ها در مدفوع انسان ها دیده شده اند. گرچه پختن غذا بطور کامل باعث از بین رفتن این باکتری ها می شوند ولی مصرف غذاهای خام و یا نیمه خام آلوده به باکتری ها انسان ها را نیز بیمار می کنند. بسیاری افراد که دچار آلودگی غذا شده



مصرف آنتی بیوتیک ها در حیوانات اهلی

کرده اند که حتی نسبت به معروف ترین و موثرترین آنتی بیوتیک موجود Vancomycin نیز مقاومت میکروبی دیده شده است. این آنتی بیوتیک بسیاری از باکتری های گروه های مختلف را از بین می برد و مصرف آن در بیماران باید به وسیله داروسازان

قدرمسلم هیچکدام از داروها بیماری ها را درمان نمی کنند. داروها ممکن است فشارخون بالا را پائین بیاورند، کلسترول را کاهش دهند، درد را تسکین دهند، قند خون را تنظیم کنند، بی میلی جنسی را از بین ببرند ولی علت بیماری را از بین نمی برند. فقط



یک گروه داروها هستند که انسان و حیوانات را درمان کرده و عفونت ها را ریشه کن می کنند و اینها آنتی بیوتیک ها هستند که باید نوع صحیح و دوز صحیح آنها بکار برده شوند. در سال های اخیر متاسفانه این

گروه از داروها نیز دچار مشکل بزرگ مقاومت باکتری ها نسبت به آنها شده اند. یعنی اینکه آنتی بیوتیک روی آنها بی اثر شده اند. مصرف بیش از حد آنتی بیوتیک ها و مصرف غیر صحیح آنها باعث مقاومت باکتری ها شده است و به همین دلیل طبق دستور FDA بایستی فقط در مواردی که مورد نیاز هستند و بطور صحیح و دوز درمانی صحیح استفاده شوند و پزشکان این مسئله را متوجه و انجام می دهند. متاسفانه گزارش های جدید اعلام

بالینی مطالعه و دنبال شود. نکته مهم اینکه طبق گزارش های دولتی از ۱۳ میلیون کیلوگرم آنتی بیوتیک تولید شده در آمریکا در طی سال، ۱۱ میلیون کیلوگرم آن در حیوانات اهلی استفاده شده و فقط ۲ میلیون کیلوگرم آن در انسان استفاده می شود. این حیواناتی هستند که گوشت آنها توسط انسان ها مصرف می شود، نظیر گاو، گوسفند، مرغ و پرنندگان دیگر. این آنتی بیوتیک ها نه فقط بخاطر جلوگیری از بیماری های عفونی آنها

امروز به یاری ام یار چو گمگه رواست
 یکمی تو امروز به دردم چو دواست
 فردا ده وعده ام تو خود میدانی
 فردا برای من و تو ناپیداست

دانی که جهان بی می و ساقی مفت است
 بی دلبر و شب زنده داری مفت است
 در کار جهان که عمر تو رو به فناست
 خوش باش به عیش و نوش باقی مفت است

اصغر مهاجرانی

استخدام

به خانم و یا آقای ایرانی، با داشتن گواهینامه معتبر رانندگی، جهت نگهداری از آقای ۸۹ ساله، به طور نیمه وقت در شهر Milbrae نیازمندیم. لطفا برای اطلاعات بیشتر با ما تماس حاصل فرمایید.

۷۹۴۴-۵۷۶ (۶۵۰)

با درج آگهی در نشریه پژواک،

کسب و خدمات خود را به ایرانیان شمال کالیفرنیا معرفی نمایید!

(408)221-8624

ماهانامه
 پژواک

سوپر مارکت اطمینان



درمحل جدید، بزودی افتتاح می شود

وسایل آشپزخانه و کادوئی

انواع برنج و حبوبات

میوه و سبزیجات

گوشت و فرآورده های گوشتی

شیرینی و آجیل

ادویه جات



1373 Kooser Rd. San Jose CA 95118
(408) 622 - 6778

شناخت مرد و قهرمان وزن دوست داشتنی

سمینار فارسی

دکتر آزیتا ساعیان



Embrace Growth

Presented by

www.EmbraceGrowth.com

**For reservation call
(310) 460-2600**

Dr. Azita Sayan

**California Board Certified
Marriage, Family Child Therapist
License # 29798**

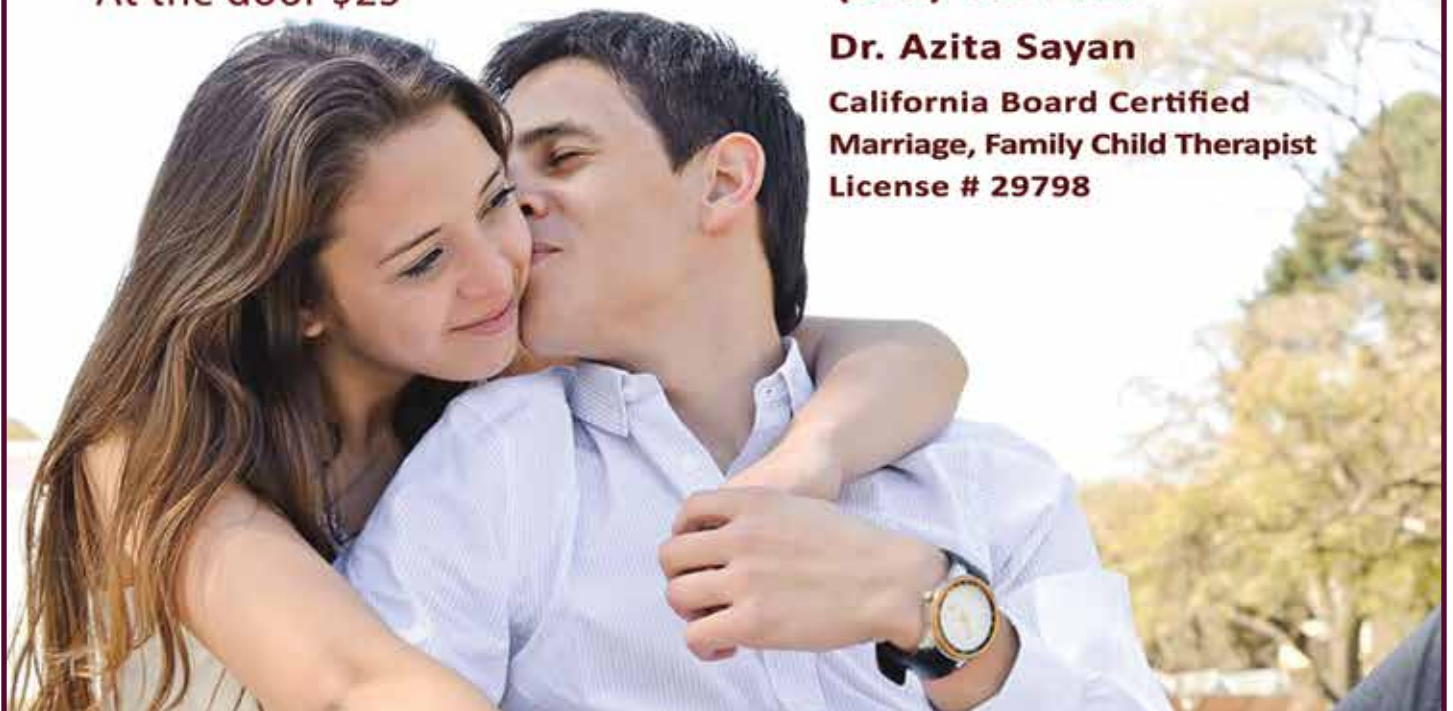
San Jose

October 22, 2017

2-5 PM

**Santa Clara Marriott
2700 Mission College Blvd
Santa Clara, CA 95054**

**Ticket Price \$15
At the door \$25**



ده ترکیب رنگ زیبا برای اتاق خواب

پیدا کردن مناسب‌ترین رنگ برای اتاق خواب همیشه کاری جذاب و در عین حال گیج‌کننده است. کاری که هنگام انجام آن حسابی به شما خوش خواهد گذشت ولی ممکن است در میانه‌های راه گیج شوید. ممکن است تردیدها و ترس‌های فراوانی در مورد این که شاید رنگ درستی برای اتاق خود انتخاب نکرده‌اید سراغ‌تان بیایند. نکته‌ای که باید به آن توجه داشته باشید این است که کار شما فقط انتخاب رنگ‌های مورد علاقه‌تان نیست بلکه باید حواس‌تان جمع باشد تا رنگ‌هایی که انتخاب کرده‌اید با یکدیگر نیز هماهنگی مناسبی داشته باشند. این کار همان بخشی است که ممکن است شما را گیج کند و یا باعث خستگی و گاهی نگرانی شما شود. ترکیب‌های رنگی بسیار زیبا و متنوعی وجود دارند که شما می‌توانید برای رنگ کردن اتاق خواب خود یکی از آنها را انتخاب کنید. در اینجا ده ترکیب زیبا برای رنگ آمیزی اتاق خواب‌ها را انتخاب کرده ایم و می‌خواهیم شما را هم در جریان این انتخاب‌ها قرار دهیم. شاید شما هم به این ترکیب‌های رنگی علاقه داشته باشید و یا بعد از دیدن‌شان به آنها علاقه پیدا کنید. در ادامه خواهید دید که در انتخاب این رنگ‌ها توجه بسیار زیادی به تخت‌خوابی که در اتاق وجود دارد شده است. دلیل این توجه این است که تخت‌خواب احتمالا وسیله‌ای است که بیشترین تاثیر را در حال و هوای اتاق خواب شما خواهد داشت. هم‌چنین به خاطر داشته باشید که رنگ سفید تقریبا همیشه در یک جایی از اتاق استفاده شده است و برای همین می‌توانید حضور این رنگ را هم کنار بقیه رنگ‌های معرفی شده فرض کنید. به ترکیب‌های رنگی موجود در این مطلب به خوبی توجه کنید و اگر به نظر‌تان مناسب فضای زندگی شما آمد از آن‌ها در اتاق خواب خود استفاده کنید.

دنباله مطلب در صفحه ۴۹

منتقل می‌کند. بهتر است در منزل‌تان یک میز چوبی دو نفره داشته باشید و گاهی اوقات شما و همسر‌تان به تنهایی روی آن شام بخورید. چوب بیشتر از چیزی که فکر می‌کنید در روابط شما موثر خواهد بود.

جایی که می‌توانید یک گلدان کوچک در اتاق خواب‌تان قرار دهید یا هر روز چند گل تازه بچینید یا بخرید و قبل از اینکه پژمرده شوند آنها را از اتاق خارج کنید. شمع هم درست به اندازه گل انرژی‌چی



فنک شویی و دکوراسیون عاشقانه

است. اشیای خشن مثل تفنگ تزئینی، شمشیرهای تزئینی، تابلوهایی با رنگ‌های تیره و غمگین و وسایلی از این دست انرژی شاپی یا انرژی منفی فنک‌شویی را به اتاق شما می‌آورند و می‌توانند باعث دعوا بین شما و همسر‌تان شوند. فنک‌شویی وجود تلویزیون در اتاق خواب را هم به صلاح نمی‌داند. برای داشتن یک رابطه خوب، آن را از اتاق خواب خارج کنید. آینه‌ها هم برای عشق خطرناکند. اگر آینه‌ای دارید که تخت شما را باز می‌تاباند حتما روی آن را بپوشانید. آینه می‌تواند انرژی‌های منفی را بگیرد و آن را به شما منتقل کند.

۳ طرف تخت را باز بگذارید

همانطور که قبلا خواندید تخت نباید روبروی در باشد. در واقع وقتی می‌خواهید نباید پایتان به سمت در قرار بگیرد. به علاوه باید تخت را طوری قرار دهید که کسی که روی آن خوابیده بتواند در اتاق را ببیند تا بیشتر حس امنیت داشته باشد. قرار دادن تخت‌خواب زیر پنجره هم مناسب نیست. جریان قوی انرژی که از پنجره وارد می‌شود می‌تواند خواب شما و همسر‌تان را مختل کند. قوانین فنک‌شویی می‌گویند، سه جهت از تخت شما باید باز باشد. بالای تخت را به دیوار بچسبانید و ۳ طرف دیگر را حتی به اندازه کم، کمی باز بگذارید. این کار باعث می‌شود بتوانید بهتر همسر‌تان را جذب کنید. به یاد داشته باشید زیر تخت را هم باز بگذارید.

این اردک‌های جادویی

فنک‌شویی توصیه می‌کند مجسمه دو اردک را در اتاق خواب‌تان قرار دهید. اردک نماد بسیار موفق عشق است و می‌تواند باعث بهبود زندگی زناشویی شما و همسر‌تان شود. اردک می‌تواند باعث شود شما به خوبی از پس مشکلات‌تان بربیایید. بهتر است مجسمه اردک را در شمال غربی اتاق‌تان قرار دهید تا انرژی عشق و ازدواج‌تان فعال شود. فنک‌شویی می‌گوید برای بهبود روابط بین زن و شوهر لازم است وسایل اتاق مثل مجسمه‌ها، آباژورها و وسایل دیگر جفت باشند. کریستال کوارتز صورتی هم می‌تواند به عشق شما کمک کند.

از گل و شمع کمک بگیرید

گل‌های تازه انرژی فوق‌العاده‌ای دارند. تا

تخصص فنک‌شویی می‌گویند، عشق هم مثل هر چیز حساس دیگری مراقبت می‌خواهد تا همیشه تازه و جوان بماند. شما باید بیشتر از هر چیز دیگری نگران عشق بین خود و همسر‌تان باشید تا بتوانید از موهبت‌های یک رابطه خوب استفاده کنید و زندگی بهتری داشته باشید. متخصصان فنک‌شویی می‌گویند، عشق هم مثل هر چیز حساس دیگری مراقبت می‌خواهد تا همیشه تازه و جوان بماند. شما باید بیشتر از هر چیز دیگری نگران عشق بین خود و همسر‌تان باشید تا بتوانید از موهبت‌های یک رابطه خوب استفاده کرده و زندگی بهتری را برقرار کنید. فنک‌شویی قوانینی دارد که باعث می‌شود زن و شوهر بتوانند رابطه بهتر و سالم‌تری با هم داشته باشند.

عشق هم جهت دارد

جهت عشق و رابطه در فنک‌شویی شمال‌غربی است. اگر خانه بزرگی دارید، می‌توانید اتاق خودتان را انتخاب کنید. نزدیک‌ترین اتاق به این جهت را به اتاق خواب خود و همسر‌تان اختصاص دهید. این جهت می‌تواند عشق را جذب کند یا آن را بهبود بخشد. رنگ عشق هم در فنک‌شویی صورتی، سفید و قرمز است. تا جایی که می‌توانید اتاق خواب‌تان را با این رنگ‌ها دکور کنید. اگر دکوراسیون اتاق خواب را انجام داده‌اید و تغییر آن برایتان مقدور نیست، می‌توانید وسایلی با این رنگ‌ها در اتاق قرار دهید. شمع به رنگ قرمز یا جعبه آرایش صورتی رنگ بیشتر از چیزی که فکر می‌کنید در عشق بین شما و همسر‌تان موثر است.

عکس شما معجزه می‌کند

لازم است عکسی از خودتان در کنار همسر‌تان در اتاق خواب موجود باشد. حتی اگر عکس کوچک دونفره‌ای دارید هم آن را در اتاق بگذارید. اگر عکسی از فرزندان یا خانواده‌تان را در اتاق گذاشته‌اید بهتر است آن را به بیرون و اتاق پذیرایی منتقل کنید. فنک‌شویی می‌گوید این اتاق فقط جای جفت‌هاست!

کار را به بیرون منتقل کنید

چیزهایی را که در اتاق خواب، شما را یاد کارتان می‌اندازد، بیرون ببرید. بدترین چیز در اتاق خواب پوشه و مدارک کاری

پاریناز کدخدایان

مشاور با گواهینامه رسمی

راهنمایی برای بوجود آوردن آرامش بیشتر در زندگی شما و ارتباط‌تان با افراد دیگر در مسئله کاری و یا رابطه احساسی با استفاده از دانش کهن چینی فنک شویی و ستاره شناسی با من تماس بگیرید



Parinaz Kadkhodayan

*Transform your environment,
Transform your life.*

I can help you better understand & realize
your path in life by discovering it's meaning
& direction through your birth chart

(650) 704-5687

Parinazkadkhodayan@gmail.com

خود در اوج سلامتی و زیبایی، با احساس شاد در یک محیط آرام و دلپذیر به خواب بهتر و سلامت روحی و جسمی خود کمک می‌کنیم (Visualization Technique). باید به خود یاد بدهیم تا با هوشیاری از نعمت‌های ساده و طبیعی زندگی بهره ببریم. از رنگ و فرم یک گل در گلدان، یک عکس زیبا، یک پیاده روی ساده در طبیعت و یا در کنار دریا، همنشین با یک دوست، خوردن یک چای پر عطر و بودن با کسی و یا حتی در تنهایی و آرامش... لذت ببریم.

لذت و لذت و لذت، شادی و شادی و شادی و در لحظه‌ها زندگی کردن نشاطی که خداوند و یا هستی برای شما می‌خواهد به ارمغان می‌آورد. این لذت از کار خوب و کمک به دیگران و این شادی از راه‌های مختلف که از جلد و دنیای کوچک خود بیرون آمدنی است، بدست می‌آید. شادی و نشاط و رضایت در پول و یا لقب و تیتراژ نیست. آنها فقط کمکی در این راه هستند و در مورد بعضی‌ها کامل‌کننده و اگر کسی با شخصیت خود، اعتماد به نفس و حرمت نفس و رابطه‌اش با دیگران راضی نباشد، نمی‌تواند طعم رضایت و لذت و پر بودن و کامل شدن را در زندگی تجربه کند.

بیماری‌ها را بدهیم. در مواقعی که خود را خسته و یا ضعیف و بدون انرژی می‌بینید برای خود بنویسید: «من می‌توانم، قادر هستم، قوی هستم» و با تمرکز زیاد (Meditation + Concentration) به خود گوشزد کنید که تسلیم نیستید و پیروز و سالم‌تر خواهید شد.

برای مثال در مورد سرطان‌ها تحقیقات علمی نشان داده شده است اشخاصی که با روحیه قوی و امیدوار به جای ناامیدی با امید مصمم شده‌اند که مبارزه کنند و برنده شوند، به این بیماری غلبه بیشتری کرده‌اند و سالم شده‌اند یا حداقل پیشرفت آن‌را کندتر و یا متوقف کرده‌اند، البته با درمان‌های پزشکی. برای هر مداوایی تابع سیستم نشوید و فکر و عقل خود را همراه با مشورت با چندین پزشک و تحقیقات لازم به مرحله تصمیم‌گیری برسانید. از آنجایی که جسم ما به پیام‌های فکری ما سریعاً پاسخ می‌دهد، فکر درست و امیدوارانه و مثبت موجب تشکیل تصویرهای ذهنی زیبا می‌شوند. این تصویرها و تلقین‌ها باعث فعال شدن اعصاب غیرارادی بدن می‌شوند و در نتیجه باعث ترشح هورمون‌های لازمه برای سلامتی و قوت نیروی دفاعی می‌شوند. شب‌ها موقع خواب با تصور کردن



بسیار توانسته‌ام کمک زیادی از نظر روانی و جسمی به آنها بکنم و بیماری آنها را کندتر و در جهت بهبود حرکت بدهم. ما برای زندگی بهتر نمی‌توانیم به تغذیه خود و احساسات خود بی‌اهمیت باشیم. علم پزشکی پیشرفت‌هایی برای هر نوع بیماری داشته و دیگر نباید از هیچ چیز بترسید. ما در کشوری مدون‌ترین بهترین تکنیک‌ها را دارد زندگی می‌کنیم ولی در دنیای غرب، کمپانی‌های دارو و اشخاصی که برای آنها در کنگره فعالیت دارند (Lobbyist) و ذی‌النفع صنعت عظیمی هستند که گاهی دارو و دادن آن در حتی مورد‌های کوچک بسیار رایج و غیرضروری می‌باشند. بسیاری از داروها مانند قرص‌های فشارخون و کلسترول و غیره در موارد حیاتی باعث نجات جان و طول عمر هستند ولی چه بهتر که قبل از آن بتوانیم و سعی کنیم که با مصرف غذاهای طبیعی و قوی کردن اعصاب و سیستم دفاعی بدن خود را قوی کنیم. نیروی طبیعی بدن انسان سالم، شفای بدن او را و یا پیشگیری بیماری را در خود دارد. برای مقابله، بهبود و مهمتر از همه جلوگیری از اکثر بیماری‌ها، تعادل و هارمونی سلول‌های بدن با یکدیگر باعث قوی بودن سیستم دفاعی و خودسازی آنها می‌باشد. پس ما باید یکی از هنرهای زندگی را که آگاهی کافی و اهمیت آن از تغذیه درست، ورزش، استراحت، شادی و نشاط و آرامش است، برای بهتر زندگی کردن بکار ببریم. چرا که جسم کاملاً تحت تأثیر روح قرار دارد.

با سلامی گرم و صمیمی به گرمی آفتاب و صمیمیت آبی دریاها بهترین‌های هستی را برای شما خوانندگان و مراجعین من در مجله پر بار پژوهاک آرزو مندیم. مثل همیشه دلم می‌خواهد که در رابطه با شاد زیستن و هنر زندگی کردن که حرفه و شغل من است مطالبی بنویسم که شاید بتوانم در کیفیت زندگی شما و شادتر بودن‌تان تفاوتی ایجاد کنم. زندگی کردن و زنده بودن دو امر متفاوت می‌باشد. هنر زندگی کردن دیگر ثابت شده که علمی نامحدودست و نقش موثری در سلامتی، اخلاق، رابطه‌ها، تصمیم‌گیری‌ها، حقیقت‌یابی برای رسیدن به اهداف و در نتیجه برای کیفیت زندگی و خوشبختی ما دارد.

مسائل زیادی وجود دارند که در زندگی تحت کنترل ما نیستند. از جمله اتفاقات غیرمترقبه، تصادفات خارج از کنترل ما، عوامل ژنتیکی برای سلامتی، مسائل اقتصادی، غیره و غیره که باعث تحولات در جهت منفی در زندگی ما می‌توانند بشوند. اما عزیزانم یادتان نرود که ما با تمام این مسائل هنوز هم می‌توانیم شرایط بد را بدتر و یا بهتر کنیم. ما با تغییر خودمان، عادات، شیوه‌ها، نگرش‌هایمان در هر زمینه‌ها برخورد درست و صحیح و حل‌های صحیح مشکلات می‌توانیم در هر شرایطی زندگی خود را بهتر و متحول کنیم و بدترین شرایط را به بهترینی که امکان دارد البته با بینش و خرد، تبدیل کنیم. مثلاً حتی در مورد سلامتی جسمانی خود، اگر ژن‌های بد کسی دارد باز می‌تواند تا حدود زیادی آنها را تغییر داده و نهفته‌تر نگه داریم و با تغذیه خوب و ورزش کردن این ژن‌های بد را تقویت کرده و بعد بیرون آوریم (Triggering them) من بیشتر با مراجعینی کار می‌کنم که برای کمک به مشکلات و استرس و روابط نزد من می‌آیند. ولی چندین مورد داشته‌ام که عزیزانی که مبتلا به بیماری‌هایی شده‌اند که به کمک مربی زندگی برای بهتر شدن و گذراندن دوره سخت زندگی‌شان به من مراجعه کرده‌اند و من پس از تحقیق و توجه خاص به شخصیت و کاراکتر آنها و جستجو و پژوهش‌های



آتوسا یکان

مربی و راهنمای زندگی

Professional Certified Life Coach
atoosa30@yahoo.com

مربی زندگی یک روانشناس نیست. او کسی است که با حمایت و تشویق شما و با ارائه راه‌های جدید برای رسیدن به هدف‌ها، به شما کمک میکند تا زندگی شخصی و حرفه‌ای خود را توسعه دهید.

مربی زندگی یک سیستم پشتیبانی است که یک هدف در ذهن دارد؛
بالا بردن کیفیت زندگی شما

- ♦ Relationships
- ♦ Self-esteem
- ♦ Behavior Problems
- ♦ Adults & Teens
- ♦ Life Choices
- ♦ Happiness & Balance

- ♦ رسیدن به شادی و نشاط درونی
- ♦ اعتماد و حرمت نفس و تعادل
- ♦ خودشناسی، خودسازی، هدف‌یابی
- ♦ تصمیم‌گیری‌های درست در زندگی شخصی و یا کاری
- ♦ روابط و حل اختلافات زوجی و یا خانواده‌ها
- ♦ صحبت‌های مثبت و سازنده برای نوجوانان و جوانان

No matter what you want to change in life,
the process is the same. I can help you navigate this process.

Atoosa Yekan "Not just another life coach..."

دفا تر در سن حوزه و پلزن تون. سرویس سیار موجود می‌باشد.

(۹۲۵) ۲۹۷-۹۷۰۰

Accidents

LAWYERS FOR SERIOUS INJURIES

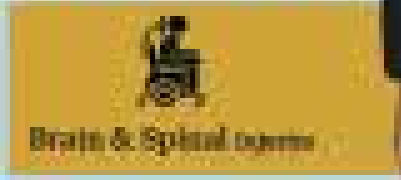
CAMERON YADIDI

ATTORNEY AT LAW



No Fees Until We Win Your Case!

Settlements & Verdicts



How do I file an injury lawsuit?



ACC

POWERFUL LAWYER

دکتر کامران یدیدی

وکیل تصادفات و صدمات شدید بدنی

نامی معتبر و شناخته شده در شرکت های بیمه



Over \$200,000,000 Collected in Settlements



Vehicle Accidents



Motorcycle Accident



Slip & Fall



Dog Bites

(888) 979-7979



ترنج و نارنج

بهرام گرامی

bgrami@yahoo.com

گرش بینی و دست از ترنج بشناسی

روا بود که ملامت کنی زلیخا را

(سعدی)

در شعر قدیم فارسی، سیمای گلگون معشوق به نارنج، رخسار زرد عاشق به ترنج، و پستان یار به لیمو تشبیه شده، و ترنج غیغب و نارنج زرخ توصیفی از زیبایی دلدار بوده است. رسم شاهان در به دست گرفتن و بویدن ترنج طلا و معنبر، به نشانه ظفر و نیکبختی، و نیز انداختن ترنج طلا از سوی دختر شاه به سوی یکی از خواستگاران، به نشانه انتخاب همسر، مضامین دیگری در ادب فارسی بوده‌اند.

مرکبات به گروهی از درختان میوه گرمسیری و نیمه گرمسیری از جنس Citrus متعلق به خانواده Rutaceae گفته می‌شود. این گروه شامل پرتقال، نارنگی، نارنج، لیمو شیرین، لیمو ترش، بادرنگ یا بالنگ و چند میوه دیگر است. واژه نارنگ در زبان سانسکریت (در هند) به نارنگ در فارسی و بعد به نارنج در عربی تغییر یافته و از آنجا به اسپانیا و تمامی اروپا رفته و به Orange در انگلیسی تبدیل شده است. ناصر خسرو در سفرنامه خود آورده که در روز سوم از ماه دوازدهم سال ۴۶۱ ق در مصر نارنج و ترنج و بادرنگ و لیمو و مرکب را دیده است. بنابراین در گذشته مرکب خود یکی از انواع این میوه‌ها بوده و شاید اطلاق نام جمع مرکبات به این گروه به جهت پیوند آنها با مرکب یا ترکیب گونه‌ها با یکدیگر بوده است. در گذشته، مرکبات مازندران به ویژه آمل معروف بوده است. ظهیر فاریابی در بیت زیر بردن نارنگ یا نارنج را به آمل و ساری چون بردن زیره به کرمان کاری بیهوده می‌داند (ل.ن):

همیشه تا به تجارت ز مروشاهجان کس / به سوی آمل و ساری نیاورد نارنگ

مروشاهجان همان شهر معروف مرو در خراسان قدیم و در ترکمنستان امروزی است. درختان مرکبات معمولاً خزان ندارند و برگ خوشبوی آنها در زمستان بر درخت می‌ماند و حتی می‌توان گل سفیدشان را که «بهار» نامیده می‌شود و از آن مرابای بهار نارنج یا عرق بهار تهیه می‌کنند هم زمان با میوه برآمده از «بهار» سال قبل بر روی یک درخت مشاهده کرد، با قرینه‌ای از نظامی گنجوی:

رسم ترنج است که در روزگار / پیش دهد میوه پس آرد «بهار»

لیمو، از هر دو قسم ترش و شیرین، از مرکبات است. اشعار قدیم فارسی با واژه لیمو انگشت شمارند. سه بیت زیر از صائب، طالب آملی و منسوب به ظهیر فاریابی از آن جمله‌اند:

من به لیمویی قناعت کرده‌ام از روزگار / ناف صفرای مرا گردون به شکر می‌برد
بریدن ناف کسی بر صفتی یا کاری به معنای طبیعی یا فطری بودن آن صفت یا کار در وجود آن کس است. در ضمن، بریدن صفا به معنای خنثی کردن صفر است. بیت بالا مفهوم قناعت و سازش با روزگار را بیان می‌دارد.

رو ترنج ذقی جوی طیبیا که دلم / نشکند تلخی صفرایش بدین لیموها

ذقن = زنج، چانه.

دو پستانش زچاک پیرهن دیدم به دل گتم / تماشا کن که سرو ناز بار آورده لیمویی
در بیت زیر از وحشی بافقی در منظومه فرهاد و شیرین، شیرین در شب انتظار دیدن فرهاد و بودن با او به ندیمان خود می‌گوید:

هم از نارنج و اترج بی‌نیازم / که لیمو بار دارد سرو نازم

فرهاد شب هنگام نزد شیرین می‌آید، دو دلداده به خلوت می‌نشینند، و نه چندان دور از پندار شیرین:

چو از شب رفت پاسی دست فرهاد / شد اندر سینه آن سرو آزاد

دو لیمو دید شیرین و رسیده / که به زان باغبان هرگز ندیده

بادرنگ یا بالنگ یکی از انواع مرکبات است که با پوست آن مرابا درست می‌کنند. در شعر قدیم فارسی، واژه بالنگ با این معنی دیده نشده، ولی از بادرنگ به عنوان میوه‌ای به رنگ زرد روشن یا غبار رنگ یاد شده است. بیت زیر از منوچهری به موسم بادرنگ، دو بیت بعد از قطران تبریزی و امیرمعزی و دو بیت دیگر از

فردوسی به رنگ آن اشاره دارد:

ماه فروردین به گل چم ماه دی بر بادرنگ / مهرگان بر نرگس و فصل دگر بر سوسنه
شاخ زرین گشته از رنگ و فروغ بادرنگ / مرز مشکین گشته از بوی و نسیم ضمیران
تا که سیسنبدر ندارد رنگ و بوی شنبلید / تا که آذرگون ندارد بوی و رنگ بادرنگ
همه جامه‌ها کرده پیروزه رنگ / دو چشم ابر خونین دو رخ بادرنگ
یکی نامه فرمود پرخشم و جنگ / زبان تیز و رخساره چون بادرنگ

ترنج در لغت به معنای چین و شکنج، ترنجیدن به معنای سخت در هم فشردن و کوفته شدن، و ترنجیده به معنای با چین و شکن و در هم فشرده است. شاید تسمیه ترنج بر وجه پوست ناهموار و پُرچین آن باشد، و یا ترنج و نارنج را برای رنج و بی‌رنجی تولید آنها نام نهاده باشند، با سه بیت شاهد از سوزنی سمرقندی، مولوی و رودکی:

بادا رخ حاسدت ترنجیده و زرد / سر بر طبقی نهاده پیشت چو ترنج

سیب بگفت ای ترنج از چه ترنجیده‌ای / گفت من از چشم بد می‌نشوم خود نما
در نسخه دیگر: از چه تو رنجیده‌ای.

جان ترنجیده و شکسته دلم / گویی از غم همی فرو گسلم

از آنچه در شعر قدیم فارسی به عنوان ترنج، متمایز از نارنج، آمده نشان دقیقی در دست نیست، ولی از تشبیهات و قراین چنین بر می‌آید که ترنج میوه‌ای شبیه به پرتقال امروزی ولی نه چندان کروی بوده، با پوست ناهموار و پُرچین و شکنج، به رنگ زرد تا نارنجی، با عطر و بوی خوش که درون خوراکی آن سپید و مزه آن کمی ترش بوده است. ابتدا دو بیت از قطران تبریزی و طیان مرغزی (معروف به ژاژخای) در مورد چین و شکنج ترنج آورده می‌شود:

ز ناف معشوق آبی گرفته بوی و مثال / ز روی عاشق برده ترنج زردی و چین

آبی = به (نام میوه). ناف معشوق به نافه خوشبوی آهوی ختن نیز کنایه دارد.

ترنجیده رویش به سان ترنج / درازست و باریک قد چون رَونج

رَونج = روده و امعای گوسفند که با گوشت و برنج پر کنند و بخورند.

و سه بیت زیر، در توصیف ترنج، بندی است از مسط معروف منوچهری با مطلع «خیزید و خز آرید که هنگام خزانست»:

بنگر به ترنج ای عجبی دار که جونست / پستانی سختست و درازست و نگونست

زردست و سپیدست و سپیدیش فرونست / زردیش برونست و سپیدیش درونست

چون سیم درونست و چو دینار برونست / آکنده بدان سیم درون لؤلؤ شهوار

در برخی از شاهنامه‌های چاپی، تلفظ ترنج را در سه بیت زیر در داستان رستم و سهراب و کیقباد، با فتح «ر» دانسته‌اند و قافیه آن را گنج پنداشته‌اند، در حالیکه تلفظ این میوه در این ابیات مانند تلفظ آن در زبان عربی با ضم «ر» بوده و با کنج قافیه شده است:

اگر تندبادی بر آید ز کنج / به خاک افکند نارسیده ترنج /

کُنج = گوشه، جای پُرت و نامشخص. تند باد = کنایه از بلای آسمانی. نارسیده ترنج = کنایه از نوجوان.

بران ترگ زرین و زرین سپر / غمی شد سر از چاک چاک تبر /

تو گفتی که ابری برآمد ز کنج / ز شنگرف نیرنگ زد بر ترنج /

شنگرف = ماده معدنی سرخ رنگ. نیرنگ = رنگ و نگار، طرح و نقش. در دو بیت بالا، خود و سپر زرین به ترنج، و خون ریخته بر آن به شنگرف تشبیه شده است.

نظامی گنجوی نیز ترنج را با کنج قافیه بسته است:

شاخ نارنج و برگ تازه ترنج / نخلبندی نشانده بر هر کنج

نخلبند = آن که از موم، درخت و میوه می‌ساخته است.

نقش بزرگ مدور یا چند گوشه در میان قالی و چنین شکلی بر روی تابوت یا منبر را نیز ترنج نامیده‌اند، با دو بیت از خاقانی و بیته از طغرای مشهدی (ل.ن):

بر ترنج سر تابوت تو خون می‌گیرم / تاش چون سبب به بیجاده مگر در گیرم

تاش = تا آن را. بیجاده = ماده سرخ طبیعی با خاصیت ربایش شبیه به کهربا، شبه یاقوت. الحق ترنج و سیبی بی‌چاشنی و لذت / چون سبب نخلبندان یا چون ترنج منبر

سبب نخلبندان = سبب مصنوعی، سبب مومی.

چون ترنج منبر از لذت ندارد بهرهای / وعظ من بشنو مچین بیهوده زین بستان انار
از اشعار متعدد خاقانی چنین بر می‌آید که کودکان، برای بازی، با چوب و ریسمان ترازو می‌ساخته‌اند و دوتیمه یک ترنج یا نارنج را، پس از برآوردن درون آن، دو کفه ترازو قرار می‌داده‌اند:

بس طفل کارزوی ترازوی زر کند / نارنج از آن خورد که ترازو کند ز پوست

دنباله مطلب در صفحه ۵۵

در نسخه دیگر: نارنج از آن خرد.

جرات و جسارتی بود که مولوی از عهده آن به خوبی برآمد و یاری و عنایت خدا و بخت او را به عالی ترین مقام عرفان و شناخت حقیقت ارتقاء داد.

لابالی عشق باشد نی خرد

عقل آن جوید کز آن سودی برد

ترک تاز و تن گدازد بی حیا

در بلا چون سنگ زیر آسیا

آری، عشق پروای چیزی ندارد و حساب سود و زیان نمی کند و در باغ سبز به کسی نشان نمی دهد و عاشق را چنان می سوزاند که از تعلقات و تعصبات در او نماند و در مقابل فقط بهره عاشق تهور و جسارتی است که در راه عشق و معشوق پیدا می کند.

شمس از مولوی می خواست بدون انتظار پاداش و مزدی پای در طریق عشق گذارد که پذیرفتن چنین امری برای هرکسی مقدور نیست. کاری که حافظ و بسیار کسان حاضر به قبول آن نبودند. چه حافظ در تجربه عشقی آینده درخشانی را پیش چشم دارد و امیدوار است که از آن کامیاب شود و بدین جهت همه مصائب آن را تحمل می کند که گوهر مقصود را در آغوش کشد و بی مهلبای پای در این دریای خروشان می نهد و یکباره با امواج کوبنده آن روبرو می شود که هستی او را تهدید می کند که دیگر دیر شده و باید مصائب آن را به ناچار تحمل نماید و صبر در مقابل این مصائب است که کلام او را به صدر نشاند و او را بزرگترین غزل سرای ایران و جهان ساخت که با شیرینی گفتار و غزل های دست اولش یگانه دهر در غزل گردید:

این همه شهد و شکر کز سخم می ریزد

اجر صبری است کز آن شاخ نباتم دادند
حافظ عارف و عاشق کامل نشد، ولی مولوی با اینکه عارفی واصل و کامل است، همین نظر را درباره کلام و سخن شیرینی دلپذیر دارد که می فرماید:

گر سخن خواهی که گویی چون شکر

صبر کن از حرص و این حلوا نخور
صبر باشد مُشت های زیر کان

هست حلوا آرزوی کودکان

هر که صبر آورد گردون بر رود

هر که حلوا خورد واپس تر رود
مولوی تمام مصائب و گرفتاری های راه عشق را می دانست و از مخاطرات آن آگاه بود که با توصیه شمس بدون انتظار پای در آن نهاد و منتظر تمام خطرات آن بود. اینک نظر خوانندگان را به غزلی که حاوی توصیه های شمس و جواب های مولوی است و در دیوان کبیر شماره ۱۳۹۳ آمده است، جلب می کنم.
دنباله مطلب در صفحه ۵۵

و ما درگذرد. شمس در ۲۶ جمادی الاخر سنه ۶۴۲ هجری قمری به قونیه درآمد و در خان شکر فروشان در حجره ای اقامت گزید که جز حصیری و کوزه ای مستعمل چیزی نداشت. به روایت افلاکی، روزی مولانا با لباس و کلاهی فاخر سوار بر مرکبی راهوار می گذشت و طلاب علوم، دانشمندان و مریدان در رکابش بودند که با شمس روبرو شد. داستان این مواجهه و پی آمدها و مذاکرات این دونفر و آتشی که از آن برخاست و همه چیز جلال الدین را بسوخت و از میانه دود آن عظمت وجود مولوی شکل گرفت، بسیار حیرت انگیز است که سراسر آن حائز کمال، اهمیت و متضمن مسائل مختلف آموزشی و روان شناسی و روان کاوی است.



شمس کوبه و حشمت مولوی را دید. پیش رفت و از او پرسید: «بایزید بسطامی بزرگتر است یا محمد(ص)؟» مولانا تعجب کرد و گفت: «چه جای پرسش است؟ محمد(ص) پیامبر است و آخرین آنها و دین او برتر از ادیان دیگر. بایزید را با او نمی توان مقایسه کرد.» شمس پرسید: «پس چرا محمد می گوید «ما عرفناک حق معرفتک» و بایزید می گوید «سبحانی ما اعظم شأنی»؟» مولانا از این پرسش حیرت انگیز متعجب شد و از عاجز ماندن در جواب بیفتاد و مدهوش شد. و چنین بود که از این برخورد اتفاقی و استمرار آن برقی درخشید و جهشی وصف ناپذیر آتش درونی و ذوق و شوق و شور درونی مولانا را که با تعلیم پدر و استادان شکل گرفته بود، از قوه به فعل و به منصف ظهور و بروز کشاند و همه چیز مولوی را به یغما برد و او را یگانه جهان کرد که شهرتی چون هومر در یونان و شکسپیر در انگلیس و گوته در آلمان و دانته در ایتالیا یافت و گوهر تابناک و نفیسی که شمس به مولوی اهدا کرد و ذرات وجود او را تابناک ساخت «عشق» بود و چیزی که مولوی در برابر آن پرداخت، دور ریختن و گذشتن از عنوان استادی و کرسی و فتوی و معاشرت شاگردان و دوستان و مجالس درس و گسستن از تمام تعلقات و ترک پاره ای از قیود خرافی و بدعت های دینی بود و بدین سان بود که این عقاب تیز پرواز ادب و عرفان ایران به آسمان و ملکوت اعلا به پرواز درآمد. شمس از ملکوت خواست که تمام بندها را پاره کند و پای در قماری گذارد که توفیق بُرد اصولا در آن نبود و بهره او از این کار



تولد دیگر

دکتر حسن مسیح پور

همه حرکت ها و جنبش و پویایی های زندگی بشر است و اصولا اساس خلقت و ایجاد کائنات از آن سرچشمه گرفته است. گویی مولوی هیچ گاه بدون عشق زندگی نکرده و در همه حال از موهبت آن برخوردار بوده است. برطبق تواریخ و تذکره های صوفیه این عشق آتشین پس از ملاقات با شمس تبریزی در وجود او شعله ور شده است، ولی نباید تصور کرد که مولوی قبل از مصاحبت با شمس عاری از هرگونه ذوق و عشق و هنر و پویایی بوده است، بلکه او عقاب تیزپری بود که بال هایش بسته بود و یا آتشی در زیر خاکستر و یا آتشفشانی خاموش که منتظر یک جرقه برای انفجار بود و عامل این انفجار یعنی شمس، با او مواجه شد. آری، شمس مردی که همواره در سیر و سلوک و سیاحت و تجربه آموزی بود و در جایی قرار نداشت، همه جا می رفت و به خدمت بزرگان علم و ادب و عرفان می رسید. گاه مکتب دار و گاه در تفکر و اندیشه جهان خلقت بود. معمولاً نمد سیاه می پوشید و از تعلقات دنیا آنچه او را از معرفت حقیقی بخش الهی باز دارد، دوری می جست و سالکان راه او را «کامل تبریز» می خواندند. او از قبل و قال مدرسه گذشته بود و می گفت انسان باید قطره دانش خویش را به اقیانوس عظیم و بیکران علم، فضیلت و عشق الهی پیوسته گرداند و از من

مولوی معتقد است که انسان پس از استیلا بر نفس و کشتن تمایلات نفسانی و مادی، تولد دیگری می یابد و نور الهی و عشق حقیقی در او متجلی می شود.

چون دوم بار آدمی زاده بزاد

پای خود بر فرق علتها نهاد

علت اولی نباشد دین او

علت آخری ندارد کین او

که مقصود از علت اولی، عقل کل و نفس کل است که علت غالبه اشیاءاند و علت آخری، علل و اسباب و مبادی قرین و مباشر امور است که تبدیل مزاج و ولادت دوم را صوفیه قیامت صغری و حشر قبل از نشر می دانند.

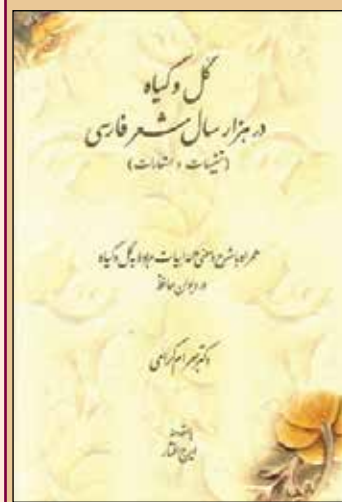
مولوی انسانی وارسته و متعالی بود که از کوچکی قدم در وادی های سلوک نهاد و زیر نظر شیوخی کامل آن راه دشوار را در نور دید و به آن درجه از تعالی و پختگی رسید که گوید:

حاصل عمرم سه سخن بیش نیست

خام بدم، بخته شدم، سوختم

آری، او با پلیدی ها و نخوت و غرور و تمایلات نفسانی ستیز کرده و با شناختن جامعه زمان خود و هدایت آنها دست روی رگ هویت ملیت خود نهاد و شهرت و عظمی مانند هومر و شکسپیر در جهان به دست آورد. چنانکه قبلاً بیان شد، عشق در آثار مولوی به نحو مطلوبی مورد توجه و عنایت قرار گرفته است. او عشق را یک پدیده روانی می داند که عامل

گل و گیاه در هزار سال شعر فارسی



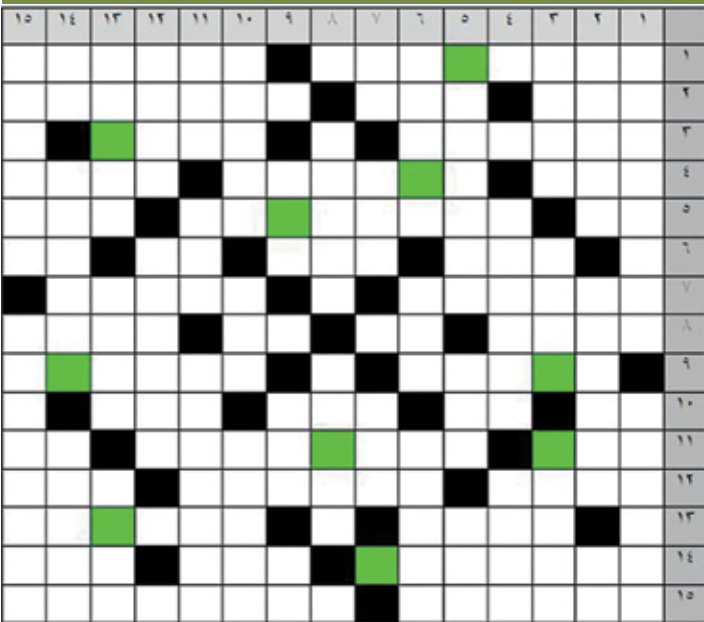
این کتاب که با مقدمهٔ ایرج افشار چاپ دوم آن در بهار ۱۳۸۹ در ۵۴۰ صفحه در تهران منتشر شد، حاصل بیش از ده سال تحقیق مستمر مؤلف است. این کتاب در زمانی کوتاه با استقبال کم نظیری از سوی مراجع علمی و ادبی روبرو گردید. بیش از چهار هزار بیت شعر انتخابی از ۱۵۶ شاعر (از آغاز شعر فارسی تا نیم قرن قبل از مشروطیت) در مورد ۱۱۰ گونهٔ گیاهی (گل ها، درختان، میوه ها) و تصاویر آنها با شرح و معنی ابیات دشوار و نیز شرح و معنی همهٔ ابیات مربوط به گل و گیاه در دیوان حافظ آمده است.

لُس آنجلس، شرکت کتاب

۱-۸۰۰-۳۶۷-۴۷۲۶

حل جدول در صفحه ۴۲

سرگرمی



مدرسه فارسی البرز
تجربه یادگیری زبان فارسی را
برای فرزندان شما زیباتر می سازد

(408)829-8296
1954 Camden Ave. #3, San Jose

- | عمودی | افقی |
|---|--|
| ۱-مقام مدیریت امور شهر-حرارت سنج | ۱- اثری از مولانا جلال الدین محمد بلخی-نام سابق شهرستان تنکابن |
| ۲-قلب قرآن-بالا پوش زمستانی-از ضمائر جمع | ۲-سر-دورافتاده-از ایالات کشور آمریکا |
| ۳-بلبل-فراموشکار-جامه ها را در آن می نهند | ۳-برابری-داخل شدن |
| ۴-خدمتگزاران-بشارت | ۴-جوش های ریز روی پوست-دیدن منظره از دور-سلب کننده |
| ۵-از کاخ های تخت جمشید-وسيله برق رسانی-مادر ترکی | ۵-تکرار حرفی از الفبا-از صنایع دستی ایران-شهری در آلمان |
| ۶-پیر و از کار افتاده-قصد کردن-جانوری دوزیست | ۶-قوت لایموت-دوست و همدم- اشاره به دور-نام ترکی |
| ۷-هنوز انگلیسی-پرتاب کردن و تیراندازی-نوعی قطعه الکترونیک | ۷-از شهرهای خوزستان-نام یکی از پیامبران الهی |
| ۸-منکر شدن-از مرکبات | ۸-رسم کننده-مساوی عامیانه-نت سوم موسیقی-پوشش برای سر |
| ۹-از پونه بدش میاد-محلی در مکه مکرمه-پسوند تشابه | ۹-مدیریت و سروری-شیطانی |
| ۱۰-از پوشاک-پیشوندی برای سوال-حبیب خداست | ۱۰-کتابی معروف درباره خاطرات جنگ تحمیلی-محصول مرداب بهره-دارو |
| ۱۱-سگ بیمار-موی گردن شیر-به دنبال راهنمایی است | ۱۱-بازی دوران کودکی-نشان دهنده راه-کجاست؟ |
| ۱۲-پوست گندم و جو-خوش سیما | ۱۲-در امنیت و سلامت کامل-پایان پذیر-امر به آشامیدن |
| ۱۳-مجبور به انجام کار-سیب ترکی-نقل کننده | ۱۳-در حال دویدن-فراری |
| ۱۴-از حروف انگلیسی-از توابع تهران-روشنایی خیلی کم | ۱۴-وکیل-تاوه نان پزی-سوگند |
| ۱۵-به کاربردن راهی برای انجام کاری-از شهرهای معروف ژاپن | ۱۵-زننده-ار آثار شیخ بهایی |

تقویم برنامه های فرهنگی و هنری در شمال کالیفرنیا

مرکز اسلامی فرهنگی شمال کالیفرنیا
سلسله جلسات و کلاس های دکتر عبدالکریم سروش
۱۷ اکتبر و ۴ نوامبر ساعت ۴:۳۰
۸ و ۲۲ اکتبر ساعت ۶ عصر
۱۴ اکتبر ساعت ۷:۳۰ عصر
جلسات سخنرانی مهندس عبدالعلی بازرگان
۱۴ اکتبر، ساعت ۶ الی ۸ عصر
(510)832-7600

جلسات انجمن فردوسی
هر دو هفته یکبار در دومین و چهارمین جمعه هر ماه
www.ferdosi.org
۴۰۸-۲۹۵-۱۲۴۰
ورود برای عموم آزاد است

جلسات شعر فریمانت
اولین و سومین شنبه های هر ماه میلادی در شهر فریمانت.
مکان:
Fremont, Main Library
۵۱۰-۲۲۶-۷۱۶۰
۵۱۰-۷۴۵-۱۴۰۰
ورود برای عموم آزاد است

شب شعر در ساکرامنتو
دومین چهارشنبه هر ماه در رستوران فیمس کباب.
تلفن اطلاعات:
۹۱۶-۴۸۳-۱۷۰۰
1290 Fulton Ave., #3 Sacramento, CA

انجمن فرهنگی آذربایجان در شمال کالیفرنیا
سازمان غیر انتفاعی، بدون وابستگی سیاسی و جناحی، با ارائه کلاس های رایگان یادگیری ابزار موسیقی، رقص و زبان انگلیسی.
با برگزاری رویدادهای فرهنگی و کنسرت
۴۰۸-۸۵۸-۹۸۶۲
secretary@acsnc.org
16400 Lark Ave. #260 Los Gatos CA

برنامه تلویزیونی رهنمودهای مسیح
با کشیش فرید فروتن
یکشنبه ها ساعت ۲:۳۰ بعد از ظهر
از کانال ۲۹ سانفرانسیسکو
شنبه ها ساعت ۱۰ شب
از کانال ۱۵ سن حوزه

شب بانوان
دومین چهارشنبه هر ماه شروع برنامه با شام و موزیک
از ساعت ۷ عصر تا ۱۱:۳۰
۱۲۳۴-۳۶۹-۴۰۸
۶۴۴۰-۳۷۱-۴۰۸
مکان: رستوران ساقی
1392 S Bascom Ave, San Jose
ورودیه با شام ۲۵ دلار

کلاس خصوصی
کلاس خصوصی عرفان و رفع مشکلات آثار مولوی، سعدی و حافظ توسط دکتر مسیح پور، استاد دانشکده ادبیات دانشگاه تهران
برای کسب اطلاعات بیشتر لطفا با ما تماس حاصل فرماید.
۲۹۲۲-۷۲۵-۴۰۸

(۴۰۸)۲۲۱-۸۶۲۴

نیاز مندیها

استخدام

یک زوج ایرانی-آمریکایی، به خانمی ایرانی آشنا به زبان انگلیسی و دارای گواهینامه معتبر رانندگی برای انجام کارهای منزل، به صورت تمام وقت در منطقه برکلی نیازمند است. محل سکونت کامل و حقوق ماهیانه. برای اطلاعات بیشتر لطفا با شماره تلفن ۶۲۲۳-۵۰۸-۵۱۰ تماس بگیرید.

جویای کار

خانمی با تجربه و دارای گواهینامه معتبر، آماده نگهداری از سالمندان شما، بطور شبانه روزی، در شهر سن حوزه و حومه می باشد. ۶۹۹۲-۴۷۹-۵۱۰

برای فروش

یک آرایشگاه بسیار مدرن، با تجهیزات کامل در جنوب سن حوزه در حوالی خیابان بلاسام هیل آماده فروش می باشد. ۱۲۷۷-۲۲۷-۴۰۸

برای اجاره

یک صندلی برای اجاره به یک آرایشگر موجود می باشد. لطفا با خانم «شری» تماس حاصل فرمایید. ۷۲۳۲-۹۲۷-۴۰۸

Find Iranian Businesses Faster

از وب سایت
irany.com

دیدن کنید و اطلاعات
کسب و کار، آگهی
نیازمندی و هر نوع
برنامه ای، مانند کنسرت،
سخنرانی، شب شعر و....
را در این وب سایت
برای اطلاع عموم به ثبت
برسانید.

irany.com

پل ارتباطی بین ایرانیان
در سراسر دنیا

فال ستارگان

دای

مدام از اتفاقی که افتاده گله نکنید چنین طرز فکری شما را به سر منزل مقصود نمی رساند. قدم هایی که به سوی اهداف خود بر میدارید باید سنجیده باشد تا در میانه راه دچار مشکل نشوید. از حيله و مکر حسودی بترسید و از او فاصله بگیرید. موفقیت‌های پی در پی در انتظار شماست. یک هدیه غیر منتظره دریافت می کنید.

بهمین

بدگمانی و سوء ظن را کنار بگذارید چون ممکن است میانه شما را با نزدیکترین دوستان و افراد خانواده بهم بزند. یک پیشنهاد خوب به شما خواهد شد که اگر همه جوانب را بسنجید و آن را قبول کنید به نفعتان خواهد بود. شما زود خود را درگیر مشکلات دیگران می کنید. استعداد های خود را قدر بدانید.

استند

در مسائل مالی احتیاط کنید و بلند پرواز نباشید. از نیازهای معنویتان غافل نشوید و وقت بیشتری برایش بگذارید. قدر دوستی را اطرافتان را بدانید و در پی جبران محبت هایش باشید. یک خیر خوب شمارا غافل گیر خواهد کرد. به قول ها و وعده هایی که می دهید عمل کنید تا کسی از شما دلخور نشود.

مهتر

ورزش کردن را در برنامه روزانه تان قرار دهید و بیشتر به فکر سلامتی تان باشید. یک رژیم غذایی سالم را پیش بگیرید تا از کسالت رها شوید. اگر به فکر نقل مکان هستید باید بدانید انجام می شود اما کمی زمان می خواهد. کسانی را کنار خود نگهدارید که باعث پیشرفت شما شده و به شما انگیزه می دهند.

آبان

معامله ای در پیش دارید که دوست دارید هرچه سریعتر به سرانجام برسد. اما هنوز موانعی هست که برطرف شدنشان نیاز به زمان دارد. در کارهای مهم عجله نکنید و با صبوری سعی کنید تصمیم درست را بگیرید. شما از فردی دلسرده و ناامید شده اید. بر اساس احساسات خود عمل نکنید چرا که بزودی این احساس شما فروکش می کند.

آذر

این ماه زمینه مناسب برای درخواست و تقاضا از رؤسا و مدیران برایتان مهیا است. سعی کنید ترس و دلهره، عدم اطمینان و سردرگمی را از خودتان دور کنید، چرا که همه این احساسات موقتی و زودگذر هستند. مراقب سلامت خود باشید و به خودتان برسید. این ماه روابط رمانتیک و عاشقانه شما امیدوار کننده خواهد بود!

تیر

با اطرافیان خوش رفتاری کنید و بگذارید از شما راضی باشند. افکار منفی را به ذهنتان راه ندهید و مثبت اندیش باشید. ذهنتان را باز نگه دارید چرا که چیزهای جدیدی می شنوید که می تواند مسیر زندگی تان را عوض کند. به درد دل اطرافیان و دوستانتان گوش بدهید و اگر کمکی از دستتان بر می آید برایشان انجام دهید.

مرداد

تعصب چیز بدی است. اجازه ندهید تعصب باعث شود حقیقت را نادیده بگیرید. هنگام معامله حواستان جمع باشد و با اشخاص با تجربه مشورت کنید. روی کارهایتان تمرکز لازم را داشته باشید تا نتیجه لازم را بگیرید. ایده های جدیدی که به ذهنتان می رسد را پیگیری کنید چون می توانید به موفقیت برسید.

شهریور

طوفان ها به زودی تمام می شوند پس خونسرد باشید و آرامش تان را حفظ کنید. برایتان یک موقعیت سفر پیش می آید. از رنگ سبز بیشتر استفاده کنید که برای روحیه تان خوب است. مثبت اندیش باشید و از افکار منفی دوری کنید. از طرف کسی که به او علاقه مند هستید خبر خوبی می شنوید. کاری در دست انجام دارید. در آن موفق خواهید شد و مورد تحسین خانواده و اطرافیان قرار می گیرید.

شروردین

شما بیش از حد احساساتی و زودرنج هستید و به همین دلیل بیش از دیگران آسیب می بینید. یک هشدار کوچک را جدی بگیرید. تلاش و پشتکار در هر کاری خوب است اما به شرطی که قدری به فکر خودتان باشید. موفقیت زمانی به دست می آید که در هر کاری تعادل داشته باشید. به حرف مردم اهمیت ندهید. کارهایتان را با پشتکار ادامه دهید.

اردیبهشت

این ماه نوبت آن است که به نظم و ترتیب محل کار و زندگی تان رسیدگی کنید. آخر هفته ها را برای استراحت و تجدید قوا اختصاص بدهید و از زندگی لذت ببرید. برای برطرف کردن مشکلات سراغ بیراهه نروید و به حرفهای هرکسی گوش نکنید. خبرهای خوشی می شنوید. کارهایتان را نیمه کاره رها نکنید.

خرداد

دلواپس چیزی نباش چراکه می توانید مشکلاتتان را از راه قانونی حل کنید. زمان بیشتری را به افراد خانواده اختصاص بدهید و در حل مشکلاتشان کمکشان کنید. ذهنتان را درگیر آنچه که مربوط به شما نیست نکنید و به فکر زندگی خودتان باشید. تا پایان امسال لازم است کوشش بیشتری انجام دهید تا مشکلاتتان حل شود.

کاباره رستوران ساقی

عروسی ها، جشن ها و میهمانی های خصوصی خود را در سالن مجلل رستوران ساقی همراه با پذیرایی کامل با انواع غذاها و دسرهای لذیذ ایرانی برگزار کنید.

هر روز ناهار با انواع غذاهای متنوع در رستوران ساقی

جوجه - کوبیده - خورشت قیمه - خورشت قرمه سبزی

دیزی مخصوص و کله پاچه - کباب زغالی

Lunch Special \$12.95



دومین چهارشنبه هر ماه شب بانوان در کاباره رستوران ساقی

Catering Saaghi

*Let us prepare our delicious food at your location
so you can focus on your guests!*

(408) 998-0122

1392 S. Bascom Ave. San Jose, CA 95128

Delivery by doordash & Uber

عشق، هوس، نفرت

بخش هفتم

عباس پناهی



و خوشبو بود که هر سه شروع به کشیدن نفس های عمیق کردند. وسایل پیک نیک را بر روی زمین پهن کردند و در حالی که به صدای رودخانه گوش میدادند، درزیر آفتاب دلچسب، پاهای را دراز کردند و نیمه نشستند خود را به دست آفتاب و هوای طبیعت سپردند.

نادزارینا در کنار فریدون پاهایش را دراز کرد و سرش را روی سینه او گذاشت و چشمانش را بست و به رویای خود رفت. ربکا با لبخندی شیطنت آمیز گاهی به فریدون نگاه می کرد و او را وادار به عکس العمل می نمود. فریدون دلش نمی خواست ربکا را از خود برنجانند اما از این لبخند ها هم می ترسید. سرش را به سینه می چسباند و یا جهت نگاهش را می گرداند. ربکا آرام رفت و کنار نادزارینا دراز کشید و انگشتان دست فریدون را که از آرنج به زمین تکیه داده بود، به دست گرفت و بوسید. فریدون دستش را بالا آورد و روی بازوی نادزارینا گذاشت اما ربکا باز دستش را روی دست فریدون گذاشت و آنرا نوازش کرد. فریدون نمی دانست چه کند که هم ربکا نرنجد و هم خود را رها کند و هم نادزارینا از این موضوع آگاه نشود. هرچه که فریدون دستش را جایجا کرد، فایده ای نداشت و ربکا آن را رها نمی کرد و مدام دستانش را بر دست فریدون می سایید و با فشار به سوی خود می کشید و می بوسید. فریدون نمی خواست آن آرامشی که نادزارینا درش غرق است، به هم بخورد. عاقبت تسلیم شد و دستش را رها گذاشت تا ربکا هر کار که میخواهد بکند. ربکا مدتی که با دست فریدون ور رفت. احساسش افزایش یافت و از پشت سر نادزارینا خودش را بالا کشید و پیشانی فریدون را بوسید و یک چشمک هم به او زد. فریدون نشان داد که از اینکار خشنود نشده اما ربکا اهمیتی نداد و این بار خود را بالاتر از سر نادزارینا کشید و پس از اطمینان از بسته بودن چشم های نادزارینا، به سرعت لبش را به صورت فریدون چسباند و بوسه ای طولانی از او گرفت. فریدون نمی توانست حرکتی بکند اما با چشمانش ربکا را تهدید کرد. ربکا خندید و چشمک دیگری زد. فریدون به بهانه خستگی در کرد، دستش را قدری به عقب کشید تا بتواند خود را از دست ربکا خلاص کند. نادزارینا بی خبر از همه جا، با چشمان بسته در هیروت خود سیر میکرد. فریدون دست دیگرش را جلوی صورتش حایل کرد اما ربکا آنرا هم محکم گرفت و کشید. کفر فریدون درآمد بود. **دنباله مطلب در صفحه ۵۶**

و از من میخواست تا منم آن سخنان را فراموش کنم.» نادزارینا خوشحال شد و پرسید: «خب، تو چه گفتی؟» فریدون گفت: «من از اولش هم به آن سخنان فکر نکردم و به تنها چیزی که فکر میکنم تو هستی و اینکه تو خوشحال باشی و اگر تو خوشحال باشی، در دنیا هیچ چیزی مرا آزار نخواهد داد.»

نادزارینا از خوشحالی در پوستش نمی گنجید. گفت: «چه کار خوبی کرد که به تو زنگ زد و از سخنانش پوزش خواست.» فریدون گفت: «به همین جا ختم نشد. برای ناهار هم دعوتمان کرد تا به اتفاق به رستورانی برویم و ساعتی را پیش هم باشیم.» نادزارینا پرسید: «تو آیا قبول کردی؟» فریدون گفت: «راه نپذیرفتن برایم نگذاشت و تا خواستم سپاسگزاری و ناپذیری کنم، خیلی جدی و محکم خواهش کرد که دیگر در این باره بحثی نکنیم و از من خواست تا محل ملاقات را به تو بگویم تا او و تو بیایید و مرا هم با خود ببرید.» نادزارینا گفت: «چه خوب، پس بگو کجا تورا ببینیم؟ آیا میخواهی به همان پانسیون بیایم و تو را ببریم و یا جای دیگری را انتخاب میکنی؟» فریدون گفت: «اگر بگوئید چه ساعتی آماده آمدن میشوید، من در همان ساعت در همان میدان ریپابلیکا سر نشی خیابان ویا ناسیوناله می ایستم تا شما برای دیدن من معطل نشوید.» نادزارینا پرسید: «آیا ساعت یازده پیش از ظهر خوب است؟» فریدون گفت: «پس من راس ساعت یازده در همان محل منتظران هستم.»

سر ساعت یازده، یک اتومبیل کوچولوی فیات ۵۰۰ (چینکو چنتای) سفید رنگ جلوی پای فریدون ترمز کرد و نادزارینا از آن پیاده شد و دست فریدون را گرفت و به داخل آن که جای چندانی هم نداشت برد و ربکا که پشت فرمان بود، براه انداخت. از شهر خارج شدند و به طرف یکی از شهرک های دورتر از رم روانه شدند. روز آفتابی زیبایی بود و هوا آنچنان دلچسب که حیف بود وقت را در شهر گذارند. نادزارینا گفت: «فریدون، ربکا یک تصمیم دیگری گرفته و به جای رستوران، ما را به پیک نیک میبرد. همه جور خوراکی هم آماده کرده و برای تو هم چند آبجو خنک در زیر یخها پنهان کرده. نظرت چیست؟» فریدون هم از این تصمیم استقبال کرد و اظهار خوشنودی نمود.

ربکا حدود یکساعت و نیم رانندگی کرد و در کنار رودخانه ای که از شمال به جنوب از کنار رم میگذشت، در یک بخش جنگلی بزرگ از جاده خارج شد و جایی خلوت پیدا کرد. آنقدر هوای جنگل معطر

الظاهر شوهرش را هم دوست میداشت. پس این جمله را چگونه تعبیر کند؟ به ناچار گفت: «از شما سپاسگزار هستم که این همه لطف به من دارید و منم شما را به راستی مانند ماما و هر کدام از اعضای خانواده دوست دارم و اصلا هم سخنان شما و سایرین را به دل نگرفته ام. فقط از دیشب تا بحال، دلم به شدت برای نادزارینا تنگ شده.» ربکا گفت: «نگران نباشید. حال نادزارینا خوب است و الان هم در حال آماده کردن صبحانه است و با شما خیلی زود تماس خواهد گرفت. اما هم اکنون از شما دعوت میکنم که ناهار را به اتفاق نادزارینا مهمان من باشید تا به یک رستوران برویم و ساعتی را باهم بگذرانیم.» فریدون خواست تشکر کند اما ربکا گفت: «خواهش میکنم دیگر در این باره چیزی نگویید و محل ملاقاتمان را با نادزارینا هم آهنگ کنید تا ما به آنجا بیایم و شما را با خود ببریم.»

فریدون بی صبرانه منتظر تلفن نادزارینا بود و به همین خاطر، در آشپزخانه ماند و برای نشستن و انتظار کشیدن، مبیایستی دلیلی هم داشته باشد. برخاست و دستگاه قهوه جوش را روشن کرد و درونش را پر از آب نمود و به انتظار جوش آمدن نشست. هنوز قهوه را درست نکرده بود که صدای زنگ تلفن درآمد. با عجله تلفن را برداشت تا زنگ دوم به صدا در نیاید. نادزارینای نازنینش بود. صدایش به زلالی آبی بود که از چشمه خورشید میجوشید. صاف و ظریف و نرم... «فریدون؟ تویی؟» فریدون گفت: «سلام نادزارینای عزیزم. منتظرت بودم. میدانستم که هم اکنون زنگ خواهی زد. همین چند دقیقه پیش بود که ربکا زنگ زد و خبر داد که تو حالت خوبه و مشغول آماده کردن صبحانه ای و زنگ خواهی زد.» نادزارینا پرسید: «اما ربکا از کجا میدانست که من زنگ خواهم زد؟ من که حرفی نزده بودم!» فریدون گفت: «اما انگار خواهر تو است و چند سال هم از تو بزرگتر است و تو را باید خوب بشناسد.» نادزارینا مجاب شد و پرسید: «برای چه منظوری زنگ زده بود؟» فریدون گفت: «عذر خواهی میکنم و به شدت اظهار پشیمانی مینمود. می گفت هیچکدام از حرفهایی را که دیشب زده بود، خودش باور ندارد

فریدون تا صبح خواب به چشمانش نرفت. برعکس آنچه که مادر نادزارینا خیال میکرد که فریدون آزرده شده و میترسید دخترش را ترک کند، تا صبح، چشمان درشت و غمگین نادزارینا در برابر دیدگانش ایستاده بودند و کنار نمی رفتند. تصمیم داشت اول بامداد زنگ بزند و نادزارینا را با کلمات دلنشین شاد کند.

ساعت نه صبح، مدیر پانسیون، خواب آلوده و با موهای شانه نکرده و با یک ژیدوشامبر که لبه هایش هم از جلو به روی هم نیافتاده بودند و شورت سفیدش به خوبی دیده میشد، درب اتاق فریدون را زد و گفت: «تلفن تورا میخواهد.» فریدون از رختخواب جست و به سرعت خود را به آشپزخانه رساند و تلفن را برداشت: «الو... بفرمایید!» صدایی را که از تلفن میشنید صدای نادزارینا نبود و خیلی آرام و کم صدا حرف میزد و معلوم بود که در محلی حرف میزند که می خواهد صدایش را دیگران نشنوند. فریدون گفت: «ببخشید، من با کی حرف میزنم؟» جواب شنید: «من ربکا هستم.» فریدون حالا صاحب صدا را شناخت. به روی خود نیاورد که چه گذشته پرسید: «حال شما و بقیه چطور است؟» ربکا گفت: «همه خوب هستیم، اما من خواستم پیش از اینکه دیگران از خواب بیدار شوند، از شما با کمال شرمندگی پوزش بخواهم. باور کنید که در هنگامی که آن سخنان ناروا از دهانم در میامد، در فکر و دلم اصلا آنها معنی نداشتند و فقط صدا های نامفهومی بودند که بگوش میرسید. من را ببخشید. و بدانید که منم به اندازه نادزارینا شما را دوست دارم و شیفته شما هستم.»

فریدون این جمله آخرین ربکا را درست نفهمید و یا فهمید و نتوانست تجزیه و تحلیل کند. منظورش از «به اندازه نادزارینا شما را دوست دارم و شیفته شما هستم» چه بود؟ آیا یک تعارف بسیار دوستانه بود و میخواست مهربانی خواهرانه اش را با این کلمات اغراق آمیز برساند؟ یا منظورش آن بود که من هم حاضرمانند نادزارینا با شما رابطه عاشقانه داشته باشم و در واقع دو خواهر رقیب باشیم؟ این یکی را فریدون، خود رد میکرد، زیرا که ربکا شوهرداشت و علی

تقاضای کارت سبز برای خانواده

داریوش گیلانی



میتوانند فقط برای همسر و فرزندان مجردشان درخواست کنند. مدت انتظار برای همسر و فرزند مجرد زیر ۲۱، دو سال و برای فرزند مجرد بالای ۲۱ مدت هفت سال میباشد.

لازم به تذکر است که بهیچ وجه این مدتهای انتظار را نمیتوانید کمتر کنید. تنها موردی که اداره مهاجرت همکاری میکند زمانی است که، به دلایل پزشکی خیلی محکم، دولت آمریکا به فردی که در ایران منتظر است ویزای بشردوستانه بدهد که به آمریکا آمده و در این کشور تا اخذ کارت سبز زندگی کند.

برای گرفتن اطلاعات به وقت اداره مهاجرت آمریکا در این موارد شما میتوانید با شماره اطلاعاتی ۲۴ ساعته ۷۶۹۶-۴۸۵۰ (۲۰۲) تماس بگیرید.

بیشتر. پلیس در تصادف ها نقش زیادی ندارد و مسئول تصادف ها در آمریکا بیشتر بیمه ها هستند و پلیس در نقش یک شاهد قانونی و دولتی دخالت می کند. دقت کنید که شرکت بیمه شما یک نسخه از گزارش تصادف و دریافت خسارت شما از طرف مقابل (اگر شما مقصر شناخته نشده اید) را دریافت کند تا مبادا شرکت بیمه طرف مقابل با همکاری، طرف مقابل طوری جلوه داده باشند که شما هم مقصر بوده اید و سبب افزایش بیمه سالانه شما شوند.

در این مقاله راجع به درخواست کارت سبز برای اعضاء خانواده سخنی با شما خواهیم داشت. به تازه گی زمان های انتظار اخذ این کارت طولانی تر شده و امکان دارد، با وجود این رئیس جمهور، این قسمت مزایای مهاجرتی بطور کلی حذف بشوند.

کسانی که تبعه آمریکا هستند می توانند برای همسر، نامزد، پدر، مادر، خواهر و برادر یا فرزندشان درخواست بکنند. مدت انتظار برای همسر و پدر یا مادر، در خارج آمریکا شانزده ماه، نامزد پنج ماه، فرزند مجرد زیر ۲۱ سال شانزده ماه بالای ۲۱، هفت سال و فرزند متاهل ۱۲ سال و خواهر و یا برادر پانزده سال میباشد.

کسانیکه دارای کارت سبز هستند شود. چرا؟ چون نخست ممکن است شما ماشین را تعمیر کنید و طرف مقابل شما بگوید هزینه بالا کردی و زیر بار پرداخت هزینه تعمیر شما نرود. همچنین ممکن است فرد نظرش عوض شود و حتی مدعی مقصر بودن شما شود و شما کارتان به دادگاه و حتی در دسرهای مدارک و شاهد تصادف برای شرکت های بیمه بیافزاید، زیرا بیمه ها پس از چند روز از تصادف که شما پیگیر نباشید، از شما مدارک بیشتری می خواهند و این یعنی در دسر

هنگام تصادف در آمریکا باید چه کار کنیم؟

سحر سلاهی

ssalahi@farmersagent.com



جهت آسانی کار در وب سایت پلیس (Department of Motor Vehicles) (Web site) قرار داده می شود و هم شما و هم شرکتهای بیمه می توانید به راحتی آن را دانلود کنید. این گزارش پلیس سرعت روند کارشناسی بیمه را سرعت می بخشد و نقش خیلی زیادی ندارد و اینجا بر پایه اعتماد افراد به هم و به شرکت بیمه است و اگر تناقض در گفته ها باشد بعد پلیس ها برای کشف واقعیت دخالت می کنند.

شما باید دقیقا بدانید بیمه شما چه مواردی را پوشش می دهد و چه جزئیاتی از خدمات و سرویس را در بر می گیرد. بعنوان مثال تازه بعد از تصادف دنبال این نباشید که ببینید در بیمه ماشین شما بوکسل و حمل ماشین شما تا تعمیرگاه شامل می شود یا خیر. در واقع دانستن این امر در خانه راحت تر از وسط خیابان است و همچنین بدانید که برای هر مورد چگونه باید از بیمه خودتان سرویس بخواهید.

اگر بر زبان انگلیسی مسلط نیستید از شرکت بیمه خودتان یا شرکت بیمه راننده مقابل (اگر مقصر باشد و شما باید با آنها برای دریافت خسارت تماس بگیرید) در خواست مترجم کنید. آنها وظیفه دارند شماره شما رو بگیرند و در کمتر از چند دقیقه یک مترجم بطور رایگان برای شما بر روی خط تلفن کنفرانس فراهم کنند و شما هزینه ای بابت آن نمی پردازید.

به تاریخ انقضای بیمه راننده مقابل توجه داشته باشید. البته شاید تاریخ بیمه فرد منقضی شده و بطور اتوماتیک بیمه آن را جدید کرده و فرد هنوز اوراقش را دریافت نکرده (آنهايي که پرداخت اتوماتیک دارند از آن با خبر نمی شوند) ولی شما اگر دیدید بیمه فرد منقضی شده است، به پلیس گوشزد کنید و پلیس ها با کامپیوتر درون ماشین خودشان می توانند آن را چک کنند و به شما اطمینان دهند.

نکته آخر این است که برخی موارد دو راننده تصمیم می گیرند که چون مثلا خسارت جزئی است خودشان مشکل را بدون دخالت شرکت بیمه حل کنند، اما این امر مشکل ساز می

۱- بهتر است در ماشین یک بسته کمک های اولیه داشته باشید و اگر گویشتان مجهز به دوربین حرفه ای نیست یک دوربین که بتواند ۸ تا ۱۰ عکس بگیرد همیشه به همراه داشته باشید. رانندگان بهتر است در ماشین خود خودکار و کاغذ داشته باشند و این جزو واجبات است.

۲- اگر در تقاطع شلوغ یا اتوبانی تصادف کردید و خطر تصادف مجدد وجود دارد باید ماشین ها را به کناری هدایت کنید. ولی اگر توانستید پیش از انتقال آنها از ماشین ها و وضعیت تصادف چند تا عکس بگیرید. اگر ماشینی نمی تواند حرکت کند، افراد درون ماشین بهتر است با کمر بند بسته در درون ماشین بمانند تا کمک برسد.

۳- نوبت تبادل اطلاعات است. باید راننده ها نام، آدرس، شماره تلفن، شرکت بیمه، شماره گواهینامه رانندگی و شماره پلاک برای هر کدام از رانندگان را به دیگری و پلیس بدهند و بهتر است مشخصات خود را بر روی کاغذی در ماشین خودتان داشته باشید. اگر نام راننده با نام فرد دارنده بیمه فرق داشت باید نوع نسبت فرد بیمه کننده با راننده مشخص شود و سپس مشخصات فرد بیمه کننده نیز کامل گرفته شود. همچنین باید در شرح اتفاق، مدل ماشین، سال ساخت و رنگ آنها، محل دقیق و چگونگی تصادف ذکر شود.

۴- اگر کسی شاهد تصادف بوده است از آنها درخواست اطلاعات تماسشان را کنید تا اگر پلیس به تناقض اطلاعات برخورد کرد، بتوانید از آنها بعنوان شاهد استفاده کنید. البته اگر مایل نبودند شما حق ندارید آنها را مجبور کنید.

۵- در اینجا پلیس ها معمولا در بسیاری از محل ها گزارش تصادف رد نمی کنند و به شما تحویل نمی دهند مگر تصادف منجر به جراحت شدید رانندگان شود. گزارش تصادف شما در اداره پلیس منطقه قرار دارد و پلیس ها معمولا کارت خودشان را به دو طرف می دهند و در آن مشخصات اداره پلیس محل کارشان مشخص است. یادآور شوم فایل گزارش تصادف

ماهنامه پژواک

با درج آگهی در نشریه پژواک،

کسب و خدمات خود را به ایرانیان شمال کالیفرنیا معرفی نمایید!



(408)221-8624

همه‌پرسی استقلال کردستان عراق

همه‌پرسی برای استقلال کردستان عراق در ۳ مهر ۱۳۹۶ (۲۵ سپتامبر ۲۰۱۷) برگزار شد. در ابتدا برنامه‌ریزی شده بود این همه‌پرسی در سال ۱۳۹۳ (۲۰۱۴ م) در میانه مناقشه بین حکومت اقلیمی کردستان عراق و حکومت فدرال عراق برگزار شود. نتایج آن برای اقلیم کردستان عراق الزام‌آور است ولی دولت فدرال عراق آن را غیرقانونی دانسته‌است.

از اعلام نتایج همه‌پرسی خواهان مذاکره مسالمت آمیز برای استقلال هستیم. هدف از این همه‌پرسی اعلام استقلال است و همه‌پرسی مورد تأیید اغلب مردم کردستان است. این مسئله فقط به دنبال رسمیت بخشیدن به مرزهای شکننده اقلیم کردستان و سایر نقاط عراق است. زمان آن فرا رسیده که بپذیریم مدل کنونی رابطه اقلیم کردستان و دولت مرکزی عراق کارآمد نیست. عراق از قبل تجزیه شده بود و این رفتارندوم فقط نشان می‌دهد که چه اتفاقی افتاده‌است. اگر استقلال کردستان محقق نشود، وقوع جنگ‌های خونین بعید نیست. کردستان نقش بزرگی در حاکمیت شیعیان بعد از صدام داشت ولی آنها علیه اقلیم عمل می‌کنند. متأسفانه شیعیان سهم کردستان از بودجه عمومی عراق را قطع کرده‌اند. وقتی نمی‌توانیم در یک کشور شرکای خوبی باشیم، بهتر است همانند دو همسایه صلح طلب به زندگی ادامه دهیم.» در ژوئیه ۲۰۱۷ حیدر العبادی، نخست‌وزیر عراق در جلسه هفتگی هیئت دولت با تکرار مواضع قبلی خود در مورد همه‌پرسی استقلال منطقه کردستان تأکید کرد که این همه‌پرسی غیرقانونی و مغایر با قانون اساسی عراق است. وی تأکید کرد که دولت بغداد هرگز در این راستا تعامل نخواهد داشت.

در ژوئیه ۲۰۱۷ مسعود بارزانی گفت: «گلوله را در مقابل گلوله پاسخ خواهیم داد و در مقابل زور بغداد دست بسته نخواهیم بود.»

در حالی که همسایگان کردستان عراق در ایام نزدیک به تاریخ مقرر همه‌پرسی مخالفت خود را اعلام کردند و علی‌رغم بسته شدن مرزهای زمینی و هوایی ایران و ترکیه و رزمایش‌های نظامی این دو کشور در نزدیکی مرز اقلیم، و همچنین تهدید اقتصادی دولت ترکیه، مسعود بارزانی گفت: «پیام ما به همسایگان این است که برای برقراری مناسباتی عالی با آنها خوشحال هستیم. کردها هرگز عامل بی‌ثباتی نبوده‌اند و مرزهای بین‌المللی را رعایت می‌کنند.» وی همچنین بیان داشت که در مبارزه با دولت اسلامی (داعش) با عراق همکاری خود را ادامه خواهد داد.

در پی تهاجم داعش به شمال عراق که در نتیجه آن پیشمرگ‌های کرد به طور غیررسمی کنترل برخی از مناطق را که نیروهای تحت کنترل بغداد رهایشان کرده بودند، در دست گرفتند، خواسته‌ها برای استقلال کردستان قوت گرفت. با عملیات مشترک نیروهای کرد و حکومت مرکزی عراق برای آزادسازی موصل، همه‌پرسی بارها اعلام شد و به تعویق افتاد، ولی تا آوریل ۲۰۱۷ انتظار می‌رفت که زمانی در سال ۲۰۱۷ برگزار شود. در ۷ ژوئن ۲۰۱۷ مسعود بارزانی رئیس اقلیم کردستان عراق در جلسه‌ای با حزب دموکرات کردستان عراق، اتحادیه میهنی کردستان، اتحادیه اسلامی کردستان، جنبش اسلامی کردستان، حزب کمونیست کردستان عراق، حزب زحمتکشان کردستان، حزب کارگران و زحمتکشان کردستان، حزب اصلاح و توسعه کردستان، فهرست ترکان‌های اربیل ترکان‌های عراق، جبهه ترکان‌های عراق، جنبش دموکراتیک ترکان، فهرست ارمنی در پارلمان کردستان، جنبش دموکرات آشوری و مجلس ملی کلدانی سریانی آشوری، برگزاری همه‌پرسی در تاریخ ۳ مهر ۱۳۹۶ را تأیید کرد.

تاریخ برگزاری همه‌پرسی

مقام‌های بلندپایه دولتی و احزاب سیاسی کردستان عراق تاریخ برگزاری همه‌پرسی برای اعلام استقلال کردستان عراق را ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۷ اعلام کرده‌اند. این تصمیم در طی نشستی در اربیل عراق به ریاست مسعود بارزانی رئیس دولت کردستان عراق گرفته شد. در بیانیه‌ای که در پایان این نشست منتشر شد آمده است که رأی‌گیری در سه استان تشکیل دهنده این منطقه و همچنین نواحی خارج از مدیریت منطقه برگزار خواهد گردید. ایران، ترکیه، سوریه با این تصمیم کردها برای رفتن به سمت استقلال کامل موافق نیستند.

موضع‌گیری‌ها

مسعود بارزانی رئیس اقلیم کردستان عراق روز پنجشنبه ۱۵ ژوئن در مصاحبه با یک مجله آمریکایی فارن پالیسی گفت که انجام همه‌پرسی برای استقلال، حق مسلم و قانونی مردم کردستان است. او گفت: «من به حیدر عبادی گفتم که بعد

فرمان جدید ترامپ مجازات دسته جمعی ایرانیان

کمیسیون حقوق بشر در ایران قویا فرمان جدید منع سفر به آمریکا را که در تاریخ ۲ مهرماه ۱۳۹۶ توسط دولت دونالد ترامپ اعلام شده و شهروندان ایران و هفت کشور دیگر را هدف قرار می‌دهد محکوم می‌کند. اتر فراگیر و خودسرانه فرمان جدید منع سفر به آمریکا بر شهروندان ایران غیرقابل توجیه و هدیه‌ای به تندروها در ایران است که می‌خواهند ملت ایران را منزوی و از تعامل آنها با جهان خارج جلوگیری کنند.



کشور سفر کنند.

هادی قائمی گفت: «به عنوان یک سازمان حقوق بشر مستقر در آمریکا، سفرهای منظم و دیدار با منتقدان ایرانی که در خارج از ایران زندگی می‌کنند بخش مهمی از فعالیت ماست. این افراد برای تحقیقات و ترسیم وضعیت موجود، ضروری هستند. اینک همه این قربانیان در یک ممنوعیت غیرقانونی اسیر شده‌اند.»

طبق فرمان ریاست جمهوری که در تاریخ دوم مهرماه صادر شد، «ورود اتباع ایران به ایالات متحده آمریکا به عنوان مهاجران و غیر مهاجران بدین وسیله به حالت تعلیق درآمده است، به استثنای ورود این اتباع تحت ویزاهای معتبر دانشجویی (F) و M، و مبادله دانشجو (J) که به حالت تعلیق در نمی‌آید، هرچند این افراد مورد بازرسی و نظارت‌های افزوده قرار خواهند گرفت.»

دنباله مطلب در صفحه ۵۲

هادی قائمی، مدیر اجرایی کمیسیون گفت: «این فرمان منع سفر بیرحمانه، غیرمنطقی و علیه منافع ملی آمریکاست.» وی افزود: «چنین تبعیض کلی نمی‌تواند بین مردم ایران و مقامات ایران تفاوت قایل شود. این مجازات دسته جمعی همه مردم ایران برای سیاست‌های دولت ایران است.»

فرمان جدید منع سفر ترامپ توخالی بودن حرف‌های اخیر وی در هفتاد و دومین نشست مجمع سازمان ملل متحد در تاریخ ۲۸ شهریور ۱۳۹۶ را نشان می‌دهد که طی آن گفته بود: «مردم خوب ایران خواهان تغییر هستند» و «رهبران ایران از هر چیز بیشتر از مردم ایران می‌هراسند.» کمتر از یک هفته پس از این سخنان، او میلیون‌ها «مردم خوب» را با صدور این ممنوعیت سفر فراگیر مجازات کرد.

این فرمان منع سفر همچنین صدها هزار شهروند ایرانی-آمریکایی که خدمات بسیار موثری به اقتصاد و فرهنگ آمریکا می‌کنند را از سفر اعضای خانواده آنها به آمریکا محروم می‌کند.

علاوه بر این، ماهیت کور این ممنوعیت سفر ده‌ها هزار پناهنجو و فعال حقوق بشر ایرانی که در اروپا و در سراسر جهان زندگی می‌کنند را تحت تأثیر قرار می‌دهد و آنها دیگر نمی‌توانند به این

Sabika Full Service Salon

با مدیریت شهین (Sherry)

- ◆ Haircut
- ◆ Highlight
- ◆ Perm
- ◆ Color
- ◆ Special Occasion
- ◆ Shampoo, Blow Dry & Style
- ◆ Threading
- ◆ Straightening
- ◆ Hair Extentions

**\$10 Off
Haircut**

**Free Hair Cut
with any Chemical**



Brazilian Straightening

(408) 927-7232

6049 Snell Ave., San Jose, CA 95123

دیدم به بصره دختر کی اجمعی نسب
روشن نموده شهر به نور جمال خویش
می خواند درس قرآن در پیش شیخ شهر
وز شیخ دل ربوده به غنچ و دلال خویش
می داد شیخ، درس «ضلال مبین» بدو
و آهنگ ضاد رفته به اوج کمال خویش
دختر نداشت طاقت گفتار حرف ضاد
با آن دهان کوچک غنچه مثال خویش
می داد شیخ را به «دلال مبین» جواب
و آن شیخ می نمود مکرر مقال خویش
گفتم به شیخ راه ضلال این قدر مپوی
کاین شوخ منصرف نشود از خیال خویش
بهرت همان بود که بمانید هر دوان
او در دلال خویش و تو اندر ضلال خویش
ملک الشعراء بهار

ما چون دو دریچه روبروی هم،
آگاه ز هر بگو مگوی هم.
هر روز سلام و پرسش و خنده،
هر روز قرار روز آینده،
عمر آینه بهشت، اما... آه
بیش از شب و روز تیر و دی کوتاه
اکنون دل من شکسته و خسته ست،
زیرا یکی از دریچه ها بسته ست.
نه مهر فسون، نه ماه جادو کرد،
نفرین به سفر، که هر چه کرد او کرد.
مهدی اخوان ثالث

شب بد شب دد، شب اهرمن
وقاحت - به شادی - دریده دهن
شب نورباران، شب شعبده
شب خیمه شب بازی اهرمن
شب گرگ در پوستین شبان
شب کاروان داری راهزن
شب سالروز جلوس دروغ
شب یادبود بلوغ لجن
شب کوی و برزن چراغان شده
فضاحت ز شیپورها نعره زن
شب شبچرانی به فرمان دیو
شب سور اهریمن و سوک من.
م. آزر

ما عاشقیم و خوشتر از این کار نیست
یعنی به کارهای دگر اعتبار نیست
دانی بهشت چیست که داریم انتظار؟
جز ماهتاب و باده و آغوش یار نیست
سنجیده ایم ما، به جز از موی و روی یار
حاصل ز رفت و آمد لیل و نهار نیست
فرهاد یاد باد که چون داستان او
شیرین حکایتی ز کسی یادگار نیست
ناصح مکن حدیث که: «صبر اختیار کن.»
ما را به عشق یار ز خویش اختیار نیست
بر ما گذشت نیک و بد، اما تو روزگار!
فکری به حال خویش کن این روزگار نیست.
عماد خراسانی

به خود گفتم از عمر رفته چه ماند؟
دل خسته لرزید و گفتا دریغ!
به دل گفتم از عشق چیزیت هست؟
بگفتا که هست آری، اما دریغ!
بلی از من و عمر ناپایدار
نمانده ست بر جای الا دریغ!
شب و روزها و مه و سال ها
گذشتند و ماندند برجا دریغ!
رسیدند هر روز و شب با فسوس
گذشتند هر سال و مه با دریغ!
رسیدند و گفتم فسوسا فسوس!
گذشتند و گفتم دریغا دریغ!
مظاهر مصفا

ای گل تو ز جمعیت گلزار چه دیدی؟
جز سرزنش و بد سری خار چه دیدی؟
ای لعل دل افروز، تو با این همه پرتو
جز مشتری سیفله، به بازار چه دیدی؟
رفتی به چمن لیک قفس گشت نصیبت
غیر از قفس، ای مرغ گرفتار، چه دیدی؟
پروین اعتصامی

در دل شب دیده بیدار من
بیند آن یاری که دل را آرزوست
چون بیاید، پیش پیش موکبش
مرغ شب آوا برآورد دوست... دوست!
بانگی آید چون پر پروانه نرم
ماه را با آب گویی گفتگوست
برنگیرد پرده برگ از چهر گل
زآنکه پیش باد او را آبروست
نرم نرمک می رسد نزدیک من
کیست؟ پرسم، باد گوید اوست، اوست...!
لطفعلی صورتگر

من بار سنگینم، مرا بگذار و بگذر
نیکم، بدم، اینم، مرا بگذار و بگذر
دانم ز مسکینان بتابی چهره از ناز
انگار مسکینم، مرا بگذار و بگذر
بر مرگ خود سوزی، عجب می گری، ای شمع!
منشین به بالینم، مرا بگذار و بگذر
دردم نمی داند کسی، بگذار تا مرگ
کوشد به تسکینم، مرا بگذار و بگذر
در دیده رویای عدم سنگین نشسته
در خواب شیرینم، مرا بگذار و بگذر
بگذار زنجیرم کشد دژخیم ایام
در خورد نفرینم، مرا بگذار و بگذر
بگذار جز کابوس ناکامی نبیند
چشم جهان بینم، مرا بگذار و بگذر
محمود ثنایی

شکست عهد من و گفت: «هر چه بود، گذشت.»
به گریه گفتمش: «آری، ولی چه زود گذشت.»
بهار بود و تو بودی و عشق بود و امید
بهار رفت و تو رفتی و هر چه بود گذشت
شبی به عمر گرم خوش گذشت آن شب بود
که در کنار تو با نغمه و سرود گذشت
چه خاطرات خوشی در دلم به جای گذاشت
شبی که با تو مرا در کنار رود گذشت
گشود بس گره آن شب از کار بسته ما
صبا چو از بر آن زلف مشک سود گذشت
غمین مباش و میندیش از این سفر که تو را
اگر چه بر دل نازک، غمی فزود، گذشت.
ایرج دهقان

قالی بافی در مناطق مختلف ایران

محمد جواد نصیری

ایران مهد قالی دنیا، از دیر زمان به نام سرزمین فرش های افسانه ای و زیبا شهرت جهانی داشته است و از قطب های قالی بافی آن از گذشته های دور تا کنون هزاران هزار تخته قالی و قالیچه نفیس و گران بها در دسترس مشتاقان آن قرار گرفته است. ولی این تعریف به آن معنی نیست که در تمامی این سرزمین پهناور، که مساحتی معادل یک میلیون و ششصد و پنجاه هزار کیلومتر مربع دارد، قالی بافی به صورت یکسان معمول باشد، چه در مساحت های بزرگی از این کشور به دلایل اقلیمی و دموگرافی و اقتصادی این هنر و یا به عبارت امروزی آن، این صنعت به هیچوجه رونق و رواجی ندارد. در این مقاله به شرح جزئیات آن در مراکز قالی بافی شهرستان های مختلف می پردازیم.

ورامین

گروه هایی از عشایر کرد (تیره پازوکی) و لرهایی از تیره هداوند و حتی شاخه هایی از ایل شاهسون به دلایل گوناگون و از همه مهمتر دلایل سیاسی، از زمان های گذشته به این شهرک قدیمی و نزدیک به تهران کوچانیده و تخته قاپو شده اند. با فندک های این ملغمه ایلی بنابر سلیقه ها و سنت های ایلی خود فرش هایی از نوع متوسط و گاهی مرغوب با نقشه های مختلف و گره های فارسی و ترکی می بافند. فرش های آنان در اندازه های ذرع و نیم، دو ذرع و شش متری به بازار می آید. طرح معروف و زیبای مینا خانی را تنها بافنده های ورامین بر روی فرش های خود می آورند. بسیار نیز اتفاق می افتد که فرش های این ناحیه به نقش خرچنگی در حاشیه و متن تزیین شده باشند. امروزه با استفاده از طرح مینا خانی در خراسان به ویژه در کاشمر فرش هایی در اندازه های شش متر مربعی و همچنین فرش های مربع چهار متری به تعداد انبوه در زمینه های قرمز روشن، آبی سرمه ای و نخودی بافته می شود.

قم

اگر عبا باف نائینی قالی پرآوازه خود را به هنرمند اصفهانی مدیون است، در عوض بافنده تک باف قمی این سپاس را مروهون همسایه نامدار و پیشکسوت خود کاشان می باشد که راه و رسم کار را با سخاوت و استادی به او آموخت و به حق، این شاگرد تیزهوش نیز با فراست تمام ریزه کاری ها را دریافت و توانست با ارائه فرش هایی با طرح های جالب و بافت ظریف و رنگ های متعادل مرزهای شهرت را به زودی درنوردیده و به فرش نورسیده خود این چنین اعتبار بخشد. حدود نود سال پیش بود که تاجر کاشان دارهای قالی را به آنجا برده و کار را در مقیاسی محدود شروع کردند. هنوز بیست سالی از آن نگذشته بود که قالی بافی در آنجا با ابعادی تجارتي به صورت پیشرفته و قابل ملاحظه ای ادامه یافت. در شهر قم قالی بافی آن چنانکه در برخی از مراکز بافندگی مهم ایران چون تبریز

محرمات، ترنجی کف ساده، بندی کتیبه ای، محرابی، گل فرنگ و ظل السلطانی. در طرح بته ای که از طرح های مورد علاقه بافنده های قمی است، نقش بته ها مانند فرش های خراسان است. برعکس فرش های نقش بته ناحیه سرابند و مال میر (رستان) یک سویه است به این صورت که نوک این بته ها که در ردیف های موازی بافته شده اند همگی در یک جهت هستند. در حالی که در فرش های سرابند جهت نوک بته ها در ردیف های متوالی یک درمیان تغییر می کند.

در قم تقلیدی از طرح های هندسی جوشقانی را می بافند که با طرح های قدیمی کاشان نیز شباهتی دارند. همچنین در این شهر طرح درختی را گاهی در متن محرابی و گاهی نیز بدون نقش محراب می بافند. مشابه این طرح در اصفهان و کاشان نیز بافته می شود. بافندگان قمی فرش های کف ساده با ترنج بزرگ شش گوشه ای مملو از گل ها و برگ های تیپ هراتی می بافند که مشابه آن در بیرجند نیز بافته می شود.

قزوین

از زمان صفویه تا کنون در قزوین که پایتخت اولیه این سلسه بوده، فرش بافی رواج داشته است. ولی امروزه در بازارها کمتر به بافت های این شهر برمی خوریم. علت اساسی این امر به وجود آمدن قطب های کشاورزی و اشتغال اهالی منطقه در این قطب ها و همچنین واحدهای صنعتی دشت قزوین (شهر صنعتی البرز) است. فرش های آن اغلب در مایه طرح های گردان و به گونه لچک و ترنج و بیشتر در اندازه های بزرگ و با پرز بلند با تسلط رنگ های کلاسیک و گاهی مخلوط با رنگ های خاکستری بافته می شوند. در سال های اخیر قالی هایی به تقلید از فرش های نائین مرغوب ولی به تعداد کم نیز در این شهر می بافند و دلیل آن مهاجرت تعداد زیادی از اهالی نائین به این منطقه برای انجام کارهای فصلی از جمله جمع آوری صمغ های گیاهی است. این کارگران مهاجر به هنگام فراغت از کارهای صحرایی بر روی دارهای خانگی خود قالی های سنتی نائین را می بافند.

در فرش های قدیمی و محلی قزوین از دیدگاه ظرافت بافت و نوع طرح، ریشه هایی از وابستگی به بافت های کاشان و تهران و تبریز را میتوان پیگیری کرد.

استان فارس

دو سوم از خاک استان فارس محل زیست عشایر مختلفی است که از هزاران سال پیش در این سرزمین پهناور زندگی کرده و برای دسترسی به هوای معتدل و چراگاه های سرسبز برای دام های خود در طول سال مبادرت به کوچ های طولانی می کنند. برخی از این عشایر به دلیل سختی ها و مشقت هایی که در این رفت و آمدهای مکرر متحمل می شوند در سالهای



فرش دستباف ورامین

اخیر حالت کوچ روی را ترک کرده و در سرزمین های مناسب ساکن شده اند. در قالی بافی استان فارس به لحاظ اهمیت دست بافت های عشایر ساکن و متحرک در این ناحیه ابتدا مختصری به سابقه تاریخی و چگونگی و کیفیت دست بافت های ایلات قشقایی، خمسه و الوار ممسنی و بویر احمد پرداخته و سپس ادامه این بحث را به شهرهای شیراز و آباده می کشانیم که در حقیقت قالی بافی در آنها بازتاب این حرفه پیشینه دار ایلیاتی است. به طور کلی روش های بافت و نقش مایه ها و نگاره ها، که در حد کمال زیبایی و تنوع هستند، در هر ایل و طایفه و در هر ناحیه فرق می کند. تقریباً اکثر فرش های آنها بر روی زمین بافته می شوند. قالی و قالیچه های فارس بیشتر دو پوده بوده و تار و پود آنها از جنس پشم است. گره به کار رفته در فرش های این استان بسته به ایل و طایفه متفاوت است، به طوری که در دست بافت های ایل قشقایی گره فارسی در حالی که در میان بافنده های مستقر در نی ریز و اصطهبانات گره های فارسی- ترکی بسته به مورد رایج است. سایر ایل ها به طور کلی گره ترکی و یا متقارن را ترجیح می دهند. پشم های به دست آمده از گوسفند های فارس لطیف و براق بوده و رنگ های پرمایه و دلپذیری که در این ناحیه به فراوانی یافت می شود، بر روی این الیاف فرصت خودنمایی بیشتری می یابند.

ایل قشقایی

قالی بافی پیشه و هنری است که در میان دختران و زنان این ایل مرسوم است و دست بافت های آنها به نام قالیچه های ترکی شیرازی شهرت پیدا کرده اند. این دست بافت ها بیشتر در جهت استفاده های شخصی یا به عنوان جهیزیه بافته می شوند و به این لحاظ کمتر در معرض خرید و فروش قرار می گیرند. **دنباله مطلب در صفحه ۵۳**



محمد علی طاهری

روشن و قابل مشاهده ندارد (گرچه سوابقی در ارتش و نزدیکی‌هایی با برخی سیاسیون داشته، از این رو برای عامه مردم شخصیت قابل اعتمادتری است که از طریق او رشته اتصال به «دین» را که حکومت شیعی ایران آن را «آلوده» کرده، حفظ کنند. به همین دلیل، طاهری موفق شده است دست به شبکه‌سازی بزند؛ قابلیت خطرناک برای بسیج کردن مردم در شرایط حساس (تا همین جا هم مریدان او بارها به خاطرش تجمع و تحصن کرده‌اند و بازداشت شده‌اند).

از همین روست که حاکمیت با تکیه بر توان اطلاعاتی قرارگاه ثارالله سپاه که گفته می‌شود در این پرونده نقش دارد، این پرونده را تا مرز اعدام و حذف فیزیکی رقیب روحانیت شیعه-ولی فقیه کشانده است.

بر اساس برخی از اطلاعاتی که در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده و فایل صوتی شخصی به نام محمودرضا قاسمی که گفته می‌شود بازجوی محمدعلی طاهری از سوی قرارگاه ثارالله بوده و خود را به عنوان محقق و منتقد عرفان حلقه از منظر علم کلام جازده است، تاکنون نبرد درونی و اختلافات داخلی در حاکمیت، اجرای حکم اعدام او را به تعویق انداخته است.

دنباله مطلب در صفحه ۵۷



و برخورد با آنها از سوی سیستم قدرت رسمی با دلایل متفاوتی صورت می‌گیرد. حکومت ایران یک حکومت شیعی مدعی حقانیت و رستگاری عالم است که مشروعیت خود را از ولایت فقیه می‌گیرد. در این ساختار حکومتی، تنها شخصی که می‌تواند رهبری کاریزماتیک و معنوی-افزون بر رهبری سیاسی-جامعه را به عهده داشته باشد، شخص ولی فقیه است. در چنین ساختاری، حضور هر شخص یا گروهی که بتواند گروهی از توده‌های مردم را به خود جذب کند، یک خطر بالقوه با قابلیت به فعل درآمدن است. از همین روست که علی خامنه‌ای در سال ۸۹ در یک سخنرانی نسبت به گسترش و نفوذ عرفان‌های کاذب تذکر داد و از آن پس بود که فعالیت اشخاص و گروه‌هایی که به نوعی زیر تعریف این نوع عرفان‌ها می‌گنجیدند، بیش از قبل تحت کنترل و مورد حساسیت نهادهای امنیتی قرار گرفت.

به این ترتیب، محمدعلی طاهری که تا پیش از سال ۸۹، فعالیت رسمی و آشکار داشت، در نشریات نزدیک به اصولگرایان مقاله چاپ می‌کرد و از وزارت بهداشت تقدیرنامه دریافت می‌کرد و در جلسات سخنرانی‌اش پزشکان و روانپزشکان حضور داشتند، به ناگهان تبدیل به مفسد فی الارض شد.

با افزایش تعداد پیروان و مریدان او، خطر هم جدی‌تر شد. او نیز مانند پیمان فتاحی، معروف به ایلیا میم رام‌الله، معتقدانی داشت که او را استاد و مرشد خود محسوب می‌کردند و به تدریج بر تعدادشان در سراسر کشور افزوده می‌شد. اما محمدعلی طاهری با اینکه خود را معتقد به تشیع و اسلام می‌داند، در واقع رقیب و دشمن تشیع رسمی حاکم است. تشیعی که بازار داغش در تکیه‌ها و حسینیه‌ها، در صحن امامزادگان و در آیین‌های پر شمار جشن و عزای مداحان و روحانیون با

خطر کم رونفی و حتی نابودی روبه‌روست.

محمدعلی طاهری، به اصطلاح حوزوی، «مکلا» است. او در کسوت روحانیون شیعه، «معمم» نیست: پس غیر خودی به شمار می‌آید. شیوه‌های جذب و تبلیغش هم «مدرن» تر است و با زبان «شبه‌علم» حرف می‌زند. او سابقه سیاه «آخوندی» و «هیاتی» را که دست‌اندرکار سرکوب اجتماعی و سیاسی مردم بوده، دست‌کم به شکل



محمدعلی طاهری برای چه کسانی خطرناک است؟

نعیمه دوستدار

اقداماتی که مصداق افساد فی الارض است زده باشد و در غیر این صورت، تنها مشمول مجازات‌های تعزیری می‌شود. علاوه بر اینها، حتی با در نظر گرفتن مجرمانه بودن برخی از اعمال محمدعلی طاهری (به شرط اثبات و وجود مستندات) مانند مداخله در امور پزشکی و شیادی مالی و فساد جنسی و حتی در صورت وجود شاکه خصوصی در این پرونده، نه تنها دادرسی او به شکل غیرشفاف، در دادگاه‌هایی متهم به نقض حقوق بشر و در شرایط ناعادلانه دادرسی صورت گرفته که اعتماد عمومی به آنها وجود ندارد، که مجازات هیچ کدام از این اتهامات نیز اعدام نیست.

اما با گذشت شش سال از دستگیری محمدعلی طاهری و فراز و فرودهای پرونده او و حتی نقض حکم اعدام، چرا دستگاه قضایی ایران بار دیگر تصمیم به اعدام او گرفته است؟ نگاه به این پرونده شش ساله بر اساس اطلاعات محدود موجود درباره آن، به روشنی گواه عقیدتی-امنیتی بودن آن است.

محمدعلی طاهری تنها چهره مدعی عرفان نوین در ایران نبوده و نیست. دست‌کم دو دهه است در ایران افراد و گروه‌های مختلف مدعی شفا، مراقبه، ارتباط با خدا، ارتباط با شعور برتر، ارتباط با کیهان، موفقیت، باز کردن چاکراها، مدیتیشن و مثبت اندیشی هستند. این گروه‌ها و افراد گاه وجهه‌های کاملاً غیردینی داشته‌اند و کوشیده‌اند دری از معنویت به سوی موفقیت مالی و مادی در زندگی ایرانیان بگشایند و گاه کاملاً منطبق بر بسترهای اسلامی و دینی مورد پذیرش در داخل کشور، مدعی رهبری کاریزماتیک و معنوی بوده‌اند. سابقه اموری مانند رمالی و جن‌گیری در دورافتاده‌ترین روستاها و بزرگ‌ترین شهرهای ایران هم که به قرن‌ها می‌رسد. از سوی دیگر، ظهور آنچه که از آن به عنوان «عرفان‌های نوین» یاد می‌شود، مختص ایران و فرهنگ اسلامی هم نیست. در سراسر جهان دهه‌هاست آیین‌ها و روش‌های نوین با صبغه عرفانی و معنوی به موازات کمرنگ شدن باورهای سنتی دینی، پا گرفته‌اند. اما در ایران هم رشد این آیین‌ها و عرفان‌ها دلایل خاص و منحصر به فرد خود را دارد و هم مقابله

وکلای محمد علی طاهری، بنیانگذار عرفان حلقه در ایران اعلام کرده‌اند حکم اعدام او ابلاغ شده است. او از سال ۹۰ به اتهام‌هایی چون ارتداد، سب نبی، افساد فی الارض و... متهم بوده و در نهایت به دلیل «افساد فی الارض از طریق تاسیس فرقه انحرافی تحت عنوان شبکه شعور کیهانی (عرفان حلقه) و منحرف نمودن افکار و عقاید ده‌ها هزار نفر از شهروندان مسلمان در شهرهای مختلف»، به اعدام محکوم شده است.

پرونده محمدعلی طاهری در سال‌های اخیر به یکی از پرونده‌های جنجالی حقوق بشری در ایران تبدیل شده که ابعاد مختلف آن از یک سو ناکارآمدی و فساد دستگاه قضایی ایران و عزم آن را برای نقض حقوق بشر به نمایش می‌گذارد و از سوی دیگر، جنبه‌های امنیتی و سیاسی آن بر نفوذ و اثرگذاری دستگاه‌های اطلاعاتی سپاه، نقش حوزه علمیه و مراجع در سیستم قضایی صحنه می‌گذارد.

در روند نقض حقوق بشر در پرونده محمدعلی طاهری شاید برجسته‌ترین موضوع حکم اعدام است. جدا از زیر سوال بودن حکم اعدام به عنوان یک مجازات غیرقابل برگشت که در بسیاری از نظام‌های حقوقی جهان کنار گذاشته شده است، پرونده محمدعلی طاهری از نظر حقوقی دچار شبهات زیادی است. دیوان عالی کشور پیش از این پرونده او را بررسی کرده و در خصوص اتهام افساد فی الارض برای او حکم برائت صادر کرده است. هم‌چنین به گفته وکیل محمدعلی طاهری، برای اتهام ارتداد، سب نبی و اجتماع و تبانی با چریک‌های فدایی خلق و... در دادسرا برای او قرار منع تعقیب صادر شده است.

با این حال و با اینکه دلیل قانونی برای صدور حکم اعدام برای او وجود ندارد، محمدعلی طاهری بیش از یک سال است بدون قرار در زندان است. او به پنج سال حبس به اتهام توهین به مقدسات محکوم شده بود در حالی که مستندی برای مصداق توهین ارایه نشده است.

به علاوه بر اساس قانون مجازات در ایران، برای صدور حکم اعدام به اتهام افساد فی الارض باید شرایط احراز فساد فی الارض محقق شده باشد و متهم در عمل دست به اقدام مسلحانه علیه حکومت یا سایر

سرگیجه

سرگیجه (به انگلیسی: Vertigo) احساسی است که فرد مبتلا به آن احساس می‌کند که خود یا محیط اطراف او در حرکت است. سرگیجه ممکن است کاذب یا واقعی باشد. سرگیجه واقعی می‌تواند به علت مشکلات سیستم عصبی مرکزی مانند سکتة مغزی یا گوش داخلی مانند نشانگان منییر باشد. سرگیجه دورانی یا واقعی (Vertigo) حالتی است که فرد احساس می‌کند محیط اطرافش به دور سرش در حرکت یا چرخش است یا اینکه محیط اطراف ثابت است اما خودش در حال حرکت یا چرخش است. همین احساس حرکت یا چرخش است که سرگیجه واقعی را از سایر انواع (Dizziness) «گیجی یا سبکی سر» متفاوت می‌کند. در سبکی سر بیمار احساس عدم تعادل می‌کند اما احساس حرکت وجود ندارد. بیمار می‌گوید سرم گیج رفت یا چشمهایم سیاهی رفت.

مشخص می‌شود. مبتلایان به این بیماری بطور ناگهانی دچار سرگیجه شدید، کم شنوایی و وزوز گوش می‌شوند. با گذشت چندین روز علائم برطرف می‌شود و مبتلایان برای مدتی هیچ علامتی ندارند. با گذشت مدت زمان دیگری مجدداً علائم یاد شده ظاهر می‌شوند. علت منییر افزایش فشار مایع گوش داخلی است.

نورینوم آکوستیک یک تومور بافت عصبی است که می‌تواند باعث سرگیجه شود. علاوه بر سرگیجه مبتلایان به نورینوم آکوستیک احساس وزوز گوش و کاهش شنوایی یک طرفه نیز دارند.

سرگیجه ممکن است ناشی از کاهش جریان خون به قاعده جمجمه باشد. خونریزی مخچه با سرگیجه، سردرد، اشکال در راه رفتن و ناتوانی در نگاه کردن به یک سمت مشخص می‌شود. غالباً علامت اولیه در بیماری ام اس نیز سرگیجه است که معمولاً شروع ناگهانی دارد.

ضربه به سر، آسیب گردن، میگرن و مصرف الکل نیز ممکن است منجر به سرگیجه شود. دیابت می‌تواند منجر به تصلب شرایین و کاهش جریان خون مغزی شده و این امر عامل سرگیجه باشد.

درمان سرگیجه

اغلب داروهای آنتی هیستامین مانند دیمن هیدرینات و سیناریزین یا فنتوتازین ها مانند تی اتیل پرازین مصرف می‌شوند. اما این داروها با تأثیر بر هسته‌های دهلیزی در مغز و کاهش عملکرد آن مهمترین فاکتور ریکاوری سرگیجه یعنی Dynamic compensation را از بین برده و بهبود سرگیجه خصوصاً در حالت حرکت را به تأخیر انداخته و متوقف می‌کنند. روش جدید و موثرتر توانبخشی سرگیجه یا VRT است.

سوم اینکه می‌توانید با تغذیه مناسب و زیر نظر دکتر و با پیروی از رژیم غذایی سالم قدرت و استحکام ماهیچه‌ها، اعصاب و استخوان هایتان را قوت بخشید.

علل سرگیجه

سرگیجه وضعیتی حمله‌ای خوش‌خیم شایع‌ترین شکل سرگیجه است. در این حالت با حرکت ناگهانی در یک جهت خاص بیمار دچار سرگیجه شدیدی می‌شود که چندین ثانیه طول می‌کشد و با بی حرکت ماندن بیمار مشکل در مدت کوتاهی برطرف می‌شود. علت این سرگیجه کنده شدن کریستال‌هایی است که به طور طبیعی در گوش داخلی ما وجود دارد. این کریستال‌ها ممکن است به دلیل ضربه به سر یا بطور خودبخود از محل خود کنده شوند و در مایعی که گوش داخلی را پر کرده است شناور شوند. شناور شدن آنها باعث سرگیجه می‌شود. این ذرات شناور در حین گردش خود بطور تصادفی و به تدریج به محلی که کنده شده‌اند می‌چسبند و در نتیجه علائم بیمار به تدریج بهتر می‌شود تا اینکه تمام این ذرات به جای خود بچسبند و علائم کاملاً بهبود یابند. اما باید توجه داشت چسبیدن آنها به جای خود به سفتی و محکمی حالت اولیه خود نیست لذا با ضربات و حرکات فیزیکی نه چندان شدید باز هم این ذرات ممکن است کنده شوند و مجدداً بیمار دچار سرگیجه شود. برای پیشگیری از عود سرگیجه، مبتلایان به سرگیجه وضعیتی حمله‌ای خوش‌خیم باید از حرکات فیزیکی شدید اجتناب نمایند.

سرگیجه ممکن است به دلیل التهاب گوش داخلی که به آن لایبرنتیت گفته می‌شود عارض شود. این نوع سرگیجه بطور ناگهانی شروع می‌شود و ممکن است با کاهش شنوایی نیز همراه باشد.

شایع‌ترین علت لایبرنتیت عفونت ویروسی یا باکتریایی گوش داخلی است. نشانگان منییر با سه علامت حمله سرگیجه، وزوز گوش و کم شنوایی دوم اینکه از انجام کارهای سنگین برحذر باشید و سعی کنید که همیشه برای بلند کردن اشیاء از زانوها استفاده کنید و کمر خود را راست و کشیده نگاه دارید.



آشنایی با کایروپراکتیک
دکتر فتنه هوشداران
drhoosh@yahoo.com

کایروپراکتیک و سیاتیک

کایروپراکتیک گرفته نشود، می‌تواند مژمن شده و روز به روز بدتر گردد. توجه داشته باشید که اگر عصبی برای دراز مدت زیر فشار باشد به مرور ضعیف تر شده و لایه‌های سطح خود را از دست می‌دهد که این می‌تواند باعث بروز دردهای شدید، ضعف در قدرت ماهیچه‌ها و سوزش و بی حسی شود. درد سیاتیک بسیار جدی است و نباید صبر کرد تا به مرور زمان و خود به خود از بین برود و باید ریشه و دلیل آن را سریعاً جستجو کرد.

آیا درد سیاتیک توسط دکتر

کایروپراکتیک درمان‌پذیر است؟

دکتر کایروپراکتیک تخصص ویژه‌ای در درمان دردهای مفاصل، ماهیچه‌ها و استخوانی دارد و درمان درد سیاتیک نیز جزو اینگونه مشکلات می‌باشد. هر ساله تعداد انبوهی از بیماران مبتلا به درد سیاتیک توسط دکتر کایروپراکتیک درمان می‌شوند. دکتر کایروپراکتیک شما با انجام دادن تست‌های اورتوپدی، اعصاب و ستون فقرات، ریشه و علت درد شما را یافته و شما را کمک می‌کند تا از درد و عوارض بعدی آن رها گردید.

دکتر کایروپراکتیک چگونه

درد سیاتیک را درمان می‌کند؟

پس از اینکه تست‌های مورد نظر انجام پذیرفت، دکتر شما استراحتی خاصی را برای درمان درد سیاتیک شما اتخاذ می‌کند. این درمان می‌تواند شامل یک سری حرکات مخصوص مکانیکی و فیزیکی، دستگاه‌های مخصوص تراپی و توانبخش، ورزش‌های ویژه و بررسی و اصلاح تغذیه و روش زندگی شما می‌باشد. معمولاً دردهای سیاتیک به راحتی توسط دکتر کایروپراکتیک قابل درمان و کنترل می‌باشند.

برای پیشگیری از درد

سیاتیک چه می‌توان کرد؟

برای شخصی که سالم می‌باشد، برای اینکه آسیبی نبیند و دچار دردهایی از قبیل سیاتیک نشود، موارد زیر بسیار مهم است:

اول اینکه از دکتر کایروپراکتیک خود درمورد ورزش‌های صحیح برای قسمت مربوط پرسش کنید و آنها را انجام دهید.

تقریباً همه ما درباره درد سیاتیک شنیده ایم و یا آن را تجربه کرده ایم. بعضی‌ها می‌گویند رگ سیاتیک واژه نادرستی است زیرا سیاتیک نام یک رشته عصبی می‌باشد و به خون و رگ ارتباطی ندارد. به خاطر داشته باشید که در قسمت پائینی کمر پنج عدد مهره به طور معمول وجود دارد که پنج جفت عصب از میان آنها خارج می‌شود. در قسمت پایین تر از این پنج مهره، به استخوان ادامه پیدا می‌کند که تعدادی عصب نیز از (Sacrum) دنباله میان حفره هایش خارج می‌شود. عصب سیاتیک مجموعه‌ای از چند عصب خارج شده از این ناحیه می‌باشد که پس از عبور از شیار و حفره‌ای از استخوان لگن به نشیمنگاه و پا سرازیر شده و قسمتی از حرکات ماهیچه‌ها و حس آنها را کنترل می‌کند. در صورت مژمن شدن درد سیاتیک می‌تواند جبران‌ناپذیر باشد و عوارض دردناکی ایجاد کند.

آیا دکتر کایروپراکتیک می‌تواند به

بهبود درد سیاتیک شما کمک کند؟

دکتر کایروپراکتیک تخصص ویژه‌ای در درمان دردهای مربوط به اعصاب، ماهیچه‌ها، غضروف‌ها و ستون فقرات دارد که درد سیاتیک نیز یکی از آنها می‌باشد. معمولاً درد سیاتیک پس از یک حرکت ناگهانی، بلند کردن اشیای سنگین، زمین خوردن، صدمه ناشی از کار و ورزش و یا تصادف، بوجود می‌آید. در اینگونه آسیب خوردگی‌ها، ماهیچه‌ها و غضروف‌هایی که محافظ مهره‌ها و اعصاب هستند، صدمه خورده و متورم می‌شوند. بر اثر این تورم ماهیچه‌ها و رباط‌های محافظ استخوان‌های لگن و ستون فقرات ضعیف شده و گاه گاهی باعث چرخش نابجای این استخوان‌ها و فشار آنها بر روی عصب سیاتیک می‌شود. برخی اوقات نیز ماهیچه‌ها، غضروف‌ها و دیسک‌های متورم شده می‌توانند مستقیماً به روی عصب فشار وارد کرده و درد سیاتیک را به دنبال داشته باشند.

درد سیاتیک چه عوارضی

می‌تواند ایجاد کند؟

در صورتی که جلوی درد سیاتیک بطور اساسی و اصولی و زیر نظر دکتر

چه خاطره شیرینی را یاد کردم... به یاد پدر سولماز که یکی از باارزشترین درس های زندگی را به من آموخت.

★★★★

در مورد پیدایش ضرب المثل معروف یک کلاغ و چهل کلاغ کردن داستان های مختلفی گفته می شود. تعریف کردن خود این داستان هم به قول معروف شده یک کلاغ چهل کلاغ! در اینجا یکی از این داستان ها را ذکر می کنم که تا حدی جالب و خواندنی است. می گویند که در یک بیابانی شخصی به قصد قضای حاجت می رود به پشت یک درختی. آشنایی که دورادور ایستاده بود چشمش می افتد به این صحنه. چند ساعتی بعد این آشنا می رسد به شخص دیگری. در حین صحبت کردن می گوید: «فلانی را دیدم که برای قضای حاجت رفته بود پشت درختی و یک کلاغ ازش افتاد و پریدا» نفر دومی که این داستان را شنیده بود می رسد به شخص سومی و می گوید: «فلانی در پشت درخت، در هنگام قضای حاجت بوده که یکدفعه دو تا کلاغ ازش می افتد و می پرنند!» نفر سومی می رسد به چهارمین شخص و می گوید: «خبر نداری که فلانی را پشت یک درخت دیدم که سه تا کلاغ ازش افتادند پایین و بعد هم پریدند!» و خلاصه به همین ترتیب این داستان دهان به دهان می گردد و کلاغ از یکی می شود دو تا، بعد سه تا، ده تا، بیست کلاغ... سی کلاغ... تا اینکه می رسد به نفر آخری که به چه شخصی می گوید: «راستی شنیدی که چه شده بود؟! فلانی پشت یک درختی خدا می داند که مشغول به چه کاری بود که یکدفعه چهل تا کلاغ ازش می افتند پایین و بعد هم می پرنند!» در حالیکه در اصل ماجرا از ابتدا حتی یک کلاغ هم در کار نبوده، چه برسد به چهل کلاغ! یک کلاغ چهل کلاغ را کتاب گزیده و شرح امثال و حکم دهخدا به این صورت توضیح می دهد: «رنگ و جلا دادن به موضوعی، یکی را ده تا گفتن، از کاه کوه ساختن و از هیچی چیزی درست کردن است که بوسیله یک عده آدم های مغرض، هوچی و کسانی که با شرف و حیثیت دیگران بازی می کنند و از هتک حرمت و آبروی طرف شاد می شوند، چرا که خود بی آبرو هستند، سرچشمه می گیرند».

متأسفانه این خصلت یک کلاغ چهل کلاغ کردن در بین بسیاری از مردم رایج است و به صداقت می توانم بگویم که برای خیلی ها این رفتار غیر اخلاقی حتی بصورت عادت نیز درآمده است که این عادت را جزو زندگی روزمره خود هم قرار داده اند. **دنباله مطلب در صفحه ۳۹**

حرف بزنم)... مریم پریشان تر از قبل، بدون اینکه کلمه ای حرف از دهانش بیرون بیاید، با قیافه ای وحشت زده فقط به پدرسولماز خیره شد... میتوانم به صداقت بگویم که در آن لحظه، حتی من نیز از ته دل برای مریم دل سوزی می کردم!... پدر سولماز در ادامه حرف هایش گفت: «خانم فلانی جزو مشتریان قدیمی من هستند و سال هاست که برای خرید بستنی و شیر به مغازه من می آیند. زن خوبی است، اما اخلاق بسیار تند و بدی دارد، اما امروز من متوجه شدم که تو با روی خوشی که به این خانم نشان دادی و سرویس خوبی که برایش انجام دادی، لبخندی بسیار زیبا و راضی بر روی صورت این خانم نمایان شد و بجاست که از تو بخاطر کارخوبت تشکر کنم و میدانم که در روزهای بعد نیز کارهایت را به همین خوبی و بهتر از امروز انجام خواهی داد»!... بعد رویش را برگرداند و قدم زنان رفت به طرف اتاق کارش و در را بست...

فکر می کنم که در آن لحظه قیافه های ما بسیار تماشایی بود... همگی مات و مبهوت به این صحنه خیره شده بودیم... صحنه ای که اصلاً انتظارش را نداشتیم... البته بماند که قیافه سولماز و حتی خود مریم از همه جالبتر بود... قیافه های مات زده و گیج با دهنی نیمه باز... در عرض ۲۰ سال آینده، نه تنها مریم به کار خود در مغازه پدر سولماز ادامه داد، نه تنها مریم مدیریت این مغازه را چند ماه بعد از آن روز باور نکردنی به دست گرفت، بلکه جزو یکی از بهترین دوستان خانوادگی سولماز نیز شد... و حتی بعد از فوت پدر سولماز، مادرش مغازه را با قیمتی بسیار ارزان به مریم فروخت، چون می دانست که هیچکس بهتر از مریم نمی تواند که این مغازه را برگرداند و شنیدم که هنوز این مغازه بستنی فروشی با همان موفقیت چهل سال پیش مشغول به کار است و مریم نیز به همراه دو پسرش این مغازه را در دست دارد و با بهترین نحو آن را می گرداند.

چقدر خوب می شد که همه ما می توانستیم که خوبی های انسان ها را بهتر و راحت تر از بدی هایشان ببینیم و به ذهن بسپاریم و به زبان بیابوریم... کاشکی که در هر مرقعیتی، بجای ناله و شکایت، بجای دید منفی، بجای کوچک کردن دیگران، بتوانیم که با تعریف و تمجیدهای بجای، با حرفهای مثبت، اطرافیان را تشویق کنیم تا آنها بتوانند با روحیه بهتر و با فکر بازر، از اشتباهات خود تجربه گرفته و بهتر از آن چه هستند شوند...



از اینجا، از آنجا

گنار

دختر انجام داد... یا از مشتریان کم پول می گرفت و یا زیادی... چند باری بستنی یک مشتری را عوضی به یک مشتری دیگر داد... یکی دو بار بستنی های قیفی از دستش افتادند روی زمین... انگار به هر چیزی که دست میزد و یا هر کاری که می کرد، پشت سرش یک فاجعه ای بدنبال بود... و البته ما نیز، در آن سن و سال پائین، با دیدن کارهای اشتباه مریم، از طرفی دلمان به حالش می سوخت و از یک طرف دیگر کارهایش برایمان مسخره و خنده آور بود... بعد از ظهر بود که سولماز با صورتی بسیار ناراحت به طرف میز ما آمد و با صدایی آرام اما فوق العاده عصبانی گفت که از دست اشتباهات مکرر مریم به ستوه آمده است و تصمیم دارد که به پدرش شکایت مریم را بکند چرا که از صبح تا آن لحظه بجای اینکه به کارهای خودش برسد، مدام به دنبال تمیز کردن و صحیح کردن اشتباهات مریم بوده است و با گفتن این حرف رویش را از ما برگرداند و رفت به طرف پدرش و با ناراحتی بسیار شروع کرد از کارهای اشتباه مریم شکایت کردن و آخر سر هم گفت که بودن مریم به غیر از اعصاب خورد کردن و ضرر به مغازه و مشتری از دست دادن هیچ نفع دیگری ندارد و پدرش با اخراج کردن مریم، نه تنها کار خیری برای این دختر انجام خواهد داد، بلکه خیال بقیه را نیز از دست مریم راحت خواهد کرد!... همگی ما به قیافه پدر سولماز خیره شده و منتظر عکس العمل وی بودیم... چند ثانیه ای پدر سولماز به فکر فرو رفت و بعد سرش را بلند کرد و به سولماز گفت که خودش در بین روز از پنجره اتاق کارش مریم را زیر نظر داشته و شاهد تمام اشتباهاتی که مریم در آن روز انجام داده بوده، است و حالا وقت آن رسیده که با مریم صحبت کند... بعد از جایش به آهستگی بلند شد و قدم زنان رفت به طرف مریم که همچنان با قیافه ای آشفته و پریشان، بطور عجولانه ای به این طرف و آن طرف مغازه می دوید... مریم را به گوشه ای صدا کرد، دستش را گذاشت روی شانه های مریم و گفت: «من امروز متوجه طرز رفتار تو با یکی از مشتریان بسیار قدیمی این مغازه شدم و می خواهم که در این مورد باهات

یادش بخیر، در دوران نوجوانی در ایران دوستی داشتم بنام سولماز. پدر سولماز بستنی فروشی معروف و موفق در یکی از خیابان های بسیار پر رفت و آمد شهر داشت... سولماز هم در موقع فصل تابستان، بعد از اینکه مدارس تعطیل می شد، در این مغازه و برای پدرش کار می کرد و اکثر روزهایش را در این بستنی فروشی میگذراند... من هم در مواقع بیکاری، با چند تن دیگر از دوستان، بیشتر روزهای تابستان را به این مغازه رفته و چند ساعتی را در آنجا و در کنار سولماز به خوش و بش و وقت گذرانی می گذراندیم...

پدر سولماز، خدا بیامرز، مرد خیلی آرام، متین و در عین حال بسیار در کارش حسابگر بود... اتفاق جالبی افتاد که در آن سن و سال مفهومی برایم نداشت به غیر از حیرت... یکروز تابستانی که با چند تن از دوستان، مطابق معمول، در این بستنی فروشی جمع شده و مشغول بگو و بخند بودیم، یادش بخیر، دختر جوانی وارد مغازه شد و خواست که با صاحب مغازه صحبت کند! بعد از طریق سولماز فهمیدیم که از قرار معلوم، این دختر خانم که اسمش مریم بود، در صحبتش با پدر سولماز به وی می گوید که تا بحال در جایی کار نکرده است و هیچگونه تجربه ای هم در کار کردن ندارد، اما بطور شدیدی محتاج به کار می باشد و از وی درخواست کرده بود که به او شغلی را در مغازه محول کند! پدر سولماز بعد از چند دقیقه صحبت با مریم، وی را استخدام کرده و قرار می شود که مریم کارش را از روز بعد شروع کند!...

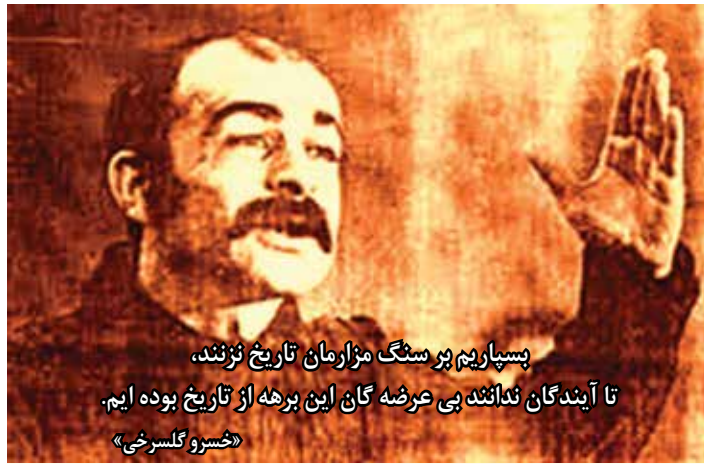
فردای آن روز من و دوستان بیکار دیگر، مثل همیشه، دوباره سر از مغازه بستنی فروشی درآوردیم... سولماز، بر عکس روزهای گذشته، خیلی ناراحت و عصبی بنظر می رسید و زیاد ما را تحویل نگرفت. مریم هم کارش را شروع کرده بود و با حالتی بسیار عجولانه و گیج از این طرف مغازه میرفت به طرف دیگر... در عرض چند ساعتی که من و دوستان در آنجا بودیم، متوجه شدیم که واقعا مریم در مورد اینکه هیچگونه تجربه کاری نداشته به پدر سولماز حقیقت را گفته بود، چرا که هر اشتباهی را که تصور بکنید این

خسرو گل سرخی

خسرو گل سرخی (زاده ۲ بهمن ۱۳۲۲ در رشت - درگذشت ۲۹ بهمن ۱۳۵۲) شاعر و نویسنده مارکسیست بود. او در سال ۱۳۴۷ سردبیر بخش هنری روزنامه کیهان بود. گل سرخی از جمله روشنفکران آن دوران بود که از جنبش‌های چریکی حمایت می‌کرد. گل سرخی به همراه گروهی دیگر در سال ۱۳۵۱ به اتهام طرح ترور ولیعهد بازداشت شدند. گل سرخی در دادگاهی که به صورت زنده پخش شد از عقاید مارکسیستی و انقلابی خود دفاع کرد. با حکم دادگاه، او و کرامت‌الله دانشیان اعدام شدند. گل سرخی در قطعه ۳۳ بهشت زهرا دفن شده است. پس از انقلاب مجموعه اشعاری از او با نام «خسته‌تر از همیشه» و «ای سرزمین من» منتشر شد.

شرح حال

خسرو گل سرخی در روز دوم بهمن ۱۳۲۲ در شهر رشت زاده شد. پدرش قدیر گل سرخی و مادرش شمس‌الشریعه وحید خورگامی، هر دو از روشنفکران و آزادی‌خواهان گیلان بودند. هنگامی که خسرو هنوز بیش از ۵ سال نداشت، قدیر درگذشت و به ناچار همسر جوانش به همراه خسرو و برادر دوساله‌اش، فرهاد گل سرخی، به خانه پدرش، محمودوحید خورگامی در قم، پناه برد. پدر بزرگ خسرو، محمودوحید خورگامی، از یاران میرزا کوچک‌خان جنگلی در جنبش جنگل بود و در کنار کوچک‌خان در برابر نیروهای دشمنانه انگلیس جنگیده بود، و این در سروده‌های خسرو گل سرخی نمود آشکاری دارد؛ به ویژه آنهایی که به نام مستعار «جنگلی‌ها» و «دامون» سروده شده‌اند. خسرو، آموزش ابتدایی را در دبستان حکیم سنایی و آموزش متوسطه را در دبیرستان حکیم نظامی به پایان رساند. هنوز بیش از نوزده سال نداشت که پدر بزرگش نیز درگذشت و بار گرداندن چرخ زندگی در خانواده به دوش او افتاد. به همین دلیل او به همراه برادرش فرهاد، راهی تهران شد. آنها در محله امین‌حضور خانه‌ای کوچک یافتند و خسرو به‌ناچار کاری پیدا کرد که همه روز او را در بر می‌گرفت. با این‌همه، او شب‌ها را به آموختن زبان‌های فرانسه و انگلیسی و پژوهش‌های فرهنگی می‌گذراند.



پسپاریم بر سنگ مزارمان تاریخ نزنند،
تا آیندگان ندانند بی‌عرضه‌گان این برهه از تاریخ بوده ایم.
«خسرو گل سرخی»

را کاوه گوهرین پس از کشته شدن او منتشر کرده است. دوران زندگی خسرو با عاطفه چهار سال بود و بهره این همزیستی فرزند پسری است به نام دامون. عاطفه گرگین اندکی پس از دستگیری گل سرخی در دادگاه ارتش به چهار سال زندان کیفر شد و سرپرستی دامون بر دوش فرهاد، برادرش نهاده شد.

بازداشت، محاکمه و اعدام

در نیمه نخست دهه ۱۳۵۰، جنبش چریکی در ایران پا به عرصه وجود نهاد و اعضای این گروه‌ها به مبارزه مسلحانه با حکومت شاه معتقد بودند، یکی از آنها سازمان چریک‌های فدایی خلق بود که توانسته بودند، نظر بسیاری از افراد انقلابی و تندرو را به خود جلب کنند. مشهورترین هسته‌ای که برخی از اعضای آن به فداییان گرایش داشتند، اما ارتباط مستقیم و آشکاری با آنان نداشتند، گروهی بودند که با دو چهره مرکزی خود، گل سرخی و کرامت دانشیان، شناخته می‌شدند. این گروه دوازده تن بودند که همگی به اتهام توطئه برای آسیب رساندن به خانواده سلطنتی در سال ۱۳۵۱، بازداشت شدند. دنباله مطلب در صفحه ۴۸

هنر، سیاست شعر» در نگین به چاپ رسید. او در این نوشته گروهی از شاعران از فرنگ برگشته آن دوران را سوداگران هنر و عروسک‌های کوچکی خواند و نوشت: «ما شاهدیم که این عروسکان کوکبی معصوم! مشتی کلمات قصار از قلب پر عفونت سیاست هنر سوداگرانه حفظ کرده‌اند و هر جا که فرصتی دست می‌دهد، همان‌ها را تکرار می‌کنند: هنر مردم یعنی حرف مفت، حالا هنگام آن است که در بند معماری شعر باشیم» بخش دو دیگر این نوشته در شهریور ماه در نگین چاپ شد. این مقاله سپس در کتابچه‌ای از سوی انتشارات (کتاب نمونه) به مدیریت بیژن اسدی پور چاپ شد. ورا که سپس ساواک از دنباله چاپ آن در نگین پیش‌گیری نمود. از دیگر نوشته‌های مهم خسرو در نگین، می‌باید همچنین از نوشته او در یادبود پنجمین سالگرد مرگ فروغ نام برد. او در این باره نوشت: «او زیبایی را در بافت خشن زندگی جستجو می‌کرد. شعر فروغ، شعرهای اجتماعی او، شاید مردمی‌ترین شعر روزگار ما باشد» دو مجموعه به نام‌های «دستی میان دشنه و دل» و «من در کجای جهان ایستاده‌ام»

نوشتن بر سنگ قبر به فارسی و انگلیسی

با خط نستعلیق

بدون هزینه

۸۶۲۴-۲۲۱(۰۸)۴



آگهی استخدام

شرکت برقکشی ساختمان

(Residential, Commercial, Industrial)

به چند تکنسین برقکار ماهر و نیمه ماهر و نیز کارگر ساده، به طور تمام و یا نیمه وقت نیازمند است.

برای اطلاعات بیشتر لطفاً با ما تماس حاصل فرمایید.

۹۸۶۲-۸۵۸(۰۸)۴

حاجی آقا

صادق هدایت (بخش سیزدهم)

حاجی (سینه اش را صاف کرد، عرق روی پیشانی اش را پاک کرد و حرفش را پس گرفت): من هم اغراق کردم. اما من شخصا با رولوسیون Revolution مخالفم. غلطه، خون ریزی! ما می‌خواهیم به وسیله اولوسیون Evolution پیشرفت بکنیم!

-از این حرف ها زیاد میزنند که ما در دوره ترانزیسیون واقع شده ایم و بعد اولوسیون خواهیم کرد. این چه دوره‌های است که برای ما تمامی نداره؟ هزار سال است که ما در دوره ترانزیسیون گیر کرده ایم. بروید ممالک دیگر را ببینید و مقایسه بکنید که از خیلی جهات از ما عقب بوده اند. چه در اقتصاد و چه در سابقه فرهنگی و امروزه باید به ما درس بدهند. با الفاظ و اصطلاحات برای ما "لالایی" درست کرده اند. سال هاست که امتحان خودمان را داده ایم. هم استبداد داشته ایم، هم مشروطه، هم آزادی و هم دیکتاتوری و نتیجه اش این است که می بینید! بدون رودرواسی شخص لایق هم نداریم. همه امتحان خودشان را داده اند. برعکس، من معتقدم که باید خونریزی بشود، به درک که تر و خشک با هم بسوزند! صد سال است که در این جا جنگ و یا انقلاب ملی به تمام معنی نشده، مردم همیشه زیر چکمه استبداد و دیکتاتوری، مرعوب و خفه شده اند و رمقشان رفته است. از این جهت به خون خودشان زیاد اهمیت میدهند و از رنگ خون میترسند؛ در صورتی که در روز هزاران هزار از آنها را با پنبه سر میبرند. حال که ملت محکوم به مرگ بطنی است، اقلا باید اجازه یک تکان را به او داد، شاید

بتواند یوغ ارباب هایش را تکان بدهد و سرنوشت خودش را تعیین بکند. تا پریشان نشود، کار به سامان نرسد!

حاجی (سگرمه هایش را در هم کشید): انقلابی که به کمک و پشتیبانی خارجی انجام بگیره، چه نتیجه ای داره؟

- همه انقلاب های دنیا متکی به خودش نبوده، مردم گدا و گرسنه چه وسیله ای برای دفاع دارند؟ تمام زور و پول به دست طبقه حاکمه است که از مردم توقع انقیاد و اطاعت محض دارد تا بی دردسر آنچه را که میخورد، هضم بکند. ملت ناچار است موقع را بسنجد و سود و زیان خود را در نظر بگیرد و کمکی جستجو بکند. آمریکا در جنگ استقلال خود کمک از فرانسه میگرفت و فرانسه از انگلیس و قس علیه‌ها! این هیئت حاکمه همه جور امتحان خودش را داده. نه شخصیتی داریم و نه وسیله ای. اگر مردم اینجا دزد و حمال و چاقوکشند، در اثر تربیت زمامدارانش به این مرحله رسیده اند. همین است که هست. اما راجاله هایی که بر این ملت حکومت میکنند، هیچ برتری بر ملت ندارند. یا باید حالا تکان بخورد و یا هیچوقت!

حاجی (با قیافه گرفته): آقای خیرزان نژاد، خیلی تند نرید! از آن علاقه ای است که به شما دارم. شما جوان و پر حرارت هستید. من هم روزی از این حرفها میزد. من خودم فرزند انقلابم، دوره مشروطه من یکی از سر جنبانان بودم. ستارخان و باقر خان را کی به تهران آورد؟ من خودم تخم آزادی خواهی و دموکراسی ام. اما امروز عقیده ام عوض شده. در هر کاری احتیاط لازمه. روسیه هم انقلاب کرد، چه نتیجه ای گرفت؟ همه مردمش از بین رفتند.

دوستانان شعروادب پارسی، امیدوارم گنجینه های شعر و ادب پارسی را که یادگار بزرگان فرهنگ شکوهمند پارسی است و موضوع این مجموعه کتاب ها می باشد با سفارش و خرید آنها ارج گذارید. قیمت هر جلد ۲۰ دلار



Telephone number to order the books 516-208 7787. Email :parviznezami@yahoo.com

میشوند که در اولین فرصت جاده چهارده معصوم را برای رفاه حال هموطنان عزیز اسفالت بکنند. انتخاب ایشان را به تمام روشنفکران و آزادیخواهان توصیه می کنیم. لذا از عموم علاقمندان تمنا میشود وجوهی را که به منظور اسفالت جاده چهارده معصوم جمع آوری میشود، به حساب شماره بانک ملی بپردازند!

حاجی (متأثر): زبان بنده که از تشکر مراجع سرکار الکنه، اما قدرت قلم در این جور جاها معلوم می شه. عینا مثل منشآت قائم مقام گروسی رفیق مرحوم ابوی است.

مزلقانی: بنده از ساحت مقدسستان تقاضایی داشتم.

حاجی (مشکوک): اختیار دارید، خواهش میکنم بفرمائید!

- حال که خلوص نیت و مقام ارادت چاکر را درک فرموده اید، ممکن است استدعای عاجزانه ای بکنم که با وزیر محترم خارجه راجع به بنده مذاکره بفرمایید تا در صورت امکان بنده را در سفارت ایران مقیم واشینگتن (از ترس این که حاجی نفهمد تصحیح کرد) یعنی ینگه دنیا به عنوان وابسته ویژه نامزد بکنند! البته سعی خواهم کرد که رضایت خاطر مقامات عالییه را به خود جلب بکنم.

حاجی (که بدگمان بود و تصور تقاضای مالی میکرد، راحت شد): اختیار دارید، شما بیش از اینها حق به گردن مخلص دارید. "وابسته ویژه" نکنه که از لغت های تخیی فرهنگستان باشه؟! اگر چه خودم عضو فرهنگستانم، اما زبانم برنمیگرده این لغت ها را بگم و معنی اش را هم نمیدانم. ما بودیم و یک زبان که آن را هم سیاست خراب کرد. به هر حال من درست نمیفهمم، یعنی وزیر مختار ینگه امام؟ اوف، اوف!

- خیر قربان، شغل بسیار ناچیزی در سفارت ایران مقیم واشینگتن در امریکاست که هیچ مسئولیتی ندارد.

حاجی (دماغ پرصدایی گرفت): من صلاح نمیدانم. شما اقلا با این سابقه

روزنامه نگاری و معلومات باید وزیر فرهنگ و یا وزیر مختار بشوید تا مسئولیت تان به صفر برسه! مسئولیت کدامه؟ مگر شما فرد این جامعه نیستید؟ مگر شما گمان میکنید وزیر مختار ایران غیر از این که هارت و پورت و خنده ساختگی و کرنش بکنه و زبان چرب و نرم داشته باشه و به شب نشینی ها و مهمانی ها بره و همیشه از کار زیاد و بدی آب و هوا بناله و با مقامات خارجی گاب بندی بکنه و به کار ایرانی های مقیم خارجه گرا ته بندازه و باشپرت و ورقه تابعیت بفروشه و اجناس قاچاق خرید و فروش بکنه، مسئولیت دیگری هم داره؟ دنباله مطلب در صفحه ۴۸

هیتر هم تمام خاکش را اشغال کرد. رفت پی کارش. دوره رضا شاه هم یک جور انقلاب بود. انقلاب که شاخ و دم نداره! اما آیا به نفع ملت ایران تمام شد؟ اوخ، اوخ، (حاجی حرف را عوض کرد) راستی ببخشید، این ناخوشی بی پیر نسیان میاره. آقای منادی الحق از شعرای حساس و جوان معاصر را خدمتتان معرفی میکنم (به طرف منادی الحق اشاره کرد) آقای مزلقانی سر دبیر روزنامه کثیرالانتشار "دب اکبر" و آقای خیرزان نژاد که افتخار آشنایی ای شان را پیدا کردم.

منادی الحق چرتش پاره شد. مزلقانی (پا شد، تعظیمی به طرف منادی الحق کرد) و گفت: ذکر خیر ایشان را خیلی زیاد شنیده بودم. به قدری ایشان محبوب و گوشه نشین هستند که مثل سیمرغ و کیمیا اسم شان همه جا هست و خودشان را کسی نمی بیند! نمیدانم حاجی آقا با چه افسونی توانسته ایشان را تسخیر بکند؟! خوشبختانه به درک حضورشان مفتخر شدم. آقای منادی الحق، اثر تازه چه در دست دارید؟ روزنامه ما را موشح نمی فرمایید؟ منادی الحق: چیز قابلی ندارم.

حاجی: آقای مزلقانی، به شما توصیه میکنم، اوف، اوف، از اشعار آقا غافل نباشید و در روزنامه خودتان درج کنید! یک نقاش زبردست هم میشناسم. آقای زرین چنگال که عینا اخلاق منادی الحق را دارد و کمتر در جامعه عرض اندام میکند. آقا تابلویی از روی من ساخته است که با خودم مونمیزنه! میتوانید از کارهای ایشان هم استفاده بکنید!

مزلقانی (پیروزمندانه دستش را بلند کرد): بنده پیشنهاد میکنم که عکس حضرتعالی، مقصود کلیشه همین تابلوست، در روزنامه "دب اکبر" چاپ بشود و شرح حالی هم از شما به مناسبت انتخابات زیر عنوان "پدر دموکراسی" در صفحه اول روزنامه درج کنیم!

حاجی: آقای مزلقانی ما را خجالت میدید؟! - اختیار دارید، بنده از صمیم قلب عرض میکنم. باید ملت نوابغ خودش را بشناسد، بنده فقط برای کسب اجازه آمده ام. به علاوه اعلانی که دستور داده بودید، رونویسش را تهیه کرده ام. الساعه از لحاظتان می گذرانم. اگر مناسب است به همین شکل چاپ شود! (کاغذی از جیبش درآورد و خواند): "آقای حاج ابوتراب از خانواده های اصیل ایرانی که در دامن زهد و تقوی پرورش یافته و مبارزات اجتماعی و فداکاری های آزادیخواهانه ایشان بر هیچ کس پوشیده نیست، بنا به خواهش گروه بی شماری از میهن پرستان و آزادیخواهان نامزد و کالت می باشند و ضمنا متعهد

قانون جذب

قانون جذب (Law of Attraction) یک قانون انتزاعی است و به طور خلاصه بیان می‌کند که هر آنچه در ذهن انسان تصور شود اعم از خوب یا بد، زشت یا زیبا، در دنیای واقعی نمود خواهد یافت. سرعت و شدت به واقعیت پیوستن این تصویر ذهنی به شدت تمرکز روی آن موضوع و وضوح تصویر آن در ذهن بستگی دارد. در واقع خواسته‌هایی که تصور می‌شوند باید به گونه‌ای باشند که بتوان آنها را در ذهن حس و باور نمود. قانون جذب می‌گوید هر چه فکر کنی همان می‌شود.



از داشتن آن لذت می‌برد، انگار همین حالا خواسته اش را دریافت کرده است.

احساس: همراه با تجسم انسان باید احساس فوق‌العاده‌ای در مورد خواسته اش داشته باشد، یک نوع احساس شور و شوق همراه با لذت (عشق) که تمام اینها توسط ذهن انسان امکان‌پذیر است. بدین ترتیب انسان فرکانس ارتعاشی ایجاد می‌کند که خواسته خود را مانند آهنربا جذب می‌نماید.

دریافت: بدین ترتیب قانون جذب از طریق نیروی طبیعی، مرئی و نامرئی کار می‌کند تا انسان را از طریق شرایط و رویدادها به خواسته اش برساند.

خلاصه قانون جذب

ضمیر ناخود آگاه ما برایش چندان فرقی نمی‌کند که تصاویری که می‌بیند واقعی باشند یا در صفحه تلویزیون یا بر پرده ذهنان نقش بسته باشند. آنچه که می‌بینیم یا تصور می‌کنیم مستقیم یا غیر مستقیم روی احساس ما اثر می‌گذارد. تصاویر و افکار خوب احساسی مثبت ایجاد می‌کنند و تصاویر و افکار بد احساسی منفی.

احساس دارای انرژی است و انرژی یعنی توانایی انجام کار. انرژی عاطفی ما همچون آهنربای بزرگ شروع به جذب انرژی‌های هم‌نوع می‌کند.

در لحظاتی که احساسی منفی داریم وقایع و انسان‌های منفی را به خود جذب می‌کنیم و در زمان‌هایی که حسی مثبت و شادمانه در ما برپاست در حال جذب چیزهای خوب و مطلوب به زندگی خود می‌باشیم.

البته این را هم نباید نادیده بگیریم که اعمال ما نیز دارای انرژی می‌باشند و اعمال منفی بازخورد و عکس‌العمل منفی دارند. این است که گاه با وجود افکار و احساس مثبت وقایعی منفی و نامطلوب بر ایمان پیش می‌آید.

پایه علمی قانون جذب

مواردی وجود دارد که داشتن تصویری مثبت یا منفی منجر به رویدادهای متناظر، معمولاً در بدن خود انسان، می‌شود (عمدتاً به شکل آثار روانی که پلاسبو و ناسبو خوانده می‌شوند).

از نظر علمی، جذب کردن چیزی بزرگ با دریافت کردن چیزی کوچک هیچ تفاوتی ندارد. عالم هستی بدون کمترین تلاشی تمامی کارها را انجام می‌دهد. چمن‌ها برای رشد به تلاشی نیاز ندارند. بلکه این طرح عظیم و خارق‌العاده عالم هستی است. همه چیز به این بستگی دارد که در ذهن ما چه می‌گذرد. تفکر ما به گونه‌ای است که برای کاری بزرگ زمانی زیاد و برای کاری کوچک زمان محدود در نظر می‌گیریم. اینها قوانین ما هستند که بدین شکل تعریفشان می‌کنیم. زمان و اندازه هیچ مفهومی برای عالم هستی ندارد. به دست آوردن یک دلار هیچ تفاوتی با کسب یک میلیون دلار ندارد. جریان واحدی در کار است. از آنجایی که ما یک میلیون دلار را زیاد و یک دلار را کم می‌دانیم، یک میلیون دلار دیرتر و یک دلار بسیار زودتر به دست ما می‌رسد.

قانون جذب چگونه کار می‌کند

در واقع قانون جذب یک قانون ثانوی است و قانون اصلی قانون ارتعاش است. به این صورت که هر چیزی که از انرژی ساخته شده باشد (البته به گفته فیزیکدانان بخش عظیمی از هستی را جسم تاریک تشکیل داده است که ماهیت آن هنوز مشخص نیست)، مشابه خود را جذب می‌کند. هر چیزی در این دنیا دارای فرکانس مختص به خود است و وقتی انسان در مورد چیزهای مختلف اعم از پول، روابط خوب، سلامتی، فقر، روابط نابسامان، بیماری... تمرکز می‌کند همان‌ها را نیز جذب می‌کند و این از طریق ذهن و احساسات انسان امکان‌پذیر است.

روند استفاده از قانون جذب

به طور کلی روند قانون جذب از سه مرحله تشکیل می‌شود.

تجسم: برای تجسم انسان باید از ذهن خود استفاده کند. مجسم کردن خواسته، که الان از آن اوست و با آن کاری انجام می‌دهد و

درمان تبخال لب

درمان سریع تبخال لب راه و روش‌هایی دارد که با توجه به دلایل ایجاد تبخال باید انجام شوند تا به سرعت نتیجه آنها ظاهر شود. بهترین و سریع‌ترین درمان تبخال بازم در دل طبیعت نهفته است.



سیر رنده شده: یک حبه سیر بردارید و آن را به دو نیم کنید. آن را به مدت ۱۰ دقیقه روی تبخال تان بگذارید. این کار را روز چند مرتبه تکرار کنید. سیر روند گسترش تبخال را به سرعت کاهش می‌دهد و به اصطلاح آن را خشک می‌کند. بعد از دو الی سه روز تأثیر فوق‌العاده این ماده غذایی بد اما پرخاصیت را به چشم خواهید دید.

روغن اسطوخودوس: اسطوخودوس دارویی گیاهی است که اگر به مدت یک هفته روی تبخال قرار بگیرد، علاوه بر ضدعفونی کردن محل تبخال، موجب درمان آن نیز می‌شود.

مصرف لبنیات: برای درمان تبخال، مصرف لبنیات و سیب زمینی به دلیل دارا بودن لیزین باید افزایش یابد و از خوردن شکلات، کاکائو، غلات، بادام زمینی و ژله خودداری کنید.

درمان‌های دیگر تبخال: کمپرس یخ می‌تواند به کاهش التهاب و ورم تبخال کمک کند، اما قرار گرفتن در معرض باد و آفتاب بهبودی تبخال را به تأخیر می‌اندازد.

استفاده از کرم ضد ویروس آسیکلوویر و قرار دادن لایه نازکی از آن با استفاده از گوش پاک‌کن بر روی تبخال هر شش ساعت دوره تبخال را کوتاه نمی‌کند، اما ریزش ویروس را از روی زخم افزایش می‌دهد، بنابراین در بهبود آن مؤثر است. مراقبت نکردن و دست کاری کردن زخم ممکن است منجر به ایجاد عفونت ثانویه شود. پماد آسیکلوویر و در مواردی استفاده از برخی کمپرس‌ها که روی تبخال قرار می‌گیرد، می‌تواند موجب تسریع در روند بهبودی شود.

تبخال چیست و چرا ظاهر می‌شود؟

یک بیماری ویروسی است که توسط ویروس به همین نام ایجاد می‌شود و موضع درگیر به صورت التهاب و مجموعه تاول‌های ریز نمایان می‌شود. ویروس هرپس سیمپلکس عامل بیماری تبخال در صورت، آلات تناسلی هر دو جنس، مغز، چشم و گاهی حتی فلج بل نیز می‌گردد. برای تبخال هنوز درمان قطعی وجود ندارد و اگر ویروس وارد بدن شود تا پایان عمر همراه شخص خواهد ماند و در هنگام ضعف دفاعی بدن بروز می‌نماید. اگرچه در برخی بیماران و پس از چندین سال عود بیماری، به ناگهان تظاهر مجدد تبخال از بین می‌رود اما همچنان ناقل ویروس به دیگران خواهند بود.

درمان تبخال

برای درمان خانگی و سریع تبخال می‌توانید یکی از روشهای زیر را انتخاب نمایید:

گل همیشه بهار: گل همیشه بهار از دیگر داروهای طبیعی و گیاهی برای درمان تبخال به ویژه تبخال دهانی است. شست و شوی تبخال با کمک عصاره همیشه بهار علاوه بر آن که به کنترل و از بین رفتن ویروس‌ها کمک می‌کند بلکه موجب تسریع روند درمان در بیمار نیز می‌شود. این مرهم علاوه بر خاصیت ضد ویروسی موجب کاهش درد و سوزش تبخال نیز می‌شود. برای تهیه این عصاره کافی است ۳ قاشق از گیاه خشک شده گل همیشه بهار را در ۲ لیوان آب بجوشانید تا یک لیوان از این عصاره باقی بماند، سپس محل تبخال را با کمک پنبه و عصاره این گیاه شست و شو دهید.

روغن چای: استفاده از روغن چای تأثیر زیادی در پیشگیری از انتقال تبخال به سایر قسمت‌های عضو درگیر از قبیل لب و داخل دهان دارد. روزی دو بار پنبه‌ای تمیز را به روغن چای آغشته کنید و روی تبخال قرار دهید. این روغن به دلیل تحریک سیستم ایمنی بدن و افزایش توان آن برای مقابله با ویروس تبخال، تأثیر زیادی روی از بین رفتن تبخال دارد.

ایمان و باور ما در ابتدای هر مسئولیت دشواری تنها عاملی است که موفقیت نهایی مان را تضمین می‌کند. وقتی انتظار بهترین پیشامد را دارید نیروی مغناطیسی از مغزتان خارج می‌شود که بهترین‌ها را جذب می‌کند. اگر انتظار بدترین‌ها را داشته باشید، از مغز قدرت دفاعی‌ای رها می‌کنید که سبب می‌شود بهترین‌ها از شما بگریزد. بله، حیرت‌انگیز است. «ویلیام جیمز»

ادامه مطلب حاجی آقا... از صفحه ۱۴۷

برطرف بکنم. بالاخره منم برای این ورم فق مجبورم سفری به آمریکا برم. بیخود عمرمان به بطالت گذشت. دیگر صحبتش را نکنید! این مملکت کارش چیزی نمیشه، آینه و حلواش را جلو جلو بردند. برای تشییع جنازه اش آنهای دیگر هستند. همین شعر و منقل و وافور و خیابانی و مقاله نویسی و افکار انقلابی و های و هوی، کار ما را به این جا کشانده. امروزه مرد کار میخوایم. هر ایران کی را جلوش را بگیر، یک بیاضچه شعر نظر بوق علیشاه توی جیبشه! آقا از من میشنوید، کار ما تمامه، من هم اگر سن شما را داشتم، تا حالا رفته بودم. آلودگی های زندگی منو پایبند کرده. اینجا قبرستون هوش و استعداد. اقلا برید دنیا را ببینید، خودش غنیمته!

حاجی این جمله را با لحن اندوهناکی گفت. بعد دست کرد ساعت طلای بزرگی را از جیب جلدقه اش درآورد و نگاه کرد و گفت: مراد!

مراد (از توی دالان آمد): بله قربان! الان میری دنبال حجه الشریعه، من کار واجبی باهاش دارم. هر جا بود، پیداش کن و بیارش!

چشم! مراد به عجله از در بیرون رفت



در ابتدا فکر می کردم که مملکت وزیر دانا می خواهد. بعد فکر کردم شاید شاه دانا می خواهد. اما اکنون می فهمم که ملت دانا می خواهد.

«امیر کبیر»

است از جوانان و نوجوانانی که به اتهام اندیشیدن و فکر کردن و کتاب خواندن، توقیف و شکنجه و زندانی می شوند. آقای رئیس دادگاه! همین دادگاه های شما آنها را محکوم به زندان می کنند. آنان وقتی که به زندان می روند و بازمی گردند، دیگر کتاب را کنار می گذارند. مسلسل به دست می گیرند. باید دنبال علل اساسی گشت. معلولها فقط ما را وادار به گلابه می کنند. چنین است که آنچه ما در اطراف خود می بینیم، فقط گلابه است.

در ایران، انسان را به خاطر داشتن فکر و اندیشیدن محاکمه می کنند. چنانکه گفتم، من از خلقم جدا نیستم ولی نمونه صادق آن هستم. این نوع برخورد با یک جوان، کسی که اندیشه می کند، یادآور انگیز بسیون و تفتیش عقاید قرون وسطایی است.

راستش را میخواید، بنده جاه طلب نیستم و چون از راه قلم سرمایه ناچیزی در آمریکا اندوخته ام، خیال دارم زیر سایه جناب عالی تجارتخانه قالی ایرانی در آنجا تاسیس بکنم که ضمناً تبلیغی هم برای صنایع میهنی در آمریکا شده باشد. عجلتاً در کلاس اکابر مشغول خواندن زبان انگلیسی هستم. باری منظورم این است که به این وسیله خرج سفر نپردازم و مجبور نشوم این صنایع/سه شاهی را به این و آن رشوه بدهم. مقصود عنوان رسمی و گذرنامه سیاسی است!

حاجی (با قیافه متاثر): فکر شما را از ته دل تقدیس میکنم. حالا فهمیدم که حقیقتاً مرد کار و عمل هستید. مطمئن باشید که هر چه از دستم بر بیاد، کوتاهی نخواهم کرد. اوخ، اما اگر میخواید به آمریکا

برید، چرا زبان انگلیسی میخوانید؟! - ممکن است در راه احتیاج پیدا کنم، وگرنه زبان آمریکایی را به خوبی میدانم. - بارک الله، بارک الله، به شما تبریک میگم که معنی زندگی را خوب فهمیدید. به نسل جوان امیدوار شدم. دیگر کارتان نباشه! فقط اسم شهر را روی کاغذ بنویسید و به من بدید که فراموش نکنم. فردا اگر از زیر دست دکتر زنده جستم، سعی خواهم کرد اشکالات را

میرزا کوچکها، ارانیها و روزهها و وارطانها داشته است. آری من برای جانم چانه نمی زنم، چرا که فرزند خلقی مبارز و دلاور هستم. اتهام سیاسی در ایران نیازمند اسناد و مدارک نیست. خود من نمونه صادق این گونه متهم سیاسی در ایران هستم. در فروردین ماه، چنانکه در کیفرخواست آمده، به اتهام تشکیل یک گروه کمونیستی که حتی یک کتاب نخوانده است، دستگیر می شوم. تحت شکنجه قرار می گیرم و خون ادرار می کنم. بعد مرا به زندان دیگری منتقل می کنند. آنگاه هفت ماه بعد دوباره تحت بازجویی قرار می گیرم که توطئه کرده ام. دو سال پیش حرف زده ام و اینک به عنوان توطئه گر در این دادگاه محاکمه می شوم. اتهام سیاسی در ایران، این است. زندانهای ایران پر

ادامه مطلب خسرو گل سرخی... از صفحه ۴۵

دانشیان، مقدم سلیمی، بطحائی، سماکار، علامه زاده، رحمت الله جمشیدی)، دو نفر به پنج سال حبس (اتحادیه، سیاهپوش) و سه نفر به ۳ سال حبس (میرزادگی، ابراهیم فرهنگ رازی، قیصری) محکوم می شوند.

در دادگاه تجدید نظر که در دوم بهمن ماه ۱۳۵۲ تشکیل شد، حکم اعدام دو نفر از محکومین دادگاه اول یعنی منوچهر مقدم سلیمی به پانزده سال و جمشیدی به ده سال تغییر پیدا کرد و پنج نفر از متهمان (بطحائی، گل سرخی، دانشیان، سماکار و علامه زاده) همچنان به اعدام محکوم شدند.

به فرمان شاه که در روزنامه های روز ۲۸ بهمن ماه ۱۳۵۲ انتشار یافت، سه نفر از محکومین (بطحائی، سماکار و علامه زاده) به دلیل اظهار پشیمانی آنها از اعدام عفو و به حبس ابد محکوم گردیدند. حکم اعدام دانشیان و گل سرخی هیچ تغییری نکرد و آنان را در بامداد ۲۹ بهمن ۱۳۵۲ تیرباران کردند. گل سرخی در قطعه ۳۳ بهشت زهرا ردیف ۸۴ شماره ۱۹ به خاک سپرده شد که محل دفن بسیاری از کسانی است که در مبارزه با حکومت پهلوی جان باخته اند. آرامگاه کرامت دانشیان درست یک ردیف پایین تر از مزار اوست.

قسمتی از متن دفاعیه گل سرخی

این استعمار این جامه سیاه معلق را چگونه پیوندیست با سرزمین من؟ آن کس که سوگوار کرد خاک مرا آیا شکست

در رفت و آمد حمل اینهمه تاراج؟

این سرزمین من چه بی دریغ بود که سایه مطبوع خویش را بر شانه های ذوالاکناف پهن کرد و باغها میان عطش سوخت و از شانه ها طناب گذر کرد

این سرزمین من چه بی دریغ بود نقل زمین کجاست

من در کجای جهان ایستاده ام با باری ز فریادهای خفته و خونین ای سرزمین من!

من در کجای جهان ایستاده ام؟

من در این دادگاه برای جانم چانه نمی زنم، و حتی برای عمرم. من قطره ای ناچیز از عظمت، از حرمان خلق های مبارز ایران هستم. خلقی که مزدکها، مازیارها، بابکها، یعقوب لیثها، ستارها و حیدرعموعلیها، پسیانها و

دستگیری افراد بدنبال لو رفتن کرامت دانشیان توسط امیر حسین فطانت صورت گرفت. محاکمه این افراد در یک دادگاه نظامی در اواخر سال ۱۳۵۲، برگزار شد که از تلویزیون ملی اجازه پخش داشت اما به یک جنجال تبدیل شد.

تعدادی از اعضای گروه به اتهامات خود که مدارک ناچیزی برای آن وجود داشت، اعتراف کرده و از شاه طلب بخشش کردند. اما پنج تن شامل گل سرخی، دانشیان، طیفور بطحائی، عباسعلی سماکار و رضا علامه زاده، حتی پس از شکنجه شدید، حاضر به اعتراف نشدند.

به نظر می رسید که گل سرخی ساواک را فریب داده باشد. گل سرخی و دانشیان از این واقعیت که جریان دادگاه از تلویزیون پخش می شد استفاده کرده و به جای اعتراف به اتهام مورد نظر، رژیم را تقبیح و محاکمه کرده و از عقاید خود مبنی بر مارکسیسم و انقلاب دفاع نمودند. آنها حاضر به طلب بخشش از شاه نشدند و بیدرنگ اعدام گشتند. جسارت گل سرخی در دفاع از خویش و نهایتاً اعدام او، ستایش و محبوبیت بسیاری در سطح جامعه برایش، حتی در بین افرادی که خط فکری سیاسی او را نمی پسندیدند، به ارمغان آورد.

خسرو گل سرخی در دفاعیات شجاعانه اش در دادگاه شاه گفت: «من که یک مارکسیست - لنینیست هستم برای نخستین بار عدالت اجتماعی را در مکتب اسلام جستم و آن گاه به سوسیالیسم رسیدم.» آن گاه به مقایسه خود با امام حسین پرداخت که نشانگر جایگاه آن امام در نزد یک روشنفکر مارکسیست بود و گفت: «زندگی مولا حسین نمودار زندگی اکنونی ماست که جان بر کف، برای خلق های محروم میهن خود در این دادگاه محاکمه می شویم. او در اقلیت بود؛ و یزید، بارگاه، قشون، حکومت و قدرت داشت. او ایستاد و شهید شد. هر چند یزید گوشه ای از تاریخ را اشغال کرد، ولی آنچه که در تداوم تاریخ تکرار شد، راه مولا حسین و پایداری او بود، نه حکومت یزید. آنچه را که خلقها تکرار کردند و می کنند راه مولا حسین است. بدین گونه است که در یک جامعه مارکسیستی، اسلام حقیقی به عنوان یک روبنا قابل توجیه است؛ و ما نیز چنین اسلامی را اسلام حسینی، و اسلام علی را تأیید می کنیم.»

در جریان محاکمات دستگیرشدگان در دادگاه اول، ۷ نفر به اعدام (گل سرخی،

ادامه مطلب ده ترکیب رنگ... از صفحه ۳۸

خاکستری و زرد: اگر از این ترکیب رنگ مدرن به صورت درست و مناسبی استفاده شود، اتاق از نظر رنگی و حس و حال توازن بسیار خوبی پیدا خواهد کرد. خاکستری هیچ فشاری به چشم‌های بیننده نمی‌آورد و نقاطی که رنگ زرد در آنها استفاده شده است توجه بیننده را کاملا به خود جلب می‌کنند. شما می‌توانید با قرار دادن رنگ زرد در مناطقی که می‌خواهید توجه بیشتری به آنها صورت بگیرد چشم بیننده را در اتاق خواب هدایت کنید. این رنگ در عین حال حس و حالی پرنرژی و شاد به بیننده انتقال می‌دهد. فقط حواس‌تان باشد که در استفاده از آن زیاده‌روی نکنید. با این وجود اگر شما نور طبیعی زیادی در اتاق خود ندارید و برای کارهایتان نیاز به نور دارید، این ترکیب رنگی چندان مناسب شما نخواهد بود. اما اگر اتاق خواب شما جایی است که از آن فقط برای خوابیدن و استراحت کردن استفاده می‌کنید، این ترکیب انتخابی عالی برایتان خواهد بود.

مرجانی و آبی: رنگ آبی بسیار پرطرفدار است و اگر فام مناسبی از آن را انتخاب کنید می‌توانید تقریباً در هر سبک و فضایی که می‌خواهید آن را به کار ببرید. علاوه بر این پیدا کردن یک رنگ مکمل خوب برای آبی هم کار آسانی است. مرجانی یک رنگ لطیف و پراحساس است که می‌توان آن را در کنار طیف‌های مختلفی از رنگ آبی استفاده کرد. شما می‌توانید با ترکیب این دو رنگ حسی آرامش‌بخش، مشابه فضای زیر آب، در اتاق خواب خود به وجود بیاورید و از استراحت کردن در چنین اتاق خوابی لذت ببرید.

رنگ‌های تیره و خنثی: رنگ‌های تیره با اشباع پایین باعث ایجاد فضایی آرام در اتاق شما می‌شوند. در این مورد خاص ما رنگ‌های خاکستری و قهوه‌ای را انتخاب کرده‌ایم که دومی رنگی گرم هم به حساب می‌آید. اگر بخواهید فضای اتاق‌تان کمی سردتر و مدرن‌تر باشد می‌توانید با اضافه کردن فلز به اتاق، هم فضا را مدرن‌تر کرده و هم ترکیبی بسیار زیبا با رنگ‌های خاکستری و قهوه‌ای ایجاد کنید. باید ببینید سلیقه شما در این مورد چگونه است و بعد دست به انتخاب ترکیب رنگی مورد نظر خود بزنید.

رنگ‌های روشن و خنثی: این ترکیب هم تقریباً مثل ترکیب قبلی است، ولی اینجا به جای رنگ‌های تیره، از رنگ‌های روشن استفاده می‌شود. اگر می‌خواهید نور طبیعی بیشتری در اتاق خود داشته باشید این ترکیب برای شما مناسب‌تر است. تهرنگ‌های آبی برای ایجاد توازن با نورهای گرمی که از بیرون وارد اتاق

می‌شوند کاملا مناسب هستند. **صورتی و مسی:** این ترکیب حسابی مُد شده است. مس یک فلز زیبا با رنگی گرم است که شما می‌توانید از آن برای ایجاد ظاهری لوکس در اتاق‌های خود استفاده کنید. صورتی هم شیک است و هم زنانه. رنگ مسی با رنگ‌های روشن‌تر هم کنتراستی بسیار عالی ایجاد می‌کند. اگر تا به حال به رنگ مسی فکر نکرده‌اید بهتر است از این به بعد آن را جزء گزینه‌های خود قرار دهید.

آبی روشن و خاکستری: این ترکیب، ترکیبی شیک و روشن است و به خصوص برای اتاق‌هایی که ظاهری کلاسیک یا سنتی‌تر دارند بسیار مناسب است. این رنگ‌ها را با بافت یا طرحی خاص ترکیب کنید تا زنده‌تر شده و جذابیت‌شان هم افزایش یابد.

سبز و صورتی: این ترکیب که مثل ترکیب رنگ‌های یک گل است، حالتی زنده و تروتازه دارد. سبز مورد استفاده می‌تواند بسته به سلیقه شما از میان سبزه‌های نعنایی و سردتر، یا سبزه‌های زیتونی و گرم‌تر انتخاب شود. این مسئله کاملاً به سلیقه شما و فضایی که به دنبال آن هستید بستگی دارد.

آبی و نارنجی: رنگ‌های آبی و نارنجی دو رنگ مکمل هستند که شما می‌توانید با ترکیب آنها اتاقی زنده و پرنرژی برای خود ایجاد کنید. با کم کردن میزان اشباع رنگ‌ها، اتاق حالتی سنگین‌تر پیدا می‌کند ولی بالاتر بردن میزان اشباع و روشنی آنها حالتی شاد و پرنرژی به اتاق شما خواهد بخشید. البته بهتر است میزان اشباع رنگ‌ها را کم کنید تا اتاق خواب شما حس و حالی آرام داشته باشد.

رنگ‌های قرمز: طیف رنگ‌های قرمز را خیلی راحت می‌توان در ترکیب با رنگ‌های دیگر به کار برد ولی علاوه بر این می‌توان فقط از خود آنها هم برای رنگ‌آمیزی یک اتاق استفاده کرد. اگر رنگ قرمز، رنگ غالب یک اتاق باشد، آن اتاق پویایی و انرژی فراوانی پیدا خواهد کرد. البته در استفاده از طیف‌های رنگ قرمز بهتر است جانب احتیاط را رعایت کنید، چراکه اتاق خواب معمولاً جایی برای استراحت است و استفاده بیش از حد از رنگ قرمز ممکن است آن را بیش از حد پرنرژی کند.

سبز و قهوه‌ای: اگر به دنبال این هستید تا در اتاق‌تان حس و حالی طبیعی‌تر به وجود آورید می‌توانید از رنگ‌های سبز و قهوه‌ای در آن استفاده کنید. استفاده از کف یا اثاثیه چوبی راهی عالی برای طبیعی‌تر کردن محیط است. بافت‌ها و طرح‌های زیبای طبیعی هم باید در اتاق مورد استفاده قرار بگیرند.

ادامه مطلب همه پرسی استقلال... از صفحه ۳۹

می‌کند و از رهبری اقلیم برای دفاع از دموکراسی قدردانی کرد.

دیگر بازیگران

دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران، در تاریخ ۱۰ ژوئن ۲۰۱۷، در ارتباط با تصمیم حکومت اقلیم کردستان عراق در مورد برگزاری رفراندوم اعلام استقلال، بیانیه‌ای منتشر کرد. در این بیانیه حزب دمکرات کردستان ایران، ضمن تبریک به ریاست کردستان عراق و احزاب و جریان‌های سیاسی و همچنین مردم کردستان عراق، این تصمیم را یک تصمیم تاریخی و گامی مهم و حق مسلم مردم کردستان در راستای به رسمیت شناخته شدن حق تعیین سرنوشت این بخش از کردستان عراق خوانده است.

حزب کارگران کردستان: جمیل بایک، رهبر پ‌ک‌ک، گفت: «همه‌پرسی دموکراتیک یک حق طبیعی برای مردم است و کسی نمی‌تواند آن را متوقف کند» **کوزوو:** ویسار یمیری، رهبر بزرگترین حزب اپوزیسیون، گفت: «هیچکس حق ندارد مردم کرد را از استقلال و زندگی در آزادی و صلح در همبستگی با دیگر مردم جهان، محروم کند.»

اقلیم کردستان در پی برگزاری این همه پرسی برنامه‌ریزی برای ایجاد دولت و مذاکرات آینده با عراق را پیش از اعلام استقلال آغاز کرد. عراق خواهان بازپس دادن کنترل دو فرودگاه بین‌المللی اقلیم به حکومت مرکزی یا توقف پروازهای بین‌المللی شد. چاک شومر رهبر اقلیت سنای آمریکا در بیانیه‌ای خواستار به رسمیت شناخته شدن یک کردستان مستقل از سوی آمریکا شد.

بارزانی گفت «این جنایت نیست که از مردم کردستان درباره آرزوییشان برای آینده سؤال شود.» و در جمع مردم اعلام کرد «رفراندوم دیگر نه در دستان من است و نه در دستان احزاب دیگر، بلکه در دستان شماست.»

واکنش‌های بین‌المللی

ایران: سید علی خامنه‌ای، با گفتگوها برای چندبخش کردن عراق مخالف است. ایران شنبه ۱۷ ژوئن ۲۰۱۷ مخالفت خود با انجام همه پرسی استقلال کردستان عراق را اعلام کرد. شایان یادآور است که طی این هفته مقامات کردستان، واقع در شمال عراق، که دارای خودمختاری است به این رفراندوم فراخواندند.

ترکیه: ترکیه نیز که با استقلال کردستان مخالفت می‌ورزد، تمایل کردستان عراق در اجرای این همه پرسی را یک اشتباه بزرگ توصیف نمود.

ایالات متحده آمریکا: روز جمعه چهارم اوت ۲۰۱۷ در یک تماس تلفنی رکس تیلرسون، وزیر خارجه آمریکا با مسعود بارزانی صحبت کرده و ضمن تشکر از همراهی پیشمرگه‌های کرد در مبارزه با گروه موسوم به دولت اسلامی، مخالفت واشینگتن با برگزاری همه پرسی استقلال در اقلیم کردستان را توضیح و تأکید کرده است.

اسرائیل: بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل گفته است «از تلاش‌های مشروع مردم کرد برای دستیابی به دولت خود حمایت می‌کند.»

کاتالونیا: آرتور ماس، رهبر حزب دموکراتیک اروپایی کاتالان و رئیس‌جمهور سابق کاتالونیا، گفت که از رفراندوم استقلال کردستان حمایت

انتخابات	آرا	%
آری	۲,۸۶۱,۴۷۱	۹۲.۷۳
خیر	۲۲۴,۴۶۴	۷.۲۷
آرای صحیح	۳,۰۸۵,۹۳۵	۹۴.۷۶
آرای باطله یا سفید	۲۱۹,۹۹۰	۶.۶۵
مجموع آرا	۳,۳۰۵,۹۲۵	۱۰۰.۰۰
واجدین شرایط	۴,۵۸۱,۲۵۵	۷۲.۱۶

ادامه مطلب از اینجا، از آنجا... از صفحه ۴۴

ادامه می‌دهند! من با تجربه بسیار اندکی که در زندگی آموخته‌ام، بارها و بارها در مواردی از اطرافیان خواسته‌ام که مسئله‌ای را که اولاً به آنها ارتباط ندارد و دوماً نقل قول است و به صحت آن کاملاً واقف نیستند در هیچ کجا تکرار نکنند، اما متأسفانه بازهم عده‌ای هستند که بنابر عادت نمی‌توانند جلوی زبان خود را گرفته و احترام برای دیگران قائل شوند.

متأسفانه یک عده از روی نادانی و بدون توجه به عواقب حرف هایشان و فقط برای خود شیرینی، مسائل مربوط به دیگران را یک کلاغ چهل کلاغ کرده و دهان به دهان می‌گردانند، و عده‌ای دیگر نیز با اطلاع کامل به این مهم که با یک کلاغ چهل کلاغ کردن و شایعه‌پراکنی در مورد دیگران ممکن است که باعث ناراحتی و آزار آنها شوند، اما با این حال به چنین رفتار بسیار زشت و غیراخلاقی

ادامه مطلب ردهای نهادهای... از صفحه ۲

اما عنصر مادی جرم قوادی منحصر در فعل خاصی نیست. بنابراین، ممکن است از طریق گردآوری در یک مکان یا جابجایی با اتومبیل و یا از طریق تلفن یا اینترنت و دادن آدرس مرد به زن یا برعکس، آنها را به یک دیگر معرفی کنند. برخی از زنان ایرانی توسط تورهای مسافرتی به مسافرت رایگان برده می شوند و مورد سوء استفاده جنسی قرار می گیرند. در واقع، دامنه جرم قوادی با به کارگیری انواع وسایل و عناصر مختلف، به سادگی توسعه یافته است. به طور مثال، در آرایشگاه ها، ویدیو کلوب ها، اطراف سفارت خانه های خارجی و جلوی مدارس و پارک ها قوادان در کمین هستند تا به فریب و اغفال زنان و دختران جوان بپردازند.

سپاه یا بسیج با قوادان و قاچاقچیان زنان هم دست هستند و با آنها برخورد قانونی جدی نمی کنند و در صورت دستگیری نیز برای متهمان این جرایم، کیفری های خفیفی در نظر گرفته می شود. دایرکنندگان مراکز فساد و فحشا و قوادان و حتی مشتریان این مراکز نیز متوجه این گونه اغماض ها و نادیده گرفتن جرایم آنان از سوی ضابطین دادگستری شده اند. به یاد دارم یک بار با خبرنگار میدانی فعال در این حوزه صحبت می کردم، می گفت برای تحقیق و تهیه گزارش به یکی از این مراکز فساد و فحشا رفته و دیده است که آنها حتی کارتخوان داشته اند.

به گفته این خبرنگار، در یک مورد بین مشتری و قوادان اختلاف پیش آمده و می خواسته اند به ۱۰ زنگ بزنند که برای رفع مشکل مداخله کند. به عبارت دقیق تر، می خواسته اند نیروی انتظامی را حکم کنند! بنابراین، موضوع عدم برخورد ضابطین دادگستری، اعم از نیروی انتظامی، سپاه یا بسیج با این جرایم و نادیده گرفتن اقدامات قوادان قابل انکار نیست. از یک منظر، ریشه و دلیل این عدم برخورد و مدارا با قوادان را به نوعی می توان در یک سیاست کلان امنیتی جست و جو کرد. در واقع، این تعامل ناشی از یک سیاست کلان امنیتی است.

به طور کلی، در برخورد با معضلات اجتماعی مشابه، مثل حوزه مواد مخدر یا قاچاق کالا، ثابت شده است که وقتی سیستم امنیتی ایران نمی تواند با یک معضل اجتماعی برخورد کند، با رویکرد دیگری سعی می کند آن را در اختیار و کنترل خود بگیرد. در بحث مراکز فساد و فحشا هم همین سیاست کلان امنیتی اعمال می شود. اعمال این سیاست موجب می شود تا مراکز فساد و فحشا و قوادان آن تحت چتر و پوشش امنیتی قرار گرفته و شناسایی و کنترل شوند تا در مواقع مقتضی و بنا بر سیاست های امنیتی، فعالیت های این مراکز محدود و یا در مواقع لازم افزایش پیدا کند.

دستگیرهای موردی باندهای بزرگ فساد و فحشا نیز یا به دلیل خروج از حلقه سیستم امنیتی است و یا بنا بر مصالح و سیاست های امنیتی. گاهی نیز موسس مراکز فساد و فحشا خود نهادهای امنیتی هستند که مستقیماً زیر نظر این نهادها اداره شده و فعالیت می کنند زیرا با اعمال این سیاست، هم ضریب کنترل امنیتی افزایش یافته و هم سود آن به جیب به این نهادها می رود. علاوه بر

ادامه مطلب تبعیضات ناروا... از صفحه ۱۱

غیر این صورت به حبس از یک تا پنج سال محکوم خواهد شد.»

بر اساس این قانون کودک ۱۶ ساله بهایی بنام نسیم که شخصاً و کالتش را برعهده داشتیم، در سال ۲۰۰۸ به اتهام «خندیدن» هنگام قرائت دعای صباگاهی در دبیرستانش به اهانت به مقدسات متهم و تحت تعقیب قرار گرفت و مدت دو ماه از دبیرستان اخراج شد و صرفاً به دلیل اینکه همکلاسی های او از عقیده اش و دینش مطلع شدند، او را مجبور به ادامه تحصیل در دبیرستانی دیگر نمودند. در این رابطه سازمان آموزش و پرورش و دادگاه انقلاب و نیروهای امنیتی در یک ساختار هماهنگ با یکدیگر عمل کردند. چون گزارش خندیدن این کودک را یکی از مسئولین مدرسه به سازمان آموزش و پرورش داده بود، سازمان مزبور به نیروهای امنیتی گزارش کرده بودند، و آنها موضوع را به دادگاه انقلاب گزارش کردند و سپس دستور دستگیری و بازرسی منزل این کودک را به نیروهای امنیتی توسط دادگاه انقلاب داده شد.

اگر ماده ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی برای صیانت از باور اکثریت (شیعه) با استفاده از حمایت قانون اساسی تصویب نمی شد، نسیم دختر دبیرستانی که نمونه کوچکی از هزاران پرونده مشابه است، مورد خشونت سیتما تیک قرار نمی گرفت، از تحصیل محروم نمی شد و محاکمه نمی گردید.

بعد از هر صیغه عده نگه دارند. این موضوع در خانه های عفاف چندان رعایت نمی شود چون رعایت آن به درآمد آنها لطمه می زند. وقتی در این خصوص با یکی از مسئولان این موسسه ها در قم صحبت می کردم، می گفت در خانه های عفاف موضوع نگه داری عده از سوی زنان چندان رعایت نمی شود. البته مقصر زنان نیستند بلکه مسئولان این خانه ها به زنان توصیه می کنند که اگر باردار نیستند، نگه داری عده چندان ضرورت ندارد. به همین جهت در این خانه ها به محض آن که مشخص شود زن باردار نیست، با جعل تاریخ صیغه نامه ها، صیغه بعدی به فاصله کمی خوانده می شود. فعالیت قانونی و گسترده و تحت کنترل این نهادها نمونه دیگری از یک میل بالادستی حکومتی برای هدایت کردن چنین مراکزی است. در برخی موارد، فعالیت این گروه ها از کنترل خارج و یا افشا می شود و نهادهای امنیتی برای پاک کردن صورت مسئله وارد بازی می شوند؛ مانند پرونده این روحانی که خود من دیدم و یا پرونده خانه هدایت کرج.

۷- برتری همه جانبه اکثریت پیروان مذهب شیعه نسبت به سایر مذاهب اسلامی، اقلیت های شناخته شده و سایر اقلیت های دینی در ساختار قانون اساسی ایران به وضوح نمایان است.

۸- تبعیضات ناروا نسبت به اقلیت های مذهبی بخصوص غیر مسلمانان در قانون اساسی و ارجاع همه امور به موازین شرعی در قانون سبب ایجاد ساختار عدم معاشرت و در نتیجه نادیده گرفتن غیر مسلمانان به عنوان کافران به دلیل نجس پنداشتن کافران در اسلام شده است. (۷)

سامان سیاسی، اجتماعی و فرهنگی فراهم شده بر اساس ساختار قانون اساسی ایران هر نوع اندیشه مخالف با مذهب رسمی را نفی و سرکوب می نماید. مقررات اجرایی که بر اساس قانون اساسی و با اتکاء به تأکید اصل چهارم آن مبنی بر لزوم انطباق همه قوانین با مقررات شریعت در اجتماع ایران جریان دارد، از نوعی خشونت سامان یافته علیه همه اندیشه های مخالف حکایت دارد. (۸)

این، به طور مستقیم می تواند به لحاظ اطلاعاتی، برآیند افکار عمومی در این حوزه را محاسبه و دامنه فعالیت در این حوزه را بنا بر اقتضای امنیتی، به راحتی محدود کنند و یا گسترش دهند. در بعضی از مواقع هم فعالیت نهادهای امنیتی در این حوزه غیرعلنی نیست اما نه با دایر کردن مراکز فساد و فحشا بلکه با دایر کردن مراکزی مثل «خانه های عفاف» که بخشی از سیاست امنیتی در این حوزه محسوب می شود.

خانه های عفاف با مجوزهای قانونی فعالیت می کنند و زن ها را به صیغه مردان در می آورند. صیغه حتی می تواند برای چند دقیقه یا چند ساعت باشد. اما موضوعی که عملکرد خانه های عفاف را بیشتر شبیه مراکز فساد و فحشا می کند، عدم نگه داری «عده» در صیغه است. زنان در پایان مدت هر صیغه باید در صورتی که قابلیت بارداری دارند، دو پاکی بعد از دوره پرپود عده نگه دارند و با مردی صیغه نشوند. در صورتی هم که قابلیت بارداری نداشته باشند، باید ۴۵ روز

ادامه مطلب تبیضات ناروا... از صفحه ۵۰

بخش دوم: تبیض نسبت به

اقلیت های قومی در قانون اساسی

مهمترین تبیضی که نسبت به اقلیت های قومی در قانون اساسی ایران وجود دارد، در اصل ۱۵ قانون اساسی رخ داده است. به موجب این اصل زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی شناخته شده است. با این اصل نوشتن و آموزش زبان و فرهنگ و ادبیات سایر اقوام پذیرفته نشده است. تمام ادارات دولتی و حتی سازمان های غیر دولتی در مناطق غیر فارسی زبان ناچار هستند زبان فارسی را زبان ارتباطی و مکاتبه ای خود داشته باشند.

با وجودی که بخش دوم اصل پانزده قانون اساسی استفاده محدود از زبان و خط محلی و قومی در مطبوعات و رسانه های محلی و تدریس ادبیات آنها در مدارس در کنار زبان فارسی آزاد دانسته است، تا کنون شاهد اجرای همین میزان ناچیز نیز نبوده ایم و علیرغم اینکه اصل ۱۵ قانون اساسی تأمین کننده حقوق گروه های اقلیتی نمی باشد، در حد ناقص همین اصل نیز تاکنون غیر فارسی زبانان اجازه استفاده از زبان بومی خود در مدارس بدست نیاورده اند» (۹).

برخی از موارد و مظاهر تبیض نسبت به اقلیت های قومی بر مبنای قانون اساسی ایران شرح زیر است.

۱- کودکان مناطق وسیعی از ایران سال های شروع مدرسه را در شرایط بحرانی و اضطراب سیری می نمایند، این کودکان در خانه به زبان مادری حرف میزنند و بدون تسلط به زبان فارسی ناچارند حتی از معلمی که زبان ترکی، یا کردی، ترکمنی، بلوچی و عربی را میداند، به زبان فارسی تحت آموزش قرار گیرند. فقدان روش های آموزشی مناسب برای این دانش آموزان، آنها را در موقعیت نابرابر با هم سن و سالان خود قرار میدهد و امکان بازمانده شدن از تحصیل در آنها بسیار است. نظم آموزشی همه مناطق ایران یکسان است. دانش آموزی که زبان مادری او فارسی است با سایر دانش آموزان بصورت یکسان آموزش می گیرند و از هیچ روش آموزشی برای آموزش زبان فارسی برای آنها استفاده نمی شود.

۲- تسلط زبان فارسی سبب عدم توجه به زبان های محلی و به تدریج تضييف و نابودی ادبیات، فرهنگ و موسیقی این زبان ها را در پی داشته و خواهد داشت.

۳- زبان فارسی زبان ادارات دولتی و دادگاه های دادگستری است. نوشتن و صحبت کردن به زبان فارسی برای ساکنین مناطق قومی به آسانی و روانی

ساکنین مناطق فارسی زبان نیست، بنابراین به دلیل عدم استفاده از مترجم در دادگاه ها و در ادارات دولتی حقوق مردم مناطق قومی امکان تضييع بیشتر دارد» (۱۰).

۴- زبان و ادبیات بعنوان یکی از ابزارهای توسعه انسانی شناخته می شوند. عدم رواج رسمی زبان های محلی در مناطق قومی ایران یکی از عوامل توسعه نیافتگی مناطق قومی ایران محسوب میگردد.

۵- تسلط زبان فارسی در سالیان متمادی نوعی ناسیونالیست فرهنگی در ایران ایجاد کرده که به تدریج زبان های بومی و قومی را نادیده گرفته و به زبان فارسی منزلت برتر داده و موقعیت نابرابر برای زبان های قومی و محلی فراهم نموده است.

اگر چه ممکن است گفته شود آموزش زبان مادری میتواند مانع دست یابی کودکان در آینده به دانشگاه های فارسی زبان گردد، در پاسخ این ایراد میتوان گفت آموزش زبان فارسی در ابتدای آموزش رسمی برای کودکی که زبان فارسی زبان مادری او نیست، اضطراب شدید، و عدم برابری در فراگیری در یک سیستم یک پارچه و سراسری در تمام کشور را برای کودکان بلوچ، ترکمن، کرد یا ترک که زبان فارسی را نمیدانند فراهم می نماید. این نابرابری میتواند سبب باز ماندن از آموزش همه جانبه و ترک تحصیل در سالهای اولیه آموزش گردد و هرگز آنها را به دانشگاه نزدیک نکند. در حالیکه آمارها نشان از بالا بودن آمارهای بازماندگان از آموزش و تحصیل در مناطق قومی بیش از سایر مناطق دارند» (۱۱).

از آنجایی که خشونت رسمی به هر نوع عمل سامان یافته و مستمری که به درد و رنج عده ای منجر می شود تعریف میگردد، الزام به فراگیری زبان غیر مادری در سنین اولیه آموزش رسمی سبب ایجاد درد، رنج و بازماندن از تحصیل قبل از پایان دبیرستان افزایش داده است. این مشکل درباره دختران بیش از پسران به ویژه در عشایر کوچ نشین ترکمن صحرا بیشتر است، به نحوی که جامعه قومی ترکمن صحرا با این مشکل سخت روبرو است» (۱۲).

البته آموزش زبان غیر مادری و نابرابری در داشتن امکانات آموزشی و دسترسی به معلمین بهتر سهم ساکنان حاشیه ها و مناطق بومی غیر فارسی زبان همزمان با هم در حال اتفاق است. هنوز کودکانی در مناطق سیستان و بلوچستان هستند که در «کپر» مدرسه شان دایر میشود، مناطقی از

عشایر خراسان شمالی که به نوشته روانه خراسان شمالی کودکان در ۲۹ کانکس سیار بدون امکانات اولیه به مدرسه میروند، و یا سوختن دختران مدرسه شین آباد از مناطق کردستان در آتش ناشی از بخاری غیر استاندارد مدرسه بخشی از ساختار تبیض رسمی و سیستماتیک علیه کودکان اقلیت های قومی است» (۱۳).

تبیض نسبت به گروه های قومی و مذهبی غیر باورمند به مذهب مورد نظر حاکمیت در ایران و استمرار آن در مواقعی با واکنش گروه های مدنی و فرهنگی روبرو شده است. تنیده گی مقررات شریعت اسلامی-شیمی در همه ابعاد حقوقی، پنداشتن هر نوع مخالفت با این تبیضات به مثابه مخالفت با اساس اسلام و اساس حاکمیت در پی داشته است.

همراهی نیروهای امنیتی، سپاه پاسداران و قوه قضاییه با ایدئولوژی بر آمده از اصول قانون اساسی، بخصوص اصل اسلامی بودن و حاکمیت نظریه ولایت فقیه، از یک طرف و ادعای قانونی بودن همه اقدامات بر اساس اصول قانون اساسی، مخالفت با اشکال مختلف تبیض را ایستاده گی در مقابل نظام حکومتی تلقی می نماید.

بر همین اساس برداشت حقوقی از قانون اساسی و تبیضات مندرج در آن همواره عدم انطباق رفتارهای موجود علیه اقلیت ها با موازین حقوق بشر بین الملل را با پاسخ تند ایران و ادعای رای اکثریت مطلق پیش از ۹۸ درصد مردم ایران به قانون اساسی در سال ۱۳۵۸ به همراه دارد.

مجموع شرایط و تبیضات نسبت به اقلیت های قومی و مذهبی که در این مقاله به آنها اشاره کردم جو حاکم بر اقلیت های مذهبی و قومی را امنیت محور ساخته است، چون هر نوع فعالیت مدنی، فرهنگی و مذهبی نظیر انجمن های محلی، کلاس های آموزشی برای اقلیت ها و نظیر این ها را حاکمیت ایران در تضاد با امنیت کشور می پندارد.

این شرایط سرکوب شدید همه فعالین اقلیتی و مذهبی را با خود داشته، به نحوی که «زندگی روزمره» همه اقلیت ها را دشوار و متأثر از این شرایط امنیتی ساخته است.

درخاتمه میتوان گفت که توسط قانون اساسی مبتنی بر تبیضات در ایران ساختار حقوقی مستقر کرده است که به صورت سیستماتیک دیده میشود. تبیضات ناروا علیه اقلیت ها با پشتیبانی قانون اساسی بوسیله قوانین و مقررات عادی توسعه یافته و در سراسر ایران در حال اجرا است. در نتیجه شرایط تبیض آمیز به نهادینه شدن فرهنگ تبیض و خشونت علیه همه اقلیت ها منجر شده است.

(۱) بخشهایی از قانون اساسی که حاوی تضاد و تعارض برای رفع تبیض است عبارتند از: بند نه اصل سوم «رفع تبیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه های مادی و معنوی.» بند چهارده اصل سوم «تأمین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون.» اصل نوزدهم: «مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود.» اصل بیستم: «همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.»

(۲) اصل چهارم قانون اساسی ایران: «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهاء شورای نگهبان است.»

(۳) اصول دوم و یکصد و نهم قانون اساسی.

(۴) اصل یکصد و ده قانون اساسی، دروایف و اختیارات رهبر در ایران.

(۵) ماده ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی: «هر کس علیه نظام جمهوری اسلامی ایران یا به نفع گروهها و سازمانهای مخالف نظام به هر نحو فعالیت تبلیغی نماید به حبس از سه ماه تا یک سال محکوم خواهد شد.»

(۶) اصل ۱۱۵ قانون اساسی: «رییس جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی که واجد شرایط زیر باشند انتخاب گردد ایرانی الاصل، تابع ایران، مدیر و مدبر، دارای حسن سابقه و امانت و تقوی، مومن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور.

(۷) توضیح المسائل آیت الله خمینی شماره ۸۲ نجاسات را یازده مورد بر می شمارد، از جمله آنها کافر است.

(۸) گزارش دویچه وله برخی از انواع فشارها بر اقلیت های دینی و مذهبی مختلف را بر اساس گزارش دبیران حقوق بشر نشان میدهد. گزارش سازمان عفو بین الملل در همین رابطه مواردی را روشن می سازد.

(۹) اصل ۱۵ قانون اساسی: «زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است. اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید با این زبان و خط باشد ولی استفاده از زبان های محلی و قومی در مطبوعات و رسانه های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس، در کنار زبان فارسی آزاد است.»

(۱۰) نگارنده بعنوان وکیل دادگستری ایران با پرونده های مختلفی یکی از طرفین پرونده زبان مادری او فارسی نیست روبرو شده ام، در یک مورد درباره شخصی که بناحق در پرونده قتل عمدی در یکی از شهرستان های فارس زبان متهم شده بود، او به دلیل عدم تسلط به زبان فارسی سوالات اولیه در زمان تحقیقات پلیس را به خوبی پاسخ نداده بود و بر اساس آن به قتل عمدی متهم شده بود.

(۱۱) کارشناسان محرومیت از استفاده از زبان مادری را یکی از دلایل مهم افت تحصیلی یا بازماندن از تحصیل در کودکان مناطق قومی می دانند.

(۱۲) وب سایت یاغی ترکمن صحرا با اتکاء به اطلاعات محلی دقیق به خوبی مشکل آموزشی کودکان این مناطق اقلیتی را نمایان می نماید.

(۱۳) روانه خراسان شمالی شماره ۱۷۹۸۳ موزخ ۱۳۹۲/۰۸/۲۵

ادامه مطلب قفس... از صفحه ۱۸

بیرون جهاند. مرغ و خروس ها از تو قفس میدیدند. قدقد میکردند و دیواره قفس را تک میزدند. اما دیوار قفس سخت بود. بیرون را مینمود اما راه نمیداد. آنها کنجکاو و ترسان و چشم براه و ناتوان به جهش خون هم قفس شان که اکنون آزاد شده بود نگاه میکردند. اما چاره نبود. این بود که بود. همه خاموش بودند و گرد مرگ در قفس پاشیده شده بود.

همان دم خروس سرخ روی پر زرق و برقی تک خود را توی فضله ها شیار کرد و سپس آن را بلند کرد و بر کاکل شق و رق مرغ زیره ای پا کوتاهی کوفت. در دم مرغ خوابید و خروس به چابکی سوارش شد. مرغ توسری خورده و زبون تو فضله ها خوابید و پا شد. خودش را تکان داد و پیر و بالش را پف و پره باد کرد و سپس برای خودش چرید. بعد تو لک رفت. کمی ایستاد، دوباره سرگرم چرا شد.

قدقد و شیون مرغی بلند شد. مدتی دور خودش گشت. سپس شتاب زده میان قفس چنک زد و بیم خورده تخم دلمه بی پوست خونینی تومنجلاب قفس ول داد. در دم دست سیاه سوخته رگ درآمده چرکین شوم پینه بسته ای هوای درون قفس را درید و تخم را از توی گندزار ربود و هماندم در بیرون قفس دهانی چون گور باز شد و آن را بلعید. هم قفسان چشم براه، خیره جلو خود را مینگریستند.

در روزگاری کهن پیرمرد روستا زاده ای بود که یک پسر و یک اسب داشت. روزی اسب پیرمرد فرار کرد. همه همسایگان برای دلداری به خانه اش آمدند و گفتند: «عجب شانس بدی آوردی که اسب فرار کرد!» روستا زاده پیر در جواب گفت: «از کجا می دانید که این از خوش شانس من بوده یا بد شانس من؟» همسایه ها با تعجب گفتند: «خب معلومه که این از بد شانس من است.» هنوز یک هفته از این ماجرا نگذشته بود که اسب پیرمرد به همراه بیست اسب وحشی به خانه برگشت. این بار همسایه ها برای تبریک نزد پیرمرد آمدند و گفتند: «عجب اقبال بلندی داشتی که اسب همراه بیست اسب دیگر به خانه برگشت.» پیرمرد بار دیگر گفت: «از کجا میدانید که از خوش شانس من بوده یا از بد شانس من؟» فردای آنروز پسر پیرمرد حین سواری در میان اسب های وحشی زمین خورد و پایش شکست. همسایه ها بار دیگر آمدند به منزل کشاورز و گفتند: «عجب شانس بدی!» کشاورز پیر گفت: «از کجا میدانید که از خوش شانس من بوده یا از بد شانس من؟» چند تا از همسایه ها با عصبانیت گفتند: «خوب معلومه که از بد شانس تو بوده پیرمرد.» چند روز بعد نیروهای دولتی برای سربازگیری از راه رسیدند و تمام جوانان سالم را برای جنگ در سرزمین دور دستی با خود بردند. پسر کشاورز پیر بخاطر پای شکسته اش از اعزام معاف شد. همسایه ها برای تبریک به خانه پیرمرد آمدند و گفتند: عجب شانس آوردی که پسر معاف شد.» و کشاورز پیر گفت: «از کجا میدانید که...؟»

نتیجه گیری: همیشه زمان ثابت می کند که بسیاری از رویدادها را که بدیاری و مسائل لاینحل زندگی خود می پنداشته ایم در واقع صلاح و خیرمان بوده. چه بسا چیزی را شما دوست ندارید و درحقیقت خیر شما در آن بوده و چه بسا چیزی را دوست دارید و در واقع برای شما شر است!

آنکه: شهروندان ایرانی هرگز در خاک ایالات متحده به یک حمله تروریستی دست نزده اند. کمپین حقوق بشر در ایران از دولت ترامپ می خواهد تا فوراً این ممنوعیت سفر که نقشی در محافظت از امنیت ایالات متحده ندارد و در عین حال ناقض حقوق میلیون ها نفر است را لغو نماید.

ادامه مطلب میزبانی ایران... از صفحه ۳

این حقوق دان می گوید نداشتن اقامت و معضلاتی که چندین نسل از مهاجران افغانستانی را همراهی می کند، باعث سوء استفاده جمهوری اسلامی شده است: «پس از شروع جنگ در سوریه، مقامات جمهوری اسلامی تلاش کردند که با وعده ارایه تابعیت به خانواده های افغانستانی، آنها را به جنگ بکشاند. لایحه و طرح هایی هم در مجلس در حال بررسی است که به خانواده های کشته شدگان افغانستانی در این جنگ و جانبازان شان تابعیت ایرانی داده شود. این به نوعی سوء استفاده از وضعیت آنها است. حتی اگر این مساله قانونمند هم بشود، باز خلاف عدالت و اصول حقوقی است.»

شمار بالای اعدام برای جرایم مواد مخدر هم یکی دیگر از معضلات افغانستانی ها در ایران است. به علت قانونی بودن کشت خشکاش در افغانستان، شاید اعدام برای این جرم در بسیاری از خانواده های افغانستانی شوک آور باشد: «اگرچه نفس اعدام درست نیست اما جمهوری اسلامی ایرانی ها را هم به همین جرم اعدام می کند. البته مجلس شورای اسلامی در حال بررسی تغییر قوانین در این مورد است اما تفاوتی بین ایرانی و افغانستانی در این خصوص نیست و دولت ایران این حق را دارد که براساس قوانین خود، قاچاق چپان مواد مخدر را اعدام کند.»

البته سازمان های حقوق بشری معتقدند روند ناعادلانه دادرسی برای مهاجران افغانستانی شدت و حدت بیشتری دارد و در طول بازرسی و بازپرسی، خشونت های بسیاری بر آنها اعمال می شود به طوری که گاه زیر شکنجه و پیش از رسیدن به دادگاه، جان می دهند.

با وجود تمامی این مصائب، اما خلیفه لو معتقد است که اصلی ترین مصیبت افغانستانی ها در ایران، کودکان آنها هستند که به علت نداشتن تابعیت، مورد تبعیض قرار می گیرند. طبق قوانین جمهوری اسلامی، تحصیل برای تمامی ایرانی ها رایگان و حقی عمومی است؛ قانونی که تحصیل مهاجران را با مشکل روبه رو کرده است.

در این میان، قوه قضاییه مدام تکرار می کند که جرایم افغانستانی ها بسیار بیشتر از دیگر ملیت ها در ایران است و برای همین با رویکرد امنیتی با آنها برخورد می کند: «اما این مساله نمی تواند واقعیت داشته باشد. ما آمار دقیقی از قوه قضاییه نداریم که مشخص کند چه انتیک هایی، چه جرم هایی انجام داده اند. این آمار محرمانه است. بر اساس شواهد هم نمی توان چنین مساله ای را تایید کرد. شاید بیشتر از ایرانی ها بدون مجوز کار کنند اما جرایمی مثل دزدی و قتل در نسبت با جمعیت آنها، بیشتر از ایرانی ها نیست.»

مهاجران افغانستانی در حوزه فعالیت اقتصادی هم در ایران با موانع بسیاری مواجه هستند. آنهایی که مجوز کار و مدارک اقامت ندارند، به کارهای سیاه روی می آورند و آنهایی هم که اقامت دارند، با دستمزدهای پایین در مشاغل سخت به کار گرفته می شوند. البته بسیاری از آنها که مجوز کار دارند، اگرچه قانون کار از آنها حمایت می کند و شرایط شان باید با ایرانی ها برابر باشد، اما مهاجر بودن شان باعث اجحاف های مضاعفی می شود که کارفرما برایشان تعیین می کند.

در همین آشفتگی ها، بسیاری از مهاجران افغانستانی که غیرقانونی در ایران زندگی می کنند، به کشورشان بازگردانده می شوند. در برخی موارد کودکان که در خیابان ها بازداشت می شوند، خانواده های در افغانستان ندارند اما جمهوری اسلامی آنها را به کشورشان برمی گرداند. به تازگی مقامات ایران گفته اند که ۷۰۰ هزار نفر را در ماه های گذشته دیپورت کرده اند اما آنها دوباره به ایران برگشته اند: «دولت این حق را دارد که مهاجران غیرقانونی را دیپورت یا مجازات کند. از لحاظ قانونی هم ایرادی به آن وارد نیست. اما اگر مهاجر بتواند خودش را به سازمان ملل برای پناهندگی معرفی کند، ایران نمی تواند او را دیپورت کند. ولی اکثر این مهاجران به سازمان ملل مراجعه نمی کنند و بدون هیچ مدرکی در ایران اقامت دارند.»

ادامه مطلب فرمان جدید... از صفحه ۳۹

و اتباع خود را پس از صدور دستور زبانی برای اخراج آنها از ایالات متحده آمریکا نمی پذیرد.»

نگرانی های امنیتی و تروریستی که در پس این ممنوعیت عنوان می شوند با واقعیت ها همخوانی ندارد از جمله

این فرمان همچنین اعلام می کند: «دولت ایران به طور منظم با دولت ایالات متحده در شناسایی تهدیدات امنیتی همکاری نمی کند، حداقل یک معیار ریسک اصلی را رعایت نمی کند، منبع تهدیدهای جدی تروریستی است،

ادامه مطلب به نام هستی... از صفحه ۲۳

بیماری در زمینه این امواج بوجود می آید را مورد مطالعه قرار داد، شاید در زمینه پزشکی ارزشمند باشد. کتاب او بنام «جو انسان» در سال ۱۹۱۱ منتشر شد و توجه زیادی را از طرف همکارانش جلب کرد. (۱) در سلسله مقالاتی که سال گذشته در مجله وزین پژواک به همین قلم منتشر شد مفصلاً در خصوص امواج «AURA» بحث شد.

جالب است به این نکته اشاره شود که لغت «AURA» که به زمان های قرون وسطی بر می گردد و هنرمندان کلیسای مسیح مقدسین را با زمینه ای از نور در اطراف سر یا تمام بدن نشان می دادند، و در زبان هنری نقاشان قرون وسطی امر واضحی بود که بنام «aureola» خوانده می شد. در هر حال ممکن است برخی از هنرمندان که حساس بودند این میدان انرژی را در اطراف بدن افراد مشاهده کرده و از واژه «aura» برای توضیح این میدان انرژی استفاده کرده اند.

در سال ۱۹۲۸ جرج استاروایت یک پزشک آمریکایی کتابی تحت عنوان «داستان اورای انسانی» منتشر کرد. او توضیح داد که چگونه اولین بار متوجه شد میدانی از انرژی یا نور در اطراف موجودات زنده وجود دارد. او در یک بعدازظهر در کنار آتش نشسته بود که متوجه چنین میدانی شد در اطراف بدن یک گربه، وقتی گربه از جا پرید و شروع به دویدن کرد. او همچنین انواع مشابهی از این میدان انرژی را در اطراف بدن انسان مشاهده کرد و تغییراتی در این میدان انرژی مربوط به سلامت یا بیماری شخص تشخیص داد.

کشف دیگری در زمینه حس ششم به گروه محققین در قرن نوزدهم تعلق دارد. ژولز رومینز Jules Romains دراماتیکست و رمان نویس معروف در هنگام تولدش در فرانسه دول ۱۸۸۵ بنام لوئیز فاریکول نامگذاری شد. بعدها نامی را انتخاب کرد که توسط آن در زمینه ادبیات شناخته شد و در اوایل بیست سالگی پروفیسور فلسفه در دانشگاه «Nice» شد و بعدها عنوان مشابهی در پاریس کسب کرد. او علاوه بر ادبیات و آموزش حرفه آزمایشات گسترده ای را روی آنچه که او آنرا «دید بدون چشم» نامید انجام داد و کتاب با همین نام منتشر کرد. او این توانایی را «دید ماوراء شبکیه» یا حس «Paraoptical» نامید و تحقیق گسترده ای روی این توانایی «دیدن بدون چشم فیزیکی» انجام داد و در کتابش در این موارد به تفصیل سخن گفته است. **زینب راور**

در سالهای اولیه بابت بطور دقیق آزمایشاتی را با افراد حساس ادامه داد و یافته هایش را با روش های دقیق علمی امتحان می کرد، در پایان عمرش توانایی های «clairvoyance» را گسترش داد و بقیه عمرش از طریق مشاهدات خویش قادر بود یافته های عوامل خود را در کارهای اولیه چک کند. کتاب او در مورد «اساس نور و رنگ» مقدمات پیشرفت نور درمانی را در اروپا بنا گذاشت. تجربیات او همچنین در زمینه سایکومتري مورد بحث قرار گرفت.

در اواخر قرن نوزدهم ویلیام جی کیلنر پزشک بیمارستان سنت توماس در لندن به کارهای ریشنباخ علاقمند شد، بخصوص به تجلی انرژی که در اطراف دست انسان و آهن ربا وجود داشت. پرتوهای «X» تازه کشف شده بود و بیمارستان سنت توماس اولین جایی بود که نمایش تمرینی پرتوهای «Roentgen» داشتند. دکتر کیلنر جوان، تحت تاثیر قدرت اشعه «X» روی مواد فلورسان نظیر سولفید کلسیم علاقمند شده بود. او به این نتیجه رسید که ممکن است نوری که در اطراف دست و تمام بدن انسان وجود دارد قابل مشاهده شوند، اگر می توانستند از میان بعضی موارد مناسب عبور کنند و نتایج مشابهی را ارائه دهند که «Xray» به فلورسنت تبدیل می شد. او آزمایشات را با ماده دی سیانین «Dicyanine» آغاز کرد. این رنگ تاثیر مشخصی روی چشم ها داشت و بیننده را در درک اشعه های باند ماورای بنفش توانا تر می ساخت.

کیلنر محلولی از رنگ را بین دو بشقاب شیشه ای قرار داد بعنوان دستگاه مورد استفاده برای دیدن امواج ماوراء بنفش. او از ورای این دستگاه می توانست به وضوح یک فضای انسانی در اطراف بدن شخص مشاهده کند که تا فاصله ای دورتر از بدن وسعت داشت و از یک ترکیب داخلی و خارجی تشکیل می شد فضای داخلی که کیلنر مشاهده می کرد از طرح بدن تبعیت می کرد و زمینه خارجی با فاصله بیشتر از بدن شکل و فرم تخم مرغی داشت. بعضی افراد که با دستگاه کیلنر کار می کردند قادر بودند این زمینه ها را در اطراف بدن انسان مشاهده کنند و برخی قادر نبودند. ممکن است این وسیله به توانایی افراد مستعد برای دیدن امواج کمک کرده باشد. امروز مشخص شده که این رنگ (دی سیانین) چشم را برای دیدن امواج ماورای عادی حساس می کند. در ادامه آزمایشات کیلنر متوجه شد که با این وسیله می توان تغییرات خاصی که در اثر

ادامه مطلب قالی بافی در... از صفحه ۱۴۱

چهارمتری می یافند. گره فرش های آنان از نوع باز و به عبارت دیگر از نوع گره فارسی است. بافته های خوش سلیقه ایل گاهی در لواره دست بافت های خود منگوله های زیبا و رنگانگی می دوزند. کیفیتی است که در برخی از فرش های قدیمی لرستان و ساروق دیده می شود. قشقایی ها علاوه بر بافت قالی و قالیچه برای رفع احتیاجات خود و یا برحسب تقاضای بازار، به کار بافت رو اسبی و خورجین و جای رختخواب و همچنین گلیم های ساده و یا سوزنی شده نیز می پردازند. اگر این دست بافت های زیبا و شاد در بین عشایر چادر نشین محلی بر روی اسب و قاطر دارند، در عوض در آپارتمان های مجلل اروپایی مکانی بر روی کاناپه یا میل برای خود یافته و یا جایگزین تابلوهای نقاشی در روی دیوارهای داخلی ساختمان می شوند.

بافته های ایل قشقایی از روی طرحی که به نام هزار گل شهرت پیدا کرده است، گاهی نیز با نام نقش ناظم شناخته می شود، قالیچه های جانمایی ظریفی می بافند که در بازارهای داخل و خارج مورد استقبال بسیار است. بی مناسبت نیست که این طرح را به دلیل نقش ها و آذینه هایی که بر روی آن منقش است طرح «سرو و سوسن» نیز بنامیم. طرحی است که در آن متن فرش به صورت محرابی طراحی شده است و ستون های این محراب را دو نیمه طولی درخت سرو که به حاشیه متن چسبیده اند تشکیل می دهند. سرستون ها و به عبارتی نوک درختان سرو به وسیله قوس کنگره داری به یکدیگر متصل شده و قوس دیگری با اتصال زیر ستون ها به یکدیگر کف محراب را می سازد. از گلدان بزرگی که بر کف محراب نهاده شده است شاخه های مملو از برگ ها و گل های نرگس و سوسن که در دشت های فارس به وفور می رویند و توأماً با درخت سرو که به نمادهای طبیعی شهر شیراز معروفند همراه با سایر ترکه های گلدار بیرون آمده و تمام زمینه فرش را می پوشانند.

ادامه مطلب شاهزاده و دختر... از صفحه ۱۷

همه اعتراض کردند که شاهزاده کسی را انتخاب کرده که در گلدانش هیچ گلی سبز نشده است. شاهزاده توضیح داد: «این دختر تنها کسی است که گلی را به ثمر رسانده که او را سزاوار همسری امپراطور می کند، گل صداقت، همه دانه هایی که به شما دادم عقیم بودند، امکان نداشت گلی از آنها سبز شود!»

با فندگی قشقایی ها مانند سایر عشایر بر روی زمین و بر روی دارهای افقی و بدون نقشه صورت می گیرد. بطور معمول هنگام بافندگی از قالیچه دیگری که به آن «دستور» می گویند الهام گرفته و کار بافت را انجام می دهند. همسر یکی از مستشرقین فرانسوی به نام «مادام دیولافوا» در کتابی به عنوان (مسافرت دیولافوا به ایران و کلد، در شرح خاطرات سفری که در سال ۱۸۸۴ میلادی به اتفاق شوهرش به ایران داشته درباره قالی بافی عشایر فارس چنین می نویسد: «...چادر قبایل فارس انسان را از آفتاب حفظ می کند ولی از سرما نگه داری نمی کند... در انتهای چادر دستگاه قالی بافی وجود دارد که بر روی زمین گسترده شده است. وقتی که این ایل کوچ می کند این دستگاه را لوله کرده و بر قاطر و یا الاغ بار می کنند و هر جا که دوباره منزل کردند دستگاه را گسترانیده و مشغول کار می شوند. بنابراین اگر به واسطه انتقال دستگاه حاشیه فرش کج شود و رنگ ها اختلافی پیدا کردند باید زنان ایل را معذور داشت. این زنان بدون نقشه کار می کنند و راهنمای آنها فقط آموزش های خانوادگی است که از مادر به آنها می رسد، همچنان که دستور رنگ آمیزی را هم یاد می دهند. رنگ های نباتی را که آنها به کار می برند ثابت و با دوام هستند و در آفتاب و باران تغییر نمی کنند و برای دو و یا سه نسل قابل استفاده هستند...»

ایل قشقایی به شش طایفه به شرح زیر تقسیم می شود: عمله، شش بلوکی، دره شوری، فارسی مدان، کشکولی بزرگ و کشکولی کوچک که در میان طوایف فوق قالی بافی در میان تیره کشکولی بزرگ از اهمیت بیشتری برخوردار است. بیشتر قشقایی ها تار و پود فرش های خود را از پشم انتخاب می کنند. گاهی پشم بز و شتر را نیز به کار می برند. تارهای فرش های آنها ضخیم و به رنگ قهوه ای مایل به سیاه است. پرز دست بافت های آنها بلند و رنگ های مسلط در فرش های این ایل قرمز، قهوه ای، آبی و زرد طلایی است. قشقایی ها به طور معمول در اندازه های ذرخ و نیم و پرده ای و شش متری و مربع

روز ملاقات فرا رسید، دختر با گلدان خالی اش منتظر ماند و دیگر دختران هر کدام گل بسیار زیبایی به رنگ ها و شکل های مختلف در گلدان های خود داشتند. لحظه موعود فرا رسید شاهزاده هر کدام از گلدان ها را با دقت بررسی کرد و در پایان اعلام کرد دختر خدمتکار همسر آینده او خواهد بود.

ادامه مطلب مشقی تازه در... از صفحه ۱۹

چند دوبه بجای جرتقیل هلالی دوم آن پل را سوار کرد و بنای پل را به پایان رساند. به اعتقاد من، جا داشت کنار این پل، تندیس این دو مهندس، تهیه و به افتخار آنها نصب میشد که چنین نشد. پل ورسک را هم آلمانی ها برای ما ساختند. آن پل هم یکی از افتخارات صنعت پل سازی آلمان است حتی در زمانه حاضر.

چای سفید چیه؟

چای سیاه، چای سبز، چای سفید همه از یک درختچه است. ولی برگ های نارس، نازک و ظریف و نرم آن که هنوز کاملا باز نشده اند و در کرک نقره ای رنگ پوشیده شده بنام چای سفید معروف است. این برگ ها باید مدت ده روز در سال چیده شوند و گرنه برگ ها باز شده و ظرافت خود را از دست می دهند. بنابراین چای سفید گران ترین نوع چای بوده و قیمت آن تقریباً ۵۰ تا ۱۰۰ برابر قیمت چای معمولی است. فرق دیگر چای سفید با انواع دیگر چای در این است که چای سفید تحت تخمیر و اعمال دیگر قرار نمی گیرد. بنابراین طعم اصلی و طبیعی خود را حفظ می کند که طعمی شیرین و ملایم است به دلایل لطافت برگ های سفید برای دم کردن آن از آب جوش استفاده نمی شود. چای سفید در چین، ژاپن و ایالت دارچیننگ هند تولید می شود. در اروپا و آمریکا کاملاً ناشناخته مانده است. نوشیدن چای سفید خواص بیشماری دارد و برای سلامتی انسان ضروری است.

مرگ سقراط

سقراط در سن ۷۰ سالگی به دو گناه متهم شد، جرم وی «فاسد کردن جوانان» و «بی‌اعتقادی به خدایان» بود. هر دو این اتهامات بهانه ای بود تا این شهروند آتنی صریح و بی پروا را در محاکمه که با حضور ۵۰۱ داور برگزار به مرگ محکوم کنند. سه مدعی سقراط اظهار داشتند که وی دائماً از نهادهای رسمی و روسای آنها خرده می گیرد و جوانان آتنی را هم به این کار تشویق می کند. سقراط به دفاع از خود برخاست. اما بجای رد اتهامات از موضوع خود بعنوان یک جوای حقیقت دفاع کرد. با اکثریت ۶۰ رای وی را مجرم شناختند و به مرگ محکوم کردند. یاران سقراط وسایل فراروی را فراهم کردند، اما نپذیرفت. وی لحظات واپسین عمر را به دلداری و تسلی یارانش گذراند و سپس جام شوکران را سر کشید.

در حالیکه ایشان هم مثل من از همان آغاز، اطلاع درست و حسابی از کامپیوتر نداشت و ندارد. بگذریم خدا به همه ما در خیلی از زمینه ها کمک کند تا راحت در خیلی جاها بگیم می دانم یا بگویم اصلاً میدانی چیه، نمی دانم.

حتماً این حکایت را نشنیده اید

برطبق افسانه های یونان نارسیس جوانی بود زیبارو که به عشق هیچکس توجهی نداشت و دختران زیبا را مورد تمسخر قرار میداد، تا اینکه دختران شکایت به خدایان بردند و آنها ترتیبی دادند که خدایان نارسیس را از بین ببرند. یک روز که نارسیس خسته از شکار به چشمه زلالی می رسد و می خواهد از آن آب بخورد، عکس خود را در آب می بیند و شیفته خود می شود و برای اینکه تصویر خود را در آغوش کشد، در چشمه می پرد و در آب چشمه غرق می گردد. خدایان یونان به پاس این ناکامی وی را تبدیل به گل نرسی سوس یا همان گل نرگس می کنند تا همیشه در کنار آب بروید و عکس خود را در آن ببیند. گل نرگس بومی شمال آفریقا و جنوب اروپاست و اکنون در بیشتر مناطق دنیا می روید. در شیراز و در بهبهان و مناطق دیگر ایران نیز این گل فراوان می روید. خصوصاً در بهبهان دشتی هایی از این گل هر ساله می چینند و دسته می کنند و به فروش می رسانند. در ادبیات ما هم این گل جایگاه بلندی دارد.

اولین پل بین شهری اهواز

این پل در سال ۱۳۱۵ در عصر پهلوی اول بر روی رودخانه کارون، میان دو بخش قدیم و جدید شهر اهواز، توسط مهندسان آلمانی ساخته شده است. این پل دارای دو قوس بتنی ۱۲ و ۲۰ متری است. هنگامی که مهندس آلمانی به اتفاق همسرش شروع به ساختن این پل کردند، مرحله سوار کردن یکی از هلالی های پل با موفقیت انجام گردید. ولی انگلیسی های حاکم بر شرکت سهامی نفت ایران و انگلیس آن روزها، به دلیلی که گفته نشده لوازم و ابزار آلات و جرتقیلی که در اختیار این پژوه گذاشته بودند پس گرفتند و به این طریق مشکل عظیمی در راه ساخت پل بوجود آوردند. نوشته اند مهندس آلمانی از شدت ناراحتی درگذشت. به عبارتی دق کرد و عملیات ساخت پل به این ترتیب متوقف شد. ولی همسر فداکار او که خود مهندس بود با استفاده از ابتدایی ترین وسایل ممکن آن زمان و بکار گرفتن

ادامه مطلب ورزش از نگاه من... از صفحه ۱۴

و حالا شاید پشیمان باشد. او چون دوست همبازیش جباری بدون تردید طی این سال پول های زیادی اندوخته است. اما در استقلال بازیکنان حقوق نگرفته مثل بسیاری دیگر از تیم ها ناخرسندی خود را بیان می کنند و هیچکس نمی داند بحران به چه صورتی فروکش خواهد کرد. تنها استقلال نیست که حال و روز خوبی ندارد و در انتهای جدول دست و پا می زند در اصفهان آقای کرانچای تو دماغی حرف می زند و سرش را پایین می گیرد. اصفهان شهر غیرممکن های شدنی است هر اتفاقی ممکن است بیفتد. آقای ویسی به همان سرعتی که آمده بود به اهواز بازگشت، اما آقای کرانچای را چه می شود، سپاهان هم مثل زاینده رود خشکیده است و نسخه های آقای کرانچای دیگر بهبودی بخش نیست. محرم نویدکیای دوست داشتنی در آمدن کرانچای و رفتن ویسی نقشی نداشته است. هر چیزی زمان می خواهد. آیا کرانچای پس فرستاده می شود و حالا نوبت محرم نویدکیا است که شانس خود را آزمایش کند. آیا اصفهانی ها دیگر زرنگ نیستند گرچه در راس فدراسیون فوتبال، سردار تاج و آقای ساکت همه کاره اند. آه آبادان برزلی با یک مربی تازه و پرحرف آقای کمال وند که هر باختی را به گردن هیت مدیره باشگاه می اندازد و به تماشاگران خون گرم آبادانی که مغموم در سکوها نشسته اند تعظیم می کند. او روباهی است در پوست شیر که دکان دونیش باز کرده است. هیچکس نمی داند او از کجا آمد و چگونه مربی شده است. او تخم اعتشاش می کارد. او فقط و فقط هوای لیدرها را دارد و به تماشاگران احترام می گذارد آبادان هرگز چنین سخاوت مندانه برای کسی ریخت و پاش نکرده است. او هر کس را می خواسته با خود آورده است و از بازیکنان بومی که اندک اندک رشد می کردند خبری نیست. او باخت های پی در پی اش را به گردن مسئولان باشگاه می اندازد و دعوا از همین جا شکل می گیرد و طاقت های طاق شده است، بنظر می رسد آقای عیسی زاده رئیس باشگاه در شطرنجی که آغاز کرده است مات شده است. آیا او پشیمان است. آینده این را نشان خواهد داد. به قول بنجامین فرانکلین هر تجربه آموزنده است. زمینه سازی وسیعی صورت خواهد گرفت تا آبادان از شر او و زیرکی های غیر فوتبالیش رها شود. برای آبادانی ها که با هزارها امید آغاز کرده بودند روزگار پر دردسر اما افسرده و خسته ایست.

بهانه ها بسیار ساده است. تخطی از انقلاب می گویند تلگرام آقای مهدی طارمی میلیون ها بیننده دارد، آیا این خطری برای انقلاب نیست؟ آیا تازه دلهره آغاز می شود؟

راستی در خاورمیانه فردا کی از راه میرسد. از خواب شتاب زده بیدار می شوم هنوز هم صدای رادیوها را می شنود. یک نفر از ته سرای فرش فروش ها پرچم سرخ را تکان می دهد و می گوید پرسپولیس برد و بالاتر رفت. روی صفحه تلویزیون یک نفر از آقای برانکو تعریف میکند، او هجومی بازی می کند در دقایق آغازین آنها ده نفره شده اند، کامیابی نیا اخراج شده است، اما سرخ پوشان متحد شده اند. این در حالی است که در استقلال منصوریان کابوس را تجربه می کند. حسن روشن می گوید به منصوریان نباید شانس بیشتری از این داد. او با خریدهایی که کرده است پیر و پاتال را دور ور خودش جمع کرده است. جباری که پول زیادی را در کشورهای عربی بهم زده است حال و هوای بازی کردن ندارد و منصوریان چرا او را آورده است. خدامی داند، می گویند او سعی می کند همه را راضی کند. حالا دیگر کمتر حرف می زند و هرروز دست بسوی آسمان دارد و دعا می کند. آیا او در روی صندلی داغ استقلال سوخت، یا زیاد منم منم کرد. او می گفت به لیگ انگلیس برای مربیگری خواهد رفت و خود را از خوزه مورینیو کمتر نمی دید. پژوهش گران با دست آویزی به علوم انسانی، جامعه شناسی، اقتصاد جغرافیایی محیطی و با معرفت به روابط انسانی پژوهش های خود را انجام می دهند، اما او در رستوران چلوکبابی و ساندویچ فروشی خود بالا و پایین تیم استقلال را اندازه می گرفت و اندک اندک صدای تماشاگران را شنید که منصوریان حیا کن، استقلال را رها کن. خبرنگاران ساعت های زیادی را برای موقعیت مناسب در کمین می نشینند تا مصاحبه کننده را در تله بیندازند و او که در گفتگوهایش سنگ پای حمام های قدیمی مادر بزرگ ها را بیاد می آورد حالا عقب گرد کرده است و کمتر حرف می زند. آری استرس بخش بزرگی از زندگی ما است؟ او مشغولیت های زیادی را تجربه کرده است، و همواره به خوبی مشغول سوزاندن زندگی خود بوده است. آیا او از محبوب بودنش در قالب هایی که گنجایش ابعاد مختلف شخصیت وی را نداشته است آسیب دیده است؟ آیا او داوطلبانه از استقلال خواهد رفت

ادامه مطلب تولدی دیگر... از صفحه ۳۳

مرده بدم، زنده شدم، گریه بدم، خنده شدم
دولت عشق آمد و من دولت پاینده شدم
دیده سیر است مرا، جان دلیر است مرا
زهره شیر است مرا، زهره تابنده شدم
گفت که دیوانه نه‌ای، لایق این خانه نه‌ای
رفتم و دیوانه شدم، سلسله بندنده شدم
گفت که سرمت نه‌ای، رو که از این دست نه‌ای
رفتم و سرمت شدم، وز طرف آکنده شدم
گفت که تو کشته نه‌ای، در طرف آغشته نه‌ای
پیش رخ زنده کنش، کشته و افکنده شدم
گفت که تو زیر ککی، مست خیالی و شکی
گول شدم، هول شدم، وز همه برکنده شدم
گفت که تو شمع شدی، قبله این جمع شدی
جمع نیم، شمع نیم، دود پراکنده شدم
گفت که شیخی و سری، بی‌شرو و راهبری
شیخ نیم، پیش نیم، امر تو را بنده شدم
گفت که با بال و پری، من پر و بالندم
در هوس بال و پرش، بی پر و برکنده شدم
گفت مرا دولت نو، راه مرو، رنجه مشو
زانک من از لطف و کرم، سوی تو آینده شدم
گفت مرا عشق کهن، از بر ما نقل مکن
گفتمش، آری نکنم، ساکن و باشنده شدم
چشمه خورشید تویی، سایه گه بید منم
چونک زدی بر سر من، پست و گدازنده شدم
تابش جان یافت دلم، وا شد و بشکافت دلم
اطلس نو بافت دلم، دشمن این زنده شدم

ادامه مطلب هیچوقت دیر نیست... از صفحه ۲۹

عفو و بخشش، انرژی منفی را که
سطوح هوشیار و نیمه هوشیار ذهن ما
را انباشته از میان برمی دارد. یادمان
باشد که ذهن ما در جسم ما خانه دارد.
بنابراین عواطف و اندیشه مان در
یکایک یافته ها و جریان خود و اندام
هایمان تاثیر مثبت دارد.
دردهای مفصل، استخوان ها، سردرد،
تمام دردها می تواند منشأ فکری و
از اعصاب ریشه بگیرند. برای همین
دردهای عصبی بسیار رایج هستند.
(Psychosomatic pain). کینه و
خودآزاری باعث بهم زدن تعادل
هورمون ها، عدم نیروی مثبت و کار
درست عضوهای بدن می شوند. تا وقتی
عفو و بخشش نداشته باشیم و مسائل را
آسان تر بگیریم. هرگز نمی توانیم کاملا
سالم باشیم. آزار درونی باعث ترشح سم
ها و انرژی منفی در بدنمان می شوند و
افکار و تصمیم گیری ها و محور زندگی
ما را تاثیر می گذارند.
هر تغییری در زندگی، از تغییر جدی و
مداوم خود آغاز می شود. چه بهتر که

گناه افشا شدن یک راز به گردن کسی است که اولین بار آن را به دیگری سپرده است.

ادامه مطلب ترنج و نارنج... از صفحه ۳۲

ز نارنج اگر طفل سازد ترازو / نه نارنج و زر هر دو یکسان نماید
گرچه ز نارنج پوست طفل ترازو کند / لیک نسنجد بدان زیرک زر عیار
مانم به کودکی که ز نارنج کفه ساخت / پنداشت کو ترازوی زر عیار کرد
خاقانی در ابیات دیگری آسمان و گنبد نارنجگون را، به تناسب خورشید، به نیمه
واژگون نارنج یا ترنج تشبیه کرده و گردش ایام و بازی روزگار را همچون بازی کودکان
با ترازو گرفته است:

فلک طفل خوبی است کاندرا ترازو / ز خورشید نارنج گیلان نماید
رنگ و بازیچهست کار گنبد نارنج رنگ / چند جوشم کز بروم نگذرد صفرای من
هنوزم عقل چون طفلان سر بازیچه می دارد / که این نارنجگون حقه به بازی کرد حیرانش
علاوه بر اشعار خاقانی، دو شاهد دیگر برای تشبیه ترنج و نارنج به ترازو دیده شده،
یکی از صائب:

چون به مهر و مه بسنجم حسن او را در خیال / از ترنج غنبد یوسف ترازو می کنم
و شاهد دیگر، بند دیگری از همان مسمط منوچهری است:

نارنج چو دو کفه سیمین ترازو / هر دو ز زر سرخ طلی کرده برونسو
آکنده به کافور و گلاب خوش و لؤلؤ / وانگاه یکی زرگر زیرک دل جادو
با راز به هم باز نهاده لب هر دو / رویش به سر سوزن بر آژده هموار
زر سرخ = زر که برای سختی به آن مس افزوده شده باشد. طلی کردن = مالیدن (ماده
بر سطحی)، اندودن. آژده = دوخته، بافته. بر آژده هموار = چنان یکتواخت دوخته که
خط یا درز آن پیدا نیست.
هلالی جغتایی جام زرد میانی نرگس را به نیمه نارنج و مسعود سعد برگ و شاخ نارنج
را به پر طوطی و پای گنجشک تشبیه کرده است:

بهر دفع خار، نرگس مست / نصف نارنج داشت در کف دست
برگ نارنج و شاخ پنداری / پر طوطی و ساق غصفور است

۱- در زبان انگلیسی، Orange خود بر دو نوع Sour Orange به معنای نارنج و Sweet
Orange به معنای پرتقال تقسیم می شود که در مورد پرتقال از فرط تداول به همان یک کلمه
Orange اکتفا می شود. در خصوص نام پرتقال در ایران، پرتقالی ها در قرن ۱۶ میلادی
این میوه را از جنوب چین به کشور خود بردند و آن را «نارنج چین» نام نهادند. بعدها
این میوه از آنجا به کشورهای دیگر چون اسپانیا و ایتالیا و آمریکا برده شد و آن را ره آورد
پرتقالی ها از چین دانستند. از این رو نام این میوه در برخی زبان های اروپایی به معنای
«سیب چینی» و در بعضی کشورها، از جمله ایران، منسوب به کشور پرتقال است. (ابراهیم
پورداود، هرمزنامه، انتشارات اساطیر، تهران، ۱۳۸۰، صفحه ۶۶ تا ۹۲)
۲- واژه فارسی اترج فقط در این بیت از شعر قدیم دیده شده، ولی در چند بیت شعر عرب
آمده است.

ادامه مطلب قلب کرگدن... از صفحه ۹

کرگدن با خودش فکر کرد این صحنه
قشنگ ترین صحنه دنیاست و این دم
جنبانک قشنگ ترین دم جنبانک دنیا و
او خوشبخت ترین کرگدن روی زمین.
وقتی که کرگدن به اینجا رسید، احساس
کرد که یک چیز نازک از چشمش افتاد.
کرگدن ترسید و گفت: «دم جنبانک،
دم جنبانک عزیزم، من قلبم را دیدم،
همان قلب نازکم را که می گفتم. اما
قلبم از چشم افتاد، حالا چکار کنم؟»
دم جنبانک برگشت و اشک های کرگدن
را دید. آمد و روی سر او نشست و گفت
: «غصه نخور دوست عزیز، تو یک عالم از
این قلب های نازک داری.»
کرگدن گفت: «اینکه کرگدنی دوست
دارد دم جنبانکی را تماشا کند و وقتی
تماشایش می کند، قلبش از چشمش می

افتد یعنی چی؟!»

دم جنبانک چرخ زد و گفت: «یعنی
این که کرگدن ها هم عاشق می شوند.»
کرگدن گفت: «عاشق یعنی چی؟»

دم جنبانک گفت: «یعنی کسی که
قلبش از چشم هایش می چکد.»

کرگدن باز هم منظور دم جنبانک را
نفهمید، اما دوست داشت دم جنبانک
باز حرف بزند، باز پرواز کند و او باز هم
تماشایش کند و باز قلبش از چشم هایش
بیفتد. کرگدن فکر کرد اگر قلبش
همین طور از چشم هایش بریزد، یک
روز حتما قلبش تمام می شود.

آن وقت لیخندی زد و با خودش گفت:
«من که اصلا قلب نداشتم! حالا که
دم جنبانک به من قلب داد، چه عیبی
دارد، بگذار تمام قلبم برای او بریزد!»

ادامه مطلب چرا نباید افسانه... از صفحه ۳۱

به اصطلاح «Good Debt»

♦ وام دانشجویی

♦ وام مسکن

♦ وام Business

«Bad Debt»

♦ کردیت کارت ها

♦ وام خودرو

♦ کردیت کارت های فروشگاه ها

♦ سایر بدهی های مشتری

چیزی به عنوان Good Debt وجود ندارد

باید بپذیریم که اکثر مردم در موارد غیر ضروری درگیر بدهی می شوند. به عبارت دیگر، اکثر مردم اگر می توانستند مبلغ مورد نیاز برای دانشگاه را کنار بگذارند، نیاز به وام دانشجویی ندارند. اکثر مردم اگر می توانستند پول خرید ماشین را یکجا پرداخت کنند، وام خودرو نمی گرفتند و بسیاری از افراد اگر Reward Point وجود نداشت و پول کافی داشتند، از کردیت کارتها استفاده نمی کردند.

استدلال اصلی که طرفداران وام از آن استفاده می کنند این است که باید از وام به عنوان یک ابزار استفاده شود. در اصل، این استدلال به این معناست که اگر شما می توانید با نرخ بهره پایین وام بگیرید، استفاده از پول نقد در خرید برایتان به صرفه نیست و با حساب ریاضی انتخاب عاقلانه تر این است که سرمایه گذاری برای کسب سود بالاتر انجام دهید.

اگر ریسک کردن یک فاکتور نباشد، این امر می تواند درست باشد، اما این در خصوص زمانی است که پتانسیل برای بازدهی بالا وجود داشته باشد. به عبارت دیگر، شما باید یک سرمایه گذار بسیار زرنگ و دانا باشید که به طور منطقی یقین داشته باشید می توانید نرخ بهره ای بهتری از وام بدست آورید و اغلب افراد سرمایه گذار زرنگ و دانا نیستند.

از آنجایی که بیشتر افراد پول نقد کافی برای یک سرمایه گذاری قابل ملاحظه ندارند، هیچ کدام از این مسائل به طور متوسط برای یک فرد پیش نمی آید.

بنابراین، استدلال «Good Debt» واقعا فقط برای افراد ثروتمند اعمال می شود، افرادی که می توانند با گرفتن وام و استفاده از پول دیگران بدون هیچ پیامد مهمی فعالیت کنند. آنها افرادی هستند که این بحث «Good Debt» را آغاز کرده اند اما این شرایط برای افراد متوسط مطرح می شود.

من مخالف استفاده از وام در برخی موارد نیستم، اما بیایید از استفاده کردن

اصطلاح «Good Debt» برای برخی از وام ها خودداری کنیم. وام گاهی اوقات یک ضرورت است و شما با آن سروکار دارید.

در واقع، من معتقدم که شما باید از خرید هر چیزی تا هر زمان که پول آن را فراهم نکرده اید، خودداری کنید. اما واقعیت این است که اکثر مردم نمی توانند ۲۰۰,۰۰۰ دلار یا بیشتر را جهت پرداخت به صورت یکجا برای خرید یک خانه پس انداز کنند. انجام این کار از عهده یک فرد متوسط بر نمی آید، پس انجام آن مستلزم گرفتن یک وام است.

بهترین سناریو در وام مسکن

در بهترین سناریو برای یک فرد متوسط، یک استثنا وجود دارد که در آن می توان گفت که گرفتن یک وام ممکن است باعث سقوط او شود. این وام، وام مسکن است. بیایید برخی از اعداد را تجزیه و تحلیل کنیم تا ببینید که این روند چگونه اتفاق می افتد.

قیمت خانه معمولی در ایالات متحده بنا به گفته Huffington Post، ۱۸۸,۹۰۰ دلار است. حداقل میانگین پرداخت بر روی یک خانه بنا به گفته Yahoo، ۱۶ درصد است.

نرخ متوسط برای یک وام مسکن ۳۰ ساله در سال ۲۰۱۶ بنا به گفته Bankrate، حدود ۳,۸۵ درصد است.

یک خانه در واقع چقدر برای شما می ارزد
با استفاده از اعداد مشخص شده در بالا، بیایید با فرض اینکه تمام اقساط وام در همه ۳۰ سال به موقع پرداخت شود، محاسبه کنیم در نهایت این خانه چقدر می ارزد.

پرداخت ما در یک خانه ۱۸۸,۹۰۰ دلاری حداقل ۱۶ درصد است، بنابراین مجموع Finance، ۱۵۸,۶۷۵ دلار می باشد. در یک نرخ وام مسکن ۳,۸۵ درصدی، مجموع بهره پرداخت شده در ۳۰ سال ۱۰,۹۱۲۲,۳۳ دلار می باشد. این مبلغی است که خریدار آن خانه را Finance می کند. بنا براین، کل هزینه خانه ۲۹۸,۰۲۲,۳۳ دلار می باشد.

این خانه بعد از ۳۰ سال چقدر می ارزد
تشخیص اینکه ارزش دارایی بعد از این همه سال چقدر خواهد بود، کار مشکلی است. چرا که بعد از گذشت این همه سال و تأثیر زیادی که مکان آن دارد، تغییرات زیادی خواهد کرد. با این حال، با استفاده از میانگین ملی بیایید تصور کنیم پس از ۳۰ سال، یک خانه به طور متوسط ۴ درصد در سال رشد می کند.

پس از ۳۰ سال ارزش این خانه را به

ادامه مطلب عشق، هوس... از صفحه ۳۷

سر نازارینا را از روی دستش بلند کرد و برخاست و نشست. نازارینا چشمانش را باز کرد و گفت: «چی شد؟» فریدون گفت: «دستم خواب رفته بود و به این علت آن را از زیر سرت بیرون کشیدم.» ربکا از سبد چند سیب در آورد و گفت: «میوه تان حاضر است. مشغول شوید.» وقتی سیب را به دست نازارینا داد گفت: «اگر آن دبه را ببری و از رودخانه آب بیاوری، من این چند بشقاب را تمیز میکنم و اجاق را برپا میکنم تا یک قهوه هم بخوریم.» فریدون برای آنکه با ربکا تنها نماند، دبه را برداشت و گفت: «من آب میآورم.» و به سرعت به سمت رودخانه رفت. ربکا به نازارینا گفت: «اصلا کاش بشقاب ها را خودم می بردم کنار رودخانه و میشستم.» برخاست و چند بشقاب برداشت و دوان دوان به دنبال فریدون رفت. به فریدون رسید و از پشت دستش را گرفت و گفت: «فریدون خواهی بود.»

ادامه مطلب

ادامه مطلب خاطرات در گذر زمان... از صفحه ۱۵

فرمودند: «مثلا چگونه تلافی کردید، آقای فتوحی!؟»
و مستخدم شوخ طبع هم با صدای بالاتری که همه متوجه بشوند، گفت: «قربان از فردای آن روز هروقت دستور جای یا قهوه برای خودتان می دادید، یک آب ده مان غلیظ از محصولات شخصی خودم در فنجانتان انداخته که نوش جان می کردید!!! کدورت بعد از چندی رفع ولی به خاطر عادت روزانه تلافی! حلالیت می طلبم...!»

ما فقط به وسیله عشق می توانیم عقیده مخالفان خود را تغییر دهیم، نه با تنفر. تنفر وحشیانه ترین شکل خشونت است و خشونت به شخصی که تنفر دارد آسیب می رساند نه به فرد مورد تنفر. «مهاتما گاندی»

رشد قیمت مسکن می تواند هزینه های سود بانکی را پوشش دهد. اما، همیشه برای داشتن یک وام مسکن فوق العاده نیاز به یک کردیت اسکور فوق العاده دارید، پس همیشه باید طوری رفتار کرد که کردیت اسکور در ایده آل ترین حالت ممکن قرار داشته باشد. شرکت های وام دهنده مسکن همیشه شرایط وام با سودهای اندک را برای افراد خوش اعتبار ارایه می دهند.

اگر به خاطر وجود نقطه های منفی موجود بر کردیت خود کردیت اسکور خوبی ندارید و به همین دلیل سود بانکی بالاتری پرداخت می کنید در این صورت باید حتما از یک شرکت Credit Repair برای حل مشکلات کردیتی خود کمک بگیرید.

آقای رئیس سوال کردند: «چرا!!؟»
فتوحی گفت: «در زمان به دنیا آمدن بچه ام، آنچه شما با من کردید من هم در وسع و شعور خودم تلافی کوچکی کردم. کدورتی که بعد از چندی برطرف شد ولی بابت عادت به تلافی! از شما جدا معذرت می خواهم...»
آقای رئیس معزول در حالیکه با سرانگشت، پرزهای خیالی لبه کلاه را تلنگری می کردند، زیر چشمی نگاهی شیطنت آمیز به سایر کارمندان انداخته

عجب سرمایه گذاری بزرگی، درست است؟ این همان عددی است که تعداد بسیاری را فریب می دهد. برای نمونه، در نظر بگیرید یک خانه ۳۰ ساله برای نگهداری نیاز به تعمیرات زیادی دارد. اگر میزان سود بانکی بالا باشد چقدر به مبلغ هزینه ها اضافه می شود. و بسیاری از هزینه های جانبی برای یک مسکن!

نتیجه گیری

همان طور که قبلا هم گفته ام، باور دارم که بدهی ها باید در حداقل خودشان وجود داشته باشند، در بعضی از موارد می توان داشته بدهی پذیرفت، به طول مثال داشتن یک بدهی مربوط به وام خانه آنقدر ها هم بد نیست اگر میزان سود پرداختی کم و قابل قبول باشد چرا که با

ادامه مطلب نامه های شگفت انگیز... از صفحه ۴

تابستان در معرض اشعه خورشید باقی می ماند و نور خورشید آنها را به خاک بسیار سبک تبدیل می کند. شخم دوم در پائیز انجام می شود و در این موقع نیز پنج جفت گاو را به کار می گیرند، با این فرق که هر جفت گاو یک خیش را می کشند و این پنج خیش پنج شیار ایجاد می کنند و این شیارها، شیارهایی را که در بهار ایجاد شده به صورت قائم قطع می کنند. در پی خیش مردی حرکت می کند که بذری را که با خاک مخلوط شده است در شیارها می پاشد و اختلاط خاک با بذر برای این است که بذر زیاد در یک جا نیفتد. در موقع برداشت محصول دروگران بدن خود را با پوست گوسفند می پوشانند تا از شر گزش مگس ها در امان باشند. اینان بدون آنکه خم شوند ساقه را در حدود یک پا از زیر خوشه می برند و آنها را بر روی ارابه ها به خرمنگاه می برند و در زیر پای اسبان می کوبند. یک پنجم گندم سهم مالک مزرعه است و بقیه مال زارع است. گندمی که به دست می آید بسیار خوب است و با اینکه در اینجا عادت ندارند از الک استفاده کنند و سیوس و آرد را از یکدیگر جدا کنند، نانی عالی بدست می آید.

ادامه مطلب از در گوشی ها... از صفحه ۲۲

حاصل کرده ام که مرد ایرانی اخلاق ندارد و داوری خلاف از تراوشات هم جنسان و هم مسلکان ممنوع است و بس... وقتی در ملاء عام حرمتی برای همسر و مادر فرزندان قائل نباشند یقیناً در «چار دیواری اختیاری» دمار از گرده طرف می کشند. البته هستند بانوان قدرتمندی که شوهر بدهن زورگو را سرچایش می نشانند در عین حال بسیار نادر و یک در هزار.

ادامه مطلب محمد علی طاهری... از صفحه ۱۴۲

سیطره فضای اطلاعاتی و تهدیدهای مکرر، سازماندهی خود را از دست داده باشد و حتی در صورت اعدام محمدعلی طاهری نتواند دست به واکنشی تهدیدگر بزند. با این حال، در جامعه‌ای که گروه‌های مختلف مردم در آن از تشکل یابی هر نوع فعالیت اجتماعی سازنده محرومند همواره این احتمال وجود دارد که فرقه‌ها، دین‌ها، عرفان‌ها و آیین‌های نوین از خاکستر گرم خلاص‌ها و سرکوب‌های اجتماعی سر برآورند و به پیکره ساختاری که می‌خواهد همه «شفاه» و «نجات»ها از آن صادر شوند، آتش بیندازند.

هوای آفتابی و باران و برف، بنا بر نیاز و به میل و دلخواه مردم، فصول منظمی دارند. بطوری که اگر همه سال ها بطور مساوی پربرکت نیستند، ولی سالی نیست که مطلقاً بی بار و بر باشد و محصول آن برای تغذیه ساکنان کافی نباشد، بطوری که مردم اغلب اوقات یک قسمت از محصولات خود را برداشت نمی کنند و آن را رها می کنند. زمین در آنجا چنان خوب است که احتیاجی به کود ندارد فقط آن را یک یا دو سال به آیش می گذارند تا استراحت کند و در بهار شخم اول را در آن می زنند. برزگر همیشه پنج جفت گاو به خیش می بندد. یوغ آنها دوبرابر یوغی است که در فرانسه به کار می برند، ولی از چوب بسیار سبکی ساخته شده است. کسی که شخم می زند بر روی یوغ دوگاو ردیف اول می نشینند و جهت حرکت را تنظیم می کند. گاو آهن فقط یک چرخ کوچک یک طرفه دارد و نوک خیش بیش از آنچه که لازم است در خاک فرو نمی رود و کلوخه های پر از ریشه های علف های مختلف را که در موقع آیش زمین روئیده اند برمی کند و واژگون می کند. این کلوخه ها به این ترتیب در تمام طول

زن مردش را از مطب دکتری، آزمایشگاهی، جایی همراهی نموده که طرف بد ادای از خودراضی دق دلش را سر زن خالی می کند. خصوصاً که شوهران حسابگر هم هستند و از خرج و مخارج اضافی برحذر. جوان ترها برای جلب توجه در محضر زن یا زنان مورد نظر حاتم طائی می نمایند و پیرها برای زن و فرزند و شکست و مقروض. با تجربه و تفحص و پیگیری در احوال ساکنان مهاجر یقین

شخصی که ادعا می‌شود محمودرضا قاسمی است در صحبت‌های خود تاکید می‌کند قاضی {یحیی} پیرعباسی {قاضی اسبق این پرونده}، به دلیل تطبیع یا اعتقاد، حکم اعدام را برای محمدعلی طاهری، در زمانی که اجرای آن به مراتب بی‌خطرتر از حالا بوده، صادر نکرده یا «رضاً» پورحسین، معاونت سیما به او ارادت داشته و شبکه‌ای از مریدان و علاقه‌مندان او حتی در صدا و سیما ایران هم وجود داشته است. اکنون واکنش این شبکه حامیان قابل پیش‌بینی نیست و حتی ممکن است به دلیل

ادامه مطلب ارزش زن در... از صفحه ۱۰

ستایش می نگریستند و چندین الهه یا ایزد بانو داشته اند. این اعراب ایزد زانی به نامی های قریش ، لات و منات داشته و آنان را «غرانیق عالم علیا» می نامیدند. این دختران اسطوره ای «دختران خدا» به شمار می رفتند و اعراب به یاری و بخشندگی آنان امید بسته بودند. قبیله قریش و برخی از طایفه های دیگر «منات» را بزرگ می دانستند، از او بت ساخته بودند و برایش قربانی می کردند. از نظر پوشش زنان یا «حجاب اسلامی» زنان در دوران زندگانی پیام آور اسلام آزادی های بیشتری بودند. خانم «آرمسترانگ» در کتاب پژوهشی خود می نویسد که فقط از نسل های سوم و چهارم پس از بنیاد گذار اسلام، پوشش زنان یا حجاب رواج پیدا کرد و درباره لزوم آن سخت گیری شد. همین پژوهشگر زن می افزاید «مسیحیان بیزانترین» که رایج شدن حجاب را سبب شدند بر روی مسلمانانی که با آنان رفت و آمد داشتند اثر گذاشتند و مسلمانان به تقلید از آنان پوشش یا حجاب زنان را لازم دانستند. ریشه پیدایش حجاب اسلامی را باید در سنت ها و آداب مسیحیان سخت گیر و خشکه مقدس جستجو کرد.

ادامه مطلب گیله مرد... از صفحه ۲۴

ها به درس خواندن در دانشگاه رفیقان تازه ای یافتیم. مردان و زنان دیگری را شناختم. به درد دل های شان گوش دادم و به درد دل هایم گوش دادم. همسایه ای که که گاه از فروشگاه نانی و بیسکویتی و ماته ای و قهوه ای می خرید روزی به من گفت: «اسن، در دوره سیاه حکمروایی چکمه پوشان من می توانستم تنها با یک تماس تلفنی ترا به گورستان بفرستم!» با حیرت گفتم: «شوخی میکنی؟!» گفت: «نه! کدام شوخی؟ من می توانستم به اداره امنیت ملی آرژانتین زنگ بزنم و بگویم کمونیست هستی، دیگر کارت ساخته بود. دستگیر میشدی شکنجه میشدی و جنازه ات را هم به دریا می انداختند.» من آن روزها با حیرت و ناباوری به حرف هایش گوش میدادم و نمیدانستم روزی میهن من نیز مادران خاوران خواهد داشت، لعنت آباد و نفرین آبادها خواهد داشت و مادران و پدران خمیده قامتی که در جوانی پیر شده باشند.

رومیان نیز از این سنت پیروی می کرده اند و در چهار قرن اول پیدایش و گسترش مسیحیت کشتن نوزادان ناخواسته و معیوب جریان داشته است. مسیحیت کشتن نوزادان را آدم کشی یا قتل به شمار آورد و این سنت را محکوم کرد، زیرا جنبش مسیحیت در آغاز، شورشی بود علیه سنت های کافران و یهودیت درباری و گمراه. کتاب «سیمای زن در فرهنگ ایران» در این زمینه می افزاید: «به اعتقاد بعضی محققان، کشتن نوزاد دختر در جاهلیت [اعراب] که امری نادر بوده است، بازمانده رسم قربان کردن انسان در مذهب شرک است و نشانه تحقیر و تحقیر زن نیست، زیرا اعراب جاهلی، الهه گان رانیز می پرستیدند.» برخلاف آنچه که نویسندگان اسلامی تبلیغ کرده اند کشتن نوزادان دختر بین تمامی قوم های عرب رایج نبوده است. دلیل نابود کردن نوزادان دختر بیزاری یا بی میلی از داشتن فرزند دختر نبوده بلکه دلیل واقعی آن فقر و تهیدستی قوم یا گروهی بوده که به این عمل دست می زده است. افزون بر این، بسیاری از اعراب پیش از دوران پیام آور اسلام به جنس زن با نظر

چکمه پوشان از کشته ها پشته ساخته و هزاران زن و مرد جوان را ربوده و سر به نیست کرده بودند. می گفتند که اجساد شکنجه شدگان و کشتگان را به دریا ریخته اند. روزهای یکشنبه، مادرانی خمیده قامت و داغدار، روسری سپیدی بر سر و عکس عزیزان گمشده در دست، از بامداد تا پسین. در حاشیه کاخ ریاست جمهوری آرژانتین. اطراف ساختمان گلی رنگی که Casa Rosada نام داشت ساعت ها و ساعت ها در سکوتی شکوهمند راه میرفتند و می خواستند بدانند بر سر فرزندان شان چه آمده است. نام شان Las Madres De La Plaza De Mayo سالی را به حیرت و امید و نومییدی و هراس و اضطراب گذراندم. اضطرابی کشنده و فلج کننده. اینکه بر ما چه خواهد گذشت! اینکه چه بر سرمان خواهد آمد؟ پرسشی بی پاسخ. سرانجام آپارتمانی و فروشگاه خریدیم و شدم بقال خرزویل. روزها به بقالی و شب

خواستار سعادت دیگران بودن جزو بزرگترین خوشبختی هاست.

ادامه مطلب یک سینه سخن... از صفحه ۸

وقتی در کشور ما انقلاب شد بیشتر پدرها و حتی مادرها نصیحت مان می کردند که باباجان این مملکت خیلی گرفتار بوده و خیلی بدبختی کشیده تا به اینجا رسیده، شما قدیم ها را ندیده اید، حالا می روید خارج یا چند تا کتاب می خوانید و می گوئید چرا ایران مثل انگلیس و فرانسه نیست، و دیدیم که چه بلایی به سر ما آمد.

دولت چین دارد سوپاپ این دیگ بخار را یواش یواش باز می کند و خوب کاری هم می کند چرا که غیر از این بکند انفجار عظیم رخ خواهد داد.

دیشب رفتم قسمت تور هتل - شهر سوچو یک قسمت قدیمی دارد که بیشتر از ۲۰۰۰ سال از عمر آن می گذرد و یک قسمت تازه برای های تک، خانم تور فروش می گوید: «چیزهای دیدنی در شانگهای است. بروید آنجا تور بگیرید. اما ما هم اینجا دو نوع تور داریم یک تور با لیموزین و راهنمای انگلیسی زبان که ۷۰۰ ین است و یکی هم با اتوبوس و راهنمای چینی زبان دارد که ۱۷۵ ین است.»

من همان ۱۷۵ ینی را می گیرم به دلیل اینکه اولا ارزانتر است دوم اینکه روز یکشنبه که با دیوید رفتیم شهر را بگردیم آن باغ و آن کانال را دیده ام. سوم اینکه من می خواهم داخل مردم باشم نه داخل لیموزین! همان تور را می گیرم و قرار است که ساعت ۷/۵ صبح چهارشنبه ۱۸ جولای در دفتر خانم تور فروش حاضر شوم.

یکی از خوبی های این گونه مسافرت ها این است که از بیکاری مجبوری راه بروی یا توی جیم هتل سرت را گرم کنی.

اتوبوس تور پیش از ورود بنده پر است و جا برای نشستن نیست به تور لیدر اشاره می کنم که جا نیست، به چینی چیزی می گوید. چند آقا و خانم که بچه های خود را کنارشان نشانده اند بر می دارند و بروی زانوی خود می گذارند. معلوم می شود که هنوز اتوبوس ده پانزده نفر جا دارد و تازه مسافران محترم یکی یکی وارد می شوند و سخنرانی تور لیدر آغاز می شود. نیم ساعت لابد راجع به آداب تور صحبت می کند و چینی ها سراپا گوش هستند و بعد اتوبوس راه می افتد. مقصد باغی است قدیمی که بعدا می فهمم خانه یکی از بزرگان زمان امپراطور چین بوده که حالا دیدنی شده و جالب این است که اطراف این باغ (یا بقول تور لیدر گاردن) خندق آب است و پر از ماهی های چاق و گردن کلفت و قرمز. هر کس کنار آب می

ادامه مطلب یادآوری هایی از... از صفحه ۱۴

پیام پاک

زرتشت پیام پاک خود را در هفده سرود خوش و زیبا گفته زیرا می دانیم که شعر، به ویژه که با ارج باشد، بسی بهتر از نثر دست نخورده می ماند و زرتشت این را در اندیشه داشت. امروز می بینیم که پس از سه هزار و هفتصد و اندی سال، آن پیام به همان تازگی و ویژگی خود، بی کم و کاست و بی آلیش و ویرایش، مانده است و جویندگان راستی و پویندگان درستی را راه می نماید. چه شگفتی و معجزه از این بالاتر! سرودهایش را به نام "گاتها" یا به فارسی سره امروزی «گاهان» می شناسیم.

این هفده سرود را که تنها دارای ۲۴۱ بند است، آسان میتوان در یک کتابچه جیبی گنجاند. چرا به این کوچکی؟ برای آنکه زرتشت می خواست که پیامش فشرده و به اندازه باشد. او می خواست که مردم را تنها راهنمایی کند. اندیشه شان بر انگیزد، خردشان را بیدار کند و هوش شان را تیز سازد تا آنان بتوانند خود را از بندگی و پیروی کور کورانه رها کنند و از آزادی و آزادگی برخوردار بوده، جهان خود را در زمان خود با دانش روز و

بینش روزگار پیش برند و بهتر سازند و از این رهگذر جهان آفرین را بهتر بشناسند و خداشناس، خدا پرست، خدا دوست بشوند. او نمی خواست که آدمی را کودک و نادان بشمرد، او را در هر جنبش و هر کار با "این را بکن و آن را مکن و این را چنین انجام بده و آن را چنان دست مزن" رهبری کند. خواست او راهنمایی بود و نه دستگیری و پا به پا بردن.

گاتها دارای بنیادهای زندگانی است که برای هر زمان و هر جای تازه و آماده می باشد. گاتها خدای را چنانکه شاید و باید می شناساند تا ما خود و پیرامون خود را بشناسیم. جنگ را باز میدارد تا آشتی را گسترش دهد. جوش را می خواباند تا هوش بکار افتد. بند را میکسلد تا هر کس آزادانه به رای خرد خود دین و آیین را برگزیند. نژاد پرستی را نمی شناسد و نمی پذیرد. تک روی را نمی پسندد و یاری و همکاری را پدید میآورد. مردم دوستی را می ستاید. بنیاد خانه و آبادی و شهر و کشور و همبستگی جهانی را استوار می سازد. جهان زنده جانداران و گیاهان را در مییابد و همه

اسکناس که همه عکس مائو زینت بخش آن شده نوشته *R.M.B* اینقدر توی این گرمای شرعی ما را این طرف و آن طرف می برند که غروب می شود و بالاخره بنده را به هتل بر

راستی و درستی

اشا به معنی "راستی و درستی" سامانی است که آفرینش آفریدگار یکتا را چنانکه باید و شاید درست می گرداند. این زمین، ماه و خورشید و همه ستارگان از روی آیین اشا می گردند و می چرخند و درست کار می کنند. اشا کار درستی را در جای درست و زمان درست با افزار درست انجام دادن است تا نتیجه آن درست باشد. اگر نتیجه درست نباشد، کاستی در جای یا در زمان و یا با افزار بد بوده که بد بار آمده.

زرتشت می خواهد هر آدمی، خواه زن، خواه مرد، هر کاری را از روی "اشا"، از روی راستی و درستی انجام دهد تا زندگانی درست پیش رود و همه کامیاب و کامروا گردند.

نیک اندیشی

اما تا اندیشه به نیکی پرورده نشود کار از روی راستی و درستی انجام نگیرد. پس باید اندیشه را پروراند. زرتشت نخستین کسی است که میگوید باید اندیشه را توانا کنیم و دانا شویم زیرا دانایی توانایی است. دانای توس همین را چه خوش باز گو نمود:

"توانا بود هر که دانا بود - ز دانش دل پیر برنا بود"

زرتشت بسی در پرورش اندیشه نیک است. او نیک اندیشی را کمابیش یکصد و پنجاه بار در سرودهای فشرده خود یاد و سفارش مینماید. او پیام خود را "اندیشه انگیز" می نامد و می خواهد همه "اندیشه انگیز" و اندیشمند گردند. دین زرتشت بر دانایی و بینایی، شناسایی و آشنایی و آگاهی و بیداری استوار است.

در ادامه مطلب

می گردانند. گرمای وحشتناک و نفس گیر شهر سوچو چنان بی حالم کرده. زخم از سر کار زنگ می زند که من پنج بعدازظهر که کارم تمام است می آیم بروم خرید.

در ادامه مطلب

Can I File a Claim if I Was the Passenger in an Accident?



Caroline Nasseri
Accident Lawyer

When you hear a person talking about filing a claim after a car accident, it is generally in reference to a claim being filed by the vehicle's policyholder. Drivers and policyholders are not the only ones able to file claims and seek compensation after an accident. Passengers in an accident also have the right to file a claim if they have sustained any injuries, regardless of whether those injuries were caused by the driver of the vehicle they were in or the driver of another vehicle, or a third party who holds liability, such as an auto manufacturer or auto parts manufacturer.

If you are related to the driver of the vehicle you were in, your injuries may be covered under his

Continued from Page 60

DECLUTTERING...

Consignment:

Thredup.com: This reputable, online-based company features high quality secondhand women's, maternity and children's clothes. I love using them because they make it so simple that you can spend more time playing with your kids vs. driving around town to consign at your local store. Just go to their website, order a «Clean Out» bag that gets mailed to you with a pre-labeled postage, fill it up and mail it out. You get an email notifying when they receive and process your items.

You get a credit towards your purchases. If they decide that the

or her car insurance policy. In cases where there is no relation, you may be able to file a claim against your driver's car insurance policy or the insurance policy of the other driver, provided that he or she can be proven liable for your injuries. These types of claims are known as third party claims. There are also instances when an individual may find it necessary to file a claim against multiple policies, if the coverage from one policy is not sufficient to cover his or her injuries and accident-related expenses.

Filing a claim against another person's insurance policy can be much more complicated than filing a claim with your own provider, particularly when you were a passenger in the vehicle and not the driver. To maximize your claim and the chances of you being able to recover fair compensation for your injuries, you are going to want a skilled lawyer fighting on your behalf. A San Jose personal injury attorney from our firm can review your case, answer any questions you have, help you determine where to file your claim and assist you throughout the claim process.

item is not worth it to consign, the rest goes to donation. I've also purchased both women's and baby clothes, and a Rebecca Minkoff purse through this site and have been pretty impressed by the quality and prices.

Local Shops: Support your community and consign at a local shop. Once Upon A Child is a national chain that takes gently used clothes and baby gear. I've seen brand names including Janie & Jack, Baby Gap, Halo Sleepsacks, Baby Bjorn, Stokke, etc. You have the option to get store credit or cash out. They have a rewards points system; you can even sign up for coupons good towards purchases.

Resell Yourself: I haven't tried

Heart and Soul

Once upon a time Heart knocked on Soul's door.

"Can I interest you in some Love?" Heart asked.

"Always" replied Soul.

"Great" Heart responded. "What kind would you like?"

"There are different kinds?" questioned Soul confused.

"Yes. I have lots of Love to choose from. There is the Love you want, the Love you need and the Love you think you want until you get it."

Although common sense told Soul to pick the Love he wanted, curiosity prevailed. How could there be a Love he wouldn't want?

"Could I have some information on the Love I think I want until I get it please?"

Heart frowned. This Love was only for reckless Souls. "This Love", Heart solemnly told Soul, "is for those with no self-worth who look for validation through what they may deem a 'good catch' not paying heed to whether they are treated well and respected. This Love may temporarily boost your self-esteem but it is conditional and quite unhealthy."

"Oh no" cried Soul, "I am worth more than that. I will have the Love I want please".

"To receive the Love you want", Heart informed Soul, "I would need to know why you want Love".

"So I feel Loved and special and good about myself", exclaimed Soul.

"When I receive that from someone I will be truly happy."

"Consider the consequences before you go ahead", Heart asked of Soul. "If you rely on another Soul to give you all of these things and they leave you how would you feel about yourself?"

"Terrible" concludes Soul crestfallen, "so last one I guess, what is the Love I need?"

"Easy", explains Heart. "Self-Love and when you have that you will live from a place of Love, happy, fulfilled and full of inner peace".

Soul of course went for this option and lived happily ever after.



this method because I don't have the time or patience. More power to you if you can, my friend! It's a good option if you're looking to recoup the most money. The biggest piece of advice my friends who have done this is to make sure you take lots of pictures with good lighting and give a nice description to your post. Ebay & Craigslist are popular options.

DONATE TO YOUR FRIENDS

Before Jace was born, a friend was cleaning out her girls' closets and asked if I needed

any unisex baby clothes. The only condition upon acceptance was that I needed to give them to someone else when I'm done. Free clothes?! I quickly agreed. Next thing you know, I got a giant box of goodies delivered to my front doorstep with an encouraging note welcoming me to motherhood. My heart is so full. I'm forever grateful for having such wonderful support during this life-changing experience. Now that it's my turn to declutter Jace's closet, it feels good to pay it forward.



This is a featured post from the blog “M Is For Minimalist,” a stylish guide to living a happy and simple life. For more articles like this one, visit www.misforminimalist.com and subscribe to get the latest blog posts.

DECLUTTERING BABY ITEMS

Over 900,000 babies will be born into poverty in the U.S. this year. (Source: LovedTwice.org) Baby clothes are expensive and they grow out of them quickly. Rather than throwing clothes away, here are some resources I have discovered that fit my goal of decluttering while helping other families seeking less expensive baby essentials.

WWW.LOVEDTWICE.ORG

Loved Twice is a non-profit organization that collects donated gently used clothing and accessories for disadvantaged kids, ages newborn through 12 months old. Social workers at hospitals, shelters and clinics pre-screen candidates and work to distribute wardrobes-in-a-box to low income families, who would've otherwise had to purchase clothes. All of their clients live below 200% of the national poverty level. Loved Twice has many drop off locations all over the San Francisco Bay Area. They also accept mail ins and monetary donations.

Their Progress:

- ♦15,669 wardrobes in a box distributed to low income babies
- ♦129,276 pounds of baby clothes reused keeping America's infants warm
- ♦154 social service partnerships

WWW.BABY2BABY.ORG

Based in Los Angeles, Baby2Baby distributes diapers, clothing,



baby gear and all basic essentials for low-income children, ages 0-12 years old. They partner with homeless and domestic violence shelters, Head Start programs, and children's hospitals to support families below an annual income of \$24,250

for a family of four. With board of directors and angels that include Hollywood royalty Jessica Alba, Nicole Richie & Rachel Zoe, these amazing moms have successfully served over 125,000 children in 2016.

Their Progress:

- ♦18.5 million items distributed
- ♦154 social service partnerships
- ♦Clocked 6,562 volunteer hours in 2015

Baby2Baby has recently expanded to serve even more children in need. Baby2Baby National Network is created to bring together resources for other similar organizations in 20 cities across the U.S. Please visit <http://baby2baby.org/national-network/> to find the nearest organization near you. Loved Twice, as mentioned above, is one of the participating organizations.

SECONDHAND RETAIL/ CONSIGNMENT STORES

There are many other organizations that will either receive donations or

A circle, or zero, represents the absolute void and the endless nature of eternal existence in time. All time and all possibilities are contained by this vessel. At the heart of this void, lying at its very center, is a single still, dimensionless point representing the ultimate source and eventual destination of the universe.

The Black and white symbols known as the Yin and Yang symbol of tai chi (meaning Diagram of the supreme Ultimate), represents the source and the union of the primal duality of the universe, The active Yang and passive Yin that act together in a subtle balance. The S-shaped curve shows how Yin and Yang nourish and support each other harmoniously through the perpetual rhythm of movement and change. Tension of the opposites occurs in every natural phenomenon and in daily events as contrasts and differences.

The black and white dots show how nothing is totally Yin or Yang. All situations are in a constant state of change with states in between. Even transforming dramatically from one to the other under certain circumstances (for example, love turning to hate). This potential for inter-transformation is symbolized by the small dots of each Eye within the opposite tones of black and white. As such, each state implies the very existence of the other. Strangely the strength of one reinforces the strength of its opposite.

Nothing in the universe remains static, and this movement in time is central to life;

evident in the cycle of the seasons, the waxing and waning moon, day turning into night, even our own breathing. This movement can also be recorded as rising and declining phases in the circle. When there is perfect balance within yourself it is possible to find perfect happiness, where no duality and no form exist, only unity. This is symbolized as the original empty circle, wanting to be filled. Simultaneously, duality repels and attract, splits unity and yearns to return to it.

consign, and will resell at brick-and-mortar locations or online.

As Jace outgrows his clothes, I take them off the hangers and sort them in keep vs. donate/ consign piles right away. I use clear plastic bags with zippers that packed bed linens that I've purchased in the past, and repurpose it for the «keep» pile. I label the size range (i.e. 3-6 months; 6-12 months) on the side of the bag, in case I need to use that batch for the next baby or give them away. I keep this in the baby's closet until the bag is full, then store it in the garage in a tightly sealed bin to prevent mold or mildew. I also keep a donation bag in the closet, so I can grab and go when the time comes to make a donation. This is how the piles stay organized and I don't have re-sort them again.

Donations: If you itemize deductions on your federal tax return, you may be eligible to claim a tax deduction based on the fair market value of the items donated. Be sure to request a donation tax receipt upon drop-off and consult your tax consultant on how to file your claims. I usually support my local Goodwill, Salvation Army and St. Vincent de Paul charity organizations, and company-hosted donation drives for all of my household goods (not just baby items). I've also seen drop-off bins at Target, gas station & shopping mall parking lots but those are self-serve bins so you won't be able to get a receipt there.

Continued on Page 59



آرش زاد - مانی حاتمی

مشکل کردیت دارید؟

(415) 814-5666

ZENITH FINANCIAL GROUP



به همراه مشاوره و آنالیز رایگان
حذف اکانت های منفی و نادرست از قبیل:

Late Payment . Judgment . Charge off . Tax Lien
Collection . Bankruptcy . Inquiries . Foreclosure



تخصصی ترین مرکز
CREDIT REPAIR



Caroline Nasserri
Attorney at Law

کارولین ناصری

وکیل رسمی دادگاه های کالیفرنیا و فدرال

با بیش از ۲۸ سال تجربه

- ✦ تصادفات اتومبیل، موتورسیکلت و عابر پیاده
- ✦ صدمات شدید بر اثر تصادفات
- ✦ مرگ بر اثر تصادفات
- ✦ صدمات ناشی از حمله حیوانات

1(800)525-6060

دسترسی به معالجات پزشکی،
بدون پیش پرداخت، در اسرع وقت

هیچگونه وجهی تا قبل از دریافت
حقوق قانونی شما در امور تصادفات،
از شما دریافت نخواهد شد!

Tel: (408) 298-1500

e-mail: cnasserri62@yahoo.com

Fax: (408) 278-0488

Website: carolinenasserilaw.com

675 North First Street, San Jose, CA 95112